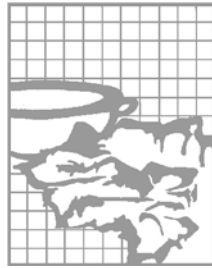


# انجیل مرقس

آغاز حکومت  
هیروдіس  
۳۷ ق.م

تولد عیسی فرار به مصر ۵/۶ ق.م  
مرگ ۴ ق.م  
بازگشت ۳/۴ ق.م  
عیسی در کودکی به هیکل می‌رود ۷/۶ م

هر شخصی آرزو دارد که برنده شود. بازنده کسی است که اول نشود. اما سخنان عیسی در تضاد کامل با این امر است. او فرمود: «و هر که می‌خواهد از دیگران بزرگتر باشد، باید غلام همه باشد. من نیز من که مسیح هستم، نیامده‌ام تا کسی به من خدمت کند، بلکه آمده‌ام تا به دیگران کمک کنم و جانم را در راه آزادی دیگران فدا سازم» (مرقس ۱۰:۴۴ و ۴۵). عیسی برترین است، او خدای مجسم و مسیح ماست، اما او بعنوان یک خادم وارد صحنه تاریخ شد.



این پیام مرقس است. او انجیل خود را نوشت تا مسیحیان روم را تشویق و ترغیب نماید و با قطعیت ثابت کند که عیسی همان مسیح موعود است؛ از اینرو با سرعت تصاویر زنده‌ای را از عیسی در حال فعالیت ارائه می‌دهد و شخصیت واقعی او را از طریق کارهایش و نه سخنانش معرفی می‌کند. به همین جهت است که در این انجیل، در مقابل ۱۸ معجزه فقط ۴ مثل ذکر شده است. در این کتاب، عیسی را در حال حرکت و فعالیت می‌بینیم. به هنگام خواندن این انجیل، برای عمل آماده باشید و نیز برای پذیرفتن کار خدا در زندگی خودتان مهیا باشید؛ و نیز حاضر باشید تا برای خدمت، بسوی دنیای اطراف خود گام بردارید.

مرقس بدون اشاره به ولادت مسیح، به موعظه یحیای تعمیددهنده می‌پردازد. سپس با اشاره‌ای کوتاه به تعمید عیسی و وسوسه او در بیابان و دعوت شاگردان، مستقیماً به خدمات عیسی در میان مردم می‌پردازد. در اینجا مقدمتاً عیسی را می‌بینیم که دیوی را اخراج می‌کند، یک جذامی را شفا می‌بخشد، مرد افلیح را که از سقف خانه به پایین فرستاده بودند، می‌بخشد و شفا می‌دهد.

سپس عیسی از متی دعوت بعمل می‌آورد و با او و همکاران بدنانش بر سر سفره می‌نشیند. این رویداد موجب بروز کشمکش میان او و فریسیان و سایر رهبران مذهبی گردید. ایشان او را محکوم می‌کردند که با گناهکاران و بدکاران معاشرت می‌کند و قانون روز سبت را می‌شکند.

در فصل چهارم، مرقس مکشی می‌کند تا نمونه‌ای از تعالیم عیسی را ارائه دهد، و به ذکر مثل برزگر و دانه خردل می‌پردازد؛ سپس مجدداً به اعمال عیسی باز می‌گردد. عیسی امواج دریا را آرام می‌سازد، دیوها را اخراج می‌کند و دختر یایروس را شفا می‌بخشد.

آنگاه برای چند روز به ناصره باز می‌گردد و در شهر خود مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. سپس به شاگردان خود مأموریت می‌دهد که مژده انجیل را به همه نقاط برسانند. مخالفت از جانب هیروдіس و فریسیان فزونی می‌گیرد و یحیی تعمیددهنده سربریده می‌شود. اما عیسی کار خود را ادامه می‌دهد و ۵۰۰۰ نفر را خوراک داد، به فریاد زن صوری می‌رسد، مردی ناشنوا را شفا می‌بخشد و بار دیگر به ۴۰۰۰ نفر خوراک می‌دهد.

## مشخصات انجیل مرقس :

### هدف:

معرفی شخصیت، کارها و تعالیم عیسی

### نویسنده:

یوحنا ی مرقس. او جزو دوازده حواری نبود اما پولس را در سفر اول بشارتی‌اش همراهی کرد (اعمال ۱۳:۱۳)

### گیرندگان:

مسیحیان شهر روم، جایی که کتاب در آن به نگارش درآمد.

### تاریخ نگارش:

بین سالهای ۵۵ الی ۶۵ میلادی

### اوضاع و احوال جهان:

امپراطوری روم تحت فرمانروایی تیبریوس قیصر قرار داشت. زبان رایج و راه‌ها و سیستم‌های ارتباطی عالی، امپراطوری را برای شنیدن پیام عیسی آماده کرده بود. از اینرو این پیام با سرعت از ملتی به ملت دیگر اشاعه یافت.

### آیه مهم:

«من نیز که مسیح هستم، نیامده‌ام تا کسی به من خدمت کند، بلکه آمده‌ام تا به دیگران کمک کنم و جانم را در راه آزادی دیگران فدا سازم.» (مرقس ۱۰:۴۵).

### افراد مهم:

عیسی، دوازده شاگرد، پیلاتوس، رهبران مذهبی یهود

### محل‌های مهم:

کفرناحوم، ناصره، قیصریه، قلیلیس، اریحا، بیت‌عنیا، کوه زیتون، اورشلیم، جلیلتا.

آغاز حکومت تیبریوس قيصر م ۱۴	آغاز خدمت یحیی م ۲۶	آغاز خدمت عیسی م ۲۷/۲۶	عیسی دوازده شاگرد را انتخاب می‌کند م ۲۸	عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک می‌دهد م ۲۹	مصلوب شدن، قیام و صعود عیسی م ۳۰
------------------------------------	---------------------------	------------------------------	--	---	---

### جنبه‌های خاص:

سرانجام زمان آن می‌رسد که شاگردان را با هویت حقیقی خود مواجه سازد. آیا آنان برآستی می‌دانند که او کیست؟ پطرس اعلام می‌دارد که عیسی همان مسیح است، اما بلافاصله نشان می‌دهد که چیزی از رسالت عیسی درک نکرده است. پس از تبدیل هیأت، عیسی به تعلیم و شفا می‌پردازد، و با فریسیان درباره طلاق بحث می‌کند و با حاکم جوان و ثروتمند درباره حیات جاودانی گفتگو می‌نماید. بارتیمائوس کور نیز در اینجا شفا می‌یابد.

رویدادها بسرعت بسوی اوج خود حرکت می‌کنند. شام آخر، خیانت یهوذا، صلیب و قیام به همراه نمونه‌هایی از تعالیم عیسی، بگونه‌ای زنده ترسیم می‌شوند: مرقس عیسی را در حال حرکت، خدمت، ایثار و رهایی دادن انسان نشان می‌دهد.

مرقس نخستین انجیلی است که نوشته شده است. تمام انجیل مرقس بجز ۳۱ آیه آن، در دو انجیل متی و لوقا نقل شده است. مرقس بیش از هر انجیل دیگری، معجزات را نقل کرده است.

### تقسیم‌بندی کلی

الف - تولد و آمادگی عیسی خدمتگزار  
(۱:۱-۱۳)

عیسی بدون اعلان قبلی و غیرمترقبه به این جهان نیامد. انبیای عهدعتیق بروشنی پیشگویی کرده بودند که شخص بزرگی از جانب خدا فرستاده خواهد شد که به بنی‌اسرائیل و به تمام جهان رستگاری و آرامش جاودان عطا خواهد کرد. آنگاه یحیی تعمیددهنده ظاهر شد و اعلام کرد که مسیحای موعود سرانجام پا به جهان گذاشته است و بزودی در میان مردم ظاهر خواهد شد. در دنیای امروز نیز، در نقشه الهی، عیسی بدون اعلام قبلی و غیرمترقبه نمی‌آید. اما هنوز بسیاری او را رد می‌کنند. کتاب مقدس راه را به ما نشان می‌دهد، اما بعضی بر آن می‌شوند که به آن بی‌توجهی کنند، همانگونه که به یحیی تعمیددهنده در آن روزگار بی‌اعتنایی کردند.

عیسی دارای تمام قدرت خدای متعال بود؛ او مردگان را زنده کرد، کوران را بینا ساخت، بدنهای تغییر شکل یافته را به حالت نخست بازگرداند و دریاهای طوفانی را آرام کرد. اما با وجود تمام این قدرت، همچون یک خدمتگزار به میان بشر آمد. ما می‌توانیم زندگی او را الگویی برای زندگی خود قرار دهیم. همانگونه که عیسی، خدا و دیگران را خدمت کرد، ما نیز باید چنین کنیم.

عیسی همچون یک خدمتگزار آمد؛ از اینرو بسیاری او را بعنوان مسیحای موعود نپذیرفتند. ما نیز باید مواظب باشیم که خدا یا اراده او را به این علت که با تصور ما از خدا منطبق نیستند، رد نکنیم.

ب - پیام و خدمات عیسی خدمتگزار  
(۱:۱ تا ۱۳:۳۷)

- ۱- خدمات عیسی در جلیل
- ۲- خدمات عیسی، خارج از جلیل
- ۳- خدمات عیسی در اورشلیم

ج - مرگ و قیام عیسی خدمتگزار  
(۱:۱۴ تا ۲۰:۱۶)

## موضوعات مهم

## موضوع

## توضیحات

## اهمیت

عیسی مسیح

فقط عیسی مسیح پسر خداست. در انجیل مرقس او الوهیت خود را با غلبه بر امراض و ارواح پلید و مرگ نشان می‌دهد. گرچه او قدرت این را داشت که پادشاه جهان گردد، اما تصمیم گرفت که از پدر اطاعت کند و برای ما بمیرد.

زمانی که مسیح از مردگان برخاست، ثابت کرد که خداست و می‌تواند گناه را ببخشد و زندگی‌ها را دگرگون سازد. با توکل به او برای آمرزش گناهان، و با راهنمایی او می‌توانیم زندگی جدیدی را آغاز کنیم.

خدمتگزار

عیسی در مقام «مسیحا»، با آمدن به جهان، پیشگوییهای عهد عتیق را به انجام رساند. او بعنوان پادشاهی فاتح نیامد. او همچون خدمتگزار آمد. او با اعلام حقایق الهی و شفای امراض، انسان را یاری کرد. علاوه بر این، با قربانی کردن جانش در راه گناهان انسان، بزرگترین خدمت را انجام داد.

بخاطر الگوی عیسی، ما نیز باید مایل باشیم که خدا و هموعان خود را خدمت کنیم. بزرگی واقعی در ملکوت مسیح، با خدمت و فداکاری نشان داده می‌شود. جاه‌طلبی نباید انگیزه‌ای برای ما باشد. بجای آن باید خدا را بخاطر محبتی که به او داریم اطاعت کنیم.

معجزات

مرقس به معجزات عیسی بیشتر از موعظت‌ها اشاره می‌کند. یقیناً عیسی مرد عمل و قدرت بود و فقط سخن نمی‌گفت. عیسی معجزه می‌کرد تا به مردم ثابت کند که کیست و شخصیت الهی خود را به شاگردان خود نمایان سازد.

هر چه بیشتر متقاعد شویم که عیسی خداست، بیشتر به قدرت و محبت او پی‌می‌بریم. اعمال قدرتمند او نشان می‌دهد که او قادر است هر کسی را بدون توجه به گذشته‌اش نجات دهد. معجزه آمرزش او، شفا، تندرستی و زندگی دگرگون شده را برای همه کسانی که به او توکل کنند، به همراه می‌آورد.

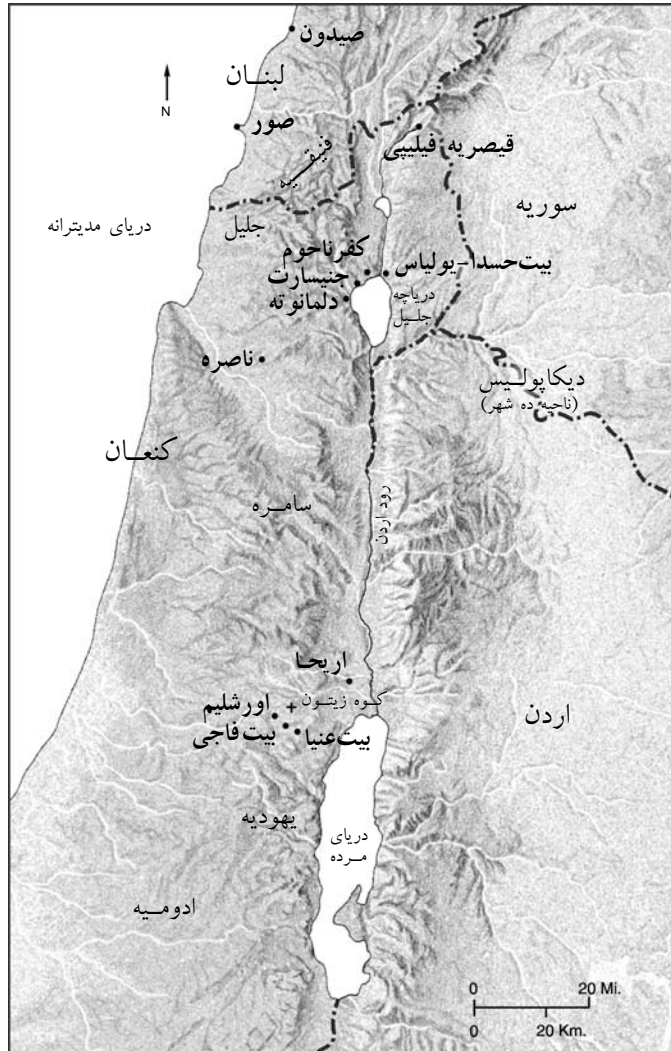
اشاعه انجیل

در ابتدا، خدمات عمومی عیسی متوجه یهودیان بود. هنگامی که رهبران یهود با او به مخالفت برخاستند، به سراغ غیریهودیان رفت و به شفا و موعظه به ایشان پرداخت. سربازان رومی، اهالی سوریه و سایر ملل مژده انجیل را شنیدند. بسیاری به او ایمان آوردند و او را پیروی کردند. عیسی در آخرین پیام خود به شاگردان، از ایشان خواست تا به تمام جهان رفته، انجیل نجات‌بخش را موعظه کنند.

عیسی برای اعلام مژده انجیل، مرزهای ملی، نژادی و اقتصادی را پشت سر گذاشت. پیام عیسی در مورد ایمان و آمرزش نه فقط برای کلیسای ما، اطرافیان ما و ملت ماست، بلکه برای تمام دنیاست. ما باید از نیازها و از اطرافیان خود فراتر رفته، دید جهانی عیسی را به انجام رسانیم تا مردم در همه جا این پیام بزرگ را بشنوند و از گناه و مرگ نجات یابند.

## محل‌های مهم در انجیل مرقس

از میان چهار انجیل، انجیل مرقس بیش از سایرین وقایع را بترتیب زمان وقوع نقل کرده است، به این ترتیب که ماجراها در همان ترتیبی آورده شده‌اند که در اصل رخ داده‌اند. انجیل مرقس گرچه کوتاه‌ترین اناجیل است، اما رویدادهای مندرج در آن بیش از سایر اناجیل است؛ این کتاب پر است از وقایع. اغلب این رویدادها در ایالت جلیل رخ دادند، یعنی در همان سرزمینی که او خدمت خود را آغاز کرد. در آنجا شهر کفرناحوم، پایگاه عملیاتی او بود (۱:۱؛ ۲:۱۰؛ ۳:۹). از آنجا او به شهرهای مختلف سفر می‌کرد، شهرهایی نظیر: بیت‌صیدا که در آنجا مرد کوری را شفا داد (۲:۸)؛ جنیسارت که در آنجا معجزات بسیاری بعمل آورد (۵:۶)؛ صور و صیدون (در منتهی‌الیه شمالی)، که در آنجا بسیاری را شفا بخشید، دیوها را اخراج کرد و به زنی از اهالی فنیقیه صوریه برخورد (۸:۳؛ ۲۴:۷)؛ و قیصریه فیلیپس که در آنجا پطرس او را مسیح خطاب نمود (۲۷:۸). پس از خدماتی که در ایالت جلیل و نواحی اطراف انجام داد، عیسی بسوی جنوب، بطرف اورشلیم حرکت کرد (۱:۱۰). اما پیش از رفتن به آنجا، سه بار به شاگردان خود فرمود که در آنجا مصلوب شده، و بعد، بار دیگر زنده خواهد شد (۳۱:۸؛ ۳۱:۹؛ ۳۴:۱۰).



## الف - تولد و آمادگی عیسی خدمتگزار (۱:۱-۱۳)

مرقس که در میان چهار انجیل، کوتاه‌ترین آنها می‌باشد، با تعمیم و وسوسه عیسی آغاز می‌گردد. مرقس بی‌درنگ خواننده را بسوی خدمات عیسی سوق می‌دهد. انجیل مرقس موجز، ساده و بترتیب وقایع تاریخی نوشته شده است.

### یحیای تعمیم دهنده راه را برای عیسی آماده می‌کند

(۱۶ / متی ۱:۳-۱۲ ؛ لوقا ۱:۳-۱۸)

انجیل عیسی مسیح، فرزند خدا، این چنین آغاز می‌شود:

۱ خدا به زبان اشعیای نبی خبر داده بود که مسیح را به این جهان خواهد فرستاد، و شخصی را نیز پیش از او گسیل خواهد داشت تا مردم جهان را برای آمدن او آماده سازد. ۲ اشعیای نوشت که این پیشرو مسیح، در بیابان خشک و سوزان زندگی خواهد کرد و مردم را بسوی زندگی خداپسندانه هدایت خواهد نمود، تا برای آمدن مسیح خداوند آماده باشند.

۱:۱

مز ۷:

متی ۱:۳-۱۱

لو ۱:۳۵ ؛ ۱:۳-۱۶

یو ۱:۳۴

روم ۳:۸

ایو ۱:۴

۳ و ۲:۱

اش ۳:۴۰

ملا ۱:۳

یو ۱:۳

در سرزمین اسرائیل نیز همه برای آمدن عیسی آماده بودند. از زمان ملاکی نبی به بعد (پیامبری که آخرین کتاب عهد عتیق را نوشت)، برای مدت ۴۰۰ سال هیچ پیامبری از جانب خدا نیامده بود. مردم همه بی‌صبرانه منتظر ظهور پیامبری بزرگ، یا همان مسیحیای موعود کتب عهد عتیق بودند (لوقا ۱:۵).

۳ و ۲:۱ اشعیای یکی از بزرگترین انبیای عهد عتیق می‌باشد. نیمه دوم کتاب اشعیای به وعده نجات اختصاص دارد. اشعیای آمدن مسیحا، یعنی عیسی مسیح، و ظهور پیشرو او، یحیی تعمیم‌دهنده را خبر داده بود. دعوت یحیی به اصلاح زندگی، به معنی ترک روشهای خودخواهانه زندگی، رها کردن گناه، طلب آمرزش الهی و ایجاد رابطه شخصی با خدای قادر متعال از طریق اطاعت کلام او بود (اشعیای ۱:۱۸-۲۰ و ۱۵:۵۷).

۳ و ۲:۱ این آیات نقل قول مرکبی را تشکیل می‌دهند، به این ترتیب که قسمت اول آن از ملاکی ۱:۳ و قسمت دوم از اشعیای ۳:۴۰ اخذ شده است. اما فقط نام اشعیای آمده، زیرا نویسندگان کتاب مقدس را رسم بود که نقل قول خود را به پیامبر معروف‌تر نسبت دهند.

۳ و ۲:۱ اشعیای نبی از صدها سال پیش خبر داده بود که یحیای تعمیم‌دهنده و عیسی خواهند آمد. اما او از کجا اطلاع داشت؟ خدا به اشعیای وعده داد که نجات‌دهنده‌ای برای اسرائیل خواهد آمد و صدایی نیز در بیابان، راه را برای آمدن او مهیا خواهد ساخت. سخنان اشعیای توجه مردم را بسوی مسیحیای موعود جلب کرد و از این طریق

۱:۱ هنگامی که رویداد پرهیجانی را تجربه می‌کنید، طبیعتاً می‌خواهید که آن را با همه درمیان بگذارید. بازگو کردن ماجرا همان هیجان اولیه را در انسان زنده می‌کند. با خواندن نخستین کلمات مرقس می‌توانید هیجان و شوق او را احساس کنید. خود را در میان جماعتی تصور کنید که عیسی مشغول شفا دادن و تعلیم آنست. خود را بجای یکی از شاگردان تجسم کنید. در مقابل سخنان پرمهر و دلگرم‌کننده او واکنش نشان بدهید. فراموش نکنید که عیسی برای تک‌تک انسانها، چه مرد و چه زن، دنیا آمد؛ برای ما که امروز زندگی می‌کنیم و برای آنانی که دو هزار سال پیش زندگی می‌کردند.

۱:۱ مرقس جزو دوازده شاگرد عیسی نبود، اما احتمالاً او را شخصاً می‌شناخت. او انجیل خود را بصورت یک داستان کوتاه یا یک رمان نوشت. کتاب او عیسی را شخصی معرفی می‌کند که سخنان خود را با اعمال خویش ثابت می‌نماید، اعمالی که ثابت می‌کنند او پسر خداست. از آنجا که او انجیل خود را برای مسیحیان ساکن روم نوشت، سعی او بر این بود که نشان دهد عیسی یگانه پسر واقعی خداست، زیرا در آنجا خدایان بسیاری مورد پرستش بودند.

۲:۱ چرا عیسی در این مقطع از تاریخ ظهور کرد؟ تمامی جهان متمدن آن روزگار تحت حکومت بالنسبه آرام روم قرار داشت، مسافرت بسادگی صورت می‌گرفت و زبان مشترکی وجود داشت. خبرهای مربوط به زندگی، مرگ و قیام مسیح می‌توانست بسرعت در سراسر امپراطوری وسیع روم اشاعه یابد.

این شخص همان یحییای پیامبر بود که در بیابان زندگی می کرد و به مردم می گفت: «توبه کنید و غسل تعمید بگیرید تا به همه نشان دهید که از گناهانتان دست کشیده اید. آنگاه خدا از سر تقصیراتتان خواهد گذشت و شما را خواهد بخشید.»<sup>۴</sup> مردم از شهر اورشلیم و از تمام سرزمین یهودیه به آن بیابان می شتافتند تا سخنان او را بشنوند. آنان به اعمال و رفتار بد خود اعتراف می کردند و از یحیی در رود اردن غسل تعمید می گرفتند.<sup>۵</sup> لباس یحیی از پشم شتر و کمر بند او از چرم و خوراکش نیز ملخ و عسل صحرائی بود.<sup>۶</sup> او به مردم چنین می گفت: «بزودی شخصی خواهد آمد که از من خیلی بزرگتر است، بطوری که من حتی لیاقت خدمتگزاری او را ندارم.<sup>۷</sup> من شما را با آب تعمید می دهم، ولی او شما را به روح القدس تعمید خواهد داد.»

۴:۱  
اعما ۴:۱۹

۶:۱  
لاو ۲۲:۱۱  
۷:۱  
یو ۱:۱۵  
۸:۱  
یول ۲۸:۲  
اعما ۴:۲ و ۴۵:۱۰  
و ۱۶:۱۱ و ۱۵:۱۶

**۵:۱** هدف موعظه یحیی، آماده ساختن مردم برای پذیرفتن عیسی بعنوان پسر خدا بود. زمانی که یحیی مردم را دعوت می کرد که گناه خود را شخصاً اعتراف کنند، خاطر نشان می ساخت که دوره جدیدی در روابط انسان با خدا آغاز خواهد شد.

آیا پیش از اینکه بتوانید پیغام عیسی را بشنوید و درک کنید، لازم است تغییری در زندگی شما رخ دهد؟ انسان پیش از آنکه آموزش الهی را دریافت کند، باید نیاز خود را به آموزش بپذیرد. بنابراین، توبه حقیقی پیش از ایمان واقعی به عیسی مسیح واقع می شود. بمنظور آماده شدن برای پذیرش مسیح، باید توبه کرد و کشفهای مرگبار دنیا، وسوسه های گناه آلود و رفتارهای زیانبار را ترک گفت.

**۶:۱** پوشاک یحیی مطابق آخرین مد روزگار او نبود. او مانند ایلیای نبی لباس می پوشید (۲ پادشاهان ۸:۱) تا خود را از رهبران مذهبی که لباسهای بلند و گشادشان بیانگر تکبر فراوانشان از مقامشان بود، متمایز سازد. ظاهر کوبنده یحیی منعکس کننده پیغام کوبنده او بود.

**۷:۱ و ۸** گرچه یحیی نخستین نبی واقعی پس از ۴۰۰ سال بود، اما عیسی مسیح بس بزرگتر از او بود. یحیی می گفت که در مقایسه با کسی که باید ظهور کند، او بسیار ناچیز و بی ارزش است. او حتی لایق نیست کوچکترین کار را برای او انجام دهد و مثلاً بند کفشهایش را بگشاید. آنچه که یحیی آغاز کرد، عیسی به پایان رساند. آنچه که یحیی آماده کرد، عیسی به کمال رساند.

**۸:۱** یحیی گفت که عیسی به روح القدس تعمید خواهد داد؛ عیسی روح القدس را خواهد فرستاد تا در درون هر ایماندار زندگی کند. تعمیدی که یحیی با آب می داد، شخص را برای پذیرش پیغام مسیح آماده می کرد. این تعمید بیانگر فروتنی و تمایل به بازگشت از گناه بود. این سر آغاز فرایند روحانی بود.

ایشان را تسلی بخشید. امروز نیز آگاهی به اینکه خدا وعده های خود را حفظ خواهد کرد، ما را تسلی می دهد. **۴:۱** چرا انجیل مرقس با ماجرای یحییای تعمیددهنده آغاز می شود و اشاره ای به داستان تولد عیسی نمی کند؟ در آن روزگار، مقامات مهم رومی پیش از ورود به محلی، منادی را می فرستادند تا ورودشان را اعلام کند. وقتی منادی به شهر می رسید، مردم پی می بردند که مقام برجسته ای بزودی خواهد آمد. از آنجا که مرقس انجیل خود را در وهله اول برای مسیحیان روم می نوشت، آن را با وقایع مربوط به یحییای تعمیددهنده آغاز می کند، زیرا رسالت او این بود که ورود عیسی را اعلام کند، ورود برجسته ترین شخصیت تاریخ را. برای مسیحیان روم، تولد عیسی به اندازه ماجراهای این منادی مهم نبود.

**۴:۱** یحیی بر آن شد تا در بیابان بسر ببرد تا (۱) از مشغولیات این دنیا دور باشد و بتواند اوامر و سخنان خدا را بشنود؛ (۲) توجه کامل مردم را جلب کند؛ (۳) نمایانگر جدایی کامل از ریاکاری رهبران مذهبی باشد، رهبرانی که مقام و موقعیت خود را بر انجام خواست خدا ترجیح می دادند؛ (۴) پیشگوییهای عهدعتیق را مبنی بر اینکه یحیی باید صدای «نداکننده ای در بیابان» باشد، تحقق بخشد.

**۴:۱** در رسالت یحیی، تعمید نشانه قابل رؤیت این امر بود که شخص تعمید گیرنده تصمیم گرفته است زندگی خود را تغییر داده، روش گناه آلود و خودپسندانه زندگی را رها سازد و بسوی خدا باز گردد. برای این منظور، یحیی از سنت شناخته شده ای استفاده کرد و به آن مفهوم جدیدی بخشید. یهودیان، غیریهودیانی را که به این دین می گرویدند معمولاً تعمید می دادند. اما تعمید دادن یک یهودی به نشانه توبه، انحراف عمیقی از سنت یهود بشمار می رفت. کلیسای نخستین نیز قدمی فراتر رفته، تعمید را با مرگ و قیام عیسی مرتبط ساخت.

## یحیی عیسی را تعمید می دهد

(۱۷/ متی ۱۳:۳-۱۷؛ لوقا ۳:۲۱ و ۲۲)

۹۰:۱  
متی ۱۳:۳-۱۷  
لو ۳:۲۱ و ۲۲  
یو ۱:۳۲-۳۴

۱ یکی از همان روزها، عیسی از شهر ناصره، واقع در ایالت جلیل، نزد یحیی رفت و از او در روداردن تعمید گرفت. <sup>۱۰</sup> ا هنگامی که عیسی از آب بیرون می آمد، دید که آسمان باز شد و روح القدس به شکل کبوتری فرود آمد و بر او قرار گرفت، <sup>۱۱</sup> و ندایی از آسمان در رسید و گفت: «تو فرزند عزیز من هستی که از تو بسیار خوشنودم.»

## شیطان عیسی را در بیابان آزمایش می کند

(۱۸/ متی ۱:۴-۱۱؛ لوقا ۴:۱-۱۳)

۱۲:۱  
متی ۱:۴-۱۱  
لو ۴:۱-۱۳  
اتیمو ۳:۱۶

۱۲ و ۱۳ بلافاصله پس از این رویداد، روح خدا، عیسی را به بیابان برد. در آنجا چهل روز تنها ماند. فقط حیوانات وحشی با او بودند. در این مدت شیطان او را وسوسه می کرد، اما فرشتگان از او مراقبت می نمودند.

۱۳ و ۱۲:۱ عیسی از جماعت دوری گزید و به بیابان رفت و در آنجا مورد وسوسه و آزمایش شیطان قرار گرفت. آزمایش زمانی بد است که ما تسلیم آن گردیم. وقتی درون ما مورد آزمایش قرار می گیرد، نباید از آن تنفر حاصل کنیم، زیرا از طریق این آزمایشها صفات معنوی ما تقویت می شود و خدا می تواند درسهای پرارزشی به ما بیاموزد. هر وقت که با شیطان و وسوسه ها و دردهای او مواجه می شوید، عیسی را به یاد آورید. او کلام خدا را علیه شیطان بکار برد و بر او چیره شد. شما نیز می توانید همین کار را بکنید.

۱۳ و ۱۲:۱ شیطان فرشته ای بود که علیه خداطیان کرد. او موجودی است واقعی و نه تخیلی، و پیوسته علیه خدا و مطیعان او در فعالیت است. او حوا را در باغ عدن وسوسه کرد و او را متقاعد ساخت که گناه کند؛ او عیسی را نیز در بیابان وسوسه کرد اما نتوانست او را به گناه و سقوط بکشاند. وسوسه شدن گناه نیست، بلکه وسوسه کردن دیگران و تسلیم وسوسه شدن گناه است. برای جزئیات بیشتر در مورد ماجرای وسوسه عیسی، متی ۱:۴-۱۱ را بخوانید.

۱۳ و ۱۲:۱ عیسی برای آنکه بطور کامل به شباهت انسانها در آید، می بایست وسوسه های شیطان را تحمل کند. از آنجا که عیسی وسوسه شد و چیره گردید، می تواند به دو طریق مهم ما را یاری دهد: (۱) او نمونه و الگویی است برای مواجهه با وسوسه بدون آلوده شدن به گناه؛ (۲) او از آنجا که همان تجربیات ما را متحمل شد، می تواند به ما کمک کند زیرا می داند به چه نیاز داریم (در این خصوص به عبرانیان ۴:۱۵ و ۱۶ مراجعه کنید).

اما زمانی که عیسی شخص را با روح القدس تعمید می دهد، سراسر وجود او با قدرت روح القدس دگرگون می گردد. تعمید به روح القدس نتیجه کار تکمیل شده عیسی است. ۹۰:۱ اگر تعمید یحیی صرفاً بمنظور توبه از گناهان بود، چرا عیسی تعمید گرفت؟ بزرگترین پیامبران (مانند اشعیا، ارمیا و حزقیال) به گناهان و به نیاز خود به توبه اعتراف کردند، اما عیسی لازم نبود به گناهی اعتراف کند، چون او بی گناه بود. گرچه تعمید عیسی غیر ضروری بود، اما او به دلایل زیر تن به این کار داد: (۱) تعهد خود را نسبت به رسالت خود نشان داد، رسالتی که هدف آن رساندن پیغام نجات به همه انسانها بود؛ (۲) نشان داد که او واقعاً پسر خداست و اینکه خدا رسالت او را تأیید کرده است؛ (۳) خدمات عمومی خود را رسماً آغاز کرد (یوحنا ۱:۳۱-۳۴)؛ (۴) با طبیعت انسانی و گناهکار ما متحد شد؛ (۵) برای ما سرمشقی قرار داد. تعمید یحیی با تعمید مسیحی در کلیسا تفاوت داشت.

۹۰:۱ عیسی از دوران کودکی در شهر ناصره بسر برده و در آنجا بزرگ شده بود (متی ۲:۲۲ و ۲۳). ناصره شهر کوچکی در ایالت جلیل بود و در وسط حد فاصل دریاچه جلیل و دریای مدیترانه قرار داشت. در نظر بسیاری از یهودیان، این شهر مذموم و مکروه بود زیرا مقرر سپاهیان رومی در آن منطقه بود. یهودیان دیندار از رومی ها متنفر بودند زیرا از ایشان مالیات می گرفتند و احترامی نیز برای خدا قائل نبودند.

۱۱ و ۱۰:۱ روح القدس همچون کبوتری بر عیسی نازل شد و ندایی نیز از آسمان در رسید و نشان داد که خدای پدر، عیسی را بعنوان پسر خود تأیید می کند. در اینجا ماسه شخصیت تثلیث را با هم مشاهده می کنیم، یعنی پدر و پسر و روح القدس را.

## ب - پیام و خدمات عیسی خدمتگزار (۱۴:۱ تا ۳۷:۱۳)

مرقس ماجراها را بگونه‌ای نمایشی و پرتحرک بیان می‌دارد. او فعالیت‌های عیسی را به زنده‌ترین وجه ارائه می‌کند. او بجای توجه به تعلیم، بیشتر به عمل توجه دارد. با مشاهده چگونگی زندگی عیسی، الگوی کاملی بدست می‌آوریم که امروز مطابق آن زندگی کنیم.

### ۱- خدمات عیسی در جلیل عیسی در جلیل موعظه می‌کند

(۳۰ / متی ۱۲:۴-۱۷؛ لوقا ۴:۱۴ و ۱۵؛ یوحنا ۴:۴۳-۴۵)

<sup>۱۴</sup> مدتی بعد، پس از آنکه یحیی بدستور هیرودیس پادشاه، زندانی شد، عیسی به ایالت جلیل آمد تا پیام خدا را به مردم برساند. <sup>۱۵</sup> او فرمود: «زمان موعود فرا رسیده است. بزودی خداوند ملکوت خود را برقرار خواهد ساخت. پس، از گناهان خود دست بکشید و به این خبر خوش ایمان بیاورید.»

۱۴:۱  
متی ۱۲:۴ و ۱۷ و ۲۳  
لو ۴:۱۴ و ۱۵  
۱۵:۱  
دان ۴:۲ و ۹ و ۲۴ و ۲۵  
غلا ۴:۴

### چهار ماهیگیر عیسی را پیروی می‌کنند

(۳۳ / متی ۴:۱۸-۲۲)

<sup>۱۶</sup> روزی عیسی در کناره دریاچه جلیل قدم می‌زد که چشمش به شمعون و برادرش اندریاس افتاد. ایشان تور به دریا انداخته، مشغول صید ماهی بودند، چون کارشان ماهیگیری بود. <sup>۱۷</sup> عیسی ایشان را صدا زد و فرمود: «از من پیروی

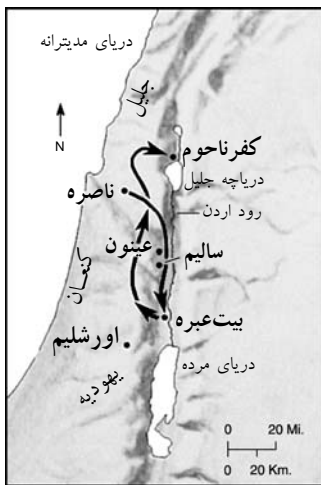
۱۶:۱  
متی ۴:۱۸-۲۲  
لو ۵:۱-۱۱  
یو ۱:۳۵-۴۲

لازم بود تا دعوت و پیام عیسی اثر کند، اما نکته مهم در اینجا بود که گرچه شاگردان می‌بایست بسیار رشد کنند، اما با اینحال عیسی را پیروی کردند.

۱۵ و ۱۴:۱ پیام خدا چیست؟ نخستین کلماتی که از عیسی در انجیل مرقس نقل شده، نقطه مرکزی و اصلی تعلیم او را بیان می‌دارد، یعنی اینکه مسیحایی که مدت‌ها منتظرش بودند، آمده است که حکومت خدا را بر زمین آغاز کند. اغلب کسانی که این پیغام را شنیدند، مظلوم و فقیر و بی‌امید بودند. سخنان عیسی پیام خوشی بود زیرا در بردارنده آزادی، برکت و وعده بود.

۱۶:۱ ماهیگیری یکی از مهم‌ترین حرفه‌ها در اطراف دریای جلیل بود. ماهیگیری با تور، متداول‌ترین روش بود. کفرناحوم که محل جدید اقامت عیسی بود (متی ۱۳:۱۲)، در میان ۳۰ دهکده حوالی دریای آن زمان، از همه بزرگتر بود. ۱۶:۱-۲۰ اغلب تصویری که شاگردان عیسی از همان لحظه اول برخوردشان با عیسی، مردان بزرگ ایمان بودند. اما آنان نیز می‌بایست مانند هر ایماندار دیگری، در ایمان رشد کنند (مرقس ۱۴:۴۸-۵۰ و ۶۶-۷۲؛ یوحنا ۱:۹-۱۴ و ۲۰:۲۶-۲۹). ظاهر این نخستین باری نبود که عیسی از پطرس و یعقوب و یوحنا دعوت به پیروی می‌کند (در لوقا ۵:۱-۱۱ و یوحنا ۱:۳۵-۴۲ دو دعوت دیگر نیز ذکر شده است). زمان

عیسی خدمت خود را آغاز می‌کند  
زمانی که عیسی از ناصره خارج شد تا خدمت خود را آغاز کند، ابتدا دو قدم برای آمادگی برداشت: از یحیی در رود اردن تمعید یافت، و در بیابانهای خشک یهودیه بدست شیطان آزمایش شد. پس از آزمایشها، عیسی به جلیل بازگشت و مدتی بعد در کفرناحوم اقامت گزید.





۱۸:۱  
متی ۲۷:۱۹

کنید تا شما را صیاد مردم سازم.»<sup>۱۸</sup> ایشان نیز بی‌درنگ تورهای خود را بر زمین گذاشتند و به دنبال او براه افتادند.<sup>۱۹</sup> کمی جلوتر، یعقوب و یوحنا، پسران زبدي را دید که در قایق، تورهای ماهیگیری خود را تعمیر می‌کردند.<sup>۲۰</sup> ایشان را نیز دعوت کرد تا پیروی‌اش کنند، که بلافاصله پدر خود زبدي را با کارگران گذاشتند و بدنبال او رفتند.

### عیسی با اقتدار بسیار تعلیم می‌دهد

(۳۷/۳۴ - ۳۱:۴)

۲۱:۱  
لو ۴۱-۳۱:۴

<sup>۲۱</sup> سپس همگی وارد شهر کفرناحوم شدند، و صبح روز شنبه به عبادتگاه یهود که آن را کنیسه می‌نامیدند، رفتند. در آنجا عیسی پیغام خدا را برای مردم بیان فرمود.<sup>۲۲</sup> مردم از موعظه او تعجب کردند چون هرگز نشنیده بودند که کسی با چنین قدرت و اقتداری سخن گوید و برای اثبات گفته‌های خود، نیازی نداشته باشد که گفتار بزرگان را شاهد بیاورد.

۲۲:۱  
متی ۲۸:۷

<sup>۲۳</sup> در آن عبادتگاه، دیوانه‌ای حضور داشت که با دیدن عیسی فریاد زد:

بیخشد. عیسی نیاز به چنین کاری نداشت. از آنجا که خدا بود، بخوبی می‌دانست که کتاب مقدس چه می‌گوید. او عالی‌ترین مرجع تفسیر کلام خدا بود.

**۲۳:۱** ارواح پلید روحهای ناپاکی هستند که تحت سلطه و حاکمیت شیطان قرار دارند. کار آنها وسوسه کردن انسانهاست. آنها مخلوق شیطان نیستند زیرا خالق همه موجودات خداست. ایشان فرشتگانی هستند که از مقام خود سقوط کرده، و به هنگام طغیان و نافرمانی شیطان، به او پیوسته‌اند. آنها در چنین حالت منحطی، می‌توانند موجب لالی، کری، کوری و دیوانگی انسان گردند. اما آنها هرگاه با عیسی مواجه می‌شدند، قدرت خود را از دست می‌دادند. در واقع خدا قدرت ایشان را محدود می‌سازد، طوری که بدون اجازه او نمی‌توانند کاری انجام دهند. در طول دوران خدمت عیسی، ارواح پلید اجازه یافته بودند که بسیار فعال باشند تا یکبار برای همیشه نشان دهند که عیسی چه قدرتی بر آنها دارد.

**۲۳:۱** بسیاری از روانشناسان اشاره به دیوزدگی و ارواح پلید را رد می‌کنند و آن را روش ابتدایی برای تشریح بیماریهای روانی به حساب می‌آورند. اما روشن است که در این ماجرا یک روح پلید آن مرد را تحت سلطه خود داشت. مرقس مواجهه عیسی با نیروهای پلید را مورد تأکید قرار می‌دهد تا برتری و اقتدار او را بر ایشان نشان دهد. از اینرو ماجراهای متعددی را ثبت کرده که عیسی را در حال اخراج ارواح پلید نشان می‌دهد. عیسی لازم

**۲۱:۱** بسیاری از یهودیان، بعزت دوری راه نمی‌توانستند بطور مرتب به اورشلیم سفر کنند و در خانه خدا عبادت نمایند. از اینرو در بسیاری از شهرها، کنیسه وجود داشت که هم محل عبادت بود و هم مدرسه. آغاز کار کنیسه‌ها به زمان عزرا در حدود سال ۴۵۰ قبل از میلاد باز می‌گردد. هرجا که ده خانواده یهودی وجود داشت، می‌شد کنیسه‌ای برپا کرد. در آنجا در طول هفته، به پسران یهودی شریعت عهد عتیق و مذهب را می‌آموختند. دختران نمی‌توانستند در این آموزش شرکت کنند. هر شنبه، یعنی سبت، مردان یهودی در کنیسه گرد می‌آمدند تا به تعالیمی که «ربی» یا معلم از کلام خدا می‌داد، گوش فرا دهند. از آنجا که ربی یا معلم ثابتی وجود نداشت، رسم بر این بود که رئیس کنیسه از معلمین مسافر دعوت کند تا سخن گویند. به همین دلیل است که عیسی اغلب در شهرهایی که رفت، سخنرانی می‌کرد.

**۲۱:۱** عیسی به‌تازگی از ناصره به کفرناحوم نقل مکان کرده بود (متی ۱۲:۴ و ۱۳). کفرناحوم شهری بود موفق و ثروتمند، اما غرق در گناه و انحطاط. از آنجا که این شهر مقر سپاهیان رومی بود، تأثیر و نفوذ بت‌پرستی تمام امپراطوری روم در همه جا به چشم می‌خورد. از همین رو محل بسیار مناسبی بود تا عیسی یهودیان و غیریهود را بسوی پیام خوش ملکوت خدا فرا خواند.

**۲۲:۱** معلمین مذهبی یهود اغلب از معلمین برجسته یهود نقل قول می‌کردند تا به سخنان خود اعتبار بیشتری

۲۴ «ای عیسای ناصری، چرا ما را آسوده نمی‌گذاری؟ آیا آمده‌ای ما را هلاک سازی؟ تو را می‌شناسم؛ تو فرستادهٔ مقدس خدا هستی.»  
 ۲۵ عیسی حرف روح پلید را قطع کرد و دستور داد تا از او بیرون بیاید. ۲۶ همان دم، روح پلید او را به زمین زد، نعره‌ای برآورد و از او خارج شد. ۲۷ حیرت همهٔ حاضرین را فرو گرفت؛ ایشان با هیجان به یکدیگر می‌گفتند: «این دیگر چه نوع مکتب جدیدی است؟ کلام او بقدری قدرت دارد که حتی ارواح پلید نیز از او فرمان می‌برند!» ۲۸ طولی نکشید که در تمام ایالت جلیل خبر معجزهٔ عیسی پیچید.

۲۴:۱  
 متی ۲۹:۸  
 یو ۶:۶  
 اعما ۱۴:۳  
 یعقو ۱۹:۲  
 ۲۶:۱  
 مر ۲۰:۹

### عیسی مادر زن پطرس و بسیاری دیگر را شفا می‌بخشد

(۳۵ / متی ۱۷-۱۴:۸ ؛ لوقا ۴:۳۸-۴۱)

۲۹ عیسی از کنیسه خارج شد، و به اتفاق یعقوب و یوحنا به خانهٔ شمعون و اندریاس رفت. ۳۰ وقتی به خانه رسیدند، دیدند که مادر زن شمعون تب کرده و خوابیده است؛ فوری به عیسی خبر دادند. ۳۱ عیسی نزد او رفت، دستش را گرفت و او را برخیزاند. همان لحظه تبش قطع شد و برخاست و مشغول پذیرایی گردید.

۲۹:۱  
 متی ۱۷-۱۴:۸  
 لو ۴:۳۸-۳۱

۳۲ هنگام غروب، مردم بیماران و دیوانگان را نزد عیسی آوردند تا شفایشان دهد. ۳۳ تمام اهالی شهر نیز برای تماشای جلو در خانه گرد آمده بودند. ۳۴ پس عیسی بیماران زیادی را شفا بخشید و روح‌های ناپاک بسیاری را از دیوانه‌ها بیرون کرد، اما اجازه نداد ارواح ناپاک چیزی بگویند زیرا او را می‌شناختند.

۳۲:۱  
 متی ۱۷:۱۶  
 لو ۴:۴۱  
 ۳۴:۱  
 مر ۱۲:۳  
 اعما ۱۷:۱۶

روز، سبت یعنی روز استراحت یهود بود (آیه ۲۱)، که از غروب جمعه تا غروب شنبه طول می‌کشید. رهبران یهود اعلام کرده بودند که شفا یافتن در روز سبت برخلاف شرع یهود می‌باشد (متی ۱۰:۱۲ و لوقا ۱۳:۱۴). مردم نمی‌خواستند این حکم و یا احکام دیگر را که سفر در سبت را منع می‌کرد، زیر پا بگذارند. از اینرو، تا غروب آفتاب صبر کردند. پس از غروب آفتاب، مردم می‌توانستند آزادانه بدنبال عیسی بگردند تا شفایشان بخشد.

۳۴:۱ چرا عیسی نمی‌خواست ارواح پلید هویت او را اعلام کنند؟ اولاً عیسی با ساکت کردن ارواح، قدرت و اقتدار خود را بر آنان نشان داد. ثانیاً عیسی می‌خواست مردم در اثر سخنان و اعمال او پی ببرند که او مسیح است، نه در اثر گفته‌های ارواح. ثالثاً او می‌خواست مسیح بودن خود را در آن زمانی که خود در نظر داشت بر مردم آشکار سازد، نه در آن زمان که شیطان می‌خواست. شیطان می‌خواست مردم عیسی را بخاطر محبوبیتش پیروی کنند، نه بخاطر پسر خدا بودن او.

نداشت که مراسم پیچیده و مشکلی برای اخراج ارواح بجا آورد. کلام او کافی بود تا ارواح پلید خارج شوند.

۲۴ و ۲۳:۱ ارواح پلید بلافاصله دانستند که عیسی پسر خداست. مرقس با درج این واقعه در انجیل خود، می‌خواهد اقتدار و اعتبار عیسی را ثابت کند و نشان دهد که حتی در دنیای ارواح نیز عیسی را مسیح موعود می‌دانند.

۲۹-۳۱:۱ نویسندگان انجیل به هنگام نگارش، دیدگاه‌هایی متفاوت داشتند؛ از اینرو به هنگام نقل ماجراهای مشابه در انجیل، اغلب جزئیات متفاوتی را مورد تأکید قرار می‌دادند. در انجیل متی، عیسی دست مادرزن پطرس را لمس می‌کند. در مرقس، به او کمک می‌کند تا بنشیند. در لوقا، به تب دستور می‌دهد که او را رها کند. این ماجراها متناقض نیستند. هر نویسنده بر جزئیات متفاوتی تأکید می‌گذارد تا خصوصیات خاص از عیسی را مورد تأکید قرار دهد.

۳۳ و ۳۲:۱ مردم به هنگام غروب آفتاب نزد او آمدند. آن

## عیسی در سراسر جلیل موعظه می کند

(۳۶/ متی ۲۳:۴-۲۵؛ لوقا ۴:۴۲-۴۴)

۳۵:۱ صبح روز بعد، وقتی هنوز هوا تاریک بود، عیسی برخاست و تنها به صحرا رفت تا در آنجا دعا کند. <sup>۳۶</sup> کمی بعد شمعون با سایرین به جستجوی او رفتند. <sup>۳۷</sup> وقتی او را یافتند، گفتند: «همه بدنبال شما می گردند.» <sup>۳۸</sup> ولی عیسی در جواب ایشان فرمود: «باید به شهرهای دیگر هم بروم، تا به اهالی آنجا نیز پیغام را برسانم، چون بخاطر همین به اینجا آمده ام.» <sup>۳۹</sup> پس در تمام ایالت جلیل سفر کرد و در کنیسه ها به تعلیم و راهنمایی مردم پرداخت و ارواح پلید را از دیوانه ها بیرون کرد.

۳۵:۱  
لو ۴:۴۲-۴۴  
عبر ۷:۵

۳۸:۱  
اش ۱:۶۱

۳۹:۱  
متی ۲۳:۴

## عیسی یک جذامی را شفا می بخشد

(۳۸/ متی ۸:۱-۴؛ لوقا ۵:۱۲-۱۶)

۴۰:۱ روزی یک جذامی آمده، نزد عیسی زانو زد و التماس کنان گفت: «اگر بخواهید می توانید مرا شفا دهید.» <sup>۴۱</sup> عیسی دلش بر او سوخت، دست خود را بر او گذاشت و فرمود: «البتة که می خواهم! شفا ییاب.» <sup>۴۲</sup> بلافاصله جذام او بر طرف شد و شفا یافت. <sup>۴۳</sup> هنگامی که عیسی او را مرخص می نمود، با تأکید زیاد به او فرمود: <sup>۴۴</sup> «بی درنگ نزد کاهن برو تا تو را معاینه کند. بین راه نیز با کسی صحبت نکن. آن هدیه را هم که موسی برای جذامی های شفا یافته تعیین کرده،

۴۰:۱  
ار ۱۷:۳۲  
متی ۲۸:۴-۶  
لو ۵:۱۲-۱۶

۴۱:۱  
عبر ۱۷:۲؛ ۱۵:۴

۴۴:۱  
لاو ۱:۱۴-۳۲

اجتماعی شرکت کنند. شرع یهود اعلام داشته بود که تماس با یک جذامی انسان را نجس می سازد؛ از اینرو برخی حتی به جذامیان سنگ می انداختند تا ایشان را از خود دور نگاه دارند. اما عیسی این جذامی را لمس کرد و دست خود را بر او گذاشت.

ارزش واقعی انسان در درون اوست، نه در بیرون او. گرچه ممکن است بدن انسان بیمار شود و تغییر شکل دهد، اما درون او ارزش خود را برای خدا از دست نمی دهد. هیچ انسانی در نظر خدا آنقدر منفور و بیزارکننده نیست که او لمس نکند. به یک معنی، ما همگی جذامی هستیم، زیرا زشتی گناه وجود همه ما را تغییر شکل داده است. اما خدا با فرستادن پسرش ما را لمس کرده و این فرصت را به ما داده است تا شفا یابیم. هرگاه احساس می کنید که مردم شما را رد می کنند، بایستید و به یاد آورید که خدا در مورد آن اشخاص و نیز در مورد شما چه احساسی دارد.

۴۴:۱ و ۴۳:۱ در عهد عتیق، احکام مربوط به جذامیان در فصل های ۱۳ و ۱۴ کتاب لایوان یافت می شود. وقتی یک

۳۵:۱ عیسی به دعا وقت می داد. اختصاص وقت به دعا ساده نیست، اما باید دانست که دعا رابطه ای است حیاتی میان ما و خدا. ما نیز باید مانند عیسی اوقاتی را از مردم کناره جوییم تا با خدا مصاحبت داشته باشیم، حتی اگر لازم باشد که قبل از طلوع آفتاب این کار را بکنیم.

۳۶:۱ و ۳۷ منظور از «سایرین» احتمالاً شاگردانی است که عیسی قبلاً دعوت کرده بود، نظیر اندریاس، یعقوب، یوحنا و شاید فیلیپس و تثنائیل.

۳۹:۱ رومی ها سرزمین اسرائیل را به سه منطقه جداگانه تقسیم کرده بودند، یعنی جلیل و سامره و یهودیه. جلیل، شمالی ترین منطقه بود که حدود ۹۰ کیلومتر طول و ۴۵ کیلومتر عرض داشت. عیسی بیشتر وقت خدمت خود را در این منطقه گذراند، منطقه ای که برای تعلیم بسیار مطلوب بود زیرا بیش از ۲۵۰ شهر کوچک در این سرزمین کوچک وجود داشت. لذا لازم نبود که عیسی برای اشاعه پیام خدا راهی طولانی بیماید.

۴۰:۱ و ۴۱ رهبران یهود جذامیان را نجس می خواندند. این بدان معنی بود که ایشان مجاز نبودند در امور مذهبی و

با خودت ببر تا به همه ثابت شود که شفا یافته‌ای.»<sup>۴۵</sup> اما او همانطور که می‌رفت، فریاد می‌زد که شفا یافته است. در نتیجه، مردم دور عیسی جمع شدند، بطوری که از آن به بعد دیگر نتوانست آزادانه وارد شهری شود. او مجبور بود پس از آن در بیابانها بماند، ولی مردم از همه جا نزد او می‌شتافتند.

### عیسی مرد افلیجی را شفا می‌دهد

(۳۹ / متی ۹: ۱-۸ ؛ لوقا ۵: ۱۷-۲۶)

۲ پس از چند روز، عیسی به کفرناحوم بازگشت و خبر ورود او فوری در شهر پیچید. طولی نکشید که خانه‌ای که عیسی در آن بود پر شد، بطوری که حتی بیرون خانه نیز جای ایستادن نبود. در آن حال، او پیام خدا را برای مردم بیان می‌کرد.

۳ در همین هنگام، چهار نفر آمدند و مرد افلیجی را بر تختی آوردند. اولی نتوانستند خود را از لابلای جمعیت به عیسی برسانند. پس به پشت‌بام رفتند و سقف بالای سر عیسی را برداشتند و افلیج را با تختش در مقابل پایهای او پایین فرستادند.

۵ وقتی عیسی دید که چقدر ایمانشان به او قوی است، به آن افلیج فرمود: «پسرم گناھانت بخشیده شد!»

۶ بعضی از علمای مذهبی که در آنجا نشسته بودند، پیش خود فکر کردند: «عجب کفری! مگر او خداست که چنین چیزی می‌گوید؟ غیر از خدای یگانه چه کسی می‌تواند گناھان انسان را ببخشد.»

۴۵:۱

مر ۷:۳ ؛ ۳۱:۶-۳۴

۱:۲

متی ۸-۱۹

لو ۵:۱۷-۲۶

۲:۲

افس ۲:۱۷

عبر ۲:۳

۵:۲

مز ۳:۱-۳

۷:۲

مز ۴:۱۳۰

اش ۲۵:۴۳

روم ۳:۸

خانه، پلکانی وجود داشت که بسوی بام می‌رفت. بنابراین، دوستان این مرد افلیج می‌توانستند او را با استفاده از پلکان بیرونی، به پشت‌بام ببرند. در آنجا می‌توانستند براحتی حفره‌ای در سقف گاه‌گلی بوجود آورند و دوست خود را پایین بفرستند.

۷:۲ عیسی بجای آنکه به مرد افلیج بگوید: «شفا یافته‌ای»، به او گفت: «گناھان تو بخشیده شد.» این گفته در نظر رهبران یهود کفر بود، زیرا بخشایش گناھان کاری بود فقط در قدرت خدا. مطابق احکام یهود، گناه مستوجب مرگ بود (لاویان ۱۵:۲۴ و ۱۶). رهبران مذهبی بدرستی درک کردند که عیسی ادعا می‌کند که مسیح موعود است، اما قضاوت آنان درباره او درست نبود. عیسی کفر نمی‌گفت زیرا ادعایش درست بود. عیسی خداست، و ادعای خود را با شفای مرد افلیج ثابت کرد (آیات ۹-۱۱).

جدامی شفا می‌یافت، می‌بایست نزد کاهن برود تا معاینه شود. سپس می‌بایست قربانی تشکر به معبد ببرد. عیسی با فرستادن این مرد به نزد کاهن، این احکام را تأیید کرد و احترام خود را به شریعت خدا نشان داد. در ضمن با این کار، او درستی و صحت معجزه خود را به جامعه اثبات می‌کرد.

۳:۲ نیاز مرد افلیج، دوستان او را به انجام یک عمل برانگیخت: ایشان او را نزد عیسی آوردند. زمانی که نیاز کسی را مشاهده می‌کنید، آیا دست به عملی می‌زنید؟ بسیاری از افراد نیازهای جسمی و روحی دارند که شما و یا اطرافیانتان قادر به رفع آنها می‌باشید. نیاز یک انسان، این چهار مرد را به عمل واداشت. بگذارید شما را نیز به عمل خیر وادارد.

۴:۲ در روزگار کتاب‌مقدس، خانه‌ها سنگی بودند. بام خانه‌ها مسطح بود و با گاه‌وگل ساخته می‌شد. در بیرون

۸:۲  
عبر ۱۳:۴

<sup>۸</sup> عیسی همان لحظه در خود درک کرد که چه فکر می‌کند. پس رو به ایشان کرده، فرمود: «چرا از این موضوع در اندیشه‌اید؟<sup>۹</sup> آیا فکر می‌کنید بخشیدن گناهان انسان، از شفا دادن مرضش سختتر است؟<sup>۱۰</sup> حال ثابت می‌کنم که سخن بیجایی نگفته‌ام، بلکه واقعاً اختیار و توانایی بخشیدن گناه بشر را دارم.» آنگاه رو به افلیح کرد و به او فرمود: «<sup>۱۱</sup> تو شفا یافته‌ای. بستر را جمع کن و به خانه‌ات برو!»

۱۲:۲  
متی ۲۳:۹

<sup>۱۲</sup> افلیح از جا پرید و بلافاصله بستر خود را جمع کرد و در مقابل چشمان حیرت‌زده مردم، از آن خانه خارج شد. همه خدا را شکر می‌کردند و به یکدیگر می‌گفتند: «تا بحال چنین چیزی ندیده بودیم!»

### عیسی در خانه متی با گناهکاران بر سر یک سفره می‌نشیند

(۴۰ / متی ۹:۹-۱۳ ؛ لوقا ۵:۲۷-۳۲)

۱۳:۲  
متی ۱۳-۹:۹  
لوقا ۵:۳۲

<sup>۱۳</sup> عیسی بار دیگر به ساحل دریارفت و مردم دور او حلقه زدند. عیسی نیز ایشان را تعلیم می‌داد.<sup>۱۴</sup> سپس هنگامی که می‌رفت، لاوی پسر حلفی را دید؛ او مأمور جمع‌آوری باج و خراج بود و در محل کارش نشسته بود. عیسی به او فرمود: «بیا و از من پیروی کن.» لاوی نیز بلافاصله بدنبال او براه افتاد.  
<sup>۱۵</sup> آنشب لاوی تمام همکاران خود و افراد بدنام شهر را برای شام دعوت کرد تا عیسی و شاگردان او را ببینند. در بین طرفداران عیسی، اینگونه اشخاص زیاد

ساکنین شهر و نیز از بازرگانانی که از آن شهر می‌گذشتند، مالیات می‌گرفت. باجگیران یا مأمورین جمع‌آوری مالیات، از مبالغی که جمع‌آوری می‌کردند، کارمزدی برای خود بر می‌داشتند، اما ایشان اغلب مالیاتی بیش از حد تعیین شده دریافت می‌کردند و از این راه ثروت زیادی برای خود می‌اندوختند. باجگیران یا مأمورین جمع‌آوری باج و خراج بخاطر نادرستی‌شان در کار و برخورداری از حمایت روم، مورد تنفر یهودیان بودند. در ضمن یهودیان نفرت داشتند که مالیاتشان صرف توسعه ادیان بت‌پرستی و معابد آنها شود.

**۱۴:۲ و ۱۵** لاوی همان روزی که با عیسی ملاقات کرد، مجلسی در خانه خود برپا کرد تا دیگران را به او معرفی کند. او برای شهادت دادن درباره عیسی، هیچ وقت تلف نکرد. بعضی بر این اعتقادند که نوایمانان باید پیش از شهادت دادن، منتظر بمانند تا رشد و تعلیم بیشتری بیابند. اما نوایمانان، مانند لاوی می‌توانند با هر دانش و مهارت و تجربه‌ای که دارند، بلافاصله دیگران را با ایمان خود آشنا سازند.

**۹:۲-۱۱** در متن اصلی انجیل، عیسی برای اشاره به خودش، از عنوان «پسر انسان» استفاده می‌کند. عنوان «پسر انسان» بر انسانیت کامل عیسی تأکید دارد، در حالیکه عنوان «پسر خدا» بر خدا بودن کامل او اشاره دارد (برای نمونه به یوحنا ۳۱:۲۰ مراجعه کنید). عیسی در مقام پسر خدا، این اختیار را دارد که گناه را بیامرزد؛ و در مقام یک انسان، می‌تواند با عمیق‌ترین نیازها و رنج‌های ما متحد شود و به ما کمک کند تا بر گناه چیره شویم.  
**۱۴:۲** لاوی نام دیگر متی، حواری مسیح است که انجیل متی را نوشته است. برای اطلاع بیشتر از شخصیت او، به انجیل متی فصل ۹ مراجعه کنید.

**۱۴:۲** کفرناحوم یکی از مراکز مهم نظامی برای سپاه روم، و نیز یک مرکز پررونق تجاری بود. چند جاده مهم در کفرناحوم با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کردند و بازرگانان از نقاط دور دست، از مصر گرفته تا بین‌النهرین، از این شهر عبور می‌کردند.

متی یک یهودی بود. او از جانب رومی‌ها، مأمور جمع‌آوری خراج و مالیات در آن منطقه شده بود. او از

دیده می‌شدند.<sup>۱۶</sup> اما بعضی از روحانیون یهود، وقتی عیسی را دیدند که با چنین اشخاص بدنام سر یک سفره نشسته است، به شاگردان او گفتند: «چطور استاد شما رغبت می‌کند با این اشخاص پست همنشین باشد؟»  
<sup>۱۷</sup> عیسی سخن آنان را شنید و به ایشان فرمود: «بیماران به پزشک نیاز دارند، نه اشخاص سالم. من نیز آمده‌ام تا گمراهان را به راه راست دعوت کنم نه کسانی را که خود را عادل و مقدس می‌پندارند.»

۱۶:۲  
اش ۵:۶۵

۱۷:۲  
متی ۱۱:۱۸  
لو ۱۰-۹:۱۹  
اتیمو ۱۵:۱

### رهبران مذهبی از عیسی درباره روزه سؤال می‌کنند

(۴۱ / متی ۱۴:۹-۱۷ ؛ لوقا ۵:۳۳-۳۹)

<sup>۱۸</sup> پیروان یحیی و نیز فریسیان عادت داشتند بطور مرتب روزه بگیرند. پس عده‌ای نزد عیسی آمدند و از او پرسیدند: «چرا شاگردان شما، مانند پیروان یحیی و فریسیان، روزه نمی‌گیرند؟»

۱۸:۲  
متی ۱۷-۱۴:۹  
لو ۳۹-۳۳:۵

<sup>۱۹</sup> عیسی به ایشان فرمود: «آیا دوستان داماد در جشن عروسی روزه می‌گیرند؟ آیا تا موقعی که داماد همراه ایشان است، باید غصه‌دار باشند؟ هرگز! <sup>۲۰</sup> ولی روزی که داماد از ایشان جدا شد، روزه خواهند گرفت. <sup>۲۱</sup> از این گذشته، روزه شما یکی از مراسم کهنه‌ای است که با روش جدید من سازگار نمی‌باشد. مثل اینست که یک تکه پارچه نو را به لباس کهنه وصله کنید؛ می‌دانید چه می‌شود؟ بزودی وصله جدا می‌شود و پارگی لباس بدتر از اول می‌گردد. <sup>۲۲</sup> همچنین،

۱۹:۲  
اش ۵:۵۴  
یو ۲۹:۳  
مکا ۷:۱۹

۲۲:۲  
غلا ۳-۱:۳

نداشتند، زیرا او خود با ایشان بود. اما عیسی روزه گرفتن را محکوم نساخت. او خودش ۴۰ روز روزه گرفت (متی ۴:۲). اما تأکید او بر این بود که روزه باید انگیزه‌های صحیح داشته باشد. بعنوان مثال، فریسیان دو روز در هفته روزه می‌گرفتند تا نشان دهند که مقدس می‌باشند. عیسی تعلیم می‌داد که اگر منظور از روزه، تحت تأثیر قرار دادن دیگران باشد، هدف اصلی آن از میان رفته است.

**۱۹:۲** عیسی خود را به داماد تشبیه کرد، زیرا در عهدعتیق، قوم اسرائیل اغلب به عروس و خدا به داماد تشبیه شده است، دامادی که عروس خود را دوست می‌دارد (ارمیا ۲:۲ ؛ حزقیال ۱۶:۸-۱۴).

**۲۱:۲ و ۲۲:۲** مشک معمولاً از پوست بز ساخته می‌شود. با دوختن لبه‌های پوست به یکدیگر، کیسه‌ای بوجود می‌آید که می‌توان در آن مایعات را نگه‌داری کرد. شراب تازه وقتی در مشک ریخته می‌شود، با گذر زمان فضای بیشتری را اشغال می‌کند و به مشک فشار می‌آورد. بنابراین، نباید شراب تازه را در مشکهای کهنه ریخت، زیرا این مشکها قبلاً تاجا داشته‌اند باز شده و کشیده شده‌اند و با کمی فشار بیشتر، ممکن است بتر کند.

**۱۷ و ۱۶:۲** فریسیانی که خود را عادل می‌دانستند، افرادی را که با عیسی بر سر سفره نشسته بودند، «پست» می‌شمردند. اما عیسی با گناهکاران نشست و برخاست می‌کرد، زیرا ایشان را دوست داشت و می‌دانست که چقدر احتیاج دارند سخنان او را بشنوند. او وقت خود را صرف تمام کسانی می‌کرد که نیاز داشتند به سخنان او گوش فرادهند، خواه ثروتمند باشند خواه فقیر، گناهکار یا عادل. مانیز باید با آنانی که به مسیح نیاز دارند دوست شویم، حتی اگر همراهان و دوستان مطلوبی به نظر نیایند. آیا بوده‌اند کسانی که بخاطر شهرتشان حقیرشان شمرده‌اید؟ شاید آنان همان کسانی باشند که بیش از همه احتیاج به شنیدن و دیدن پیام محبت مسیح از شما داشته باشند.

**۱۸:۲** یحیی دو هدف را دنبال می‌کرد: یکی هدایت مردم بسوی توبه از گناهانشان و دیگری، آماده کردن ایشان برای آمدن مسیح. برای این منظور، نیاز به تأمل و تفکر عمیق بود و این امر شامل روزه نیز می‌گردد که نشانه ظاهری فروتنی و پشیمانی از گناه می‌باشد. روزه بدن را از خوراک دور می‌سازد و توبه، زندگی را از گناه. شاگردان عیسی بمنظور آماده شدن برای آمدن و ظهور او، نیازی به روزه گرفتن

مقامات مذهبی و گروههای سیاسی مهم یهود	نام و محل اشاره در کتاب مقدس	شرح	توافق با عیسی	عدم توافق با عیسی
	<b>فریسیان</b> متی ۵:۲۰ متی ۲۳:۱-۳۶ لوقا ۶:۲ لوقا ۷:۳۶-۴۷	این گروه مذهبی یهود، خواهان اجرای دقیق احکام یهود و سنتها بودند. اینان در کنیسه نفوذ بسیار داشتند.	احترام - شریعت - ایمان به قیامت مردگان - تعهد به اطاعت از اراده خدا	ادعای عیسی مبنی بر مسیح بودن را رد می کردند زیرا او سنن و رسوم ایشان را پیروی نمی کرد و با افراد بدکار همنشین می شد.
	<b>صدوقیان</b> متی ۷:۳ متی ۱۱:۱۲ و ۱۲ مرقس ۱۲:۱۸	طبقه ثروتمند یهود که گروه کاهنان طراز اول را تشکیل می دادند. ایشان بجز پنج کتاب موسی، سایر کتب مقدسه را قبول نداشتند. سود حاصل از خرید و فروش در خانه خدا، نصیب ایشان می شد. ایشان همراه با فریسیان دو دسته مهم در شورای عالی یهود بودند.	احترام شدیدی برای پنج کتاب موسی و قداست خانه خدا قائل بودند.	منکر قیامت مردگان بودند. خانه خدا را محلی برای معاملات می پنداشتند.
	<b>کاتبان</b> متی ۲۹:۷ مرقس ۲:۱۶، ۶	اینان تفسیرکنندگان حرفه ای شریعت بودند که بر سنت و حدیث تأکید فراوان داشتند. بسیاری از کاتبان فریسی بودند.	احترام شدیدی برای شریعت قائل بودند و خود را متعهد به اطاعت کامل از خدا می دانستند.	عیسی را مجاز به تفسیر شریعت نمی دانستند. مسیح بودن عیسی را رد می کردند زیرا او همه سنن ایشان را پیروی نمی کرد.
	<b>هیرودیان</b> متی ۱۶:۲۲ مرقس ۳:۶ مرقس ۱۲:۱۳	یک حزب سیاسی یهودی که طرفدار هیرودیس پادشاه بودند.	نامعلوم. در اناجیل آمده که ایشان کوشیدند عیسی را با سؤالات خود به دام بیندازند و برای قتل او دسیسه چیدند.	می ترسیدند که عیسی ثبات سیاسی ایشان را برهم بزند. ایشان می کوشیدند قدرت سیاسی از دست رفته خود را از حکومت روم باز پس گیرند؛ از اینرو عیسی را تهدیدی برای آینده سیاسی خود می دیدند.
	<b>غیوران</b> متی ۴:۱۰ لوقا ۱۵:۶ اعمال ۱۳:۱	اینان وطن پرستان متعصب یهودی بودند که مصمم بودند حاکمیت روم را بر اسرائیل خاتمه بخشند.	توجه آنان معطوف به آینده اسرائیل بود. ایشان به مسیح اعتقاد داشتند اما عیسی را مسیح و یگانه فرستاده خدا نمی دانستند.	معتقد بودند که مسیح باید یک رهبر سیاسی باشد که اسرائیل را از سلطه رومیها خارج سازد.
	<b>اسن ها</b> در کتاب مقدس اشاره ای به ایشان نشده است	یک گروه رهبانی و دیرنشین یهودی بودند. ایشان رسوم و تشریفات طهارت را بجا آورده، پاکی در زندگی شخصی را اعمال می کردند.	بر عدالت، درستکاری و سرسپردگی به خدا تأکید داشتند.	معتقد بودند که اجرای موبه موی تشریفات و رسوم مذهبی، جنبه مهمی از عدالت و نیکوکاری است.

خودتان بهتر می‌دانید که شراب تازه را در مَشک کهنه نمی‌ریزند، چون مَشک کهنه می‌ترکد؛ آنگاه هم شراب از بین می‌رود و هم مَشک. شراب تازه را باید در مَشک تازه ریخت.»

### شاگردان در روز سبت، گندم می‌چینند (۴۵ / متی ۱۲: ۸-۱؛ لوقا ۱۲: ۵-۱)

<sup>۲۳</sup> یک روز شنبه، که روز مقدس یهود است، عیسی و شاگردانش از میان کشتزارها می‌گذشتند. در همانحال که می‌رفتند، شاگردان خوشه‌های گندم را می‌چیدند و دانه‌هایش را می‌خوردند.<sup>۲۴</sup> برخی از روحانیون یهود به عیسی گفتند: «پیروانت نباید این کار را بکنند، چون برخلاف دستورات مذهبی ماست. امروز شنبه و روز استراحت است و نباید دست به هیچ کاری زد.»<sup>۲۵</sup> اما عیسی پاسخ داد: «مگر در تورات نخوانده‌اید که داود و یارانش وقتی گرسنه بودند، چه کردند؟<sup>۲۶</sup> زمانی که ایباتار، کاهن اعظم بود، ایشان وارد خانه خدا شدند و نان مقدس را خوردند، در حالیکه فقط کاهنان اجازه داشتند آن نان را بخورند. آیا آن کار برخلاف دستورات مذهبی نبود؟»<sup>۲۷</sup> سپس افزود: «روز شنبه برای استراحت انسان بوجود آمد، نه انسان برای روز شنبه.»<sup>۲۸</sup> من صاحب

۲۳:۲

تث ۲۵:۲۳

متی ۱۲: ۸-۱

لو ۱۲: ۵-۱

۲۵:۲

خرو ۳۰: ۲۵؛ ۳۲: ۲۹ و ۳۳

لاو ۹: ۲۴

اسمو ۱: ۲۱-۶

۲۷:۲

خرو ۱۲: ۲۳

تث ۱۴: ۵

یو ۲۱: ۷-۲۴

کنند. در ضمن باعث می‌شد که از کارگران بیش از حد کار کشیده نشود.

عیسی و شاگردانش خوشه‌ها را می‌چیدند و آنها را با دست مالیده، می‌خوردند. فریسیان این عمل را با عمل درو یکی دانستند و عیسی را محکوم به قانون‌شکنی کردند. اما روشن است که عیسی و شاگردانش گندم را بخاطر نفع شخصی نمی‌چیدند بلکه فقط بدنبال چیزی بودند تا بخورند. فریسیان چنان به جزئیات و فروع حکم می‌پرداختند که قصد اصلی آن را فراموش می‌کردند.

**۲۴:۲** رهبران مذهبی یهود چنان در احکام ساخته و پرداخته انسان غرق بودند که نمی‌توانستند خوب و بد را تشخیص دهند. در مرقس ۴: ۳ عیسی فرمود که روز سبت، روزی است برای خوبی کردن. خدا روز سبت را برای استراحت و عبادت تعیین کرده بود، اما منظورش این نبود که توجه به استراحت، انسان را از کمک به دیگران باز دارد. اجازه ندهید روز سبت شما تبدیل به اوقات خودخواهی و فرار از مسؤولیت گردد.

**۲۷:۲ و ۲۸** عیسی برای اشاره به بی‌اساس و مسخره بودن اتهام فریسیان، داود پادشاه را نمونه آورد. عیسی فرمود که خدا سبت را برای نفع ما مقرر کرده است، نه نفع خود.

فریسیان نیز مانند مشکهای کهنه، سخت و غیرقابل انعطاف شده بودند. آنان نمی‌توانستند ایمان به عیسی را بپذیرند، ایمانی که نمی‌توانست توسط افکار و احکام انسانی محدود گردد. قلب شما نیز مانند یک مشک، می‌تواند سخت شود و مانع گردد که زندگی جدیدی را که مسیح عطا می‌کند، دریافت دارید. پس قلب خود را باز و قابل انعطاف نگاه دارید تا از پیام مسیح، حقایقی دگرگون‌کننده دریافت کنید.

**۲۳:۲** وقتی عیسی و شاگردانش خوشه‌های گندم را از کشتزارها می‌چیدند، مرتکب دزدی نمی‌شدند. در کتاب لایوان ۱۹: ۱۰ و تثیبه ۲۳: ۲۵ آمده است که کشاورزان یهود باید گوشه‌ها و کناره‌های کشتزارهای خود را درو نکرده باقی بگذارند تا رهگذران و فقرا بتوانند خوراکی بدست آورند. همانطور که گذشتن از کنار کشتزارها تجاوز به مالکیت خصوصی نبود، خوردن دانه‌های گندم از کناره کشتزار نیز دزدی نبود.

**۲۴:۲** شریعت خدا حکم می‌کرد که محصول نباید در روز سبت یعنی در روز مقدس و استراحت یهود درو شود (خروج ۲۱: ۳۴). این حکم مانع از آن می‌شد که کشاورزان حریص شوند و خدا را در روز سبت فراموش



اختیار روز شنبه هستیم و اختیار دارم بگویم مردم در روزهای شنبه چه باید بکنند و چه نباید بکنند.»

### عیسی دست مردی را در روز شنبه شفا می‌دهد

(متی ۹:۱۲-۱۴؛ لوقا ۶:۱۱)

۱:۳

متی ۹:۱۲-۱۶  
لوقا ۶:۱۱ و ۱۷-۱۹

در کفرناحوم عیسی بار دیگر به کنیسه رفت و در آنجا مردی را دید که دستش از کار افتاده بود.<sup>۲</sup> آن روز شنبه بود؛ به همین دلیل مخالفانش مواظب بودند تا اگر آن مرد را در آن روز شفا بخشند، این موضوع را بهانه‌ای قرار دهند و او را متهم کنند به اینکه دستورات مذهبی را زیر پا می‌گذارد.<sup>۳</sup> عیسی از آن مردخواست که درمقابل همه بایستد. سپس رو به مخالفانش کرد و فرمود: «بنظر شما روز شنبه برای چیست؟ برای نیکی کردن است یا بدی کردن؟ برای نجات دادن جان است یا برای هلاک ساختن آن؟» هیچکس حرفی نزد.<sup>۵</sup> عیسی که از سنگدلی آنان به خشم آمده بود، نگاهی غضب‌آلود بر ایشان انداخت، و به آن مرد فرمود: «دستت را دراز کن!» مرد دستش را دراز کرد و همان لحظه شفا یافت.

۶:۳

متی ۱۶:۲۲

فریسیان بلافاصله از کنیسه خارج شدند و نزد افراد حزب «هیرودیان» رفتند و با یکدیگر مشورت کردند تا راهی بیابند که عیسی را بکشند.

۴:۳ عیسی کاری نیکو انجام داد، اما فریسیان او را متهم کردند که حکم مذهبی را زیر پا گذاشته است، آن حکمی که می‌گفت درمان بیماران در روز شنبه جز در مواردی که خطر مرگ وجود دارد، مجاز نمی‌باشد. در واقع باید چنین گفت که فریسیان عیسی را بخاطر شفای یک انسان، متهم به شکستن قانون روز شنبه می‌کردند، در حالیکه خودشان در همان زمان قتل‌ی را طرح‌ریزی می‌کردند. ۵:۳ عیسی از بی‌توجهی و سنگدلی فریسیان به خشم آمد. خشم به خودی خود اشتباه و گناه نیست. مسأله اینست که چه چیزی ما را خشمگین می‌سازد و ما با خشم خود چه می‌کنیم. ما اغلب خشم خود را به طرق خودخواهانه و مضر ابراز می‌کنیم. اما عیسی خشم خود را با عملی اصلاح‌گرانه ابراز کرد و دست آن مرد را شفا بخشید. شما نیز از خشم خود در راههای سازنده استفاده کنید و با دلشکسته کردن دیگران، مشکل را بزرگتر نکنید.

۶:۳ فریسیان یک گروه مذهبی یهودی بودند که با غیرت احکام عهد عتیق را بعمل می‌آوردند و سنن مذهبی خود را نیز اجرا می‌کردند. ایشان در جامعه بسیار محترم بودند، اما از عیسی نفرت داشتند زیرا او رفتار متکبرانه و انگیزه‌های پست ایشان را مورد سرزنش قرار می‌داد.

خدا از استراحت ما در روز سبت نفعی نمی‌برد، بلکه این ما هستیم که با استراحت و اندیشیدن به خدا، جسماً و روحاً تقویت می‌شویم. برای فریسیان، احکام مربوط به سبت مهم‌تر از علت وجودی سبت شده بود. اما داود و عیسی هر دو دریافته بودند که قصد واقعی حکم خدا، تحکیم محبت انسان نسبت به خدا و هموعان می‌باشد. هیچگاه حکمی را کورکورانه و بدون توجه به علل اعطای آن اجرا نکنید. روح حکم معمولاً مهم‌تر از ظاهر آنست. ۲:۳ رهبران یهود حتی پیش از این واقعه نیز به مخالفت با عیسی برخاسته بودند. ایشان به محبوبیت و معجزات و قدرت کلام عیسی حسادت می‌ورزیدند. آنان چنان به مقام اجتماعی و منافع خود وابسته بودند که وظیفه خود را بعنوان رهبران مذهبی فراموش کرده بودند، یعنی وظیفه هدایت مردم را بسوی خدا. ایشان بهتر از هر کس دیگری می‌توانستند ظهور مسیح را تشخیص دهند، اما از پذیرفتن او سر باز زدند زیرا حاضر نبودند از مقام و قدرت خود دست بکشند. وقتی عیسی حالت واقعی ایشان را برای ایشان آشکار کرد، بجای آنکه مسیح آنان گردد، تبدیل به دشمنشان شد. از اینرو رهبران مذهبی بر آن شدند که مردم را علیه او تحریک کنند و مانع محبوبیت روزافزون او گردند.

## جماعت بزرگی بدنبال عیسی می روند

(۴۷ / متی ۱۵:۱۲-۲۱)

<sup>۸۷</sup> در این ضمن، عیسی به همراه پیروانش بسوی ساحل دریاچه رفت و جمعی بیشمار از اهالی جلیل و یهودیه و اورشلیم و همچنین از سرزمین ادومیه و از آنطرف رود اردن، حتی از صور و صیدون به دنبالش روانه شدند، زیرا خبر معجزات او را شنیده بودند.<sup>۹</sup> جمعیت بقدری زیاد بود که به شاگردانش فرمود قایقی برایش آماده نگاه دارند تا اگر لازم شد سوار شده، از ازدحام مردم دور بماند،<sup>۱۰</sup> زیرا آن روز، بسیاری را شفا می بخشید، بطوری که تمام بیماران بسوی او هجوم می آوردند تا به او دست بزنند و شفا بیابند.<sup>۱۱</sup> کسانی نیز که گرفتار ارواح پلید بودند، وقتی چشمشان به او می افتاد، در مقابلش به خاک می افتادند و فریاد برآورده، می گفتند: «تو فرزند خدا هستی!»<sup>۱۲</sup> ولی عیسی با تأکید زیاد، به آنها می فرمود که نزد مردم او را شهرت ندهند.

۷:۳

متی ۱۵:۱۲-۲۱  
لو ۱۷:۱۶-۱۹

۱۱:۳

مر ۲۴:۲۵ و ۲۴:۳۴  
لو ۴:۴۱  
اعما ۱۶:۱۷ و ۱۶:۱۷

## عیسی دوازده حواری را انتخاب می کند

(۴۸ / لوقا ۱۲:۶-۱۶)

<sup>۱۳</sup> سپس عیسی به تپه‌ای برآمد و از آنانی که منظور نظرش بودند، دعوت کرد تا نزد او بروند.

<sup>۱۴</sup> او سپس، از میانشان دوازده نفر را برگزید تا شاگردان همیشگی او باشند و

۱۳:۳

متی ۲۰:۴-۲۱  
لو ۱۲:۶-۱۶

۱۴:۳

لو ۹:۱

آگاهی درباره عیسی و یا حتی ایمان به پسر خدا بودن او، تضمین کننده نجات نیست. انسان باید مایل باشد که از او پیروی و اطاعت کند.

<sup>۱۲:۳</sup> عیسی به ارواح پلید دستور می داد که در مقابل همه نگویند که او مسیح است زیرا آنها باعث ایجاد سوءتفاهم در اذهان مردم می شدند. مردم همه در جستجوی یک رهبر سیاسی و نظامی بودند تا ایشان را از سلطه رومیها رهایی دهد، و فکر می کردند که انبیای عهد عتیق یک چنین مسیحایی را وعده داده است. عیسی می خواست به مردم تعلیم دهد که مسیحای واقعی چگونه شخصیتی است، شخصیتی بسیار متفاوت از آنچه که ایشان گمان می بردند. این مسیحا خود او بود. حکومت او روحانی است. این ملکوت، نه با سقوط حکومتها، بلکه با سقوط قدرت گناه در قلب انسان آغاز می گردد.

<sup>۱۴:۳</sup> عیسی پیروان بسیاری داشت. او از میان آنان دوازده نفر را برگزید تا همراهان دائمی او باشند. عیسی ایشان را بخاطر ایمانشان برنگزید، زیرا ایمان آنان سست بود. او ایشان را بخاطر استعدادها و قابلیت‌هایشان برنگزید، زیرا

هیرودیان یک حزب سیاسی یهودی بودند که هدفشان بازگرداندن خاندان هیرودیس کبیر به سلطنت بود. عیسی برای ایشان نیز تهدیدی بشمار می رفت زیرا جاه طلبی‌های سیاسی ایشان را نکوهش می کرد. فریسیان و هیرودیان که معمولاً با یکدیگر دشمن بودند، علیه عیسی متحد شدند زیرا او درون ایشان را آنطور که بود آشکار می ساخت و قدرت و شهرتشان را مورد انتقاد قرار می داد.

<sup>۸۷ و ۳</sup> گر چه عیسی دشمنی رهبران مذهبی را برمی انگیزد، اما در همان حال محبوبیت فراوانی نزد مردم می یافت. برخی در مورد او کنجکاو بودند؛ برخی بدنبال شفا بودند؛ بعضی در جستجوی مدرکی علیه او بودند؛ و عده‌ای نیز واقعاً مایل بودند بدانند که آیا او مسیح است یا نه. اما اغلب بدرستی درک نمی کردند که چه اتفاقی در میانشان در حال تحقق است. امروزه نیز بسیاری عیسی را پیروی می کنند، به همان دلایل متعددی که ذکر شد. شما عیسی را بیشتر به چه دلیل پیروی می کنید؟

<sup>۱۱:۳</sup> ارواح پلید می دانستند که عیسی پسر خداست، اما مایل نبودند که از اهداف شرور خود دست بکشند. داشتن

ایشان را بفرستد که پیام خدا را به گوش مردم برسانند، بیماران را شفا دهند و ارواح پلید را بیرون کنند.

۱۶:۳  
یو ۴۲:۱

۱۷ و ۱۸ و ۱۹ آن دوازده نفر اینان هستند: شمعون (که عیسی او را «پطرس» لقب داد)؛ یعقوب و یوحنا (که پسران زبدي بودند و عیسی آنان را «پسران رعد» لقب داد)؛ اندریاس، فیلیپ، برتولما، متی، توما، یعقوب (پسر حلفی)، تدی، شمعون (عضو حزبی بود که برای برانداختن دولت روم در اسرائیل فعالیت می کرد)؛ و یهودا اسخریوطی (همان که بعداً به عیسی خیانت کرد).

### رهبران مذهبی عیسی را به همدستی با شیطان متهم می کنند

(۷۴ / متی ۲۲-۳۷)

۲۰:۳  
مر ۳۱:۶

۲۰ وقتی عیسی به خانه ای که محل اقامتش بود بازگشت، باز عده زیادی جمع شدند، بطوری که حتی فرصت غذا خوردن نیز پیدا نکرد. ۲۱ نزدیکانش با شنیدن این خبر آمدند تا او را به خانه اش ببرند، چون فکر می کردند عقلش را از دست داده است. ۲۲ عده ای از علمای دینی نیز که از اورشلیم آمده بودند، می گفتند: «شیطان که رئیس ارواح ناپاک است به جلدش رفته، و به همین دلیل روحهای ناپاک از او فرمان می برند.»

۲۲:۳  
متی ۲۳:۹ و ۲۵:۱۰ و  
۲۲-۲۳:۱۲  
لو ۱۱-۱۴:۲۳ و  
یو ۸:۵۲ و ۱۰:۲۰

۲۳ عیسی ایشان را خواست و مثلها زده، از ایشان پرسید: «چگونه ممکن است شیطان خودش را بیرون براند؟ ۲۴ مملکتی که بین مردمش دو دستگی ایجاد شود، نابود می شود. ۲۵ خانواده ای که بین اعضایش تفرقه باشد، از هم می پاشد.

۲۱:۳ جمعیتی که نزد عیسی گرد آمده بودند، آنقدر اشتیاق داشتند با او باشند که او حتی فرصت خوراک خوردن نیز نمی یافت. به همین علت، دوستان و خانواده اش از ناصره آمدند تا او را به خانه ببرند (آیات ۳۱ و ۳۲)، زیرا فکر می کردند که او در راه مذهب به افراط کشیده شده است. ایشان در فکر عیسی بودند، اما رسالت او را درک نمی کردند. حتی نزدیکترین افراد نیز هویت واقعی او را درک نکرده بودند. ۲۲:۳-۲۶ فریسیان نمی توانستند معجزات و قدرت مافوق طبیعی عیسی را منکر شوند. اما حاضر نبودند بپذیرند که قدرت عیسی از جانب خداست، زیرا در اینصورت می بایست او را بعنوان مسیحا بپذیرند. غرورشان اجازه چنین کاری را به ایشان نمی داد. بنابراین، برای آنکه شهرت او را در میان مردم لکه دار سازند، ادعا کردند که قدرت او از جانب شیطان است. از پاسخ عیسی در آیات ۲۳ تا ۲۶ متوجه می شویم که استدلال رهبران یهود بی معنی می باشد.

هیچیک از آنان قابلیت خارق العاده ای نداشت. این افراد از زمینه ها و تجربیات گوناگونی بودند، اما ظاهراً از آنانی که برگزیده نشده بودند، از قدرت رهبری بیشتری برخوردار نبودند. اما خصوصیتی که در همه ایشان مشترک بود، اشتیاقشان به پیروی و اطاعت از مسیح بود. پس از صعود عیسی به آسمان، ایشان از روح القدس پر شده، نقش حساسی را در رشد و گسترش کلیسای اولیه ایفا کردند. ما نیز نباید بخاطر نداشتن قابلیت های خاص، خود را از خدمت به مسیح کنار بکشیم. شاگرد خوب آنست که برای پیروی از مسیح اشتیاقی قلبی داشته باشد.

۱۴:۳-۱۶ چرا عیسی دوازده نفر را برگزید؟ عدد دوازده به دوازده قبیله یا سبط اسرائیل مربوط می شود (متی ۲۸:۱۹) و تداوم و پیوستگی میان نظام مذهبی قدیم و جدید را که بر پیام مسیح استوار بود، نشان می داد. عده بسیاری مسیح را پیروی می کردند، اما این دوازده نفر آموزش مخصوص و سنگین تری را گذراندند. تأثیر این افراد در بقیه قسمتهای عهد جدید کاملاً مشهود است.

<sup>۲۶</sup> و اگر شیطان با خودش می‌جنگید، قادر به انجام هیچ کاری نمی‌شد و تابحال نابود شده بود. <sup>۲۷</sup> در واقع، کسی نمی‌تواند وارد خانه شخصی نیرومند شود و دارایی و اموالش را غارت کند، مگر اینکه اول آن شخص را ببندد و بعد به غارت بپردازد. برای بیرون کردن ارواح پلید نیز باید اول شیطان را بست. <sup>۲۸</sup> عین حقیقت را به شما می‌گویم که هر گناهی که انسان مرتکب شود، قابل بخشش می‌باشد، حتی اگر کفر به من باشد. <sup>۲۹</sup> ولی اگر کسی به روح‌القدس کفر گوید، خدا هرگز او را نخواهد بخشید و بار این گناه تا ابد بر دوش او خواهد ماند. <sup>۳۰</sup> عیسی این را به این علت گفت که مردم بجای اینکه معجزات او را ناشی از قدرت روح‌القدس بدانند، می‌گفتند که او بقدرت شیطان معجزه می‌کند.

### عیسی خانواده حقیقی خود را تشریح می‌کند

(۷۶/ متی ۱۲:۴۶-۵۰؛ لوقا ۸:۱۹-۲۱)

<sup>۳۱</sup> آنگاه مادر و برادران عیسی آمدند و بیرون آن خانه شلوغ، منتظرش شدند و کسی را فرستادند تا او را خبر کند. <sup>۳۲</sup> در حالیکه عیسی در میان عده‌ای نشسته بود، به او پیغام داده، گفتند: «مادر و برادرانت بیرون منتظر هستند.» <sup>۳۳</sup> در پاسخ ایشان فرمود: «مادر من کیست؟ برادرانم چه کسانی هستند؟» <sup>۳۴</sup> و نگاهی به آنانی که در اطرافش نشسته بودند، انداخت و فرمود: «اینان مادر و برادرانم هستند.» <sup>۳۵</sup> هر که خواست خدا را بجا آورد، او برادر و خواهر و مادر من است.»

۲۶:۳

متی ۱۰:۴

۲۷:۳

اش ۲۴:۴۹ و ۲۵

۲۹:۳

لو ۱۰:۱۲

ایو ۱۶:۵

۳۱:۳

متی ۱۲:۴۶-۵۰ و ۵۵:۱۳

مر ۳:۶

لو ۸:۱۹-۲۱

یو ۳:۷-۵

۳۴:۳

روم ۲۹:۸

عبر ۱۱:۲

عیسی بدنیا آوردند. اما بسیاری از مسیحیان به سنت قدیمی معتقدند که طبق آن، عیسی یگانه فرزند مریم است. اگر چنین باشد، منظور از برادران عیسی احتمالاً پسران عم او می‌باشد (در آن زمان اینان برادر خوانده می‌شدند). همانگونه که در آیه ۲۱ دیده می‌شود، خانواده عیسی هنوز کاملاً به او ایمان نیاورده بودند. عیسی توضیح داد که روابط ما در خانواده روحانی ما، در نهایت بسیار مهم‌تر از روابط موجود در خانواده جسمانی ما می‌باشد.

**۳۳-۳۴:۳** خانواده خدا به روی همه باز است و هیچکس را رد نمی‌کند. گرچه عیسی نسبت به مادر و برادرانش توجه نشان می‌داد، اما همان توجه را به دوستداران خود نیز مبذول می‌داشت. او تبعیض قائل نبود؛ او به همه این امتیاز را می‌بخشید که خدا را اطاعت کنند و عضو خانواده او گردند. او به ما می‌آموزد که چگونه با سایر ایمانداران رابطه‌ای جدید برقرار کنیم. در دنیای کامپیوتری و بی‌عاطفه ما، رابطه گرم میان اعضای خانواده خدا اهمیت خاصی می‌یابد. کلیسا می‌تواند توجه و عاطفه انسانی را که در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود، در اختیار افراد قرار دهد.

**۲۷:۳** گرچه خدا اجازه می‌دهد که شیطان در دنیای ما فعالیت کند، اما او خود همه چیز را تحت کنترل دارد. عیسی به این دلیل که پسر خداست، بر شیطان نیز قدرت دارد. او می‌تواند ارواح پلید را بیرون کرده، به کار مخرب آنها در زندگی انسانها خاتمه بخشد. یک روز شیطان برای همیشه بسته خواهد شد تا دیگر نتواند به شرارت خود در دنیا ادامه دهد (مکاشفه ۱۰:۲۰).

**۲۹ و ۲۸:۳** گاهی اوقات مسیحیان از خود می‌پرسند که شاید گناه کفر به روح‌القدس را مرتکب شده‌اند. لازم نیست مسیحیان درباره این گناه نگران باشند زیرا این، یک حالت قلبی است که خود را در بی‌ایمانی و بی‌میلی به توبه جلوه گر می‌سازد. رد کردن عمدی و مداوم کار روح‌القدس کفر است زیرا این کار یعنی رد کردن خود خدا. رهبران مذهبی عیسی را به کفر متهم ساختند، اما جالب اینجاست که ایشان در همان حال که به چهره عیسی می‌نگریستند و او را شیطان می‌خواندند، خودشان مرتکب کفر می‌شدند.

**۳۵-۳۱:۳** مادر عیسی مریم بود (لوقا ۱:۳۰ و ۳۱) و برادران او احتمالاً سایر فرزندان بودند که مریم و یوسف بعد از تولد

## عیسی حکایت چهار نوع زمین را بیان می کند

(۷۷/ متی ۱۳: ۹-۱۰؛ لوقا ۸: ۴-۸)

۱:۴  
متی ۱۳: ۱-۲۳  
لو ۸: ۴-۱۵

۴ بار دیگر عیسی در کنار دریاچه به تعلیم مردم پرداخت و جمعیتی بزرگ نزدش گرد آمدند، بطوری که مجبور شد در قایقی بنشیند و کمی از ساحل فاصله بگیرد و از همانجا با مردم سخن گوید. او وقتی می خواست چیزی به مردم بیاموزد، معمولاً آن را بصورت داستان بیان می کرد. مثلاً یکبار این داستان را نقل کرد:

۳ «گوش کنید! روزی کشاورزی رفت تا در مزرعه اش تخم بکارد. ۴ هنگامی که تخم می پاشید، مقداری از تخمها در جاده افتادند و پرنده ها آمده، آنها را از آن زمین خشک برداشتند و خوردند. ۵ و مقداری نیز روی خاکی افتادند که زیرش سنگ بود؛ به همین خاطر زود سبز شدند، ولی طولی نکشید که زیر حرارت آفتاب سوختند و از بین رفتند، چون ریشه محکمی نداشتند. ۶ بعضی از تخمها نیز در میان خارها ریخت؛ خارها دور آنها را گرفتند و نگذاشتند ثمری بدهند. ۷ اما مقداری از تخمها در زمین خوب و حاصلخیز افتادند و سی برابر زیادتر و بعضی ها تا شصت و حتی صد برابر ثمر دادند. ۸ اگر گوش دارید، گوش کنید!»

۹:۴  
مر ۲۳: ۴

## عیسی حکایت چهار نوع زمین را تشریح می کند

(۷۸/ متی ۱۳: ۱۰-۱۱؛ لوقا ۸: ۹-۱۸)

۱۰ پس از آن، وقتی آن دوازده نفر و سایر پیروانش با او تنها بودند، از او پرسیدند: «منظور از این داستان چه بود؟»

مزارع مکانیزه امروزی، رشد نمی کرد. کشاورز هر چقدر ماهر بود، نمی توانست از ریختن بذر در راه یا در میان سنگها و خارها و یا قرار گرفتن در معرض باد جلوگیری کند. با اینحال او آزادانه بذر را می پاشید و مقدار زیادی بر زمین خوب می ریخت و محصول بیار می آمد.

۹:۴ ما معمولاً با گوشه ایمان می شنویم، اما نوع عمیق تری از شنیدن نیز وجود دارد که با فکر و قلب صورت می گیرد. این نوع شنیدن، برای درک حقایق روحانی از کلام مسیح ضرورت دارد. در میان آن جماعت، عده ای بودند که بدنال مدرکی می گشتند تا علیه عیسی بکار برند؛ برخی نیز واقعاً مایل بودند چیزی بیاموزند و رشد کنند. سخنان عیسی خطاب به جویندگان صادق بود.

۲:۴ عیسی با بیان داستان که مثل یا حکایت نیز نامیده می شود، مردم را تعلیم می داد. در این گونه مثل یا حکایتها، از صحنه های عادی و روزمره برای تشریح حقایق عمیق روحانی استفاده می شود. این روش آموزش، شنونده را وادار به تفکر می کند. در ضمن حقیقت را از آنانی که نسبت به پذیرش تعلیم سرسخت هستند، می پوشاند. اغلب مثلها حاوی یک نکته اصلی است؛ از اینرو باید مراقب باشیم از آنچه که مسیح در نظر داشت تعلیم دهد، فراتر نرویم.

۳:۴ در آن روزگار، بذر را بادست می کاشتند و بادست نیز درو می کردند. کشاورز در طول مزرعه حرکت می کرد و بذر را از کیسه بزرگی که بر دوش می کشید، با مشت بر زمین می پاشید. به این ترتیب گیاه در ردیفهای مرتب، مانند

۱۱ عیسی جواب داد: «خدا به شما این اجازه را عطا فرموده تا اسرار ملکوتش را درک نمایید. ولی برای آنانی که از من پیروی نمی کنند، باید همه چیزها را به صورت مُعَمَا و مثل بیان کرد. ۱۲ همانطور که یکی از پیامبران فرموده: با اینکه می بینند و می شنوند، اما چیزی درک نمی کنند و بسوی خدا بر نمی گردند تا خدا گناهانشان را ببخشد.»

۱۳ سپس به ایشان گفت: «اگر منظور این مَثَل را درک نکردید، مَثَلهای دیگر را که خواهم گفت، چگونه خواهید فهمید؟ ۱۴ منظور از کشاورز کسی است که پیام خدا را مانند تخم در دل مردم می کارد. ۱۵ آن جاده خشک که بعضی تخمها بر آن افتاد، دل سنگ کسانی است که پیام خدا را می شنوند، ولی چون قلبشان سخت است، فوراً شیطان می آید و آنچه را کاشته شده است می رباید. ۱۶ خاکی که زیرش سنگ بود، دل کسانی است که با خوشحالی پیام خدا را می شنوند. ۱۷ ولی مانند آن نهال تازه، چون ریشه عمیقی نمی دوانند، دوام نمی آورند. اینها گرچه اول خوب پیش می روند ولی همینکه بخاطر کلام آزار و اذیتی ببینند، فوری ایمان خود را از دست می دهند. ۱۸ زمینی که از خارها پوشیده شده بود، مانند قلب اشخاصی است که پیام را قبول می کنند، ۱۹ اما چیزی نمی گذرد که گرفتاریهای زندگی، عشق به ثروت، شهرت طلبی و علاقه به چیزهای دیگر آنقدر فکرشان را مشغول می کند که دیگر جایی برای پیام خدا در قلبشان باقی نمی ماند؛ در نتیجه هیچ ثمرهای به بار نمی آید. ۲۰ و اما زمین خوب و حاصلخیز، دل انسانهایی است که پیام خدا را با جان و دل می پذیرند و در مقابل، سی برابر، شصت و حتی صد برابر ثمر می دهند.»

۲۱ سپس از ایشان پرسید: «چراغی را که روشن می کنند، آیا زیر جعبه یا تخت

۱۲و۱۱:۴

اش ۹:۶ و ۱۸:۴۴

ار ۲۱:۵

یو ۳۹:۱۲ و ۴۰

اعما ۲۸:۲۶ و ۲۷

روم ۸:۱۱

اقرن ۱۰:۲

۱۴:۴

افس ۸:۳

یعقو ۱:۱۸

۱ پط ۲۳:۱-۲۵

۱۵:۴

۲ قرن ۴:۴

۱ پط ۸:۵

۱۹:۴

امت ۲۳:۴ و ۵

لو ۲۴:۱۸

۱ تیمو ۶:۹ و ۱۷و۱۰

۱ یو ۱۵:۲ و ۱۶

۲۰:۴

یو ۵:۱۵

۲۱:۴

متی ۱۵:۵

لو ۱۶:۸-۱۸ و ۳۳:۱۱

آینده تان، اراده خدا را پذیرا باشید، اما در خصوص نحوه خرج کردن پولتان خواست او را نپذیرید. ممکن است در زمینه پرستش خدا مانند زمین خوب واکنش نشان دهید، اما در خصوص کمک به نیازمندان، مانند زمین سنگلاخ باشید. ما باید بخواهیم که در همه زمینه های زندگی مان و در هر وقت، مانند زمین خوب باشیم.

۲۱:۴ اگر چراغی انسان را در دیدن اطراف خود یاری ندهد، به درد نمی خورد. آیا زندگی شما بگونه ای هست که دیگران را بسوی خدا هدایت کند و باعث شود ایشان با خدا زندگی کنند؟ اگر چنین نیست از خود سؤال کنید که چه «جعبه هایی» نور شما را پنهان کرده اند. راحت طلبی، نفرت، سختدلی یا ناطاعتی، جعبه هایی هستند که مانع تابیدن نور شما بر دیگران می گردد.

۲۴-۲۱:۴ نور تعالیم مسیح بر ما می تابد و از ما مخفی

۱۲و۱۱:۴ برخی افراد حقایق الهی را درک نمی کنند زیرا برای آن آمادگی ندارند. خدا حقایق روحانی را برای کسانی آشکار می سازد که آماده اند به آن عمل کنند و آن را در زندگی شان جلوه گر سازند. وقتی درباره خدا با دیگران سخن می گوئید، بدانید که اگر آمادگی نداشته باشند، گفته های شما را درک نخواهند کرد.

۲۰-۱۴:۴ چهار نوع زمین نشان دهنده چهار نوع واکنشی است که مردم در مقابل کلام خدا نشان می دهند. معمولاً تصور می شود که عیسی به چهار دسته از انسانها اشاره می کند. اما حکایت و سخنان عیسی می تواند اشاره باشد به (۱) دوره ها و مراحل مختلف زندگی شخص، و یا (۲) اینکه ما چگونه پیام خدا را برای بعضی قسمتهای زندگی مان می پذیریم و برای بعضی دیگر آن را رد می کنیم. بعنوان مثال ممکن است شما در مورد

## دوازده

نام	شغل	خصلت مهم	اتفاق مهم در زندگی او
شمعون پطرس (پسر یونا)	ماهگیر	بدون فکر عمل می‌کرد. بعدها تبدیل به واعظ شجاع عیسی گردید.	او یکی از سه شاگرد مقرب عیسی بود. او مسیح بودن عیسی را پذیرفت. عیسی را انکار کرد، اما بعد توبه نمود. او در روز پنتیکاست موعظه کرد. یکی از رهبران کلیسای اورشلیم بود. غیریهودیان را تمهید داد. رسالات اول و دوم پطرس را نوشت.
یعقوب پسر زبدي او و برادرش یوحنا، پسران رعده نامیده شدند.	ماهگیر	جاه طلب بود و زود عصبانی می‌شد. سریع قضاوت می‌کرد. عمیقاً نسبت به عیسی متعهد بود.	او نیز از شاگردان مقرب بود. او و برادرش یوحنا از عیسی خواستند تا مقام مهمی در ملکوت او داشته باشند. خواهان آن شد که آتش بر دهکده سامریان بیارد. اولین شاگردی بود که شهید شد.
یوحنا پسر زبدي و برادر یعقوب. شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت.	ماهگیر	جاه طلب بود و سریع قضاوت می‌کرد. بعدها بسیار مهربان شد.	سومین شاگرد مقرب عیسی. از عیسی مقام مهمی در ملکوت او خواست. خواهان آن شد که بر دهکده سامریان آتش بیارد. یکی از رهبران کلیسای اورشلیم. نویسنده انجیل یوحنا، رسالات ۱ و ۲ و ۳ یوحنا و کتاب مکاشفه.
اندریاس (برادر پطرس)	ماهگیر	مشتاق بود که دیگران را بسوی مسیح بیاورد.	شهادت یحیای تمهیددهنده را درباره عیسی پذیرفت. با پطرس درباره عیسی سخن گفت. او و فیلیپ به عیسی گفتند که یونانیان می‌خواهند او را ببینند.
فیلیپ	ماهگیر	دارای روحی پرسشگر بود.	درباره عیسی با نثنائیل سخن گفت. نمی‌دانست چگونه عیسی می‌تواند ۵۰۰۰ نفر را خوراک دهد. از عیسی خواست تا خدای پدر را به ایشان نشان دهد. او و اندریاس به عیسی گفتند که یونانیان طالب دیدارش هستند.
بر تو لما (نثنائیل)	نامعلوم	صداقت و درستکاری	ابتداء عیسی را بخاطر اینکه اهل ناصره بود رد کرد. اما وقتی او را دید، پذیرفت که او «پسر خدا» و «پادشاه اسرائیل» است.
متی (لاوی)	مأمور جمع‌آوری مالیات	بخاطر شغل ننگینش، مطرود جامعه بود.	برای پیروی عیسی از شغل کثیف اما پردرآمد خود دست کشید. عیسی را به ضیافتی که دوستان بدکارش حضور داشتند، دعوت کرد. انجیل متی را نوشت.
توما (دوقلو)	نامعلوم	شجاعت و شک	به شاگردان گفت که همگی همراه عیسی به بیت‌عنیا بروند حتی اگر خطر مرگ در انتظارشان باشد. از عیسی پرسید که کجا می‌رود. حاضر نبود بپذیرد که عیسی قیام کرده، مگر آنکه او را زنده ببیند و زخمهایش را لمس کند.
یعقوب (پسر حلفی)	نامعلوم	نامعلوم	یکی از شاگردان عیسی بود.
ندی یهودا، پسر یعقوب	نامعلوم	نامعلوم	از عیسی پرسید که چرا خود را به شاگردان نشان خواهد داد اما نه به جهان.
شمعون غیور	نامعلوم	وطن پرستی شدید	شاگرد عیسی بود.
یهودا اسخربوطی	نامعلوم	مقلب و طمعکار	یکی از شاگردان عیسی بود. به عیسی خیانت کرد. خود را کشت.

شاگردان وفادار عیسی، افرادی عادی بودند که بخاطر عیسی مسیح تبدیل به افرادی خارق‌العاده شدند. باوجود اینکه ایشان شخصیت عیسی را در طول زندگی او، دقیقاً درک نکرده بودند، اما پس از زنده شدن او، شاهدان قدرتمند قیام او گردیدند. زندگی آنان در اثر قدرت الهی دگرگون شد. ماجرای زندگی شاگردان عیسی به انجیل ختم نمی‌شود، بلکه در کتاب اعمال رسولان و بسیاری از رسالات ادامه می‌یابد.

## شاگرد

آیات برگزیده	درس مهم از زندگی او	آنچه عیسی درباره او گفت
متی ۱۸:۴-۲۰ مرقس ۲۹:۸-۳۳ لوقا ۳۱:۲۲-۳۴ یوحنا ۱۵:۱۹-۱۹ اعمال ۱۴:۴۱ و ۱:۱۰ تا ۱۸:۱۱	مسیحیان گاه دچار لغزش می‌شوند. اما وقتی بسوی عیسی باز می‌گردند، او ایشان را می‌بخشد و ایمانشان را تقویت می‌کند.	او را پطرس یعنی صخره نامید. او را «شیطان» نامید زیرا می‌خواست عیسی را از صلیب منع کند. گفت که صیادانسانها خواهد شد. از خدا مکاشفه دریافت کرد. گفت که او را انکار خواهد کرد اما بعدها بخاطر ایمان مصلوب خواهد شد.
مرقس ۱۷:۳ مرقس ۳۵:۱۰-۴۰ لوقا ۵۲:۹-۵۶ اعمال ۱۲:۱۲ و ۱۰	مسیحیان باید مایل باشند که در راه عیسی بمیرند.	یعقوب و یوحنا را «پسران رعد» نامید. گفت که ایشان صیاد انسانها خواهند شد؛ از جام او خواهند نوشید؛ و از قلب خود بیخبر هستند.
مرقس ۱۹:۱ و ۳۵:۱۰-۴۰ لوقا ۵۲:۹-۵۶ یوحنا ۲۶:۱۹ و ۲۴ یوحنا ۲۰:۲۱-۲۴	محبت مسیح حاضر است تا همه را دگرگون سازد.	یعقوب و یوحنا را «پسران رعد» نامید. گفت که صیاد انسانها خواهد شد؛ از جام عیسی خواهد نوشید؛ و از قلب خود بیخبر است. عیسی از او خواست تا از مادرش مراقبت کند.
متی ۱۸:۴-۲۰ یوحنا ۱:۳۵-۴۲ و ۶:۸ و ۹ ۲۰:۱۲-۲۲	مسیحیان باید درباره عیسی با دیگران سخن گویند.	گفت که صیاد جانهای انسانها خواهد شد.
متی ۱۰:۳ یوحنا ۱:۴۳-۴۶ و ۲:۶-۷ یوحنا ۲۰:۱۲-۲۲ و ۸:۱۴-۱۱	خدا از سؤالات ما استفاده می‌کند تا ما را تعلیم دهد.	از فیلیپ پرسید که آیا درک کرده است که شناختن و دیدن او، مساوی با شناختن و دیدن پدر است.
مرقس ۳:۱۸ یوحنا ۱:۴۵-۵۱ و ۲۱:۱-۱۳	عیسی صداقت را دوست دارد، حتی اگر انسان بخاطر آنها به برخی واقعیتها شک کند.	عیسی او را «مردی شریف» و «اسرائیلی واقعی» نامید.
متی ۹:۹-۱۳ مرقس ۱۵:۲-۱۷ لوقا ۵:۲۷-۳۲	مسیحیت برای کسانی نیست که خود را نیک می‌پندارند، بلکه برای آنانی است که خود را گناهکار دانسته، خواهان کمک می‌باشند.	او را به پیروی از خود دعوت کرد.
متی ۱۰:۳ یوحنا ۱۴:۵ و ۲۴:۲۹-۲۹ یوحنا ۱:۲۱-۱۳	حتی زمانی که مسیحیان دچار شک و تردید جدی می‌شوند، عیسی بسراغشان می‌آید تا ایمانشان را تقویت کند.	عیسی گفت که ایمان تو ما در اثر دیدن او بعد از قیامتش بوده است.
متی ۳:۱۰ ؛ مرقس ۱۸:۳ ؛ لوقا ۱۵:۶	نامعلوم	نامعلوم
متی ۳:۱۰ ؛ مرقس ۱۸:۳ ؛ یوحنا ۱۴:۲۲	مسیحیان عیسی را بخاطر ایمان به او پیروی می‌کنند، حتی اگر جزئیات نقشه خدا را درک نکنند.	نامعلوم
متی ۱۰:۴ مرقس ۱۸:۳ لوقا ۱۵:۶	اگر حاضر باشیم نقشه‌های خود را برای آینده رها کنیم، خواهیم توانست در نقشه‌های عیسی شریک شویم.	نامعلوم
متی ۲۰:۲۶-۲۵ ؛ لوقا ۲۲:۴۷ و ۴۸ ؛ یوحنا ۴:۱۲-۸	آشنایی با تعالیم عیسی کافی نیست. پیروان حقیقی عیسی او را دوست می‌دارند و مطیع او هستند.	عیسی او را «فرزند هلاکت» نامید، و خیانت او را پیشگویی کرد.



پنهان می‌نمایند؟ نه، بلکه آن را روی پایه می‌گذارند تا نورش بر همه بتابد.  
 ۲۲ همینطور نیز هر چه پنهان و نادانسته است، روزی آشکار و واضح خواهد شد.  
 ۲۳ اگر گوش شنوا دارید، گوش کنید.  
 ۲۴ «دقت کنید تا آنچه را که می‌شنوید، انجام دهید. چون هر چقدر در انجام آنها  
 بکوشید، سخنانم را بهتر درک خواهید کرد. ۲۵ زیرا هر که چیزی داشته باشد،  
 باز هم به او بیشتر عطا خواهد شد؛ و کسی که چیزی نداشته باشد، حتی چیز  
 کمی هم که دارد از او گرفته خواهد شد.»

### عیسی حکایت رشد بذر را بیان می‌کند

(۷۹)

۲۶ «حال، داستان دیگری تعریف می‌کنم تا بدانید ملکوت خدا چگونه است:  
 کشاورزی در مزرعه‌اش تخم پاشید و رفت. ۲۷ روزها گذشت و کم‌کم تخم سبز شد  
 و رشد کرد بدون آنکه کشاورز بداند چگونه این امر اتفاق افتاد. ۲۸ زیرا زمین بدون  
 کمک کسی، خودش تخم را به ثمر می‌آورد. یعنی اول ساقه بالا می‌آید، بعد خوشه  
 درست می‌شود، و بعد از آن دانه کامل در خوشه ایجاد می‌شود. ۲۹ و وقتی ثمر رسید،  
 کشاورز داس را برمی‌دارد تا محصول را درو کند.»

### عیسی حکایت دانه خردل را بیان می‌کند

(۸۱ / متی ۱۳:۳۱ و ۳۲)

۳۰ سپس گفت: «چطور می‌توانم ملکوت خدا را برای شما تشریح کنم؟ با چه مثلی  
 آن را برایتان شرح دهم؟ ۳۱ و ۳۲ مانند دانه خردل است که گرچه یکی از کوچکترین  
 دانه‌هاست، ولی وقتی کاشته شد، از همه گیاهان بزرگتر می‌شود و شاخه‌های بلند  
 می‌آورد، بطوری که پرندگان می‌توانند زیر سایه‌اش آشیانه کنند.»

رشد روحانی، امری است دائمی و تدریجی و در فصل  
 برداشت محصول یعنی در بلوغ روحانی به کمال می‌رسد.  
 برای درک فرایند رشد روحانی، باید آن را با رشد  
 تدریجی اما قطعی گیاه مقایسه کرد.

۳۰:۴-۳۲ عیسی با این مثل، تشریح کرد که گرچه  
 مسیحیت در آغاز بسیار کوچک می‌باشد، اما بتدریج  
 تبدیل به جامعه‌ای جهانی متشکل از ایمانداران خواهد شد.  
 وقتی، به هنگام مبارزه در راه مسیح، خود را تنها احساس  
 می‌کنید، به یاد آورید که خدا در حال بنای ملکوتی  
 جهانی است. او در تمام نقاط جهان پیروان وفاداری دارد؛  
 و ایمان شما، هرچقدر هم کوچک باشد، می‌تواند به  
 ایمان دیگران پیوندد تا کارهای بزرگ انجام دهد.

نیست. اما ممکن است قادر نباشیم تمام حقایق آن را  
 در حال حاضر ببینیم یا درک کنیم. فقط با اجرای  
 تعالیم الهی است که می‌توانیم حقیقت را بیشتر درک  
 کنیم و ببینیم. حقیقت آشکار است، اما توانایی درک  
 ما ناقص می‌باشد. با اطاعت از کلام خدا، می‌توانیم  
 دید خود را تقویت کنیم و درک خود را افزایش  
 دهیم (یعقوب ۱:۲۲-۲۵).

۲۵:۴ معنی این آیه اینست که ما باید از آنچه داریم،  
 بخوبی استفاده کنیم. مهم نیست که چقدر داریم؛ مهم  
 اینست که با آنچه داریم، چه می‌کنیم.  
 ۲۶:۴-۲۹ این حکایت یا مثل که مربوط به ملکوت  
 خداست، فقط در انجیل مرقس آمده، و نشان می‌دهد که

۲۲:۴

متی ۲۶:۱۰

لو ۲:۱۲

۲۳:۴

متی ۱۵:۱۱ و ۴۳:۱۳

۲۵:۴

متی ۱۲:۱۳ و ۲۹:۲۵

لو ۳۸:۶ و ۲۶:۱۹

قرن ۲:۶-۹

۲۷ و ۲۶:۴

اقرن ۷ و ۶:۳

۲۹ و ۲۸:۴

متی ۳۸ و ۳۷:۹

یو ۳۵:۴

اقرن ۳۸-۳۶:۱۵

مکا ۱۵:۱۴

۳۰:۴

متی ۳۱:۱۳ و ۳۲

لو ۱۹ و ۱۸:۱۳

۳۱ و ۳۰:۴

حز ۲۲:۱۷ و ۲۳

۳۳ او پیام خدا را تا آنجا که مردم می‌توانستند بفهمند، بصورت داستان و با تمثلهای بسیار برای ایشان بیان می‌فرمود. ۳۴ در واقع عیسی همیشه بصورت داستان و مثل به مردم تعلیم می‌داد. ولی وقتی با شاگردانش تنها می‌شد، معنی تمام آنها را به ایشان می‌گفت.

### عیسی طوفان دریا را آرام می‌کند

(۸۷/ متی ۸: ۲۳-۲۷ ؛ لوقا ۸: ۲۲-۲۵)

۳۵ غروب آن روز، عیسی به شاگردانش فرمود: «به کنارهٔ دیگر دریاچه برویم.» ۳۶ پس آن عده‌ای را که در ساحل گرد آمده بودند، روانه کردند و با همان قایقی که عیسی در آن نشسته بود، به راه افتادند. البته عده‌ای نیز با قایقهای دیگر همراهشان رفتند. ۳۷ چیزی نگذشت که طوفانی شدید در گرفت. امواج سهمگین، قایق را آنچنان در هم می‌کوبید که نزدیک بود از آب پر شده، غرق شود. ۳۸ اما عیسی در انتهای قایق آسوده خاطر، سر را بر بالشی گذاشته و خوابیده بود. شاگردان سراسیمه او را بیدار کردند و گفتند: «استاد، استاد، داریم غرق می‌شویم. اصلاً هیچ به فکر ما نیستید؟!» ۳۹ او برخاست و به باد و دریا فرمان داد: «آرام شو!» همان لحظه باد از وزیدن باز ایستاد و همه جا آرامی کامل برقرار شد. ۴۰ عیسی به شاگردانش فرمود: «چرا اینقدر ترسیده بودید؟ آیا هنوز هم به من اعتماد ندارید؟» ۴۱ ایشان در حالیکه ترس سراسر وجودشان را فرا گرفته بود، به یکدیگر

۲۳:۴  
متی ۱۳: ۳۴ و ۳۵  
۲۴:۴  
یو ۱۰: ۶ و ۲۵: ۱۶

۳۵:۴  
متی ۲۳: ۲۷-۲۸  
لو ۲۲: ۲۵-۲۸

۳۹:۴  
ایو ۱۱: ۳۸  
مز ۷: ۶۵ و ۹: ۲۹ و ۴۹: ۹۳

۴۱:۴  
مز ۸: ۳۳ و ۹: ۱۰

۴۰-۳۸:۴ شاگردان وحشت کرده بودند زیرا طوفان همگی ایشان را تهدید به مرگ می‌کرد؛ و در این میان بنظر می‌رسید که عیسی بی‌توجه به خطر، خوابیده است. طوفانی که ایشان با آن مواجه بودند، طوفانی فیزیکی بود، اما طوفان به اشکال دیگر نیز ظاهر می‌شود. به طوفانهای زندگی خود که موجب نگرانیهای شدید می‌شود، فکر کنید. مشکل شما هرچه باشد، دو راه بیشتر ندارید. می‌توانید غصه بخورید و فکر کنید که عیسی دیگر توجهی به شما ندارد، یا می‌توانید با ترس مقابله کنید و به او توکل نمایید. هنگامی که احساس وحشت می‌کنید، نیاز خود را به خدا اعتراف کنید و اعتماد داشته باشید که او از شما مراقبت خواهد کرد.

۴۱:۴ شاگردان با عیسی زندگی می‌کردند اما قدرت او را نمی‌شناختند. آنان درک نمی‌کردند که قدرت عیسی برای شرایط و موقعیت ایشان نیز کارگر است. اکنون بیست قرن است که بشریت، عیسی را با خود دارد، اما هنوز هم ما، مانند شاگردان، قدرت او را برای حل بحرانهای زندگی مان کوچک می‌شماریم. شاگردان هنوز عیسی را خوب

۳۴ و ۳۳:۴ عیسی برای تعلیم مردم، روشی را در پیش می‌گرفت که با قابلیت درک و میل به فهم شنوندگان انطباق داشته باشد. او از بیان مثل، برای مغشوش کردن فکر مردم استفاده نمی‌کرد، بلکه می‌خواست از این راه، جویندگان صمیمی را به کشف مفهوم واقعی سخنانش ترغیب نماید. بسیاری از تعالیم عیسی، بر ضد ریاکاری و انگیزه‌های ناپاک بود، یعنی خصایصی که در رهبران مذهبی وجود داشت. اگر عیسی مستقیماً علیه رهبران مذهبی سخن می‌گفت، خدمت او در میان مردم با مانع مواجه می‌شد. آنانی که واقعاً به عیسی گوش فرا می‌دادند، می‌دانستند که او درباره چه سخن می‌گوید.

۳۷ و ۳۸:۴ دریاچه جلیل حدود ۲۲۷ متر زیر سطح دریا قرار دارد و کوه و تپه آن را احاطه کرده است. بادی که در خشکی می‌وزد، وقتی به دریاچه می‌رسد، شدیدتر می‌شود و طوفانی سهمگین و غیرمنتظره بوجود می‌آورد. شاگردان عیسی ماهیگیرانی ماهر بودند و تمام عمر خود را صرف ماهیگیری در این دریاچه بزرگ کرده بودند، اما این طوفان باعث وحشت ایشان شده بود.

می گفتند: «این دیگر چگونه انسانی است که حتی باد و دریا هم اطاعتش می کنند!»

### عیسی ارواح ناپاک را به داخل خوگها می فرستد

(متی ۸:۲۸-۳۴ ؛ لوقا ۸:۲۶-۳۹)

۱:۵  
متی ۸:۲۸-۳۴  
لو ۸:۲۶-۳۹

به این ترتیب به آنطرف دریاچه، به سرزمین جدریها رسیدند. **۵** آهنگامی که عیسی پا به ساحل می گذاشت، شخصی که گرفتار روح ناپاک بود از قبرستان بیرون آمد و بسوی او دوید. <sup>۳</sup> این مرد همیشه در قبرستان بسر می برد، و هیچکس نمی توانست حتی با زنجیر نیز او را ببندد، <sup>۴</sup> چون بارها او را به زنجیر کشیده و دست و پایش را نیز در کُنده بسته بودند، ولی زنجیرها را پاره کرده و کُندهها را هم شکسته بود. او بقدری نیرومند بود که کسی نمی توانست او را رام کند. <sup>۵</sup> روز و شب در کوهستان و قبرستان نعره می کشید و خود را به سنگهای تیز می زد و زخمی می کرد.

۸:۷:۵  
لو ۸:۲۸  
اعما ۱۷:۱۶  
عبر ۱:۷

وقتی عیسی را از دور دید، دوان دوان خود را به او رساند و در مقابلش به خاک افتاد. <sup>۷</sup> عیسی به روح ناپاکی که در آن مرد بود فرمان داد: «ای روح ناپاک از این مرد خارج شو!» روح ناپاک از دهان آن مرد فریادی بلند برآورد و گفت: «ای عیسی، ای فرزند خدای متعال، برای چه به سراغ ما آمده ای؟ ترا بخدا مرا عذاب نده!» <sup>۹</sup> عیسی از او پرسید: «نام تو چیست؟» روح ناپاک از زبان مرد جواب داد: «نام من قشون است، چون ما عده زیادی هستیم که داخل این مرد

**۱:۵** گرچه بدقت نمی دانیم که چرا بعضی از افراد گرفتار ارواح ناپاک می شوند، اما می دانیم که ارواح از بدن انسان به گونه ای مخرب استفاده می کنند تا رابطه و شباهت انسان به خدا را مخدوش و نابود سازند. حتی امروزه نیز ارواح پلید، خطرناک، قدرتمند و مخرب می باشند. مهم است که ما از کارهای شیطانی ایشان آگاه باشیم تا بتوانیم از ایشان دور بمانیم، اما در ضمن باید از هر نوع کنجکاوای یا دخالت در امور ارواح و کارهای شیطانی اجتناب ورزیم (تثنیه ۱۸:۱۰-۱۲). اگر با ارواح پلید و نفوذ آنها مقاومت کنیم، از ما خواهند گریخت (یعقوب ۷:۴).

**۹:۵** روح ناپاک گفت که نامش «قشون» است. قشون، بزرگترین واحد نظامی روم بود و سه الی شش هزار سرباز را شامل می شد. به این ترتیب، این مرد گرفتار چندین روح ناپاک بود.

نمی شناختند. اما ما نمی توانیم بگوییم که ما هم او را خوب نمی شناسیم.



#### شفای مرد دیوزده

عیسی و شاگردانش کفرناحوم را ترک گفته، با قایق به آنسوی دریاچه جلیل برآه افتادند. در راه، طوفان سهمگینی به پا خاست، اما عیسی آن را ساکت گردانید. وقتی به سرزمین «جدریها» رسیدند، عیسی ارواح پلید را از مردی بیرون راند و ایشان را به گله خوکی فرستاد و خوگها نیز از بلندی خود را به دریا انداختند.

شده ایم.»<sup>۱۰</sup> ارواح پلید شروع به خواهش و تمنا کردند که از آن سرزمین

محل آیات	عیسی با چنین افرادی سخن گفت	عیسی با چه کسانی تماس برقرار می کرد؟
متی ۹:۹	مأمور جمع آوری باج و خراج که مطرود جامعه بود	عیسی با چه کسانی مراوده می کرد؟
مرقس ۱۵:۱-۱۵	یک دیو زده منزوی	او چه کسانی را مهم می دانست تا با ایشان مراوده نماید؟ در این فهرست، بسیاری از افراد را که عیسی با ایشان تماس برقرار کرد، می بینیم. برخی به او دسترسی پیدا کردند. اما او به درد همه ایشان رسید. عیسی بطور برابر به همگی ایشان توجه نشان داد، بدون اینکه در نظر بگیرد که بزرگ هستند یا گمنام، ثروتمندند یا فقیر، جوانند یا پیر، گناهکارند یا مقدس. هیچکس خارج از حوزه تماس پرمهر عیسی قرار ندارد.
مرقس ۱۵:۱-۱۷:۹	یک حاکم رومی	
مرقس ۹:۱۷-۲۷	یک پسر کوچک	
یوحنا ۳:۲۱-۲۱	یک رهبر مذهبی برجسته	
لوقا ۱۰:۳۸-۴۲	یک زن خانه دار	
متی ۳۵ و ۳۴:۲۲	یک فقیه	
لوقا ۲۳:۴۰-۴۳	یک مجرم	
مرقس ۵:۲۲	رئیس عبادتگاه یهود	
متی ۴:۱۸-۲۰	یک ماهیگیر	
لوقا ۷:۱۱-۱۱	پادشاه	
لوقا ۷:۱۱-۱۷ و ۲۱:۴-۴	بیوه زن فقیر	
لوقا ۷:۱-۱۰	یک افسر رومی	
مرقس ۱۰:۱۳-۱۶	گروهی از کودکان	
متی ۳	یک نبی	
یوحنا ۸:۱۱-۱۱	یک زن زناکار	
لوقا ۲۲:۶۶-۷۱	شورای عالی یهود	
مرقس ۵:۲۵-۳۴	یک زن پیر و بیمار	
مرقس ۱۷:۱۰-۲۳	یک مرد ثروتمند	
مرقس ۱۰:۴۶	یک گدای کور	
مرقس ۱۲:۱۳	رهبران سیاسی یهود	
لوقا ۲۸:۳ و ۲۸	تعدادی زن	
متی ۲۶:۶۲-۶۸	رئیس کاهنان	
لوقا ۱۱:۱۷-۱۹	یک جذامی مطرود	
یوحنا ۴:۴-۵۳	یکی از مقامات شهر	
مرقس ۵:۴۱ و ۴۲	یک دختر کوچک	
یوحنا ۱:۱۳-۳	یک خائن	
مرقس ۲:۱۲-۱۲	مرد فلج ناتوان	
یوحنا ۱۸:۳-۹	انبوهی از سربازان و نگهبانان خشمگین	
مرقس ۷:۲۵-۳۰	زنی از سرزمین بیگانه	
یوحنا ۲۰:۲۴-۲۹	یک شاگرد شکاک	
اعمال ۹:۱-۹	یک دشمن سرسخت	

۱۰:۵ مرقس بارها به مبارزه مافوق طبیعی میان عیسی و شیطان اشاره کرده است. هدف ارواح پلید این بود که وجود انسانهایی را که تسخیرشان کرده اند، تحت تسلط درآورند. اما هدف عیسی این بود که انسان را از گناه و سلطه شیطان رهایی بخشد. ارواح پلید می دانستند که در مقابل عیسی قدرتی ندارند؛ از اینرو وقتی او را دیدند، خواهش کردند که ایشان را به سرزمینهای دوردست نفرستد (در لوقا ۸:۳۱ بجای «سرزمینهای دوردست»، «جهنم» آمده است). عیسی درخواست آنها را پذیرفت (آیه ۱۳) اما به کار مخرب ایشان در انسانها خاتمه داد. او می توانست ایشان را به جهنم بفرستد، اما چنین نکرد چون زمان داوری هنوز فرانسیده بود. اما البته سرانجام همه

بیرونشان نکنند. <sup>۱۱</sup> اتفاقاً یک گله خوک در بلندی کنار دریاچه می‌چریدند.  
<sup>۱۲</sup> پس ارواح پلید از او استدعا کرده، گفتند: «ما را داخل خوکها بفرست!»  
<sup>۱۳</sup> عیسی خواهش آنها را پذیرفت؛ پس همه روح‌های ناپاک از آن مرد بیرون آمدند و داخل خوکها شدند و تمام آن گله بزرگ که حدود دوهزار خوک بود، از سرایشی تپه به دریاچه ریختند و خفه شدند.  
<sup>۱۴</sup> خوک‌چرانها به شهر و دهات اطراف فرار کردند و به هر جا که می‌رسیدند، به مردم خبر می‌دادند، مردم با عجله می‌آمدند تا ماجرا را ببینند. <sup>۱۵</sup> طولی نکشید که عده زیادی دور عیسی جمع شدند. ولی وقتی آن دیوانه را که روح ناپاک داشت، دیدند که آرام نشسته، لباسی پوشیده و کاملاً عاقل شده است، ترسیدند.  
<sup>۱۶</sup> کسانی که به چشم خود دیده بودند چه اتفاقی افتاده بود، آن را برای همه تعریف می‌کردند، <sup>۱۷</sup> بطوری که چیزی نگذشت که جمعیت بزرگی جمع شدند و از عیسی خواهش کردند که از سرزمینشان برود و دیگر کاری به کارشان نداشته باشد.  
<sup>۱۸</sup> عیسی نیز بسوی قایق بازگشت تا آنجا را ترک گوید، ولی آن مردی که شفا یافته بود از او خواهش کرد تا او را نیز همراه خود ببرد. <sup>۱۹</sup> ولی عیسی خواهش او را نپذیرفت و به او فرمود: «به خانهات برگرد و به اقوام و آشنایانت بگو که خدا برای تو چه کرده و چگونه لطف او شامل حال تو شده است.»  
<sup>۲۰</sup> او نیز روانه شد و در تمام سرزمین دکاپولیس برای همه بازگو می‌کرد

۱۱:۵

تث ۸:۱۴

اش ۴:۶۵

۱۳:۵

ایو ۱۲:۱ و ۶:۲ و ۱۶:۱۲

متی ۱۸:۲۸

لو ۳۶:۴

کول ۱۰:۲

عبر ۸:۲

۱۵:۵

ایو ۸:۳

۱۷:۵

ایو ۱۴:۲۱ و ۱۷:۲۲

لو ۸:۵

۱۸:۵

مز ۱۲:۱۱۶

۲۰:۵

اش ۷:۵۳

اتیمو ۱۴و۱۳:۱

داشته باشد: ۱) مرد دیورده، مدتها تنها بود و نتوانسته بود با کسی صحبت کند. بازگو کردن معجزه عیسی ثابت می‌کرد که شفا یافته است. ۲) ساکنان این منطقه، اغلب غیریهودی بودند. به همین دلیل عیسی می‌دانست که جمعیت انبوهی گرد نخواهد آمد. ۳) با فرستادن این مرد با چنین خبر خوشی، عیسی می‌خواست خدمت خود را در میان غیریهودیان گسترش دهد.

**۱۹:۵ و ۲۰** این مرد قبلاً گرفتار ارواح ناپاک بود، اما اکنون نمونه زنده‌ای از قدرت مسیح شده بود. او می‌خواست عیسی را همراهی کند، اما عیسی از او خواست تا به خانه رفته، ماجرا را به اقوام و آشنایان بگوید. شما هم اگر قدرت عیسی را چشیده‌اید، نمونه‌ای زنده هستید. آیا شما نیز مانند این مرد، مشتاق هستید که خبر خوش را به اطرافیان برسانید؟ اگر پزشکی بیماری ما را شفا بخشد، مایل خواهیم بود او را به همه معرفی کنیم. به همان ترتیب، باید مسیح را که بیماری گناه ما را شفا بخشید، به دیگران بشناسانیم.

**۲۰:۵** «دکاپولیس» به یونانی یعنی «ده شهر». این سرزمین در جنوب شرقی دریاچه جلیل واقع بود. این ده شهر، هر یک

ارواح پلید به آتش ابدی افکنده خواهند شد (متی ۴۱:۲۵).  
**۱۱:۵** طبق شریعت موسی (لاویان ۷:۱۱)، خوک حیوانی نجس به شمار می‌آمد. بنابراین، یک یهودی نمی‌توانست خوک را لمس کند یا گوشت آن را بخورد. این ماجرا در جنوب شرقی دریاچه جلیل، در سرزمین جدری‌ها رخ داد که ساکنانش غیریهودی بودند. به همین علت، وجود گله خوک در این ناحیه تعجب‌آور نیست.

**۱۷:۵** پس از چنین معجزه‌ای که جان انسانی را نجات داد، چرا مردم از عیسی خواستند تا از سرزمینشان برود؟ مردم از قدرت مافوق‌طبیعی عیسی ترسیده بودند، قدرتی که غیرقابل مهار بنظر می‌رسید. شاید هم ترسیده بودند که عیسی باز هم خوکهایشان را نابود کند و منبع درآمدشان از بین برود. آنان ترجیح می‌دادند که عیسی را از دست بدهند تا منبع درآمد و تأمینشان را.

**۱۹:۵** عیسی از این مرد خواست تا معجزه شفا را برای دوستان خود بازگو کند. اما اغلب اوقات عیسی از آنانی که شفایشان می‌داد، می‌خواست که خاموش بمانند. چرا در این مورد، عیسی تغییر روش داد؟ چند دلیل ممکن است وجود

که عیسی چه کار بزرگی برایش انجام داده، و همه از شنیدن آن مبهوت می‌شدند.

### عیسی دختری را زنده می‌کند و زنی را شفا می‌دهد

(۸۹/ متی ۹: ۱۸-۲۶ ؛ لوقا ۸: ۴۰-۵۶)

<sup>۲۱</sup> عیسی سوار قایق شد و به آن سوی دریاچه رفت. وقتی به ساحل رسید، عده زیادی نزدش گرد آمدند.<sup>۲۲</sup> در این هنگام مردی به نام یایروس که سرپرست عبادتگاه یهودیان آن شهر بود، خود را به عیسی رساند و در مقابل پایهای او به خاک افتاد.<sup>۲۳</sup> او التماس کنان گفت: «دختر کوچکم در حال مرگ است؛ از شما خواهش می‌کنم بیایید و دستتان را بر او بگذارید تا شفا یابد و نمیرد.»<sup>۲۴</sup> عیسی با او به راه افتاد. در همان حال، عده بیشماری نیز به دنبالش روانه شدند، و بقدری زیاد بودند که از هر طرف بر او فشار می‌آوردند.

<sup>۲۵</sup> در میان آن جمعیت، زنی بود که مدت دوازده سال خونریزی داشت.<sup>۲۶</sup> با اینکه برای معالجه، به پزشکان بسیاری مراجعه کرده بود و برای این کار تمام دارایی‌اش را نیز از دست داده بود، ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفته بود بلکه برعکس رفته‌رفته بدتر هم شده بود.<sup>۲۷</sup> ولی او شنیده بود که عیسی بیماران را شفا می‌بخشد. به همین دلیل، خود را از میان مردم به پشت سر عیسی رساند و به لباسش دست زد،<sup>۲۸</sup> چون با خود گفته بود که «اگر فقط دستم به لباسش برسد، شفا پیدا می‌کنم.»<sup>۲۹</sup> پس همین کار را کرد و خونریزی‌اش قطع شد و خود نیز متوجه شد که شفا یافته است.

<sup>۳۰</sup> عیسی نیز فوراً احساس کرد که از وجودش نیرویی خارج شد. پس به اطراف نگاهی کرد و پرسید: «چه کسی به لباس من دست زد؟»

۲۱:۵

متی ۱۹: ۱ و ۱۸-۲۶  
لو ۴۰: ۸ و ۵۶

۲۳:۵

مر ۵: ۶ و ۳۲: ۷ و  
۲۳: ۸ و ۱۸: ۱۶  
لو ۴۰: ۴ و ۱۳: ۱۳  
اعما ۶: ۶ و ۱۷: ۹ و ۸: ۲۸

۲۷:۵

مر ۱۰: ۳  
اعما ۱۱: ۱۹ و ۱۲

۳۰:۵

لو ۱۹: ۶

افرادن یایروس در مقابل عیسی، عملی مهم و پرجرات بود که احترام و پرستش او را نسبت به عیسی نشان می‌داد. **۲۵:۵-۳۴** این زن دچار بیماری لاعلاجی شده بود که باعث می‌شد دائماً خونریزی داشته باشد. این خونریزی ممکن است از مجاری تناسلی یا داراری بوده باشد که بهر حال او را از نظر شرعی نجس می‌ساخت (لاویان ۱۵: ۲۵-۲۷) و مانع ارتباط او با سایر یهودیان می‌شد. او واقعاً مایل بود که عیسی او را شفا بخشد، اما اگر عیسی را لمس می‌کرد، باعث می‌شد که او نیز نجس گردد. بهر حال او با ایمان جلورفت و شفا یافت. گاه فکر می‌کنیم که مسایل ما، مانع آمدن ما بسوی خدا می‌شوند. اما او همیشه برای کمک به ما آماده است و نباید اجازه دهیم که ترسهایمان، ما را از نزدیک شدن به خدا بازدارند.

حکومت مستقل خود را داشتند، اما در خصوص امنیت و تجارت با یکدیگر متحد بودند. این شهرها چند قرن پیش از این، بدست بازرگانان و مهاجرین یونانی بنا شده بود. گرچه یهودیان نیز در این منطقه زندگی می‌کردند، اما در اکثریت نبودند. بسیاری از اهالی دکاپولیس پیرو عیسی بودند (متی ۲۵: ۴).

**۲۲:۵** عیسی از دریاچه جلیل گذشت و احتمالاً به کفرناحوم آمد. یایروس سرپرست منتخب عبادتگاه محل بود. او مسؤول نظارت بر مراسم عبادتی، برنامه‌های مدرسه هفتگی، و امور ساختمان عبادتگاه بود. بسیاری از سرپرستان کنیسه، ارتباط نزدیکی با فریسیان داشتند. از اینرو، به احتمال قوی، بسیاری از سرپرستان کنیسه تحت فشار قرار داشتند که از عیسی حمایت نکنند. بخاک

۳۱ شاگردانش با تعجب به او گفتند: «می‌بینید که از همه طرف به شما فشار می‌آورند، و می‌پرسید چه کسی به شما دست زد؟»

۳۲ ولی عیسی همچنان به اطراف نگاه می‌کرد تا کسی را که به لباسش دست زده بود پیدا کند. ۳۳ آن زن که آگاه بود چه اتفاقی برایش افتاده، با ترس و لرز پیش آمد و در مقابل پایهای عیسی به زمین افتاد و گفت که چه کرده است.

۳۴ عیسی به او فرمود: «دخترم، ایمانت تو را شفا داده! سلامت برو و همیشه سالم باش!»

۳۵ هنگامی که عیسی مشغول صحبت بود، از خانه یایروس خبر آوردند که دخترش فوت کرده و دیگر لزومی ندارد مزاحم عیسی شود.

۳۶ وقتی عیسی این را شنید، فوراً رو به یایروس کرد و فرمود: «نترس! فقط به من ایمان داشته باش!» ۳۷ این را گفت و اجازه نداد غیر از پطرس، یعقوب و یوحنا کسی دیگر همراهش به خانه یایروس برود.

۳۸ وقتی به خانه یایروس رسیدند، دیدند عده‌ای پریشان‌حال، با صدای بلند شیون و زاری می‌کنند. ۳۹ عیسی داخل شد و به ایشان فرمود: «چرا گریه و زاری راه انداخته‌اید؟ دختر نمرده، خوابیده است.»

۴۰ مردم با شنیدن این سخن، خنده تلخی کرده، او را مسخره نمودند؛ ولی عیسی همه را بیرون کرد و با پدر و مادر و آن سه شاگرد، وارد اطالی شد که دختر در آن آرامیده بود.

۳۴:۵

مر ۵۲:۱۰

لو ۵:۷ و ۱۹:۱۷ و

۴۲:۱۸

اعما ۹:۱۴

۳۶:۵

یو ۲۵:۱۱ و ۴۰

۳۹:۵

یو ۱۱:۱۱

۴۰:۵

اعما ۴۰:۹

۳۲-۳۴:۵ عیسی از اینکه این زن او را لمس کرده بود، عصبانی نبود. عیسی می‌دانست که او لمسش کرده است؛ با اینحال ایستاد و پرسید که چه کسی به او دست زده است. او می‌خواست با این کار، درسی درباره ایمان به آن زن بیاموزد. او به محض اینکه عیسی را لمس کرد شفا یافت و عیسی به او فرمود که ایمانش باعث شفایش شده است. ایمان راستین موجب عمل می‌گردد. ایمانی که به عمل درنیاید، اصلاً ایمان نیست.

۳۶:۵ بحرانی که در زندگی یایروس پیش آمده بود، او را پریشان، هراسان و ناامید کرده بود. در کشاکش این بحران، عیسی به او گفت: «نترس! فقط به من ایمان داشته باش!» این گفته عیسی، امروز با ما نیز سخن می‌گوید. در اندیشه عیسی، هم امید وجود داشت و هم وعده. اگر بار دیگر در بحرانی نظیر بحران یایروس قرار گرفتید، به یاد داشته باشید که به مشکل خود از دیدگاه عیسی بنگرید. او سرچشمه امید و وعده است.

۳۸:۵ گریه و شیون با صدای بلند به هنگام مرگ افراد، عملی متداول بود. اگر چنین نمی‌کردند، نهایت بی‌توجهی

و بی‌احترامی به مرده بحساب می‌آمد. بعضی افراد، خصوصاً از میان زنان، حرفه‌شان عزاداری بود و برای شیون و زاری بر مزار متوفی دستمزد می‌گرفتند. جسد را در روز وفات در کوچه‌ها می‌گرداندند و عزاداران و آنانی که خود را موظف به پیوستن به ایشان می‌دانستند، بدنبال آن حرکت می‌کردند.

۳۹:۵ و ۴۰:۵ عیسی فرمود: «دختر نمرده، خوابیده است.» عزاداران با شنیدن این سخن، او را مسخره کردند. آن دختر مرده بود، اما عیسی از تمثیل خواب استفاده کرد تا نشان دهد که مرگ او موقتی است و او به حیات باز خواهد گشت. مهم نیست که آیا عیسی درباره حیات جسمانی او سخن می‌گفت یا حیات روحانی او. در هر صورت، زندگی او ادامه می‌یافت.

عیسی تمسخر مردم را تحمل کرد تا درس مهمی درباره امید و توکل بدهد. امروز نیز اغلب مردم جهان به سخنان خدا می‌خندند زیرا بنظرشان مسخره می‌آید. هرگاه شما را بخاطر اظهار ایمان به مسیح و امید به حیات جاودانی تحقیر کنند، به یاد داشته باشید که بی‌ایمانان امور الهی را درک نمی‌کنند.

۴۱ عیسی دستش را گرفت و فرمود: «دخترم، بلند شو!» ۴۲ آن دختر که دوازده سال بیشتر نداشت، فوری برخاست و شروع به راه رفتن کرد. پدر و مادرش با دیدن این معجزه، غرق در حیرت و شگفتی شدند. ۴۳ عیسی با تأکید بسیار به ایشان فرمود تا ماجرا را به کسی نگویند و گفت که به دختر غذا دهند.

۴۲و۴۱:۵

مز ۹:۳۳

لو ۱۴:۷

۴۳:۵

متی ۹:۱۷ و ۱۶:۱۲

مر ۱۲:۳ و ۱۹:۵

لو ۱۴:۵

### مردم ناصره ایمان نمی آورند

(۹۱ / متی ۱۳:۵۳-۵۸)

آنگاه عیسی از آن دیار روانه شد و همراه شاگردانش به ناصره، شهری که در آن بزرگ شده بود، بازگشت. ۲ روز شبه به کنیسه رفت تا تعلیم دهد. مردم از حکمت و معجزات او غرق در شگفتی شدند، مخصوصاً که همشهری ایشان نیز بود. آنان می گفتند: «مگر او چه چیز از ما بیشتر دارد؟ ۳ او که همان نجار است و مادرش مریم و برادرانش هم یعقوب و یوشا و یهوذا و شمعون هستند؛ خواهرانش نیز در میان ما زندگی می کنند.» و بدین ترتیب غرورشان اجازه نداد با احترام به سخنان او گوش فرا دهند.

۱:۶

متی ۵۸-۵۳:۱۳

۳و۲:۶

مز ۸:۶۹

متی ۶:۱۱

فکر می کردند او را می شناسند، اما پیش داوریهای آنان مانع می شد که پیغام او را بپذیرند. بنابراین، اجازه ندهید قضاوتهای نادرست و پیش داوریها چشمان شما را بر حقیقت ببندد. سعی کنید عیسی را آنطور که حقیقتاً هست ببینید.

۴۲و۴۱:۵ عیسی نه فقط قدرت عظیمی نشان داد، بلکه محبت و دلسوزی بزرگی نیز ابراز داشت. قدرت و اقتدار عیسی بر طبیعت، ارواح ناپاک و مرگ، بر محبت او استوار بود. او نسبت به مرد دیو زده که در قبرستان زندگی می کرد، نسبت به زن بیمار و خانواده دختر مرده، محبت نشان داد. معلمین مذهبی آن روزگار، چنین افراد را نجس می پنداشتند. افراد محترم جامعه نیز از ایشان دوری می گزیدند. اما عیسی به کمک همه نیازمندان می شتافت.

۴۳:۵ عیسی از والدین آن دختر خواست که خبر این معجزه را پخش نکنند. او می خواست که وقایع، خودشان سخن بگویند. در ضمن، هنوز وقت آن نرسیده بود که با رهبران مذهبی، بطور جدی درگیر شود. او هنوز کارهای بسیاری داشت که انجام دهد و نمی خواست مردم فقط بخاطر دیدن معجزه، او را پیروی کنند.

۳و۲:۶ عیسی با حکمت و بگونه ای مؤثر تعلیم می داد، اما همشهریانش او را فقط بعنوان یک نجار قبول داشتند. آنان می گفتند: «مگر او چه چیز از ما بیشتر دارد؟ او که همان نجار است!» ایشان نمی توانستند بپذیرند که دیگران تحت تأثیر او قرار گیرند و پیرو او شوند. آنان اقتدار او را رد می کردند زیرا او را با خود همسطح می دانستند. ایشان



#### موعظه در جلیل

پس از آنکه عیسی از کفرناحوم به زادگاه خود ناصره بازگشت، در دهات جلیل موعظه می کرد و شاگردان خود را فرستاد تا ایشان نیز موعظه کنند. وقتی به کفرناحوم بازگشتند، سوار قایق شدند تا در جایی آرامی به استراحت بپردازند. اما جماعت در طول ساحل بره افتادند تا به محلی که ایشان بودند، رسیدند.



۴:۶  
یو ۴:۴

۴ عیسی به ایشان فرمود: « پیامبر را همه جا گرامی می‌دارند، مگر در شهر خود و میان خویشاوندان و خانواده خویش.»<sup>۵</sup> و او نتوانست معجزه بزرگی در آن شهر انجام دهد چون مردم به او ایمان نداشتند. فقط دست خود را بر چند بیمار گذاشت و ایشان را شفا بخشید.<sup>۶</sup> عیسی نمی‌توانست باور کند که همشهریان او تا این حد بی‌ایمان باشند.

### عیسی دوازده شاگرد را به مأموریت می‌فرستد

(۹۳/ متی ۱۰:۱-۱۵؛ لوقا ۹:۱-۶)

۷:۶  
متی ۱۰:۱ و ۱۴-۹ و  
۱:۱۱  
لو ۹:۱-۶ و ۱۰:۱-۱۱

آنگاه عیسی به دهکده‌ها رفته، به تعلیم دادن مردم پرداخت.<sup>۷</sup> او دوازده شاگرد خود را فراخواند و ایشان را دو به دو فرستاد و به ایشان قدرت داد تا ارواح پلید را از مردم بیرون کنند.<sup>۸</sup> در ضمن به ایشان فرمود: « جز چوبدستی چیزی همراه خود نبرید. نه خوراک، نه پوشاک، نه پول در کمر بند خود،<sup>۹</sup> و نه حتی کفش و لباس اضافی.<sup>۱۰</sup> به هر دهی که رسیدید، فقط در یک خانه بمانید و تا وقتی در آن‌ده هستید محل اقامت خود را عوض نکنید.<sup>۱۱</sup> اگر در جایی شما را نپذیرفتند و حاضر نبودند به سخنانتان گوش دهند، از آنجا بیرون بروید و گرد و خاکی را که از آن‌ده بر پایهایتان نشسته است پاک کنید، تا نشان دهید که آنان چه فرصتی را از دست داده‌اند.»<sup>۱۲</sup> پس ایشان رفته، همه مردم را به توبه از گناهان دعوت کردند.<sup>۱۳</sup> ایشان روح‌های ناپاک زیادی را بیرون کردند و بر سر بیماران بسیاری روغن زیتون مالیده، آنان را شفا دادند.

۱۱:۶  
اعما ۵۱:۱۳ و ۶:۱۸  
عبر ۳۱:۱۰

۱۳:۶  
یعقو ۱۴:۵

برسند. اما نقشه و برنامه مسیح چنین نبود. یکی از مزایای سفر دوه‌دو این بود که می‌توانستند یکدیگر را تقویت و تشویق کنند، خصوصاً به هنگام مواجهه با مخالفتها. قوت ما از خداست، اما او بسیاری از احتیاجات ما را از طریق همکاری با دیگران رفع می‌نماید.

۱۱:۶ یهودیان دیندار پس از عبور از شهرها یا سرزمین غیریهودیان، خاک پایهای خود را می‌تکاندند تا نشان دهند که از نفوذ و آداب و رسوم ایشان بدور هستند. اما وقتی شاگردان خاک پایهای خود را پس از ترک یک شهر «یهودی» می‌تکاندند، این کار نشانه بارزی بود از اینکه آن مردم، عیسی و پیام او را رد کرده‌اند. عیسی بروشنی بیان داشت که مردم در خصوص چگونگی واکنششان در مقابل پیام انجیل مسؤول هستند. شاگردان می‌بایست با وفاداری پیام انجیل را اعلام می‌نمودند؛ اما اگر کسی این پیام را رد می‌کرد، ایشان مسؤول نمی‌بودند. اگر مردم پیغام انجیل را رد کنند ما مسؤول نیستیم، اما مسؤول هستیم که آن را وفادارانه به دیگران اعلام کنیم.

۴:۶ عیسی فرمود که پیامبر (یا بعبارت دیگر، خادم خدا) هرگز در شهر و زادگاه خود مورد احترام نیست. اما این امر باعث کاهش اهمیت کار او نیست. اگر کسی می‌خواهد برای خدا مفید باشد، لازم نیست حتماً مورد احترام دیگران باشد. اگر دوستان، همسایگان و یا اعضای خانواده به خدمت شما به مسیح احترام نمی‌گذارند، اجازه ندهید که بی‌حرمتی ایشان شما را از خدمت به خدا باز دارد.

۵:۶ عیسی می‌توانست معجزات بزرگتری در ناصره انجام دهد، اما در اثر غرور و بی‌ایمانی مردم، چنین نکرد. معجزات او اثر اندکی بر مردم می‌گذاشت زیرا نمی‌خواستند پیغام او را بپذیرند و ایمان آورند که او از جانب خدا آمده است. از اینرو عیسی متوجه جایهای دیگر شد. او کسانی را جستجو می‌کرد که در مقابل معجزات و پیام او واکنش مثبت نشان دهند.

۷:۶ عیسی شاگردان را دوه‌دو فرستاد. اگر تک به تک می‌رفتند، می‌توانستند به مناطق بیشتری از سرزمینشان

### هیروودیس یحیای تعمیددهنده را به قتل می‌رساند

(۹۵ / متی ۱:۱۴-۱۲ ؛ لوقا ۹:۷-۹)

<sup>۱۴</sup> طولی نکشید که خبر کارهای عیسی به گوش هیروودیس پادشاه رسید زیرا همه جا گفتگو دربارهٔ معجزات او بود. بعضی گمان می‌کردند عیسی همان یحیی است که زنده شده و می‌گفتند: «برای همین است که چنین معجزاتی می‌کند.»<sup>۱۵</sup> عده‌ای نیز بر این گمان بودند که او همان الیاس پیغمبر می‌باشد که ظهور کرده است. دیگران نیز می‌گفتند که او پیامبری است مانند پیامبران بزرگ گذشته.<sup>۱۶</sup> اما هیروودیس می‌گفت: «نه، این باید همان یحیی باشد که من سرش را از تن جدا کردم، و حالا دوباره زنده شده است.»

<sup>۱۷</sup> و <sup>۱۸</sup> ماجرا چنین بود که هیروودیس سربازانی فرستاده، یحیی را دستگیر کرده، به زندان انداخته بود، زیرا او به هیروودیس می‌گفت: «ازدواج تو با هیروودیا، همسر برادرت فیلیپ، کار درستی نیست.»<sup>۱۹</sup> هیروودیا از یحیی کینه به دل داشت و می‌خواست او را بکشد، اما این کار بدون اجازهٔ هیروودیس ممکن نبود.<sup>۲۰</sup> هیروودیس به یحیی احترام می‌گذاشت چون می‌دانست که او مرد نیک و

۱۴:۶  
متی ۱:۱۴-۱۲  
لو ۹:۷-۹

۱۵:۶  
متی ۱۴:۱۶

۱۷:۶  
لاو ۱۵:۱۸ و ۱۶:۲۰ و  
لو ۱۹:۳  
۲ تیمو ۲:۴  
عبر ۴:۱۳

هیروودیس در مقام رهبر	عیسی در مقام رهبر	رهبری واقعی
خودخواه قاتل فاسد اخلاق فرصت طلب سیاسی پادشاه یک سرزمین کوچک	پرفسفت شفادهنده عادل و نیکو خادم پادشاه تمام عالم هستی	مرقس بعضی از بارزترین جنبه‌های شخصیت عیسی را به ما عرضه می‌دارد.

شده بود و هر بخش بدست یک «تترارک» اداره می‌شد. هرود آنتیپاس که در اناجیل هیروودیس پادشاه نامیده شده، حاکم یا تترارک جلیل بود. برادرش فیلیپ حاکم تراخونیتیس و ایدومیه بود. همسر فیلیپ، هیروودیا نام داشت. این زن، شوهر خود را ترک گفت و با هرود آنتیپاس ازدواج کرد. هنگامی که یحیی هر دو ایشان را بخاطر ارتکاب زنا سرزنش کرد، هیروودیا توطئه چید تا او را بکشد. او بجای آنکه بکوشد خود را از گناه خود خلاص کند، کوشید تا خود را از دست کسی که گناه او را بر ملا می‌ساخت خلاص کند. این درست همان کاری بود که رهبران مذهبی سعی می‌کردند با عیسی بکنند. **۲۰:۶** هیروودیس تحت فشار همسر و مشاورانش، یحیی تعمیددهنده را دستگیر کرد. گرچه او برای یحیی احترام زیادی قائل بود، اما سرانجام در اثر فشار اطرافیان و خانواده‌اش، او را به قتل رسانید. معمولاً آنچه

**۱۵:۶** هیروودیس و بسیاری دیگر، از خود می‌پرسیدند که عیسی کیست. بسیاری از مردم که نمی‌توانستند بپذیرند عیسی پسر خداست، قدرت و اقتدار او را برای خود به نوعی توجیه می‌کردند. هیروودیس گمان می‌کرد که عیسی همان یحیای تعمیددهنده می‌باشد که زنده شده است. آنانی نیز که با عهدعتیق آشنا بودند، او را ایلیا که همان الیاس باشد، می‌پنداشتند (ملاکی ۴:۵). دیگران هم او را پیامبر و آموزگاری در سطح موسی و اشعیا و ارمیا می‌دانستند. امروزه نیز مردم تصورات مختلفی دربارهٔ عیسی دارند. برخی بر این گمانند که اگر بتوانند سمتی برای او بیابند و مثلاً او را پیامبر یا آموزگار و یا انسانی نیک بنامند، قادر خواهند شد ادعای او را در مورد تغییر زندگی‌شان تضعیف کنند. اما آنچه مردم «گمان» می‌کنند، تغییری در آنچه که عیسی «هست» نمی‌دهد. **۱۷-۱۹** در آن روزگار، فلسطین به چهاربخش تقسیم

مقدسی است؛ بنابراین، از او حمایت می‌کرد و هرگاه با یحیی گفتگو می‌نمود، وجدانش ناراحت می‌شد. با اینحال دوست می‌داشت سخنان او را بشنود.

۲۱:۶

پیدا ۲۰:۴۰

۲۱ اما سرانجام فرصت مناسبی برای هیروودیا پیش آمد. به این ترتیب که هیروودیس در روز تولد خود، ضیافتی ترتیب داد و همهٔ درباریان و فرماندهان و بزرگان ایالت جلیل را دعوت کرد. ۲۲ و ۲۳ آنگاه دختر هیروودیا وارد مجلس شد و برای مهمانان رقصید و همه را شاد کرد. پس هیروودیس پادشاه برای او قسم خورد و گفت: «هر چه می‌خواهی بگو تا به تو بدهم؛ حتی اگر نصف مملکت را بخواهی به تو بدهم داد.» ۲۴ دختر بی‌درنگ نزد مادرش رفت تا با او مشورت کند. مادر به او گفت: «سر یحیی را درخواست کن!» ۲۵ دختر با عجله برگشت و درخواستش را به پادشاه گفت: «سر یحیی را می‌خواهم. آن را در یک سینی به من بدهید.»

۲۷:۶

مکا ۹:۶

۲۶ پادشاه بسیار اندوهگین شد، ولی چون نمی‌توانست قول خود را در مقابل مهمانان زیر پا بگذارد، ۲۷ یکی از جلادان را به زندان فرستاد تا سر یحیی را از تن جدا کند و برایش بیاورد. ۲۸ جلاد نیز به زندان رفت و سر یحیی را برید و آن را در یک سینی برای دختر آورد. او نیز سر بریده را نزد مادرش برد. ۲۹ هنگامی که مریدان یحیی از ماجرا باخبر شدند، آمدند و جنازهٔ او را برده، بخاک سپردند.

۲۹:۶

اعما ۲:۸

### عیسی پنج‌هزار نفر را خوراک می‌دهد

(۹۶/متی ۱۴:۱۳-۲۱؛ لوقا ۹:۱۰-۱۷؛ یوحنا ۶:۱-۱۵)

۳۰:۶

متی ۱۴:۱۳-۲۲

لو ۹:۱۰-۱۷

یو ۶:۱۵

۳۱:۶

مر ۲:۳۰

۳۰ پس از مدتی، شاگردان عیسی از سفر برگشتند و او را از کارهایی که کرده و تعالیمی که داده بودند، آگاه ساختند. ۳۱ عیسی به ایشان گفت: «بیاید از غوغای جمعیت کمی دور شویم و استراحت کنیم.» رفت و آمد مردم آنقدر

که تحت فشار انجام می‌دهید، نشاندهنده شخصیت واقعی شماست.

۲۲ و ۲۳ هیروودیس که از سوی دولت روم، حاکم آن سرزمین بود، نمی‌توانست مملکت خود را به دیگری ببخشد. وقتی او به دختر هیروودیا قول داد که نصف مملکت خود را به او خواهد بخشید، درواقع منظور این بود که هرچه بخواهد به او خواهد داد. هنگامی که هیروودیا خواستار سر یحیی شد، هیروودیس نمی‌توانست درخواست او را رد کند زیرا او را در برابر مهمانان سرافکننده می‌ساخت. کلمات بسیار نیرومند هستند و می‌توانند انسان را به گناهان بزرگی سوق دهند. از اینرو باید در بکار بردن آنها بسیار هشیار بود.

۳۰:۶ کلمه‌ای که اینجا «شاگردان عیسی» ترجمه شده است، در اصل «رسولان» می‌باشد. مرقس فقط یکبار کلمه «رسولان» را بکار می‌برد. «رسول» به معنی «فرستاده شده» می‌باشد. پس از مرگ و قیام عیسی، این کلمه عنوان رسمی دوازده شاگرد عیسی گردید (اعمال ۱۴:۲ و افسسیان ۲:۲۰).

۳۱:۶ وقتی که شاگردان از مأموریت خود بازگشتند، عیسی ایشان را برد تا استراحت کنند. خدمت به خدا بسیار مهم است، اما عیسی می‌دانست که برای انجام خدمت مؤثر به خدا، استراحت دوره‌ای و بازیابی نیرو لازم است. ولی عیسی و شاگردانش همیشه براحتی وقت لازم را برای استراحت نمی‌یافتند.

هیچکس دوست ندارد گنااهش مورد اشاره واقع شود، خصوصاً در ملاء عام. خجالت برملا و آشکار شدن گناه، بدتر از احساس خطای ناشی از ارتکاب گناه است. هیروودیس آنتیپاس شخصی بود که هم از احساس خطا رنج می‌برد و هم از شرم برملا شدن گناه. جاه‌طلبی ظالمانه و نیز ازدواج نامشروع او با هیروودیا، زن برادرش، بر همه آشکار بود. یک نفر گناه هیروودیس را تبدیل به موضوعی همگانی کرد. این شخص یحییای تعمیددهنده بود. یحیی در بیابان موعظه می‌کرد و هزاران نفر برای شنیدن سخنان او گرد می‌آمدند. ظاهراً یحیی شیوه زندگی هیروودیس را بعنوان یک نمونه منفی و بد معرفی می‌کرد. هیروودیا نیز شدیداً می‌کوشید تا یحیی را خاموش کند. از اینرو، هیروودیس یحیی را به زندان افکند.

اما هیروودیس یحیی را دوست می‌داشت. یحیی احتمالاً از معدود کسانی بود که حقیقت را به هیروودیس گفته بودند. گناه او حقیقت بسیار تلخی بود. به همین جهت او دچار تضاد عجیبی شده بود: از یک طرف نمی‌توانست تحمل کند که یحیی دائماً در حضور مردم به گناهان او اشاره کند، و از طرف دیگر می‌ترسید که یحیی را بکشد. او قادر به تصمیم‌گیری نبود. سرانجام هیروودیا او را وادار کرد که یحیی را اعدام کند. نتیجه چیزی نبود جز اضافه شدن بر گناهان هیروودیس.

وقتی هیروودیس درباره عیسی شنید، فوراً او را همان یحیی پنداشت. او نمی‌دانست با عیسی چه کند. او نمی‌خواست همان اشتباهی را که با یحیی مرتکب شده بود، تکرار کند. بنابراین کوشید تا عیسی را پیش از آخرین سفرش به اورشلیم، تهدید کند. به هنگام محاکمه عیسی، آن دو با یکدیگر برخورد کوتاهی داشتند، اما عیسی حاضر نشد با او سخن گوید. هیروودیس نشان داده بود که برای شنیدن سخنان یحیی، گوش شنوا ندارد و عیسی نیز چیزی نداشت که به گفته‌های یحیی بیفزاید. هیروودیس شروع به تمسخر و استهزای عیسی کرد. او پیام‌آور مسیح را رد کرده بود و حال بسیار ساده بود که خود مسیح را رد کند. خدا برای آنکه خود را به انسان آشکار سازد، بهترین راه ممکن را برای هر فرد انتخاب می‌کند. او از کلام خود، از اوضاع و شرایط، فکر ما و از مردم دیگر استفاده می‌کند تا توجه ما را بسوی خود جلب کند. او می‌کوشد تا ما را متقاعد سازد اما هیچگاه خود را بر ما تحمیل نمی‌کند. رد کردن و مقاومت در مقابل پیغام خدا، چنانکه هیروودیس کرد، کاری است اسفناک. خدا می‌کوشد وارد زندگی شما گردد. چقدر از این امر آگاه هستید؟ آیا مقدم او را گرامی داشته‌اید؟

#### نقاط قوت و موفقیت‌ها

- \* شهر طبریه را ساخت و سایر طرحهای معماری را به موقع اجرا درآورد.
- \* از جانب رومیها، برسرزمین جلیل حکومت کرد.

#### نقاط ضعف و اشتباهات

- \* بخاطر کسب قدرت، خود را نابود کرد.
- \* از تصمیم‌گیری سر باز می‌زد و یا تحت فشار دیگران تصمیمات اشتباه می‌گرفت.
- \* همسر خود را طلاق داد، تا با همسر برادر ناتنی خود، فیلیپ، ازدواج کند.
- \* یحییای تعمیددهنده را به زندان انداخت و بعداً دستور اعدامش را صادر کرد.
- \* در اعدام عیسی سهم کوچکی داشت.

#### درس‌هایی از زندگی او

- \* زندگی که انگیزه‌اش جاه‌طلبی است، همیشه منجر به نابودی است.
- \* فرصت انجام کارهای خوب معمولاً به شکل تصمیم‌گیری بسرآغ ما می‌آیند.

#### آمار حیاتی

- \* شغل: فرمانروای منطقه جلیل و پیریه از جانب رومیها
- \* خویشاوندان: پدر: هیروودیس کبیر، مادر: مالتاس. همسر اول: دختر پادشاه آرتاس چهارم. همسر دوم: هیروودیا.
- \* معاصرین: یحییای تعمیددهنده، عیسی، پیلاطوس

#### آیه کلیدی:

«هیروودیس به یحیی احترام می‌گذاشت چون می‌دانست که او مرد نیک و مقدسی است؛ بنابراین از او حمایت می‌کرد و هرگاه با یحیی گفتگو می‌نمود، وجدانش ناراحت می‌شد. با اینحال دوست می‌داشت سخنان او را بشنود» (مرقس ۶: ۲۰).

ماجرای هیروودیس آنتیپاس در انجیل آمده است. در اعمال ۴: ۲۷ و ۱۳: ۱ نیز به او اشاره شده است.



زیاد بود که حتی فرصت نمی کردند چیزی بخورند.<sup>۳۲</sup> پس سوار قایقی شدند تا به جای خلوتی بروند.<sup>۳۳</sup> وقتی مردم دیدند که ایشان می روند، در کنار دریا آنقدر دویدند تا به مقصد ایشان رسیدند و پیش از آنکه عیسی و شاگردانش از قایق پیاده شوند، در آن محل حاضر بودند.<sup>۳۴</sup> وقتی عیسی پا به ساحل گذاشت مردم طبق معمول دور او جمع شدند. او دلش بحال ایشان سوخت چون مانند گوسفندان بی شبان بودند. پس تعالیم بسیاری به ایشان داد.

۳۴:۶

مز ۹۸:۱۴۵

اش ۱:۶۱

متی ۳۶:۹

عبر ۳-۱:۵

<sup>۳۵</sup> و نزدیک غروب، شاگردان نزد او آمدند و گفتند: «به مردم بگوئید به دهات اطراف بروند و برای خود خوراک تهیه کنند، چون در این جای دور افتاده، چیزی برای خوردن پیدا نمی شود. هوا نیز رو به تاریکی می رود.»<sup>۳۷</sup> ولی عیسی فرمود: «شما خودتان به ایشان خوراک بدهید.»

۳۷:۶

اعد ۲۲ و ۱۱:۳۱

۲ پاد ۴:۴۳

متی ۲۳:۱۵

مر ۴:۸

پرسیدند: «با دست خالی؟ می دانی چقدر پول می خواهد تا بتوانیم به این جمعیت خوراک بدهیم؟»

<sup>۳۸</sup> عیسی فرمود: «بروید ببینید چقدر نان داریم.»

پس از تحقیق، آمدند و گفتند که پنج نان و دو ماهی دارند.<sup>۳۹</sup> و آنگاه عیسی به مردم فرمود تا بر روی زمین بنشینند. طولی نکشید که مردم در گروه های پنجاه نفری و صد نفری، روی سبزه ها نشستند.

۴۱:۶

اسمو ۱۳:۹

متی ۲۶:۲۶

اتیمو ۵ و ۴:۴

<sup>۴۱</sup> عیسی آن پنج نان و دو ماهی را در دست گرفت و به سوی آسمان نگاه کرد و خدا را شکر نمود. سپس نانها را تکه تکه کرد و با ماهی به یارانش داد تا پیش مردم بگذارند.<sup>۴۲</sup> مردم آنقدر خوردند تا کاملاً سیر شدند.

<sup>۴۳</sup> و <sup>۴۴</sup> تعداد کسانی که نان و ماهی را خوردند حدود ۵۰۰۰ مرد بود؛ با اینحال، از خرده نانها و ماهیها، دوازده سبد پر شد.

نیازهایشان را برآورده سازد. آنان چنان به غیرممکن بودن مسأله می اندیشند که نمی توانند امکان پذیر بودن آن را ببینند. اجازه ندهید مسائل غیرممکن مسیحیت، مانع ایمان آوردنتان شوند.

**۳۷:۶-۴۲** عیسی از شاگردان خواست تا به بیش از ۵۰۰۰ نفر خوراک دهند. ایشان در جواب گفتند: «با دست خالی؟» وقتی وظیفه ای بر عهده تان گذاشته می شود که انجامش غیرممکن است، چه واکنشی نشان می دهید؟ کاری که انجامش با وسایل انسانی غیرممکن بنظر می رسد، بهترین فرصت را برای دخالت خدا فراهم می آورد. شاگردان هرآنچه می توانستند، کردند. ایشان خوراک موجود را جمع آوری کردند و مردم را به دسته ها تقسیم کردند. آنگاه خدا، در جواب دعا، کار غیرممکن را انجام داد.

**۳۴:۶** این جماعت به اندازه یک گله گوسفند بی چوپان قابل ترحم بودند. گوسفند خیلی راحت گم می شود. آنها بدون چوپان در خطر هستند. عیسی می دانست که او شبانی است که می تواند به آنان آنچه را که باید بدانند بیاموزد و نگذارد ایشان از خدا دور شوند. در مزمو ۲۳ و اشعیا ۱:۶۱ و حزقیال ۵:۳۴-۱۰ خصوصیات شبان نیکو ذکر شده است.

**۳۷:۶** در این فصل، افراد مختلفی زندگی و خدمت عیسی را مورد بررسی قرار می دهند: همشهریان و اعضای خانواده اش، هیروودیس پادشاه و شاگردان او. اما هیچیک از ایشان او را برای آنچه که هست، مورد تحسین قرار نمی دهد. شاگردان هنوز در شک و تردید و بی ایمانی بسر می برند. ایشان هنوز درک نکرده اند که عیسی می تواند

## عیسی روی آب راه می‌رود

(۹۷/ متی ۱۴: ۲۲-۳۳؛ یوحنا ۶: ۱۶-۲۱)

<sup>۴۵</sup> بلافاصله پس از آن، عیسی به شاگردانش فرمود تا سوار قایق شوند و به کناره دیگر دریاچه به بیت‌صیدا بروند تا خود نیز پس از روانه کردن مردم، به ایشان ملحق شود.

<sup>۴۶</sup> پس عیسی مردم را مرخص فرمود و از تپه‌ای بالا رفت تا دعا کند. <sup>۴۷</sup> کم‌کم شب شد. قایق شاگردان به وسط دریاچه رسیده بود و عیسی هنوز در تنهایی مشغول دعا بود. <sup>۴۸</sup> در این هنگام، او دید که ایشان در زحمت افتاده‌اند و با باد و موج دست بگریبانند.

پس نزدیک به ساعت سه بعد از نیمه شب، عیسی بر روی آب قدم زنان بسوی قایق حرکت کرد و می‌خواست از ایشان بگذرد <sup>۴۹</sup> که شاگردان متوجه شدند و دیدند که چیزی روی آب راه می‌رود. به گمان اینکه روحی می‌بینند، از ترس فریاد زدند، <sup>۵۰</sup> چون همه او را می‌دیدند و مضطرب بودند. ولی عیسی فوری با ایشان صحبت کرده، گفت: «دلیر باشید، نترسید، من هستم!» <sup>۵۱</sup> آنگاه سوار قایق شد و باد از وزیدن باز ایستاد.

شاگردان از ترس و حیرت، در جای خود خشک شده بودند. <sup>۵۲</sup> چون حتی بعد از آن معجزه بزرگ شب پیش، هنوز نفهمیده بودند او چه شخصیتی دارد، زیرا نمی‌خواستند ایمان بیاورند.

۴۷:۶

متی ۲۳: ۳۶-۱۴

یو ۱۶: ۲۱-۶

۵۲:۶

مر ۱۶: ۱۴

امر برای ایشان خیلی بزرگ بنظر می‌رسید. (۳) ایشان هنوز مقصود واقعی آمدن عیسی به زمین را درک نکرده بودند. بی‌ایمانی ایشان خود را به شکل عدم درک نشان می‌داد.

## عیسی بر روی

## آب راه می‌رود

عده بسیاری بدنیال عیسی رفته بودند تا در بیت‌صیدای جولیا س سخنان او را بشنوند. عیسی ایشان را پس از خوراک دادن، به خانه‌هایشان فرستاد. او شاگردانش را نیز با قایق به بیت‌صیدا فرستاد و خودش نیز رفت تا دعا کند. در راه شاگردان با طوفانی مواجه شدند و عیسی بر روی آب راه رفت تا به ایشان رسید. آنگاه به سرزمین جنیسارت رسیدند.



**۴۹:۶** وقتی شاگردان دیدند که عیسی در نزدیکی ایشان بر روی آب راه می‌رود، بسیار تعجب کردند. اما آنان می‌بایست دانسته باشند که عیسی در تنگیها به کمکشان خواهد آمد. ایشان عیسی را نمی‌دیدند اما عیسی نگاهش دائماً بر ایشان بود. توجه و علاقه عیسی به ایشان، بر کم‌ایمانی آنان چیره شد. دفعه آینده که در «دریای مشکلات» سرگردان می‌شوید، به یاد بیاورید که مسیح مشکل شما را می‌داند و مراقب شماست.

**۵۰:۶** شاگردان ترسیده بودند، اما حضور عیسی ایشان را آرامش بخشید. همه ما دچار ترس می‌شویم. آیا می‌کوشیم خودمان با ترس مواجه شویم، یا اجازه می‌دهیم عیسی بجای ما با آن روبرو شود؟ در مواقع ترس و عدم اطمینان، چقدر آرام‌بخش است که بدانیم عیسی با ماست. احساس حضور او، نقطه مقابل ترس است.

**۵۲:۶** شاگردان نمی‌خواستند ایمان بیاورند، شاید به یکی از این دلایل: (۱) نمی‌توانستند بپذیرند که این انسانی که عیسی نام دارد، حقیقتاً پسر خداست. (۲) جرأت نمی‌کردند باور کنند که مسیح ایشان را بعنوان پیروان خود انتخاب کند. این

## عیسی عده بسیاری را شفا می‌بخشد

(۹۸ / متی ۱۴:۳۴-۳۶)

۵۳:۶

متی ۱۴:۳۴-۳۶  
یوحنا ۶:۲۵ و ۲۵

۵۳ وقتی به آن کناره دریاچه، به سرزمین جنیسارت رسیدند و لنگر انداخته  
 ۵۴ از قایق بیرون آمدند، مردم فوری او را شناختند<sup>۵۵</sup> و در سراسر آن ناحیه خبر  
 ورود او را پخش کردند. طولی نکشید که از هر طرف مریضان را روی تختها  
 نزد او آوردند. ۵۶ عیسی هر جا قدم می‌گذاشت، چه در دهات و چه در شهرها و  
 چه در صحرا، مردم بیماران را بر سر راه او می‌گذاشتند و خواهش می‌کردند که  
 لااقل اجازه دهد به لباس او دست بزنند؛ و هر مریضی که به او دست می‌زد شفا  
 می‌یافت.

۵۶:۶

مر ۵:۲۸  
اعما ۵:۱۵

## عیسی درباره پاکی درون سخن می‌گوید

(۱۰۲ / متی ۱۵:۱-۲۰)

۱:۷

متی ۱۵:۱-۲۰  
۲:۷

لو ۱۱:۳۸

۳:۷

غلا ۱:۱۴

کول ۲:۸

روزی، چند نفر از روحانیان یهود از اورشلیم آمدند تا درباره عیسی  
 تحقیقاتی بعمل آورند.<sup>۲</sup> ایشان وقتی متوجه شدند که بعضی از شاگردان  
 او با دستهای نجس، یعنی ناشسته، غذا می‌خورند، آنان را سرزنش کردند.<sup>۳</sup> زیرا  
 یهودیان بخصوص فرقه فریسیان تا دستها را تا آرنج نشویند، هرگز دست به غذا  
 نمی‌زنند. این یکی از عاداتهای قدیمی ایشان است.<sup>۴</sup> از اینرو، هر بار که از بازار  
 به خانه می‌آیند، پیش از غذا همیشه باید به این ترتیب شستشو کنند. این فقط

نکرده بودند که آنچه ایشان را شفا می‌بخشید، ایمان به مسیح بود، نه قدرت جادویی.

۱:۷ رهبران مذهبی از مرکز خود در اورشلیم، عده‌ای را فرستادند تا درباره عیسی تحقیق بعمل آورند. اما ایشان از نتیجه کار خود چندان خوشنود نبودند، زیرا عیسی ایشان را سرزنش کرد که شریعت را فقط برای مقدس جلوه کردن نگاه می‌دارند، نه برای احترام به خدا. اشعیا نبی نیز رهبران مذهبی زمان خود را درست به همین علت توبیخ کرد (اشعیا ۲۹:۱۳). عیسی از گفته‌های اشعیا برای محکوم کردن این اشخاص استفاده نمود.

۳:۷ و ۴ مرقس به توضیح این رسوم یهود می‌پردازد زیرا مخاطبین او غیر یهودیان می‌باشند. یهودیان دیندار، پیش از غذا خوردن، طی مراسم کوتاهی، دستها و ساعد خود را بطرز خاصی می‌شستند. بنظر آنها، این عمل مظهر آن بود که ایشان از هر تماسی که احتمالاً با هر چیز نجس داشته‌اند، پاک شده‌اند. عیسی فرمود که فریسیان در اشتباهند زیرا ایشان گمان می‌بردند که پاکی ظاهری، آنان را مقبول خدا می‌سازد.

حتی پس از دیدن معجزه خوراک دادن به ۵۰۰۰ نفر، باز هم نمی‌توانستند قدم نهایی را بردارند و ایمان بیاورند که عیسی پسر خداست. اگر ایمان می‌آوردند، تعجب نمی‌کردند که او بر روی آب راه برود. آنان نمی‌توانستند حقایقی را که درباره او دریافته بودند، به زندگی خود انطباق دهند. ما می‌دانیم که عیسی بر روی آب راه رفت، اما اغلب تعجب می‌کنیم از اینکه او می‌تواند در زندگی ما کار کند. فقط کافی نیست ایمان داشته باشیم که این معجزات واقعاً رخ داده‌اند؛ ما باید حقایق را با شرایط زندگی خود نیز انطباق دهیم.

۵۳:۶ جنیسارت دشت کوچک حاصلخیزی واقع در غرب جلیل بود. کفرناحوم، شهر عیسی، در بخش شمالی این دشت واقع بود.

۵۶:۶ مردان یهودی قبای بلندی می‌پوشیدند که به قوزک پا می‌رسید. بر روی این قبا، عبایی می‌پوشیدند که به پایین کمر می‌رسید. به چهار گوشه این عبا، منگوله یا آویزهایی می‌دوختند. شاید مردم فکر می‌کردند که قدرت شفابخش مسیح، به هنگام لمس کردن این آویزها صادر می‌شود (متی ۹:۲۰ و ۲۱). گویا ایشان هنوز درک

یک نمونه از قانونها و مقررات زیادی است که طی سالیان دراز بجا آورده‌اند و هنوز هم به آن سخت پای‌بند می‌باشند. نمونه دیگر، شستن پیاله‌ها، دیگها و کاسه‌هاست.

<sup>۵</sup> روحانیان از عیسی پرسیدند: «چرا پیروانت این آداب و رسوم قدیمی ما را زیر پا می‌گذارند و پیش از غذا، دستهای خود را نمی‌شویند؟ آنها با دستهای نجس غذا می‌خورند.»

<sup>۶</sup> عیسی در پاسخ ایشان فرمود: «ای آدمهای دورو! اشعیای پیامبر در وصف شما خوب گفته است که: این مردم با چه زبان شیرینی درباره خدا سخن می‌گویند اما در قلبشان محبتی برای او ندارند. عبادتشان ظاهر سازی است، چون مردم را وادار می‌کنند بجای احکام خدا، به مقررات پوچ ایشان گوش دهند. بلی، اشعیای درست گفته است.<sup>۸</sup> چون شما دستورات مهم خدا را کنار گذاشته‌اید و آداب و رسوم خود را جانشین آن ساخته‌اید.<sup>۹</sup> حتی حاضرید احکام خدا را زیر پا بگذارید تا آداب و رسوم خودتان را حفظ کنید.

۷:۶

اش ۲۹:۱۳

تیط ۱۶:۱

۷:۹

اش ۲۴:۵

محل آیات	موضوع	اهمیت	ماجراهایی که فقط در انجیل مرقس یافت می‌شود
۲۹-۲۶:۴	داستان رشد بذر	ما باید خبر خوش نجات مسیح را به دیگران اعلام کنیم، اما فقط خداست که می‌تواند باعث ریشه گرفتن این پیام در زندگی ایشان شود.	
۳۷-۳۱:۷	عیسی مرد ناشنوایی را که لکنت زبان داشت شفا داد.	عیسی هم به نیازهای جسمی ما توجه دارد، هم به نیازهای روحانی ما	
۲۶-۲۲:۸	عیسی نابینایی را در بیت‌حسدا شفا می‌دهد	عیسی بسیار حساس و با توجه است زیرا اطمینان کسب کرد که آن مرد بینایی خود را بازیافت.	

<sup>۷</sup> دورویی و ریاکاری یعنی خود را چیزی غیر از آنچه هستیم، نشان دهیم: عیسی فریسیان را ریاکار و دورو نامید، زیرا ایشان خدا را نه بخاطر محبت به او، بلکه به این خاطر می‌پرستیدند که برایشان نفع در بر داشت، ایشان را مقدس جلوه می‌داد و موقعیتشان را در جامعه بالا می‌برد. ریاکاری می‌تواند به یکی از صورتهای زیر جلوه‌گر شود: (۱) توجه به شهرت بیش از توجه به خصوصیات درونی؛ (۲) انجام دقیق تشریفات مذهبی، در حالیکه قلبمان از خدا دور است؛ (۳) تأکید بر محاسن خود و گناهان دیگران.

<sup>۸</sup> فریسیان صدها حکم و مقررات کوچک و پیش پا افتاده به احکام مقدس خداوند افزوده بودند و

می‌کوشیدند تا مردم را وادار کنند آنها را بجا بیاورند. ایشان ادعا می‌کردند که خواست و مشیت خدا را در خصوص کلیه جزئیات زندگی می‌دانند. امروزه نیز برخی از رهبران مذهبی می‌کوشند تا احکام و مقرراتی به کلام خدا بیفزایند، و به این ترتیب باعث گمراهی و پریشانی مؤمنین می‌گردند. اگر کسی ادعا کند که تفسیر او از کلام خدا، به اندازه خود کلام خدا مهم است، مرتکب بت‌پرستی شده است. کار بسیار خطرناکی است که برای دیگران معیارهای غیر کتاب مقدسی تعیین کنیم تا پیروی کنند. بجای آن، باید به مسیح چشم بدوزیم تا ما را در رفتارمان هدایت کند و بگذاریم که او دیگران را نیز در جزئیات زندگی‌شان رهبری نماید.

پیش پا افتاده به احکام مقدس خداوند افزوده بودند و



۱۰ «مثلاً موسی از طرف خدا این دستور را به شما داد: به پدر و مادرت احترام بگذار، و هر که پدر و مادر خود را ناسزا گوید، باید کشته شود. ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ولی شما می‌گویید که هیچ اشکالی ندارد اگر کسی به پدر و مادر محتاج خود کمک نکند و بگوید: بیخشید، نمی‌توانم به شما کمک بکنم، چون آنچه می‌بایست به شما بدهم، در راه خدا صدقه داده‌ام. و به این ترتیب، فرمان خدا را زیر پا می‌گذارید تا دستورات خودتان حفظ شود. و این فقط یک نمونه است. چه کارهای دیگری که شما نمی‌کنید!»

۱۴ و ۱۵ و ۱۶ آنگاه عیسی مردم را فرا خوانده به ایشان فرمود: «خوب گوش کنید و سعی کنید بفهمید. هرگز خوراکی که انسان می‌خورد، نمی‌تواند او را نجس کند. فکرها و گفتار زشت انسان است که او را نجس می‌سازند.»

۱۷ وقتی عیسی وارد خانه‌ای شد تا از جمعیت دور باشد، شاگردان مقصود او را از این گفته جويا شدند.

۱۸ عیسی به ایشان فرمود: «شما نیز این مسایل را درک نمی‌کنید؟ مگر نمی‌دانید که آنچه می‌خورید، به روحتان لطمه‌ای نمی‌زند و آن را نجس نمی‌سازد؟<sup>۱۹</sup> زیرا خوراک با قلب و روح شما کاری ندارد، بلکه از معدۀ شما عبور می‌کند و بیرون می‌رود.» (با این گفته، عیسی نشان داد که هر نوع خوراک، پاک و حلال است.)<sup>۲۰</sup> سپس افزود: «آنچه انسان را نجس می‌سازد، افکاری است که از وجود او تراوش می‌کند.<sup>۲۱</sup> چون از وجود و قلب انسان است که فکرهای نادرست بیرون می‌آیند، و منجر به اعمال نادرست می‌شوند، اعمالی نظیر: دزدی، آدم‌کشی، زناکاری،<sup>۲۲</sup> طمع

۱۰:۷

خرو ۱۲:۲۰ و ۱۷:۲۱

لاو ۱۹:۲۰

تث ۱۶:۵

امت ۲۰:۲۰

اتیمو ۸:۵

۱۱:۷

لاو ۲:۱

۱۵:۷

اعما ۱۵:۴ و ۱۰

اقرن ۸:۸

اتیمو ۴:۴

۱۷:۷

مر ۲:۲ و ۲۰:۳ و ۲۸:۹

۱۹:۷

لو ۴:۱۱

اعما ۱۵:۱۰ و ۹:۱۱

۲۰:۷

روم ۱۲:۱۴

کول ۱۶:۲

۲۱:۷

غلا ۱۹:۵

تیط ۱۵:۱

نشمرد، اما راه را برای تغییراتی که در اعمال ۹:۱۰-۲۹ آمده، هموار ساخت؛ در این بخش از کتاب مقدس، خدا محدودیت‌های فرهنگی مربوط به خوراک را برداشت. ما در اثر اعمال ظاهری پاک بحساب نمی‌آییم، بلکه وقتی مسیح فکر ما را نو می‌سازد و ما را بصورت خویش در می‌آورد، از درون پاک می‌شویم.

۲۰:۷-۲۳ عمل گناه‌آلود، با یک فکر شروع می‌شود. افکار ما می‌توانند ما را آلوده کنند و به گناه بکشانند. اگر اجازه دهیم شهوت، حسد، نفرت و انتقام در افکار ما جای بگیرند، یقیناً به انجام اعمال گناه‌آلود کشیده خواهیم شد. پس نگذارید فکرتان با خدا مخالف باشد، بلکه «فکرتان را بروی هرچه راست و خوب و درست است، ثابت نگه دارید. درباره چیزهایی فکر کنید که پاک و زیباست. در صفات خوب و پسندیده دیگران تأمل کنید. درباره چیزهایی فکر کنید که می‌توانید خدا را برای آنها شکر کنید و به وجود آنها خوش باشید» (فیلیپان ۴:۸).

۱۰:۷ و ۱۱ فریسیان خدا را بهانه‌ای قرار داده بودند تا از کمک به خانواده و خصوصاً به والدینشان طفره روند. ایشان فکر می‌کردند که هدیه دادن به خانه خدا مهم‌تر است از کمک به والدین نیازمند، درحالی‌که کلام خدا بطور خاص می‌فرماید که باید پدر و مادر را محترم کرد (خروج ۲۰:۱۲) و نیازمندان را دستگیری نمود (لاویان ۲۵:۳۵-۴۳). ما باید پول و وقت خود را به خدا بدهیم، اما نباید هیچگاه خدا را بهانه‌ای برای فرار از مسؤولیت‌های خود قرار دهیم. کمک به نیازمندان یکی از مهم‌ترین راه‌های تکریم خداست.

۷:۱۸ آیا آنچه در خوراکیان هست برایمان اهمیت دارد، یا آنچه در قلب و فکرمان می‌گذرد؟ یهودیان، طبق آنچه از احکام مربوط به خوراک تفسیر می‌کردند (لاویان فصل ۱۱)، اعتقاد داشتند که می‌توانند در اثر اجتناب از برخی از خوراکیها، در نظر خدا پاک باشند. اما عیسی فرمود که گناه عملاً در حالات درونی و انگیزه‌های شخص آغاز می‌شود. او شریعت و احکام را خوار

به مال دیگران، شرارت، فریب و تقلب، شهوت، حسادت، بدگویی و غیبت، خودپسندی و هرگونه حماقت دیگر.<sup>۲۳</sup> تمام این چیزهای شرم‌آور از وجود و قلب انسان سرچشمه می‌گیرد و انسان را نجس ساخته، از خدا دور می‌کند.»

## ۲- خدمات عیسی خارج از جلیل عیسی روح ناپاکی را از دختری بیرون می‌کند (متی ۱۰:۳ / متی ۲۱:۱۵-۲۸)

<sup>۲۴</sup> آنگاه عیسی ایالت جلیل را ترک گفته، به شهرهای صور و صیدون رفت. او وارد خانه‌ای شد و نمی‌خواست کسی متوجه آمدنش گردد؛ ولی میسر نشد، چون مانند همیشه خبر ورودش فوری در همه جا پیچید.

<sup>۲۵</sup> همان موقع، زنی نزد او آمد که دختر کوچکش گرفتار روح ناپاک بود. او خیر معجزات عیسی را شنیده بود. از اینرو آمد و بر پایهای عیسی افتاد،<sup>۲۶</sup> و التماس کرد که فرزندش را از شر روح ناپاک نجات دهد. این زن اهل فینیقیه سوریه و غیر یهودی بود.

<sup>۲۷</sup> عیسی به او گفت: «من باید نخست قوم خود، یعنی یهودیان را یاری کنم. خوب نیست نان فرزندان را بگیریم و مقابل سگها بیندازیم.»

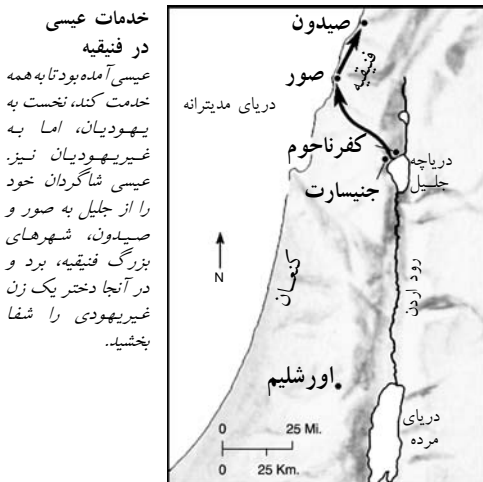
۲۴:۷  
متی ۲۱:۱۵-۲۸

۲۷:۷  
متی ۱۰:۳  
اعما ۱۳:۴۶  
روم ۹:۴  
افس ۲:۱۱ و ۱۲

**۲۴:۷** عیسی حدود ۸۰ کیلومتر راه پیمود تا به صور رسید. سپس از آنجا به صیدون رفت. این دو شهر، دو بندر در کنار دریای مدیترانه، در شمال اسرائیل بودند. هر دو شهر، بازرگانی شکوفایی داشتند و از اینرو بسیار ثروتمند بودند.

صور در زمان داود پادشاه، روابط حسنه‌ای با اسرائیل داشت (۲ سموئیل ۵:۱۱)، اما چیزی نگذشت که آوازه فسادش در همه جا پیچید. پادشاه آن، ایتعل، حتی ادعای خدایی کرد (حزقیال ۲۸:۲). صور به هنگام ویرانی اورشلیم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد، شادی کرد، زیرا فارغ از رقابت اسرائیل، می‌توانست به تجارت و منافع خود، رونق بیشتری ببخشد. به چنین فرهنگ فاسد و مادی‌گرایانه‌ای بود که عیسی پیغام خود را آورد. جالب است که او درست پیش از سفر به صور، بر اهمیت پاکی درونی تأکید گذارد.

**۲۶:۷** این زن در انجیل مرقس اهل «فینیقیه سوریه» خوانده شده و در انجیل متی، «کنعانی». مرقس به موقعیت سیاسی منطقه اشاره می‌کند، تا خوانندگان رومی کتابش، بدانند که زادگاه این زن در کدام بخش از امپراطوری روم واقع است. توضیح متی خطاب به خوانندگان یهودی بود که به یاد می‌آوردند کنعانیها چقدر با قوم اسرائیل به هنگام استقرار در سرزمین موعود دشمنی کردند.



**۲۷:۷** «سگ» اصطلاحی بود که یهودیان معمولاً برای همه غیر یهودیان بکار می‌بردند، زیرا تصور می‌کردند که ایشان مانند سگ‌ها قادر به دریافت برکات خدا نیستند. اما عیسی، با بکار بردن این اصطلاح، قصد نداشت آن زن را تحقیر کند، بلکه فقط می‌خواست به او بفهماند که مطابق نقشه خدا، او باید پیغام خود را نخست به یهودیان اعلام

۲۸ زن جواب داد: «درست است سرور من. ولی حتی سگ‌ها نیز از پس مانده خوراک فرزندان خانه می‌خورند.»<sup>۲۹</sup> عیسی گفت: «آفرین، نیکو پاسخ گفتی. بخاطر همین پاسخ، دخترت را شفا می‌بخشم. به خانه‌ات برگرد، روح ناپاک از دخترت بیرون رفته است.»  
 ۳۰ هنگامی که زن به خانه‌اش رسید، دید دخترش آرام بر تخت دراز کشیده و روح ناپاک از او بیرون رفته است.

۲۹:۷  
متی ۲۹:۹

۳۰:۷  
یوش ۴۵:۲۱

### جماعت از معجزات عیسی حیرت می‌کنند

(۱۰۴ / متی ۱۵: ۲۹-۳۱)

۳۱ سپس عیسی از صور به صیدون رفت و از راه دکاپولیس به طرف دریاچه جلیل بازگشت.<sup>۳۲</sup> در آنجا مردی را پیش او آوردند که کر بود و در ضمن لکنت زبان هم داشت. آنان التماس کردند تا عیسی دستهایش را بر سر او بگذارد و او را شفا دهد.

۳۱:۷  
متی ۱۵: ۲۹-۳۱

۳۳ عیسی او را از میان جمعیت به گوشه‌ای برد و انگشتانش را در گوش او گذاشت و آب دهان انداخت و به زبان مرد مالید.<sup>۳۴</sup> سپس بسوی آسمان نگاه کرد و آهی کشید و گفت: «باز شو!»<sup>۳۵</sup> بلافاصله آن مرد شفا یافت و توانست بخوبی بشنود و صحبت کند.

۳۳:۷  
مر ۲۳:۸  
یو ۶:۹  
۳۴:۷  
اش ۵:۳۵ و ۶  
متی ۵:۱۱  
مر ۴۱:۶

۳۶ عیسی به مردم فرمود که به کسی چیزی نگویند. اما هر چقدر بیشتر ایشان را قدغن می‌کرد، بیشتر خبر را پخش می‌کردند،<sup>۳۷</sup> چون این معجزه در آنها تأثیر زیادی گذاشته بود. ایشان به یکدیگر می‌گفتند: «کارهای این مرد چه عالی است. حتی کر و لال را نیز شفا می‌بخشد.»

یو ۴۱:۱۱ و ۱:۱۷  
۳۶:۷  
مر ۴۳:۵

### عیسی به چهارهزار نفر خوراک می‌دهد

(۱۰۵ / متی ۱۵: ۳۲-۳۹)

در یکی از همان روزها، بار دیگر انبوه جمعیت نزد او جمع شدند و باز خوراکیشان تمام شد. عیسی شاگردان خود را صدا زد و موضوع را با



پلید چنان عظیم است که لازم نیست برای رهایی شخصی از چنگال آنها، خودش شخصاً حضور داشته باشد. قدرت او به نقاط دور نیز می‌رسد.

۳۶:۷ عیسی از مردم خواست تا خبر این معجزه را پخش نکنند، زیرا نمی‌خواست فقط بعنوان معجزه‌گر مشهور شود. او نمی‌خواست توجه مردم از پیغام اصلی‌اش منحرف شود. ۱:۸ این معجزه با واقعه خوراک دادن به ۵۰۰۰ نفر که در فصل ۶ آمده، تفاوت دارد. در آن واقعه، اغلب

کند. زن سعی نکرد بحث کند. او با استفاده از کلماتی که عیسی بکار برده بود، نشان داد که آماده است سگ قلمداد شود، ولی برکت خدا را برای دخترش دریافت کند. جالب اینجاست که بسیاری از یهودیان، برکت و نجات خدا را بخاطر رد کردن عیسی، از دست دادند، اما غیریهودسانی که سگ خوانده می‌شدند، رستگار شدند زیرا عیسی را پذیرفتند.

۲۹:۷ این معجزه نشان می‌دهد که قدرت عیسی بر ارواح

ایشان در میان گذاشت و فرمود: <sup>۲</sup> «دلم بحال این مردم می‌سوزد، چون سه روز است اینجا هستند و دیگر چیزی برای خوردن ندارند. <sup>۳</sup> اگر ایشان را گرسنه به خانه‌هایشان بفرستم، مطمئناً در راه ضعف خواهند کرد، چون بعضی از ایشان از راه دور آمده‌اند.»

<sup>۴</sup> شاگردانش با تعجب گفتند: «آیا انتظار دارید در این بیابان برای این عده خوراک تهیه کنیم؟»

<sup>۵</sup> فرمود: «چند نان دارید؟»

گفتند: «هفت نان.» <sup>۶</sup> پس به مردم فرمود تا بر زمین بنشینند. سپس نانها را گرفت و خدا را شکر نمود و تکه‌تکه کرده، به شاگردانش داد. ایشان نیز نانها را به مردم دادند. <sup>۷</sup> چند ماهی کوچک نیز پیدا کردند. ماهی‌ها را نیز برکت داد و به شاگردانش فرمود تا بین مردم تقسیم کنند.

<sup>۸</sup> مردم همه خوردند و سیر شدند. سپس ایشان را به خانه‌هایشان فرستاد. جمعیت در حدود ۴۰۰۰ نفر بودند. وقتی باقیمانده‌های خوراک را جمع کردند، هفت سبد بزرگ پر شد.

### رهبران مذهبی خواهان علامتی در آسمان می‌باشند

(۱۰۶/متی ۱:۱۶-۴)

<sup>۱۰</sup> بلافاصله عیسی همراه شاگردان خود سوار قایقی شد و به ناحیه دلمانوته آمد. <sup>۱۱</sup> وقتی فریسیان در آن محل، از آمدن او با خبر شدند، گرد آمدند تا با او به

۲:۸  
مز ۱۱۱:۵ و ۹:۱۴۵  
مر ۴۱:۱  
عبر ۱۷:۲ و ۱۵:۴ و ۳-۱:۵

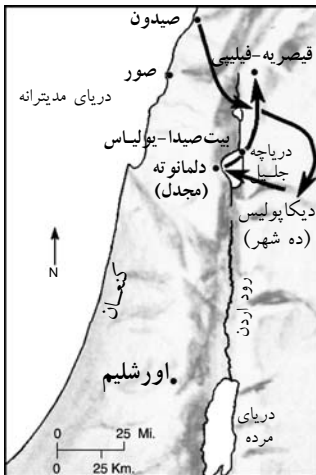
۴:۸  
اعد ۲۱:۱ و ۲۲  
۲ پاد ۴:۴ و ۴۳

۵:۸  
مر ۳۸:۶  
۶:۸  
اتیمو ۴:۵

۷:۸  
متی ۱۹:۱۴

۱۰:۸  
متی ۳۹:۱۵ تا ۱۲:۱۶  
۱۱:۸  
متی ۳۸:۱۲ و ۱۰-۱:۱۶  
لو ۱۶:۱۱  
یو ۳۰:۶  
اقرن ۲۲:۱

ادامه خدمات عیسی  
عیسی از طریق «دکاپولیس» به جلیل بازگشت. سپس به ناحیه «دلمانوته» رفت. در آنجا رهبران یهود قدرت عیسی را زیر سؤال بردند. او از آنجا به بیت صیدای جولیس و به قیصریه فیلیپ رفت. در آنجا، او با شاگردانش درباره حاکمیت خود و وقایع آینده سخن گفت.



افراد، یهودی بودند. در این واقعه، عیسی در یک سرزمین غیریهودی، یعنی دیکاپولیس، به یک جماعت غیریهودی خوراک می‌دهد. کار و پیام عیسی می‌رفت تا عده بی‌شماری از غیریهودیان را تحت تأثیر قرار دهد. **۱:۸-۳** آیا تاجحال پیش آمده که احساس کنید خدا آنقدر با مسایل مهم مشغول است که دیگر فرصت توجه به مشکلات شما را ندارد؟ عیسی درست به همان اندازه که به فکر خوراک این عده بود، به فکر نیازهای روزانه ما نیز می‌باشد. روزی عیسی فرمود: «پس غصه خوراک و پوشاک را نخورید. چون بی‌ایمانان درباره این چیزها دائم فکر می‌کنند و سخن می‌گویند. شما با ایشان فرق دارید. پدر آسمانی شما کاملاً می‌داند شما به چه نیاز دارید» (متی ۳۱:۶ و ۳۲). آیا نیازی دارید که فکر می‌کنید برای خدا مهم نیست؟ هیچ نیازی برای او آنقدر بزرگ نیست که نتواند برآورد و هیچ نیازی آنقدر کوچک نیست که از نظرش بیفتد.

**۱۱:۸** فریسیان معجزات قبلی عیسی را بگونه‌ای خاص برای خود تفسیر کرده بودند و آنها را به تصادف، شانس

بحث و مجادله پیردازند. پس به او گفتند: «برای ما معجزه‌ای کن. مثلاً کاری کن که در آسمان چیز عجیبی اتفاق بیفتد تا به تو ایمان آوریم.»<sup>۱۲</sup> عیسی آهی از دل برآورد و گفت: «هرگز! مگر چقدر معجزه باید ببینید تا ایمان بیاورید؟»

### عیسی درباره تعالیم غلط هشدار می‌دهد

(۱۰۷/متی ۱۶:۵-۱۲)

<sup>۱۳</sup> پس ایشان را واگذاشت و سوار قایق شد و به آنسوی دریاچه رفت.

<sup>۱۴</sup> ولی شاگردان قبل از حرکت، فراموش کردند به اندازه کافی با خود نان بردارند و در قایق فقط یک نان داشتند.

<sup>۱۵</sup> در همان حال که در دریاچه پیش می‌رفتند، عیسی به ایشان هشدار داد و گفت: «مواظب باشید واز خمیرمایه هیروودیس پادشاه و فریسی‌ها خود را دور نگه‌دارید.»

<sup>۱۶</sup> شاگردان با یکدیگر درباره منظور عیسی بحث می‌کردند؛ و بالاخره به این نتیجه رسیدند که لابد عیسی درباره نان صحبت می‌کند چون فراموش کرده‌اند با خود نان بیاورند. در صورتی که منظور عیسی این بود که مانند فریسی‌ها دورو، و مثل هیروودیس در پی جلال و شهوت دنیا نباشند.

<sup>۱۷</sup> عیسی فهمید که با یکدیگر درباره چه گفتگو می‌کنند. پس گفت: «هیچ چنین منظوری نداشتم. چرا درک نمی‌کنید؟ مگر فکرتان از کار افتاده است؟<sup>۱۸</sup> شما که چشم دارید، پس چرا نمی‌بینید؟ چرا گوسفایتان را باز نمی‌کنید تا

۱۵:۸  
لو ۱:۱۲

۱۷:۸  
مر ۵:۲۶  
۱۸:۸  
حز ۲:۱۲

آن قسمت از گفته عیسی را نقل می‌کند که خوانندگانش درک می‌کردند. وقتی مرقس از هیروودیس پادشاه نام می‌برد، در واقع به فرقه هیروودیان اشاره می‌کند. این فرقه، آن گروه از یهودیان بودند که هوادار هیروودیس پادشاه بودند. بسیاری از اعضای این فرقه صدوقی بودند.

**۱۷:۸ و ۱۸** چگونه ممکن است شاگردان این همه از عیسی معجزه دیده باشند و هنوز به شخصیت واقعی او پی نبرده باشند؟ آنان قبلاً دیده بودند که عیسی با پنج نان و دو ماهی، بیش از ۵۰۰۰ نفر را خوراک داده بود (۳۵:۶-۴۴). اما شک داشتند که او بتواند یک گروه دیگر را باز خوراک دهد. گاه ما نیز در درک مسایل کند هستیم. گرچه مسیح در گذشته، ما را از مشکلات و تجربیات مختلف گذرانده است، یقین نداریم که بتواند همین کار را در آینده نیز بکند. آیا قلب شما آنقدر بسته است که نمی‌تواند آنچه را که خدا می‌تواند برایتان انجام دهد، بپذیرد؟ شما مانند شاگردان عیسی نباشید. آنچه را که مسیح قبلاً برایتان انجام داده به یاد آورید و ایمان داشته باشید که باز همان کارها را خواهد کرد.

و یا قدرت شیطان نسبت داده بودند. از اینرو، از او خواستند تا در آسمان معجزه‌ای صورت دهد، یعنی کاری که فقط خدا می‌تواند انجام دهد. عیسی درخواست ایشان را رد کرد زیرا می‌دانست که حتی چنین معجزه‌ای نیز نمی‌تواند ایشان را متقاعد سازد. آنان تصمیم گرفته بودند که ایمان نیاورند. قلب انسان می‌تواند چنان سخت شود که حتی متقاعد کننده‌ترین وقایع نیز نتواند آن را تغییر دهد. **۱۵:۸** در این بخش، خمیر ترش، نشانه شرارت است. همانطور که مقدار کمی خمیر ترش می‌تواند خمیر را مخمر کند و بالا بیاورد، سختدلی رهبران یهود نیز می‌توانست به تمام جامعه سرایت کند و آن را علیه عیسی بشویراند. **۱۵:۸** مرقس به «خمیر ترش هیروودیس پادشاه و فریسی‌ها» اشاره می‌کند، در حالیکه متی خمیر ترش «فریسی‌ها و صدوقی‌ها» را ذکر می‌کند. مخاطبین مرقس که اغلب غیر یهودی بودند، احتمالاً هیروودیس پادشاه را می‌شناختند، اما به احتمال قوی چیزی درباره صدوقی‌ها که دسته‌ای از رهبران یهود بودند، نمی‌دانستند. لذا مرقس

بشنوید؟<sup>۱۹</sup> آیا فراموش کردید چطور ۵۰۰۰ مرد را با پنج نان سیر کردم؟ چند سید از باقیمانده‌ها پرسید؟» جواب دادند: «دوازده سبد.»  
<sup>۲۰</sup>گفت: «وقتی با هفت نان، ۴۰۰۰ نفر را سیر کردم، چقدر باقی ماند؟»  
گفتند: «هفت سبد!»  
<sup>۲۱</sup>گفت: «پس چرا معنی سخنان مرا درک نمی‌کنید؟»

۱۹:۸  
متی ۲۰:۱۴  
مر ۴۴:۴۳ و ۴۵  
لو ۱۷:۹  
یو ۱۳:۶  
۲۰:۸  
متی ۳۷:۱۵  
مر ۹:۸ و ۹

### عیسی مرد نابینایی را شفا می‌دهد

(۱۰۸)

<sup>۲۲</sup> هنگامی که به بیت‌صیدا رسیدند، مرد کوری را نزد او آوردند و از او خواهش کردند که بر او دست بگذارد و شفایش دهد.<sup>۲۳</sup> عیسی دست آن مرد را گرفت و از ده بیرون برد، آب دهان به چشمهای او مالید و دستهای خود را بر چشمان او گذاشت و از او پرسید: «چیزی می‌بینی؟»  
<sup>۲۴</sup> مرد به اطراف نگاه کرد و گفت: «می‌بینم، ولی نه کاملاً خوب. مردم را مثل تنه درختان می‌بینم که راه می‌روند.»

۲۳:۸  
مر ۳۳:۷  
یو ۶:۹

<sup>۲۵</sup> عیسی بار دیگر دستهایش را روی چشمان آن مرد گذاشت. هنگامی که مرد به اطراف چشم دوخت، بینایی کامل یافت و همه چیز را بخوبی می‌دید.  
<sup>۲۶</sup> عیسی او را به سوی خانه و خانواده‌اش فرستاد و فرمود که به ده برنگردد.

۲۶:۸  
متی ۶:۸

### پطرس اعتراف می‌کند که عیسی همان مسیح است

(۱۰۹ / متی ۱۶:۱۳-۲۰ ؛ لوقا ۹:۱۸-۲۰)

<sup>۲۷</sup> عیسی با شاگردان خود، ایالت جلیل را ترک گفت و به دهات قیصریه فیلیپ رفت. در بین راه از ایشان پرسید: «مردم درباره من چه عقیده‌ای دارند؟ بنظر آنها من که هستم؟»

۲۷:۸  
متی ۱۶:۱۳-۲۰  
لو ۹:۱۸-۲۱

<sup>۲۸</sup> شاگردان جواب دادند: «بعضی‌ها فکر می‌کنند که شما همان یحیای پیغمبر

۲۸:۸  
متی ۲:۱۴

شده، نام شهر را از قیصریه، به قیصریه فیلیپ تغییر داد تا با شهر ساحلی قیصریه (اعمال ۴۰:۸) که پایتخت سرزمین برادرش، هیروودیس آنتیپاس بود، اشتباه نشود. این شهر که در آن خدایان متعددی مورد پرستش بودند، محل مناسبی بود برای آنکه عیسی از شاگردانش بخواهد او را بعنوان پسر خدا بپذیرند.

۲۸:۸ ماجرای یحیای تعدمدهنده را می‌توانید در قسمتهای زیر پیدا کنید: مرقس ۱:۱-۱۱ و ۱۴:۶-۲۹. ماجرای زندگی الیاس را در ۱۷-۲۰ پادشاهان ۲۰ و پادشاهان ۲۰ خواهید یافت.

۲۵:۸ چرا عیسی دوبار بر آن مرد دست گذارد تا بتواند ببیند؟ این معجزه برای عیسی چندان مشکل نبود، اما آن را در چند مرحله انجام داد، شاید به این دلیل که به شاگردان نشان دهد برخی از شفاها تدریجی خواهند بود و نه آنی؛ و یا شاید می‌خواست نشان دهد که حقایق روحانی را نمی‌توان همیشه در همان آغاز درک کرد. بهر حال، پیش از آنکه عیسی آنجا را ترک کند، آن مرد کاملاً شفا یافت.

۲۷:۸ قیصریه فیلیپ، شهری بود پر از بت‌پرستی و بخاطر معابد خدایان یونانی و خدای باستانی یعنی بعل مشهور بود. هرود فیلیپ که در مرقس ۶:۱۸ از او نام برده

هستید؛ عده‌ای هم می‌گویند که شما الیاس یا یکی دیگر از پیامبران گذشته هستید که دوباره ظهور کرده است.»  
 ۲۹ پرسید: «شما چطور؟ بنظر شما من که هستم؟»  
 پطرس گفت: «شما مسیح هستید.»<sup>۳۰</sup> ولی عیسی به ایشان دستور داد که دربارهٔ او چیزی به کسی نگویند.

۲۹:۸

یو ۶:۶۹ و ۱۱:۲۷

### عیسی برای نخستین بار مرگ خود را پیشگویی می‌کند

(۱۱۰ / متی ۲۱:۱۶-۲۸؛ لوقا ۹:۲۱-۲۷)

۳۱ آنگاه عیسی به ایشان گفت که چه عذابهایی خواهد کشید، و چطور سران قوم یهود و کاهنان اعظم او را طرد کرده، خواهند کشت، ولی روز سوم دوباره زنده خواهد شد.<sup>۳۲</sup> وقتی عیسی این مطلب را آشکارا بیان کرد، پطرس او را به کناری کشید و به او گفت که نباید چنین سخنانی بر زبان براند.  
 ۳۳ عیسی برگشت و نگاهی به شاگردان کرد؛ سپس با لحنی تند به پطرس فرمود:  
 «دور شو از من ای شیطان! تو با دید انسانی به این موضوع نگاه می‌کنی، نه با دید خدایی.»

۳۱:۸

متی ۲۱:۱۶-۲۸ و  
لو ۹:۲۱-۲۷

۳۳:۸

روم ۷:۸

طبیعی و انسانی خود بود. او می‌خواست که مسیح، پادشاه باشد، نه آن خادم رنجبری که در اشعیا ۵۳ پیشگویی شده است. او حاضر بود جلال حاصل از پیروی مسیح را دریافت کند، اما حاضر نبود رنجها و زحمات آن را نیز متحمل شود. زندگی مسیحی، جاده‌ای هموار بسوی ثروت و رفاه نیست، بلکه اغلب همراه است با کار سخت، زحمت و عذاب، محرومیت و رنج عمیق. پطرس فقط قسمتی از تصویر را می‌دید. شما اشتباه او را تکرار نکنید، بلکه به برکاتی چشم بدوزید که خدا می‌تواند از پس رنجهای ظاهری پدید آورد؛ به قیامی چشم بدوزید که از پس صلیب ظاهر می‌شود.

۳۳:۸ پطرس اغلب سخنگوی همه شاگردان بود. وقتی عیسی فقط او را خطاب قرار می‌دهد، در واقع گویا همه ایشان را بطور غیرمستقیم خطاب قرار می‌دهد. شاگردان ناخودآگاه، می‌کوشیدند عیسی را از رفتن بسوی صلیب، یعنی رسالت اصلی او بر زمین، باز دارند. شیطان نیز کوشید همین کار را بکند (متی فصل ۴). درحالی‌که هدف و انگیزه شیطان شریانه بود، انگیزه شاگردان بر محبت و ستایش عیسی استوار بود. اما بهرحال کار شاگردان، هدایت و حمایت از عیسی نبود. ایشان می‌بایست فقط او را پیروی کنند. ایشان بعد از مرگ و قیام مسیح بود که پی‌بردند او چرا می‌بایست بمیرد.

۲۹:۸ عیسی از شاگردان پرسید که دیگران او را که می‌پندارند. سپس سؤال را متوجه خود ایشان کرد: «شما چطور؟ بنظر شما من که هستم؟» کافی نیست بدانیم که دیگران درباره مسیح چه می‌گویند. شما باید خودتان بدانید، درک کنید و بپذیرید که او مسیح است. شما باید از مرحله کنجکاو به مرحله سرسپردگی برسید. احترام به او کافی نیست؛ باید او را پرستید.

۳۰:۸ چرا عیسی شاگردان خود را نیز منع کرد که درباره او چیزی به کسی نگویند؟ عیسی می‌دانست که ایشان نیاز دارند مطالب بیشتری درباره کاری که او از طریق مرگ و قیامش انجام خواهد داد، بدانند. شاگردان بدون دریافت تعلیم بیشتر، فقط نیمی از تصویر را در دست داشتند. وقتی ایشان اعتراف کردند که عیسی همان مسیح موعود است، هنوز کاملاً نمی‌دانستند که معنی آن چیست.

۳۱:۸ از این زمان به بعد، عیسی آشکارا و مستقیماً درباره مرگ و زنده شدنش با شاگردان سخن گفت. او سه بار به شاگردانش گفت که بزودی خواهد مرد (۳۱:۸ و ۳۱:۹ و ۳۳:۱۰-۳۴) و به این ترتیب ایشان را برای آنچه می‌بایست رخ دهد، آماده می‌کرد.

۳۲:۸ و ۳۳ در این لحظه، پطرس توجهی به اهداف و نقشه الهی نداشت، بلکه فقط متوجه خواستها و احساسات

۳۴:۸ آنگاه شاگردان و مردم را صدا زد و فرمود: «اگر کسی از شما بخواهد پیرو من باشد، باید از آرزوها و آسایش خود چشم‌پوشد و صلیب خود را بر دوش گیرد و مرا دنبال کند. ۳۵ هر که بخاطر من و بخاطر پیام نجاتبخش انجیل، حاضر باشد جانش را فدا کند، آن را نجات خواهد داد. ولی هر که تلاش کند جانش را حفظ نماید آن را از دست خواهد داد.

۳۶ «چه فایده که انسان تمام دنیا را ببرد ولی در عوض جانش را از دست بدهد؟ ۳۷ مگر چیزی با ارزشتر از جان او پیدا می‌شود؟ ۳۸ و اگر کسی در این روزگار پر از گناه و بی‌ایمانی، از من و از سخنان من عار داشته باشد، من نیز هنگامی که با فرشتگان مقدس در شکوه و جلال پدرم بازگردم، از او عار خواهم داشت.»

۹ عیسی به شاگردان خود فرمود: «بعضی از شما که الان در اینجا ایستاده‌اید، پیش از مرگ، ملکوت خدا را با تمام شکوهش خواهید دید.»

۳۴:۸

متی ۳۸:۱۰

لو ۲۷:۱۴

۳۵:۸

لو ۳۳:۱۷

یو ۲۵:۱۲

مکا ۱۱:۱۲

۳۸:۸

متی ۳۳:۱۰

لو ۹:۱۲

روم ۱۶:۱

۲ تسالونسا ۷:۱

۲ تیمو ۸:۱ و ۱۲:۲

عبر ۱۶:۱۱

۱:۹

متی ۲۸:۱۶ و ۳۰:۲۴

لو ۲۷:۹ و ۱۸:۲۲

دارایی، موقعیت و قدرت استوار هستند، نهایتاً ارزشی ندارند. آنچه که بر زمین داریم، موقتی است و نمی‌توان آن را با جان ابدی مبادله کرد. اگر سخت کار کنید تا آنچه را که می‌خواهید بدست آورید، ممکن است زندگی «لذت‌بخشی» داشته باشید، اما سرانجام پی‌خواهید برد که این نیز تهی و پوچ است. آیا مایلید پیروی از خدا برایتان مهم‌تر از پیروی خودخواهانه از لذات گردد؟ عیسی را پیروی کنید تا معنی زندگی واقعی در این دنیا را درک کنید و حیات جاودانی را نیز بدست آورید.

۳۸:۸ عیسی با بیان مطالب در قالب مفهوم نجات دادن و از دست دادن، فدا کردن و بازیافتن، دیدگاه متفاوتی از جهان بدست می‌دهد. در اینجا او ما را در مقابل انتخاب قرار می‌دهد. آنانی که در این زندگی و در این دنیا از او عار دارند و او را رد می‌کنند، در روز داوری او را با وضوح خواهند دید، اما آن روز دیگر دیر خواهد بود. اما آنانی که او را اکنون با وضوح می‌بینند و او را می‌پذیرند، در روز داوری مورد پذیرش او قرار خواهند گرفت و شرم‌منده نخواهند شد.

۱:۹ منظور عیسی چه بود که گفت بعضی از شاگردان، ملکوت خدا را خواهند دید؟ منظور او ممکن است چند چیز بوده باشد. شاید او تبدیل هیأت خود را پیشگویی می‌کرد؛ یا شاید به قیام و صعود خود، یا نزول روح‌القدس در روز پنطیکاست، و یا به بازگشت خود اشاره می‌نمود. به احتمال قوی او به تبدیل هیأت خود اشاره می‌کرد زیرا این مطلب بلافاصله در متن آمده است. در واقعه تبدیل هیأت (۲:۹-۸)، پطرس و یعقوب و یوحنا هویت و قدرت واقعی عیسی را بعنوان پسر خدا مشاهده کردند (۲ پطرس ۱:۱۶).

۳۴:۸ رومیها که مخاطبین اصلی مرقس بودند، می‌دانستند که بدوش کشیدن صلیب یعنی چه. رومیها از صلیب برای اعدام جنایتکاران خطرناک و شورشیها استفاده می‌کردند. شخص محکوم صلیب را خود تا محل اعدام حمل می‌کرد و با این کار، نشان می‌داد که مطیع قدرت روم است. عیسی از حمل صلیب مثال آورد تا نشان دهد که برای پیروی از او تا چه حد باید مطیع بود. او با خوشیهای زندگی مخالف نیست و نمی‌خواهد که ما بیهوده بدنبال درد و رنج باشیم. منظور او، آن تلاش قهرمانانه‌ای است که برای پیروی لحظه به لحظه او مورد نیاز است، و بوسیله آن می‌توان اراده او را انجام داد، حتی در لحظاتی که سخت است و آینده نویدبخش نمی‌باشد.

۳۵:۸ فدا کردن جان در راه پیام نجاتبخش انجیل، به معنی بی‌ارزش بودن جان نیست. مفهوم آن اینست که هیچ چیز، حتی زندگی انسان نیز، قابل مقایسه با آن چیزهایی که مسیح به شخص عطا می‌کند، نمی‌باشد. عیسی می‌خواهد که ما بجای زندگی کردن در گناه و ارضای نفس، پیروی از او را انتخاب کنیم. او می‌خواهد که ما از تلاش برای هدایت زندگی خود دست بکشیم و سکان کشتی زندگی را به دست او بسپاریم. چنین کاری بسیار منطقی است زیرا او بعنوان خالق، بهتر از هر کس دیگری می‌داند که زندگی واقعی چیست. او اطاعت می‌خواهد نه رنج دادن نفس. او می‌خواهد که ما خودمحوری را کنار بگذاریم و فکر نکنیم که ما بهتر از او می‌توانیم زندگی خود را اداره کنیم.

۳۶:۸ و ۳۷ بسیاری زندگی خود را صرف لذت‌جویی می‌کنند. اما عیسی فرمود که لذتها و خوشیهایی که بر



## هیأت و ظاهر عیسی تبدیل می‌یابد

(۱۱۱ / متی ۱۷:۱-۱۳؛ لوقا ۹:۲۸-۳۶)

۲:۹  
متی ۱۳-۱:۱۷  
لو ۳۶-۲۸:۹

۳:۹  
دان ۹:۷  
متی ۳:۲۸

شش روز بعد، عیسی با پطرس، یعقوب و یوحنا به بالای تپه‌ای رفت. کس دیگری در آنجا نبود.

ناگاه صورت عیسی بطرز پرشکوهی شروع به درخشیدن کرد<sup>۳</sup> و لباسش درخشان و مثل برف سفید شد، بطوری که هیچ کس بر روی زمین نمی‌تواند لباسی را آنقدر سفید بشوید.

آنگاه الیاس و موسی ظاهر شدند و با عیسی به گفتگو پرداختند.

پطرس شگفت‌زده گفت: «استاد، چه خوب می‌شود اینجا بمانیم. اگر اجازه بفرمایید، سه سایبان بسازیم، برای هر یک از شما، یک سایبان...»

اهمیت	آیات برگزیده	کلمه	کلمات کلیدی در انجیل مرقس
مسیحیان باید آماده باشند تا همه چیز را برای عیسی فدا کنند	۱۷:۱ و ۳۴:۸ و ۲۱:۱۰	پیروی کردن	
برای درک سخنان عیسی، باید با دلی باز به او گوش دهیم.	۳:۴ و ۱۴:۷ و ۷:۹	گوش کردن	
هرچقدر بیشتر عیسی را اطاعت کنیم، بهتر پیام او را درک خواهیم کرد.	۲۴:۴ و ۳۳:۴ و ۱۸:۷	فهمیدن	
مرقس از این کلمه استفاده می‌کند تا قدرت عیسی را نشان دهد و ماچرا را پویا نگاه دارد.	۲۰:۱ و ۴۲:۱ و ۳۵:۷	بلافاصله (فوری)	
آمدن عیسی، نویدبخش فرمانروایی جدید خدا بر زمین است.	۱۵:۱ و ۳۰:۴-۳۲ و ۴۷:۹	ملکوت خدا	

**۳:۹** تبدیل هیأت، طبیعت واقعی مسیح را بعنوان پسر خدا آشکار ساخت. ندای خدا، عیسی را از موسی و الیاس متمایز ساخت و او را همان مسیحای موعود با قدرت کامل الهی معرفی کرد. موسی مظهر شریعت و تورات، و الیاس نماینده انبیا بود. با ظهور آنها، عیسی در مقام تحقق‌بخشنده شریعت عهد عتیق و وعده‌های انبیا، نمودار شد.

عیسی تجسم مجدد الیاس و موسی نبود. او صرفاً یک نبی و پیامبر نبود. او در مقام پسر یگانه خدا، صاحب قدرت و اقتداری به مراتب بیش از انبیا بود. صداهای بسیاری می‌کوشند به ما بگویند که چگونه زندگی کنیم و چگونه خدا را بشناسیم. بعضی از این صداها مفیدند و بعضی نیستند. ما نخست باید به عیسی گوش فرا دهیم و آنگاه سایر صداها را در پرتو مکاشفه او ارزیابی کنیم.

**۲:۹** ما نمی‌دانیم عیسی به چه علت پطرس و یعقوب و یوحنا را برای این مکاشفه خاص برگزید. شاید آنها بیش از دیگران آماده درک و پذیرش حقیقت بزرگی بودند که قرار بود درباره عیسی آشکار شود. این سه شاگرد از سایر شاگردان به عیسی نزدیکتر بودند. آنان جزو نخستین کسانی بودند که دعوت عیسی را شنیدند (۱۶:۱-۱۹). نام ایشان در صدر فهرست اسامی شاگردان در انجیل قرار دارد (۱۶:۳). و ایشان شاهد برخی از شفاها بودند که دیگران در آن حضور نداشتند (لوقا ۸:۵۱).

**۲:۹** عیسی شاگردان را به کوه حرمون یا کوه تابور برد. کوه معمولاً مظهر نزدیکی به خدا و آمادگی برای دریافت کلام اوست. برفراز کوه بود که خدا به موسی (خروج ۱۲:۲۴-۱۸) و به ایلیا یا همان الیاس (۱۸-۸:۱۹) پادشاهان ظاهر شد.

۶ پطرس این حرف را زد تا چیزی گفته باشد، چون نمی دانست چه بگوید و همه از ترس می لرزیدند.

۷ اما در همان حال، ابری بالای سرشان سایه افکند و ندایی از آن در رسید که «این فرزند عزیز من است؛ سخنان او را بشنوید!»

۸ ایشان بلافاصله به اطراف نگاه کردند، ولی جز عیسی کس دیگری را ندیدند. ۹ هنگامی که از کوه پایین می آمدند، عیسی به ایشان فرمود تا پیش از زنده شدنش، درباره آنچه دیدند به کسی چیزی نگویند. ۱۱ ایشان نیز اطاعت نمودند، ولی اغلب درباره آن ماجرا با یکدیگر گفتگو می کردند و در این فکر بودند که منظور عیسی از «زنده شدن» چه بوده است.

۱۱ یکبار از عیسی پرسیدند: «چرا روحانیان یهود می گویند اول باید الیاس پیامبر بیاید، و بعد مسیح؟»

۱۲ عیسی پاسخ داد: «درست است، اول باید الیاس بیاید و راه را آماده کند. ولی در مورد خود مسیح، در کتاب آسمانی چه نوشته شده است؟ نوشته شده که او عذاب خواهد کشید، و با خفت و خواری با او رفتار خواهند کرد. ۱۳ اما درباره الیاس باید بگویم که او آمد و همانطور که پیامبران از پیش گفته بودند، با او بسیار بدرفتاری شد.»

### عیسی یک پسر دیوزده را شفا می بخشد

(متی ۱۷:۱۴-۲۱؛ لوقا ۹:۳۷-۴۳)

۱۴ وقتی به پای کوه رسیدند، دیدند که عده زیادی دور آن نه شاگرد دیگر جمع شده اند و چند نفر از سران قوم یهود نیز با ایشان بحث و گفتگو می کنند. ۱۵ همان

۷:۹  
خرو ۳۴:۴۰  
۲ پط ۱۷:۱ و ۱۸  
عبر ۲:۱ و ۳:۲ و ۲۵:۱۲

۱۱:۹  
ملا ۵:۴  
متی ۱۴:۱۱

۱۳ و ۱۲:۹  
پیذا ۱۵:۳  
مز ۷۰:۲۲  
اش ۶:۵۰ و ۳ و ۲:۵۳  
دان ۲۶:۹  
متی ۱۴:۱۱ و ۱۴  
لو ۱۷:۱ و ۱۱:۲۳  
یو ۱۴:۳

۱۴:۹  
متی ۱۷:۱۴-۲۱  
لو ۹:۳۷-۴۳

۹:۱۱-۱۳ وقتی عیسی گفت که الیاس آمده است، به یحیای تعمیددهنده اشاره می کرد (متی ۱۷:۱۱-۱۳). ۹:۱۲ و ۱۳ برای شاگردان مشکل بود بپذیرند که مسیحیای موعود باید رنج و زحمت ببیند. یهودیانی که پیشگوییهای عهد عتیق را مطالعه می کردند، انتظار داشتند که مسیح همانند داود، پادشاه قدرتمندی باشد که دشمنانش یعنی روم را نابود کند. دید آنها فقط محدود به زمان و تجربیات خودشان بود.

ایشان نمی توانستند درک کنند که ارزشهای مکتوب جاودانی خدا با ارزشهای این جهان تفاوت دارند. آنها خواهان آزادی از مشکلات موجودشان بودند، اما رهایی و آزادی از گناه بسیار مهم تر از رهایی از رنجهای جسمی و مظالم سیاسی است. ما باید بدانیم که قدرت عیسی می تواند فراتر از نیازهای فعلی ما عمل کند و باید او را برای این امر بستاییم.

۹:۱۰ و ۹ عیسی به پطرس و یعقوب و یوحنا فرمود که راجع به آنچه دیده اند، به کسی چیزی نگویند، زیرا آنها تا پیش از زنده شدن مسیح از مردگان، قادر به درک این وقایع نبودند. آنها پس از زنده شدن مسیح بود که پی می بردند که او فقط از راه مرگ می تواند قیام کند و قدرت خود را بر مرگ نشان داده، اقتدار فرمانروایی بر همه را بدست گیرد. شاگردان، تا این حقیقت را بطور کامل درک نمی کردند، نمی توانستند شاهدان قدرتمندی برای خدا گردند.

طبیعی بود که شاگردان موضوع مرگ و قیام عیسی را درک نکنند زیرا ایشان قادر نبودند آینده را ببینند. اما ما کتاب مقدس را که کلام مکشوف و کامل خداست، در اختیار داریم و در آن می توانیم مفهوم کامل مرگ و قیام عیسی را بیابیم. بنابراین، هیچ عذری برای بی ایمانی مان نداریم.

طور که عیسی نزدیک می‌شد، مردم با احترام خاصی به او چشم دوخته بودند؛ سپس پیش رفتند و سلام کردند. <sup>۱۶</sup> عیسی پرسید: «دربارهٔ چه بحث می‌کنید؟» <sup>۱۷</sup> مردی از آن میان جواب داد: «استاد، پسرم را به اینجا آوردم تا او را شفا دهید. او نمی‌تواند حرف بزند چون اسیر یک روح ناپاک است. <sup>۱۸</sup> هرگاه روح ناپاک پسرم را بگیرد، او را بر زمین می‌کوبد و دهانش کف می‌کند و دندانهایش به هم می‌خورد و بدنش مثل چوب خشک می‌شود. از شاگردان شما خواهش کردم روح ناپاک را از او بیرون کنند، ولی نتوانستند.»

۱۹:۹  
یو ۴:۴۸

<sup>۱۹</sup> عیسی فرمود: «ای قوم بی‌ایمان، تا کی با شما باشم تا ایمان بیاورید؟ تا کی باید با شما باشم و این وضع را تحمل کنم؟ پسر را نزد من بیاورید.»

۲۰:۹  
مر ۱:۲۶

<sup>۲۰</sup> پس او را آوردند؛ اما به محض اینکه چشمش به عیسی افتاد، روح ناپاک او را تکان سختی داد و بر زمین زد. پسر می‌غلطید و دهانش کف می‌کرد.

<sup>۲۱</sup> عیسی از پدر او پرسید: «از کی چنین شده است؟»

جواب داد: «از وقتی که طفل کوچکی بود. <sup>۲۲</sup> روح ناپاک بارها او را در آب و آتش انداخته تا نابودش کند. به ما رحم کن و اگر می‌توانی او را شفا بده.»

۲۳:۹  
مر ۱۱:۲۲-۲۴

<sup>۲۳</sup> عیسی فرمود: «اگر می‌توانم؟ اگر ایمان داشته باشی همه چیز برایت امکان خواهد داشت.»

لو ۱۷:۶

<sup>۲۴</sup> پدر فوری با صدای بلند جواب داد: «بلی، ایمان دارم. کمک کنید تا ایمانم بیشتر شود.»

یو ۱۱:۴۰  
اعما ۱۴:۹

<sup>۲۵</sup> چون عیسی دید جمعیت زیادتر می‌شود، به روح ناپاک دستور داد: «ای روح کرولال، به تو می‌گویم از این پسر بیرون برو و دیگر داخل او نشو!»

۲۴:۹  
افس ۲:۸

<sup>۲۶</sup> روح ناپاک نعره‌ای زد و بار دیگر پسر را تکان داد و از او خارج شد. پسر غش کرد و مانند مرده بی‌حرکت بر زمین افتاد. مردم به یکدیگر گفتند: «مُرد!»

۲۵:۹  
اعما ۱۰:۳۸

برای رفع موانع موجود بر سر راه کارش را تعلیم می‌دهد. ما نمی‌توانیم هرچه که دعا می‌کنیم، بباییم. اما با ایمان می‌توانیم هرچه را که برای خدمت به او نیاز داریم، بدست آوریم.

**۲۴:۹** ایمان چیزی قابل لمس نیست که بتوان آن را مثلاً مانند دارو مصرف کرد. ایمان حالتی است قلبی که باعث می‌شود شخص به خدا ایمان و توکل داشته باشد (عبرانیان ۱۱:۱ و ۶). اما حتی ایمان داشتن نیز عطایی است از جانب خدا (افسیان ۲:۹ و ۱). هرچقدر هم ایمان ما زیاد شود، هیچگاه به مرحله خودکفایی نخواهیم رسید. ایمان را نمی‌توان مانند پول در بانک پس‌انداز کرد. برای زیاد شدن ایمان باید هرروزه و بطور دائم توکل و تکیه خود را به عیسی تجدید کنیم.

**۱۸:۹** چرا شاگردان نتوانستند روح پلید را اخراج کنند؟ در مرقس ۱۲:۶ می‌خوانیم که ایشان در حین مأموریتشان در دهات، ارواح ناپاک را بیرون می‌راندند. شاید این قدرتی بود که فقط برای این سفر به ایشان داده شده بود. یا شاید بعدها ایمانشان سست شده بود. مرقس با نقل این ماجرا، می‌خواهد نشان دهد که نبرد با شیطان، نبردی سخت و دائمی است. پیروزی بر گناه و وسوسه از طریق ایمان به مسیح حاصل می‌شود، نه بوسیله تلاشهای خودمان.

**۲۳:۹** این گفته عیسی به این معنی نیست که فقط با تفکر مثبت می‌توانیم هرچه می‌خواهیم بطور اتوماتیک بدست آوریم. منظور عیسی این بود که با ایمان، هر امری ممکن است زیرا برای خدا هیچ چیز دشوار نیست. این آیه، طرز دعا را به ما نمی‌آموزد بلکه بیشتر قدرت خدا

۲۷ اما عیسی دست او را گرفت و بلند کرد. پسر، صحیح و سالم بر پاهای خود ایستاد.

۲۸ بعداً وقتی شاگردان در خانه با عیسی تنها بودند، از او پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم روح ناپاک را بیرون کنیم؟»

۲۹ عیسی فرمود: «این نوع روح ناپاک جز با دعا بیرون نمی‌رود.»

### عیسی برای بار دوم مرگ خود را پیشگویی می‌کند

(۱۱۳ / متی ۱۷:۲۲ و ۲۳؛ لوقا ۹:۴۴ و ۴۵)

۳۰ عیسی از آنجا به جلیل رفت و سعی کرد از نظر مردم دور بماند،<sup>۳۱</sup> تا بتواند وقت بیشتری را با شاگردانش صرف کند و ایشان را تعلیم دهد. او به ایشان می‌گفت: «به من که مسیح هستم، خیانت خواهد شد و مرا خواهند کشت. اما بعد از سه روز زنده خواهم شد.»<sup>۳۲</sup> ولی منظور او را نفهمیدند و می‌ترسیدند بپرسند.

۳۰:۹  
متی ۱۷:۲۲ و ۲۳  
لو ۹:۴۴-۴۵  
۳۱:۹  
متی ۱۶:۲۱  
مر ۱۸:۳۱  
لو ۹:۲۲

### شاگردان درباره بزرگی بحث می‌کنند

(۱۱۵ / متی ۱۸:۱-۶؛ لوقا ۹:۴۶-۴۸)

۳۳ سپس به کفرناحوم رسیدند. وقتی به خانه‌ای وارد شدند که بنا بود در آنجا بمانند، عیسی از ایشان پرسید: «در بین راه با هم چه می‌گفتید؟»

۳۳:۹  
متی ۱۸:۱-۱۱  
لو ۹:۴۶-۵۰

شاگردان نیاز داشتند که بطور مرتب هر چند وقت یکبار، کار خود را کنار بگذارند و از استاد تعلیم بیابند، چقدر بیشتر ما نیاز داریم که بطور متناوب کار کنیم و تعلیم بگیریم.

۳۰:۹ و ۳۱:۹ عیسی پس از ترک قیصریه فیلیپ، برای آخرین بار به نقاط مختلف ایالت جلیل سفر کرد.

۳۲:۹ چرا شاگردان می‌ترسیدند از عیسی درباره پیشگویی مرگش سؤال کنند؟ شاید به این دلیل که آخرین باری که در مقابل سخنان عیسی واکنش نشان دادند، از جانب او سرزنش شدند (مرقس ۸:۳۲ و ۳۳).

ایشان تصور می‌کردند که فکر عیسی بطور اندوهباری متوجه مرگش می‌باشد. اما در واقع این شاگردان بودند که فکرشان متوجه جای اشتباهی بود. ایشان دائماً در فکر فرمانروایی و ملکوتی بودند که امید داشتند عیسی برقرار کند و به مقام خود در این فرمانروایی فکر می‌کردند. ایشان نگران این بودند که اگر عیسی بمیرد، تکلیف ایشان چه خواهد شد. در نتیجه ترجیح می‌دادند درباره این پیشگویی اصلاً گفتگو نکنند.

۲۹:۹ عیسی به شاگردانش تعلیم می‌داد که به مشکلاتی برخوانند خورد که فقط بوسیله ایمان حل خواهند شد. دعا کلیدی است که در ایمان را به روی زندگی ما می‌گشاید. برای آنکه دعایمان مؤثر باشد، لازم است که در درون خود اطاعت کامل از خدا داشته باشیم و هم قدمی عملی برداشته، درخواستهایمان را به حضور او ببریم. وقتی با فروتنی از خدا دعوت می‌کنیم که وجود ما را از ایمان و قدرت خود مملو سازد، در واقع توکل و اعتمادمان به خدا را نشان می‌دهیم. هیچ چیزی جایگزین دعا نمی‌شود، خصوصاً به هنگام مشکلاتی که غیرقابل حل بنظر می‌رسند.

۳۰:۹ و ۳۱:۹ گاهی اوقات عیسی خدمت عمومی خود را محدود می‌کرد تا بتواند شاگردان را بطور عمیق‌تری تربیت و آماده نماید. او می‌دانست که وقتی به آسمان باز گردد، بسیار حیاتی خواهد بود که شاگردانش از هر نظر مجهز و مهیا باشند. یادگیری زمان می‌خواهد. کیفیت تجربیات و آموزش انسان هرچقدر بالا باشد، اما رشد عمیق روحانی کار یک لحظه نیست. بنابراین، اگر

۳۴:۹

امث ۱۰:۱۳  
لو ۲۶:۲۲ و ۲۶

۳۵:۹

متی ۲۷-۲۶:۲۰ و ۲۷:۲۳

۳۷:۹

متی ۴۰:۱۰  
مر ۱۶:۱۰  
یو ۲۰:۱۳

۳۴ ایشان خجالت می کشیدند جواب دهند، زیرا در بین راه بحث و گفتگو می کردند که چه کسی از همه بزرگتر است.

۳۵ پس عیسی نشست و آنها را دور خود جمع کرد و گفت: «هر که می خواهد از همه بزرگتر باشد، باید کوچکتر از همه و خدمتگزار همه باشد.»

۳۶ سپس کودکی را به میان آورد و او را در آغوش گرفت و گفت: ۳۷ «هر که بخاطر من خدمتی به این کودک بکند، در واقع به من خدمت کرده است؛ و هر که به من خدمت کند، به پدرم که مرا فرستاده خدمت کرده است.»

### شاگردان مانع شخصی می شوند که نام عیسی را بکار می برد

(۱۱۶ / لوقا ۹:۴۹ و ۵۰)

۳۸:۹

اعد ۱۱-۲۶:۲۹

۳۹:۹

اقرن ۳:۱۲

۴۰:۹

متی ۳۰:۱۲

۴۱:۹

متی ۴۲:۱۰

۴۲:۹

لو ۳-۱:۱۷

۳۸ روزی یکی از شاگردان او به نام یوحنا، به او گفت: «استاد، مردی را دیدیم که به نام شما ارواح ناپاک را از مردم بیرون می کرد؛ ولی ما به او گفتیم که این کار را نکنند چون او جزو دسته ما نبود.»

۳۹ عیسی فرمود: «نه، این کار را نکنید، چون کسی که به اسم من معجزه ای می کند، مخالف من نیست. ۴۰ کسی که به ضد ما نیست، با ما است. ۴۱ اگر کسی به شما حتی یک لیوان آب بدهد، فقط بخاطر اینکه شاگرد من هستید، حتماً خدا به او پاداش و برکت خواهد داد. ۴۲ ولی اگر کسی باعث شود یکی از این کودکان که به من ایمان دارند، ایمانش را از دست بدهد، برای او بهتر است یک سنگ بزرگ دور گردنش آویخته و به دریا انداخته شود.»

### عیسی در مورد وسوسه هشدار می دهد

(۱۱۷ / متی ۷:۱۸-۹)

۴۳:۹

تث ۱۰-۶:۱۳  
متی ۳۰ و ۲۹:۵

۴۳ و ۴۴ «اگر از دست خطایی سر می زنی، آن را بپُرد؛ چون بهتر است یک دست داشته باشی و تاابد زنده بمانی تا اینکه دو دست داشته باشی و در آتش بی امان جهنم بیفتی.»

۳۴:۹ و ۳۶:۹ در لوقا ۴۸:۹ چنین آمده است: «بزرگی شما به این بستگی دارد که تا چه اندازه به فکر دیگران باشید.» در نظر عیسی، هر که به کودکی توجه کند، به او توجه کرده است؛ و هر که به نیازمندی خوراک دهد، انگار که قربانی به خدا تقدیم کرده است. برعکس، ضرر رساندن به دیگران و حتی توجه نکردن به ایشان گناه است. افراد بی فکر و خودپرست در نظر مردم این دنیا به جاه و مقام می رسند، اما بزرگی جاودانی با معیارهای خدا اندازه گیری می شود. معیار بزرگی برای شما چیست: موفقیت های شخصی یا خدمت فداکارانه؟

۳۴:۹ شاگردان به هنگام تلاش دائمی برای کسب موفقیت های شخصی، غافلگیر شدند و به همین علت خجالت می کشیدند به سؤال عیسی پاسخ دهند. چقدر دردناک است که انگیزه های خود را با انگیزه های مسیح مقایسه کنیم. اشتباه نیست که ایماندار، کوشا و خواهان پیشرفت باشد، اما جاه طلبی نادرست گناه است. تکبر و یا احساس عدم اطمینان می توانند باعث شوند که مقام و شهرت را مهم تر از خدمت به خدا بشماریم. در ملکوت خدا، چنین انگیزه هایی مخرب هستند، ما باید برای ملکوت مسیح جاه طلب باشیم، نه برای موقعیت خودمان.

۴۶ و ۴۵ اگر پایت تو را به سوی بدی می کشاند، آن را ببر؛ چون بهتر است یک پا داشته باشی و تا ابد زنده بمانی تا اینکه دو پا داشته باشی و در جهنم بسربری. ۴۷ اگر چشمت گناه کند، آن را در آور؛ چون بهتر است یک چشم داشته باشی و وارد ملکوت خدا شوی تا اینکه دو چشم داشته باشی و آتش جهنم را ببینی، ۴۸ جایی که کرم های بدن خوار هرگز نمی میرند و آتش، هیچگاه خاموش نمی شود. ۴۹ هر کس باید برای خدا همچون قربانی باشد که با آتش رنجها و زحمات پاک می شود، همانطور که یک قربانی با نمک پاک می شود. ۵۰ نمک خوب است ولی اگر طعم خود را از دست بدهد، دیگر ارزشی ندارد و به هیچ غذایی طعم نمی دهد. پس شما نیز طعم خود را از دست ندهید. با هم در صلح و صفا زندگی کنید.»

۴۸:۹

اش ۲۴:۶۶

۹:۱ تس ۲

۴۹:۹

لاو ۱۳:۲

جز ۲۴:۴۳

۵۰:۹

متی ۱۳:۵

لو ۳۴:۱۴

محبت استوار باشند (۱۳ اقرنتیان) و باید از قضاوت کردن درباره دیگران بپرهیزیم (متی ۷:۱-۵ و رومیان ۱:۱۴ تا ۱۵:۴). با اینحال ما مسؤول هستیم که با گناهان شرم آور در داخل کلیسا مبارزه کنیم (۱۳ اقرنتیان ۵:۱۲ و ۱۳). ۴۳:۹ عیسی برای نشان دادن اهمیت قطع گناه از زندگی، عبارات تکان دهنده ای بکار می برد. پیروان راستین او باید تحت انضباط دردناکی قرار گیرند. ترک یک رابطه، کار و یا عادت که برخلاف اراده خداست، درست مانند قطع دست، دردناک بنظر می رسد. اما هدف الهی ما، ارزش هر گونه قربانی را دارد؛ مسیح ارزش هر فداکاری و ضرری را دارد. هیچ چیز نباید بر سر راه ایمان بایستد. ما در این زندگی باید در پاک کردن گناهان از زندگی مان کاملاً بی رحم باشیم، در غیر اینصورت تا ابد از دست آنها خلاص نخواهیم شد. به هنگام هر تصمیم گیری، ابدیت را در نظر داشته باشید. ۴۸ و ۴۹ عیسی با این کلمات عجیب، نتایج وخیم و ابدی گناه را ترسیم می کرد. برای یهودیان، کرم و آتش علامت رنج و درد درونی و بیرونی بودند. ۵۰:۹ عیسی با اشاره به نمک، به سه خصوصیتی که باید در زندگی پیروانش وجود داشته باشد، اشاره کرد: (۱) ما باید امانت و وفاداری خدا را به یاد داشته باشیم، همانطور که نمک با قربانی بکار می رفت تا عهد خدا را با قومش به یاد آورد (لاویان ۲:۱۳). (۲) ما باید زندگی مسیحی مؤثری داشته باشیم، همانطور که نمک نیز در طعم دادن به غذا مؤثر است (متی ۵:۱۳). اگر اشتیاق خود را برای نمکین کردن جهان با محبت و پیغام خدا از دست بدهیم، دیگر برای او بی فایده می شویم. (۳) زندگی ما از نظر اخلاقی باید صحیح باشد تا بتوانیم با فساد جامعه مبارزه کنیم، همانطور که نمک نیز غذا را از فاسد شدن محفوظ نگه می دارد.

۳۷ و ۳۶:۹ عیسی به شاگردان تعلیم داد که کودکان را دوست بدارند و خدمت کنند. در جامعه ای که کودکان را معمولاً به حساب نمی آوردند، این تعلیم حاوی نگرشی جدید بود. نه فقط مهم است که کودکان را مهم شمرد، بلکه باید تعالیم مسیح را به ایشان آموخت. در کلیسا، کلاسهای تعلیم خردسالان از کلاس بزرگسالان نباید کمتر اهمیت داشته باشد. ۳۸:۹ شاگردان به موقعیت گروهی خود بیشتر توجه داشتند تا به کمک بی دریغ به اسیران ارواح ناپاک. از اینرو نسبت به کسی که به نام عیسی بیماران را شفا می بخشید، حسادت ورزیدند. امروزه نیز ما در کارها و امور خیر شرکت نمی کنیم به این دلیل که (۱) این کارها به فرقه ما وابسته نیستند؛ (۲) افرادی که با آنها راحت هستیم در آن شرکت ندارند؛ (۳) روش انجام آنها مطابق عادت ما نیست؛ (۴) از زحمات ما به اندازه کافی قدردانی نخواهد شد. داشتن اعتقادات صحیح مهم است، اما این مسأله نباید بهانه ای باشد که به نیازمندان کمک نکنیم. ۴۰:۹ منظور عیسی این نبود که بی تفاوتی و خنثی بودن نسبت به او، فرقی با سرسپردگی به او ندارد. او در متی ۱۲:۳۰ فرمود: «هر کس به من کمک نمی کند، به من ضرر می رساند.» عیسی تعلیم داد که افراد مختلفی او را پیروی می کنند و به نام او مشغول خدمت هستند. این قبیل افراد باید به کار خود ادامه دهند. آنانی که دارای ایمانی یکسان به مسیح هستند، باید بتوانند با یکدیگر همکاری کنند. لازم نیست دیگران برای پیروی از عیسی، درست مانند ما بشوند. ۴۲:۹ هشدار در مورد صدمه رساندن به آنانی که در ایمان کودک هستند، هم به کار انفرادی ما بعنوان معلم و الگو برای دیگران مربوط می شود، و هم به آنچه که در روابط مسیحی مان انجام می دهیم. افکار و اعمال ما باید براساس

## عیسی درباره ازدواج و طلاق تعلیم می‌دهد

(۱۷۳ / متی ۱۹: ۱-۱۲)

۱۰ عیسی از کفرناحوم بطرف سرزمین یهودیه و قسمت شرقی رود اردن رفت. باز عده زیادی در آنجا نزد او گرد آمدند و او نیز طبق عادت خود، به تعلیم ایشان پرداخت.

۲:۱۰  
متی ۱۲: ۳-۱۹

۲ در آن میان، چند تن از فرقه فریسی‌ها آمدند و از او پرسیدند: «آیا شما اجازه می‌دهید مرد، زن خود را طلاق دهد؟» البته منظور آنان این بود که عیسی را در بحث غافلگیر کنند.

۴:۱۰  
متی ۳: ۱-۲۴  
۳۱: ۵

۳ عیسی نیز از ایشان پرسید: «موسی در مورد طلاق چه دستوری داده است؟»  
۴ اجواب دادند: «موسی فرموده که طلاق دادن زن اشکالی ندارد. فقط کافی است که مرد طلاقنامه‌ای بنویسد و به زن خود بدهد.»

۶:۱۰  
پیذا ۲۷: ۱ و ۲۴: ۲

۵ عیسی فرمود: «آیا می‌دانید چرا موسی چنین دستوری داد؟ علتش فقط سنگدلی و بدذاتی شما بوده است. <sup>۷</sup>ولی قطعاً خواست خدا چنین نیست. چون

روحانی. عیسی از این فرصت استفاده کرد تا هدف خدا را از مسأله ازدواج انسان بیان کند و انگیزه‌های خودخواهانه فریسیان را افشاء نماید. آنان به فکر این نبودند که خدا برای ازدواج چه مقصودی دارد، بلکه در فکر ازدواج‌های مصلحتی بودند. بعلاوه آیات و تورات را بصورت نادرست و ناپجا بکار می‌بردند. عیسی به این عالمین شریعت نشان داد که دانش و علمشان چقدر سطحی است.

۹-۵: ۱۰ خدا طلاق را بعلت گناهکار بودن مردم، مجاز اعلام کرده بود. طلاق مورد تأیید خدا نبود، بلکه فقط برای حمایت از شخص مظلوم در شرایط بد تعیین شده بود. متأسفانه فریسیان تشبیه ۱: ۲۴ را بهانه‌ای برای طلاق قرار داده بودند. عیسی تشریح کرد که طلاق مورد نظر خدا نیست، بلکه خدا مایل است که افرادی که ازدواج می‌کنند، آن را دائمی بدانند. با فکر طلاق، با کسی ازدواج نکنید، بلکه ازدواج خود را دائمی بدانید، در اینصورت احتمال موفقیت ازدواجتان بیشتر خواهد بود. شما مانند این فریسیان سخت‌دل نباشید، بلکه به کمک خدا در تصمیمتان در مورد همیشگی بودن ازدواج راسخ باشید. ۷: ۱۰ با زنان اغلب بعنوان مایملک و دارایی رفتار می‌شد. ازدواج و طلاق نیز معاملاتی نظیر خرید و فروش زمین تلقی می‌شد. اما عیسی این راه و رسم را محکوم کرد و بر مقصود اصلی خدا از ازدواج، یعنی اتحاد و یکی شدن تأکید گذارد (پیذایش ۲: ۲۴). عیسی کمال مطلوب خدا را برای امر ازدواج مورد تأکید قرار داد و شاگردان خود را به پیروی از آن تشویق کرد.



آخرین سفر به یهودیه عیسی اندک‌اندک کفرناحوم را ترک گفت و پیش از عبور از رود اردن، در سرحدات یهودیه می‌گشت. او پیش از رفتن به اریحا در این نواحی موعظه کرد. این آخرین سفر از جلیل بود و تا پس از مرگش به آنجا بازنگشت.

۲: ۱۰ فریسیان می‌کوشیدند عیسی را با سؤالاتشان به دام بیندازند. اگر عیسی از طلاق حمایت می‌کرد، در واقع راه و روش فریسیان را مورد تأیید قرار می‌داد. فریسیان شک داشتند که عیسی چنین کاری بکند. از طرف دیگر اگر علیه طلاق سخن می‌گفت، جماعت موضع او را نمی‌پسندیدند. بعلاوه خشم هیروودیس پادشاه را نیز برمی‌انگیخت، زیرا او مدتی پیش از آن، یحیای تعمیددهنده را بعلت سخن گفتن علیه طلاق و زنا به قتل رسانده بود (مرقس ۶: ۱۷-۲۸). فریسیان نیز همین را می‌خواستند. فریسیان طلاق را امری قضایی می‌دانستند، نه مسأله‌ای

خدا از همان ابتدا، مرد و زن را برای پیوند همیشگی آفرید. به همین دلیل، مرد باید از پدر و مادر خود جدا شود، و به همسرش بپیوندد،<sup>۸</sup> بطوری که از آن پس دو تن نباشند بلکه یک تن باشند.<sup>۹</sup> و هیچ کس حق ندارد این اتحاد را برهم زند و ایشان را از یکدیگر جدا سازد. چون خدا آن دو را با هم یکی ساخته است.<sup>۱۰</sup> بعداً وقتی عیسی در خانه تنها بود، شاگردانش بار دیگر سر صحبت را دربارهٔ همین موضوع باز کردند.

<sup>۱۱</sup> عیسی به ایشان فرمود: «اگر مردی همسرش را طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند، نسبت به همسرش زنا کرده است.<sup>۱۲</sup> همچنین اگر زنی از شوهرش جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند، او نیز زنا کرده است.»

۸:۱۰

اقرن ۱۶:۶

افس ۳۱:۵

۱۱:۱۰

متی ۳۲:۵

لو ۱۸:۱۶

روم ۲:۷ و ۳

### عیسی کودکان را برکت می دهد

(۱۷۴ / متی ۱۹:۱۳-۱۵ ؛ لوقا ۱۸:۱۵-۱۷)

<sup>۱۳</sup> روزی چند زن، فرزندان خود را نزد عیسی آوردند تا آنان را برکت دهد. ولی شاگردان عیسی ایشان را به عقب راندند و گفتند که مزاحم نشوند.<sup>۱۴</sup> ولی وقتی عیسی رفتار شاگردان را دید، ناراحت شد و به ایشان گفت: «بگذارید بچه ها نزد من بیایند؛ ایشان را بیرون نکنید چون ملکوت خداوند به آنانی تعلق دارد که مانند این بچه ها باشند.<sup>۱۵</sup> در حقیقت به شما می گویم هر که نخواهد مانند یک کودک بسوی خدا بیاید، هرگز از برکات ملکوت خداوند برخوردار نخواهد شد.»<sup>۱۶</sup> آنگاه بچه ها را در آغوش گرفت و دست بر سر ایشان گذاشت و آنان را برکت داد.

۱۳:۱۰

متی ۱۹:۱۳-۱۵

لو ۱۷:۱۵-۱۸

۱۵:۱۰

متی ۳:۱۸

اقرن ۲۰:۱۴

۱ پط ۲:۲

۱۶:۱۰

اش ۱۱:۴۰

### عیسی با جوان ثروتمند سخن می گوید

(۱۷۵ / متی ۱۹:۱۶-۳۰ ؛ لوقا ۱۸:۱۸-۳۰)

<sup>۱۷</sup> وقتی عیسی عازم سفر بود، شخصی با عجله آمده، نزد او زانو زد و پرسید: «ای استاد نیکو، چه باید بکنم تا در آن دنیا زندگی جاوید نصیبم شود؟»

۱۷:۱۰

متی ۳۰-۱۶:۱۹

لو ۳۰-۱۸:۱۸

آنچه یک کودک برای احساس امنیت نیاز دارد، نگاهی پرمهر و نوازشی پرمحبت از سوی کسی است که به او توجه دارد. کودکان به درک منطقی مسائل نیاز ندارند. اگر اعتمادشان را جلب کنیم، گفته هایمان را باور خواهند کرد. عیسی گفت که همه باید با چنین اعتماد کودکی به او ایمان آورند. لازم نیست تمام اسرار کائنات را درک کنیم، بلکه کافی است بدانیم که خدا ما را دوست دارد و گناهانمان را می بخشد. این به آن معنا نیست که نابالغ باشیم، بلکه باید با سادگی و پاکی یک کودک به خدا اعتماد کنیم.

۱۷:۱۰-۲۳ این مرد جوان مایل بود اطمینان حاصل

۱۰-۱۶ اغلب از عیسی انتقاد می کردند که چرا با افرادی وقت صرف می کند که شایسته آن نیستند، افرادی نظیر کودکان، گناهکاران (متی ۹:۱۱)، خراجگیران (لوقا ۱۵:۲ و ۱۹:۷). بعضی، منجمله شاگردان، فکر می کردند که عیسی باید وقت بیشتری با رهبران و شیفتگان خود صرف کند، زیرا به این ترتیب موقعیت خود را بالا خواهد برد و از انتقادات پرهیز خواهد کرد. اما عیسی نیازی به بالا بردن مقام و موقعیت خود نداشت. او خدا بود و می خواست با کسانی صحبت کند که بیشتر به او احتیاج داشتند.

۱۰:۱۴ میزان اعتماد بزرگسالان به اندازه کودکان نیست.



۱۸ عیسی فرمود: «چرا مرا نیکو می‌گویی؟ فقط خداست که واقعاً نیکوست.  
 ۱۹ ولی در مورد سؤالت، خودت که احکام خدا را می‌دانی: قتل نکن، زنا نکن،  
 دزدی نکن، دروغ نگو، کسی را فریب نده و به پدر و مادرت احترام بگذار.»  
 ۲۰ مرد جواب داد: «این قوانین را یک یک از کودکی انجام داده‌ام.»  
 ۲۱ عیسی نگاهی گرم و پرمحبت به او کرد و فرمود: «تو فقط یک چیز کم  
 داری: برو هر چه داری بفروش و پولش را به فقرا بده که در آسمان گنجی  
 خواهی یافت. آنگاه بیا و مرا پیروی کن.»  
 ۲۲ مرد با چهره‌ای درهم و افسرده برگشت، چون ثروت زیادی داشت.  
 ۲۳ عیسی لحظه‌ای به اطراف نگاه کرد و بعد به شاگردان خود فرمود: «برای یک  
 ثروتمند چقدر سخت است به ملکوت خدا داخل شود.»

۱۹:۱۰  
 خرو ۱۷-۱۲:۲۰  
 تث ۲۰-۱۶:۵  
 روم ۹:۱۳  
 ۲۰:۱۰  
 یعقو ۱۰:۲  
 ۲۱:۱۰  
 متی ۲۰-۱۹:۶  
 لو ۳۳:۱۲  
 اعما ۴۵و۴۴:۲  
 تیمو ۱۹-۱۷:۶

پیروان عیسی اموال خود را نفروختند، اما از آن برای کمک به دیگران استفاده کردند. پیام اصلی این ماجرا اینست که هیچ چیز نباید مانع پیروی ما از عیسی گردد. ما باید همه موانع را برداریم تا بتوانیم او را بطور کامل خدمت کنیم. اگر عیسی امروز از شما می‌خواست که خانه‌تان را رها کنید، آیا می‌کردید؟ وسیله نقلیه‌تان را چطور؟ یا خورد و خوراکتان؟ آیا برای خدمت به مسیح، در صورت لزوم حاضر هستید به ساختمان شلوغی در محله فقیرنشین نقل مکان کنید، فقط سوار اتوبوس شوید، و ندانید خوراکتان در وعده بعدی چه خواهد بود؟ واکنش شما نشان‌دهنده حالت شما در مقابل پول است: آیا پول خادم شماست یا اربابتان؟

۲۱:۱۰ عیسی با اینکه می‌دانست این مرد ممکن است او را پیروی نکند، با اینحال محبت واقعی و عمیقی نسبت به او نشان داد. محبت واقعی باعث می‌شود انسان راهنمایی‌های راست و بی‌تعارف بدهد و حقیقت را کتمان نکند. مسیح ما را آنقدر دوست داشت که برای ما جانش را فدا کرد، اما با اینحال او با ما بدون پرده‌پوشی و تعارف سخن می‌گوید. اگر محبت او سطحی می‌بود، فقط کارهای ما را تأیید می‌کرد. اما از آنجا که محبت او کامل است، سخنانی به ما می‌گوید که زندگی را تغییر می‌دهند. ۲۳:۱۰ عیسی فرمود که ورود ثروتمندان به ملکوت خدا دشوار است، زیرا اکثر نیازهای فیزیکی ایشان تأمین است و به همین جهت به خود اعتماد نادرست می‌یابند. وقتی احساس کوچکی و خلاء می‌کنند، می‌توانند چیزی جدید بخرند و رنج درونی را که می‌توانست ایشان را بسوی خدا هدایت کند، برطرف سازند. دولت ایشان موجب نقصان و شکستشان می‌گردد. کسی که در این دنیا همه چیز دارد، ممکن است چیز خیلی مهمی را نداشته باشد، یعنی حیات جاودانی را.

کند که حیات جاودانی را خواهد یافت. به همین جهت سؤال کرد که برای رسیدن به این هدف، چه باید بکنم. او گفت که هرگز هیچیک از احکامی را که عیسی نام برد، زیر پا نگذاشته است (آیه ۱۹). شاید او این احکام را با وسواسی نظیر وسواس فریسیان نگاه می‌داشته است. اما عیسی با محبت، دعوتی از او کرد که غرور او را شکست و انگیزه‌های پنهان او را آشکار ساخت. عیسی به او فرمود: «برو هر چه داری بفروش و پولش را به فقرا بده.» مانعی وجود داشت که می‌توانست این جوان را از رسیدن به بهشت محروم کند و این مانع عشق او به ثروت بود. ثروت نمایانگر غرور او بود نسبت به تواناییها و تلاشهای خود. این حالت او، باعث شده بود که نتواند حکم اول ده فرمان را اجرا کند، حکمی که بموجب آن نباید اجازه داد چیزی در زندگی از خدا مهم‌تر گردد (خروج ۳:۲۰). او قادر نبود خواست مسیح را اجرا کند و خود را با تمام قلب و زندگی، به خدا تسلیم نماید. این جوان نزد عیسی آمده بود تا بداند چه باید انجام دهد. اما هنگامی که از نزد او می‌رفت، متوجه شده بود که چه کاری را نمی‌تواند انجام دهد. در مورد شما، چه موانعی وجود دارد که نمی‌گذارد زندگی خود را به خدا تسلیم کنید؟

۱۸:۱۰ با طرح این سؤال، عیسی در واقع می‌خواست بپرسد: «آیا واقعاً می‌دانی با چه کسی صحبت می‌کنی؟» از آنجا که فقط و فقط خدا نیکوست، آن جوان با این گفته خود، عیسی را خدای خود خواند. البته خدا بودن عیسی درست بود، اما به احتمال قوی آن جوان این را نمی‌دانست.

۲۱:۱۰ پول و ثروت برای شما چه معنی و مفهومی دارد؟ گرچه عیسی از این شخص خواست تا همه چیز را بفروشد و پولش را به فقرا بدهد، اما این بدان معنی نیست که همه ایمانداران موظفند اموال خود را بفروشند. اکثر

۲۴ شاگردان از این گفته عیسی تعجب کردند. پس عیسی باز گفت: «برای کسانی که به مال دنیا دل بسته‌اند، چقدر مشکل است به عالم آسمانی که خدا در آن سلطنت می‌کند داخل شوند. ۲۵ خیلی آسانتر است که شتر از سوراخ سوزن بگذرد از اینکه شخص ثروتمندی وارد ملکوت خدا گردد.»

۲۶ شاگردان با شک و تردید پرسیدند: «اگر ثروتمندان نتوانند نجات پیدا کنند، پس چه کسی می‌تواند؟»

۲۷ عیسی نگاهی عمیق به ایشان کرد و فرمود: «ممکن است انسان نتواند این کار را بکند، ولی خدا می‌تواند، زیرا برای خدا هیچ کاری غیرممکن نیست.» ۲۸ آنگاه پطرس گفت: «من و سایر شاگردان از هر چه داشتیم گذشتیم. ما همه

چیز خود را از دست دادیم تا بتوانیم شما را پیروی کنیم.»

۲۹ عیسی جواب داد: «خاطر جمع باشید، اگر کسی چیزی را بخاطر من و انجیل از دست بدهد، مثل خانه، برادر، خواهر، پدر، مادر، فرزند و اموال خود، ۳۰ خدا به او صد برابر بیشتر خانه، برادر، خواهر، مادر و فرزند و زمین خواهد داد، همراه با رنج و زحمت. تمام اینها در این دنیا از آن او خواهد بود و در عالم آینده نیز زندگی جاوید نصیب او خواهد شد. ۳۱ ولی بسیاری که حالا مهم بنظر می‌رسند، در آن زمان کوچکترین خواهند بود. و بسیاری که الان کوچکترین بحساب می‌آیند در آنجا بزرگترین خواهند بود.»

### عیسی برای بار سوم، مرگ خود را پیشگویی می‌کند

(۱۷۷ / متی ۱۷:۲۰-۱۹؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۴)

۳۲ پس ایشان بسوی اورشلیم براه افتادند. عیسی جلو می‌رفت و شاگردان بدنبال

۲۴:۱۰  
مز ۷:۵۲

۲۷:۱۰  
ار ۱۷:۳۲  
عبر ۲۵:۷

۲۸:۱۰  
مر ۱۸:۱

۳۰:۱۰  
اعما ۲۲:۱۴  
تسا ۳:۳  
۲ تیمو ۱۲:۳

۳۱:۱۰  
متی ۱۶:۲۰  
لو ۳۰:۳

۳۲:۱۰  
متی ۱۹-۱۷:۲۰  
لو ۳۴-۳۱:۱۸

۳۱:۱۰ عیسی تشریح کرد که در عالم آینده، ارزشهای این دنیا وارونه خواهد شد. آنانی که در این دنیا در پی مقام و بزرگی هستند، در آسمان هیچ خواهند بود، و آنانی که در این جهان فروتن می‌باشند، در آسمان بزرگ خواهند بود. وضعیت منحنی و فاسد جامعه امروز جهان، این آشفتگی ارزشها را تشویق و ترغیب می‌کند. دائماً از همه طرف می‌شنویم که باید در نظر دیگران مهم جلوه کنیم و در رفاه باشیم. در این میان، تعلیم عیسی درباره خدمت به دیگران، غریب بنظر می‌رسد. اما واقعیت اینست که آنانی که به دیگران خدمت می‌کنند، شایستگی این را خواهند داشت که در آسمان بزرگ و مهم باشند.

۳۲:۱۰ شاگردان از آنچه که گمان می‌کردند در اورشلیم منتظرشان می‌باشد، می‌ترسیدند زیرا عیسی به‌تازگی درباره وقوع زحمات و جفاها با ایشان سخن گفته بود.

۲۶:۱۰ شاگردان باور نمی‌کردند، چون به گمان آنها، ثروت برکت خدا و پاداش نیکوکاری بود. این تصور نادرست، امروز نیز بسیار رایج است. با اینکه بسیاری از ایمانداران از رفاه مادی برخوردارند، اما بسیاری دیگر در سختی زندگی می‌کنند. ثروت نشانه ایمان یا تأیید الهی نیست.

۲۹:۱۰ و ۳۰ عیسی به شاگردان اطمینان داد که هر که بخاطر او چیز ارزشمندی را رها کند، در همین زندگی صد چندان پاداش خواهد یافت، اما نه الزاماً پاداشی از همان نوع. بعنوان مثال، ممکن است شخصی بخاطر ایمانش به مسیح، از خانه طرد شود، اما این شخص در مقابل، به خانواده بزرگ ایمانداران راه خواهد یافت. اما همراه با این پاداشها، زحمات نیز نصیب شخص مسیحی خواهد شد، زیرا جهان از خدا نفرت دارد. عیسی عمداً بر زحمات و رنجهای تأکید گذارد تا مبادا او را فقط بخاطر دریافت پاداش پیروی کنیم.

او. ناگهان ترس و حیرت سراسر وجود شاگردان را فرا گرفت. عیسی ایشان را به کناری کشید و یکبار دیگر به ایشان گفت که در اورشلیم چه سرنوشتی در انتظار اوست. او فرمود:

۳۳ «وقتی به اورشلیم رسیدیم، مرا دستگیر می کنند و پیش کاهنان اعظم و سران قوم یهود می برند و به مرگ محکوم می کنند. سپس مرا بدست رومی ها خواهند سپرد تا مرا بکشند. ۳۴ مردم مرا مسخره خواهند کرد و روی صورتم آب دهان انداخته، مرا شلاق خواهند زد و سرانجام مرا خواهند کشت؛ ولی بعد از سه روز دوباره زنده خواهم شد.»

### عیسی درباره خدمت به دیگران تعلیم می دهد

(۱۷۸ / متی ۲۰:۲۰-۲۸)

۳۵ یعقوب و یوحنا، پسران زبدی، نزد او آمده، گفتند: «استاد، ممکن است لطفی در حق ما بکنید؟»

۳۶ عیسی پرسید: «چه لطفی؟»

۳۷ گفتند: «می خواهیم در دوران سلطنت شما، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تخت سلطنت شما بنشینیم.»

۳۸ عیسی جواب داد: «شما نمی دانید چه می خواهید! آیا می توانید از جام تلخ رنج

۳۳:۱۰

متی ۲۱:۱۶ و ۲۶:۶۷

و ۲۷:۳۰

مر ۳۱:۹ و ۳۱:۸

و ۱۴:۶۵

لو ۲۲:۹

اقرن ۱۵:۳ و ۴

۳۵:۱۰

متی ۲۰:۲۰-۲۸

۳۸:۱۰

لو ۱۲:۵۰

۳۷:۱۰ شاگردان مانند اغلب یهودیان آن روزگار، تصور اشتباهی درباره ملکوت مسیح که در عهد عتیق پیشگویی شده بود، داشتند. آنها فکر می کردند که عیسی حکومتی زمینی برقرار خواهد کرد که اسرائیل را از ظلم روم رهایی خواهد داد. به همین جهت، یعقوب و یوحنا خواهان مقام بالایی در این حکومت بودند. اما ملکوت عیسی اینجهانی نیست و در کاخها و قصرها جای ندارد، بلکه در قلب و زندگی پیروان او. شاگردان این مسأله را تا پس از قیام عیسی درک نکردند.

۳۸:۱۰ یعقوب و یوحنا گفتند که حاضرند در راه مسیح متحمل آزار و اذیت گردند. آنها هر دو زحمت دیدند: یعقوب شهید شد (اعمال ۱۲:۲)، و یوحنا تبعید گردید (مکاشفه ۹:۱). خیلی ساده است که بگوییم در راه مسیح متحمل هرگونه زحمت و آزاری خواهیم شد، اما بسیاری از ما هر روز بخاطر مشکلات کوچک گله و شکایت می کنیم. اگر ادعا می کنیم که حاضریم در راه مسیح بطور گسترده زحمت ببینیم، باید حاضر باشیم زحمت و مشکلات کوچک را هم تحمل کنیم.

۳۸:۱۰ عیسی بخاطر این درخواست، یعقوب و یوحنا را مسخره نکرد، بلکه درخواستشان را رد کرد. ما می توانیم

۳۳:۱۰ مرگ و قیام مسیح نمی بایست برای شاگردان تعجب آور باشد. در اینجا او به روشنی آنچه را که برای او رخ خواهد داد، بیان می کند. اما بدبختانه آنها متوجه گفته های او نمی شدند. عیسی می گفت که مسیح است، ولی ایشان فکر می کردند که مسیح باید پادشاهی فاتح باشد. او درباره قیام با ایشان سخن می گفت، اما ایشان نمی دانستند که چگونه یک شخص پس از مرگ می تواند به زندگی باز گردد. از آنجا که عیسی بارها در قالب مثلها سخن گفته بود، شاید شاگردان فکر می کردند که گفته های عیسی درباره مرگ و قیام نیز یکی دیگر از مثلها و حکایاتی است که ایشان قادر به درک آن نیستند. در اناجیل پیشگوییهای عیسی درباره مرگ و قیامش نوشته شده تا ما بدانیم که اینها اتفاقی نبوده، بلکه از ابتدا جزو نقشه خدا بوده اند.

۳۵:۱۰ در انجیل مرقس آمده که این درخواست را یوحنا و یعقوب به حضور عیسی آوردند. در انجیل متی، مادر ایشان نیز این درخواست را به عمل آورد. هیچ تضادی بین این دو انجیل وجود ندارد، زیرا در واقع مادر و پسرانش در مورد درخواست مقام در ملکوت مسیح، در توافق کامل بودند.

و غذایی که من باید بنوشم، شما هم بنوشید؟ یا در دریای غذایی فرو روید که من باید فرو بروم؟»

<sup>۳۹</sup> جواب دادند: «بلی، می‌توانیم.»

عیسی فرمود: «البته از جام تلخ من خواهید نوشید و در دریای غذایی که من فرو می‌روم، شما هم فرو خواهید رفت،<sup>۴۰</sup> ولی من اختیار آن را ندارم که شما را در کنار خود، بر تخت سلطنت بنشانم. چون قبلاً مقرر شده که چه کسانی باید آنجا بنشینند.»

<sup>۴۱</sup> وقتی بقیه شاگردان فهمیدند که یعقوب و یوحنا چه درخواستی کرده‌اند، بر آن دو خشمگین شدند.<sup>۴۲</sup> پس عیسی همگی آنان را فرا خوانده، گفت: «می‌دانید که پادشاهان و بزرگان این دنیا بر مردم آقایی می‌کنند؛<sup>۴۳</sup> ولی در میان شما نباید چنین باشد. بلکه برعکس، هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خدمتگزار همه باشد.<sup>۴۴</sup> و هر که می‌خواهد از دیگران بزرگتر باشد، باید غلام همه باشد.<sup>۴۵</sup> من نیز که مسیح هستم، نیامده‌ام تا کسی به من خدمت کند، بلکه آمده‌ام تا به دیگران کمک کنم و جانم را در راه آزادی دیگران فدا سازم.»

۳۹:۱۰

اعما ۲:۱۲  
مکا ۹:۱

۴۰:۱۰

یعقو ۳:۴

۴۲:۱۰

لو ۲۶ و ۲۵:۲۲

۴۳:۱۰

مر ۳۵:۹

لو ۴۸:۹

۴۵:۱۰

یو ۱۴:۱۳

فیل ۷:۲

اتیمو ۲:۵ و ۶

تیط ۱۴:۲

### عیسی فقیر کوری را شفا می‌بخشد

(۱۷۹ / متی ۲۹:۲۰-۳۴ ؛ لوقا ۱۸:۳۵-۴۳)

<sup>۴۶</sup> سپس به اریحا رسیدند. وقتی از شهر بیرون می‌رفتند، عده زیادی بدنبالشان براه افتادند. در کنار راه، کوری به نام بارتیمائوس نشسته بود و گدایی می‌کرد.

۴۶:۱۰

متی ۲۹:۲۰-۳۴

لو ۱۸:۳۵-۴۳

خود ما نمی‌توانستیم آن را بپردازیم. مرگ او همه ما را از بندگی گناه آزاد کرد. مسیح برای همین مرد. شاگردان فکر می‌کردند که زندگی و قدرت عیسی، ایشان را از دست روم رهایی خواهد داد. اما عیسی گفت که این مرگ اوست که ایشان را از گناه آزاد خواهد کرد، یعنی از بندگی و اسارتی سخت‌تر از بندگی روم. در رساله ۱ پطرس ۱:۱۸ و ۱۹ درباره فدیهای که عیسی پرداخت توضیح بیشتری داده شده است.

<sup>۴۶:۱۰</sup> اریحا شهر معروفی بود که هیرودیس کبیر در بیابان یهودیه در نزدیکی رود اردن بنا کرده بود. عیسی بسوی اورشلیم می‌رفت (آیه ۳۲) و پس از پیریه، می‌بایست به اریحا برود.

<sup>۴۶:۱۰</sup> فقیر در اکثر شهرها وجود داشت. از آنجا که اکثر مشاغل آن روزگار مستلزم نیروی بدنی بود، اگر کسی بیماری یا نقص عضوی داشت، چاره‌ای جز گدایی نمی‌داشت، گرچه شریعت خدا مقرر کرده بود که از

هر چه که بخواهیم، از خدا درخواست کنیم، اما ممکن است درخواستمان رد شود. اراده خدا اینست که آنچه را که برای ما بهترین است، به ما بدهد، نه فقط آنچه را که ما می‌خواهیم. خدا بعضی از درخواستهایمان را بخاطر نفع ما رد می‌کند.

<sup>۴۴:۱۰-۴۴:۱۰</sup> یعقوب و یوحنا خواهان بالاترین مقام در ملکوت و حکومت عیسی بودند. اما عیسی به ایشان فرمود که بزرگی در خدمت کردن به دیگران است. پطرس این پیام را شنید و آن را در رساله اول خود در فصل ۵ آیات ۱-۴ بسط داد. بسیاری از مؤسسات و سازمانها در دنیای ما، بزرگی را در موفقیت‌های شخصی می‌بینند. اما در ملکوت مسیح، خدمت کردن، راه پیشرفت است. آرزوی رسیدن به بالاترین نقطه، نه فقط کمکی نیست، بلکه مانع است. <sup>۴۵:۱۰</sup> کلمه‌ای که اینجا فدا ترجمه شده، در اصل «فدیه» است. فدیه بهایی بود که برای آزادی یک برده پرداخت می‌شد. عیسی بهای آزادی ما را پرداخت، چون

۴۷:۱۰  
اش ۱:۱۱  
ار ۲۳:۵۶  
روم ۳:۱  
مکا ۱۶:۲۲

۴۷ وقتی بارتیمائوس شنید که عیسی ناصری از آن راه می‌گذرد، شروع به داد و فریاد کرد و گفت: «ای عیسی، ای پسر داود، به من رحم کن!»

۴۸ اما مردم بر سرش فریاد زدند: «ساکت شو!»

ولی او صدایش را بلندتر کرد و پشت سر هم فریاد می‌زد: «ای پسر داود، به من رحم کن!»

۴۹ وقتی سر و صدای او بگوش عیسی رسید، همانجا ایستاد و فرمود: «بگوئید اینجا بیاید.»

پس مردم او را صدا زده، گفتند: «بخت به تو روی آورده؛ برخیز که تو را می‌خواند.»

۵۰ بارتیمائوس ردای کهنه خود را کناری انداخت و از جا پرید و پیش عیسی آمد.

۵۱ عیسی پرسید: «چه می‌خواهی برایت بکنم؟»

گفت: «استاد، می‌خواهم بینا شوم.»

۵۲ عیسی به او فرمود: «آنچه خواستی شد. ایمانت ترا شفا داد.»

کور فوری بینا شد و در پی عیسی براه افتاد.

۵۲:۱۰  
اش ۵:۳۵  
متی ۲۲:۹

### ۳- خدمات عیسی در اورشلیم

عیسی، سوار بر الاغ، وارد اورشلیم می‌شود

(۱۸۳ / متی ۱:۲۱-۱۱؛ لوقا ۱۹:۲۸-۲۴؛ یوحنا ۱۲:۱۲-۱۹)

۱۱ هنگامی که به حوالی اورشلیم، به نزدیکی بیت‌فاجی و بیت‌عنیا

واقع در کوه زیتون رسیدند، عیسی دو نفر از شاگردان خود را

جلوتر فرستاد و به ایشان فرمود: «به دهکده‌ای که در مقابل شماست

بروید. هنگامی که وارد شدید، کتزه الاغی را خواهید دید که بسته‌اند. تابحال

۱:۱۱  
متی ۹:۱-۱۱  
لو ۱۹:۲۹-۴۰  
یو ۱۲:۱۲-۱۹  
اعما ۱۲:۱

۲۱:۱۱ این روز، یکشنبه همان هفته‌ای بود که عیسی مصلوب می‌شد. عید بزرگ فصیح نیز در همان هفته برگزار می‌گردید. یهودیان از سراسر سرزمینهای تحت سلطه روم، به اورشلیم می‌آمدند تا در مراسم این هفته مقدس شرکت کنند و رویداد مهم خروج از مصر را به یاد آورند (خروج ۱۳). بسیاری در میان آن جماعت، درباره عیسی شنیده و یا او را دیده بودند و امید داشتند که او را در خانه خدا ببینند.

عیسی آمد، اما نه در مقام پادشاه، بلکه سوار بر کره‌الاغی که هرگز کسی بر آن سوار نشده بود. پادشاهان معمولاً سوار بر اسب یا ارابه، به جنگ می‌رفتند. اما زکریای نبی

چنین افراد دستگیری شود (لاویان ۳۵:۲۵-۳۸). مردم در آن زمان، ناینایی را لعنت خدا می‌پنداشتند، اما عیسی با شفای ناینایان، این تصور را باطل کرد. قدرت عیسی در شفای کوران، در اشعیا ۲۹:۱۸ و ۳۵:۵ و ۴۲:۷ پیشگویی شده بود.

۴۷:۱۰ مردم معمولاً برای آنکه عیسی را همان مسیحای موعود خطاب کنند، او را «پسر داود» صدا می‌زدند، زیرا می‌دانستند که مسیح باید از نسل داود پادشاه باشد (اشعیا ۷:۹). وقتی بارتیمائوس عیسی را پسر داود صدا زد، نشان داد که او را بعنوان مسیح می‌پذیرد. ایمان او به عیسی بعنوان مسیح، باعث شفای او شد.

کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و به اینجا بیاورید.<sup>۳</sup> و اگر کسی پیرسد چه می‌کنید، فقط بگویید: استادمان لازمش دارد و زود آن را پس خواهد فرستاد.»

<sup>۴</sup> آن دو شاگرد رفتند و کوزه‌های را یافتند که در جاده‌ای، کنار در خانه‌ای بسته شده بود. وقتی کوزه را باز می‌کردند، عده‌ای که در آن نزدیکی ایستاده بودند، پرسیدند: «چه می‌کنید؟ چرا کوزه را باز می‌کنید؟»

<sup>۵</sup> پس آنچه عیسی فرموده بود، گفتند. آنان نیز اجازه دادند که کوزه را ببرند. <sup>۶</sup> کوزه را نزد عیسی آوردند و شاگردان ردای خود را بر پشت آن انداختند تا او سوار شود. <sup>۷</sup> از میان جمعیت نیز بسیاری لباس خود را در راه پهن می‌کردند تا عیسی سوار بر کوزه از روی آنها عبور کند. بعضی نیز شاخه‌های درختان را بریده، سر راه او می‌گذاشتند.

۷:۱۱

زکریا ۹:۹

<sup>۸</sup> مردم از هر سو او را احاطه کرده بودند و فریاد برمی‌آوردند: «خوش آمدی ای پادشاه! خدا را سپاس باد بخاطر او که به نام خداوند می‌آید...» <sup>۹</sup> خدا را سپاس باد که سلطنت پدر ما داود بار دیگر برقرار می‌شود. خوش آمدی ای پادشاه.» <sup>۱۱</sup> به این ترتیب، عیسی وارد اورشلیم شد و به خانه خدا رفت. او با دقت همه چیز را زیر نظر گرفت و بیرون آمد. هنگام غروب، شهر را ترک گفت و همراه دوازده شاگرد خود به بیت‌عنیا رفت.

۹:۱۱

مز ۱۱۸:۲۵ و ۲۶

۱۱:۱۱

متی ۱۰:۲۱ و ۱۷

نشان می‌دهد. اگر شما به ظاهر ایمان داشته باشید اما آن را در زندگی خود به کار نیندازید، مانند درخت انجیری خواهید بود که خشک شد و از بین رفت. ایمان واقعی قدرت عظیمی دارد. پس، از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا برای ملکوت او میوه و ثمر بیاورید.

پیشگویی کرده بود که مسیح با صلح و صفا، سوار بر کوه‌الاعلی خواهد آمد. عیسی می‌دانست آنانی که تعالیم او را در خانه خدا می‌شنوند، به خانه‌های خود در اقصا نقاط جهان باز خواهند گشت و ظهور مسیح را نوید خواهند داد. **۱۰:۹-۱۱** مردم فریاد برآورده، به عیسی خوشامد می‌گفتند. با این کار، آنها پیشگویی زکریا ۹:۹ را تحقق می‌بخشیدند (مزمور ۷:۲۴-۱۰ و ۲۶:۱۱۸ را نیز نگاه کنید). ایشان از برقراری مجدد سلطنت داود سخن می‌گفتند، زیرا در کتاب ۲ سموئیل ۷:۱۲-۱۴ خدا چنین وعده‌ای به داود داده بود. جماعت بحق می‌دیدند که عیسی این پیشگوییها را عملی می‌سازد، اما ایشان درک نمی‌کردند که پادشاهی عیسی، او را به کجای می‌برد. همین جماعت بودند که چند روز بعد، به هنگام محاکمه عیسی، فریاد زدند: «مصلوبش کن!»

**۱۱:۱۱-۲۴** در این رویداد غیرعادی، دو بخش وجود دارد: نفرین کردن درخت انجیر و پاک کردن خانه خدا. نفرین کردن درخت انجیر عملی بود تمثیلی در رابطه با پاک کردن خانه خدا. انتظار می‌رفت که خانه خدا، محل عبادت باشد، اما عبادت حقیقی در آن بچشم نمی‌خورد. از درخت انجیر نیز انتظار می‌رفت که میوه بیاورد، اما میوه‌ای بر آن نبود. در اینجا عیسی خشم خود را نسبت به مذهب بی‌محتوا

عیسی به اورشلیم نزدیک می‌شود

عیسی پس از ترک اریحا، به اورشلیم رفت تا در آنجا مورد استقبال قرار گیرد و سپس مصلوب شود. او در طول هفته آخر زندگی‌اش، خارج از شهر، در بیت‌عنیا، دهکده‌ای واقع بر کوه زیتون، اقامت می‌گزید. او برای تعلیم دادن مردم، به اورشلیم می‌رفت. در شب آخر نیز شام فصح را خورد و بعد مصلوب گردید.



## عیسی بار دیگر خانه خدا را پاک می کند

(۱۸۴ / متی ۲۱: ۱۲-۱۷ ؛ لوقا ۱۹: ۴۵-۴۸)

متی ۲۱: ۱۸ و ۱۹  
۱۱: ۱۲-۱۴

صبح روز بعد، هنگامی که از بیت عنیا برمی گشتند، عیسی گرسنه شد. <sup>۱۳</sup> کمی دورتر درخت انجیر پربرگی دید؛ پس به طرف آن رفت تا شاید انجیری پیدا کند. ولی روی آن جز برگ چیز دیگری نبود، چون هنوز فصل میوه نرسیده بود. <sup>۱۴</sup> عیسی به درخت فرمود: «از این پس دیگر هرگز میوه نخواهی داد.» و شاگردانش این را شنیدند.

محل آیات	خصوصیات	خصوصیات مهم مسیح در اناجیل
متی ۱۶: ۱۶ و ۱۷ ؛ مرقس ۱: ۱ ؛ لوقا ۷: ۲۲ و ۷۱ ؛ یوحنا ۸: ۲۴	عیسی پسر خداست	
یوحنا ۱: ۱ و ۲ و ۱۴ و ۲۰: ۲۸	عیسی خداست و انسان شد	
متی ۲۶: ۳ و ۶۴ ؛ مرقس ۱۴: ۱۶ و ۶۲ ؛ لوقا ۹: ۲۰ ؛ یوحنا ۴: ۲۵ و ۲۶	عیسی، مسیحای موعود است	
لوقا ۵: ۳۲ ؛ متی ۹: ۱۳	عیسی آمد تا گناهکاران را دستگیری کند	
مرقس ۲: ۹-۱۲ ؛ لوقا ۲۴: ۴۷	عیسی قدرت دارد که گناهان را ببخشد	
مرقس ۵: ۲۲-۲۴، ۳۵-۴۲ ؛ یوحنا ۱۱: ۴۴ ؛ لوقا ۲۴: ۲۵ و ۲۶ ؛ متی ۲۸: ۶ و ۵	عیسی بر مرگ قدرت دارد	
یوحنا ۱۰: ۲۸ و ۱۷: ۲	عیسی قدرت دارد که زندگی جاوید عطا کند	
متی ۸: ۵-۱۳ ؛ مرقس ۱: ۳۲-۳۴ ؛ لوقا ۵: ۱۲-۱۵ ؛ یوحنا ۹: ۷-۱	عیسی بیماران را شفا داد	
مرقس ۱: ۲۱ و ۲۲ ؛ متی ۷: ۲۹	عیسی با قدرت تعلیم می داد	
مرقس ۱: ۴۱ ؛ مرقس ۸: ۳ ؛ متی ۹: ۳۶	عیسی دلسوز بود	
متی ۲۶: ۳۸ ؛ یوحنا ۱۱: ۳۵	عیسی غم و اندوه را تجربه کرد	
متی ۳: ۱۵ ؛ یوحنا ۸: ۴۶	عیسی هرگز از خدا ناطاعتی نکرد	

برگ بود، هیچ انجیری نداشت، و این نشان می داد که آن سال، این درخت میوه ای نخواهد داد. ظاهر درخت نویدبخش بود، اما میوه ای در آن نبود. سخنان سخت عیسی به این معنی بود که قوم اسرائیل نیز مانند این درخت انجیر هستند. انتظار می رفت که برای خدا میوه بیاورند، اما از لحاظ روحانی خشک بودند. **۱۱: ۱۵ و ۱۴** عیسی خشمگین شد، اما در خشم خود

**۱۱: ۱۳-۲۵** درخت انجیر در اسرائیل، منبعی ارزان و همگانی برای تأمین خوراک بود. این درخت از زمان کاشته شدن، سه سال زمان لازم دارد تا میوه بیاورد. هر درخت سالی دو بار، یعنی در اواخر بهار و اوایل پاییز، میوه می آورد. این واقعه، در اوایل بهار رخ داد، یعنی زمانی که برگ درختان انجیر سبز می شوند. معمولاً با رشد برگها، انجیر نیز به عمل می آید، اما این درخت که پر از

۱۵ هنگامی که بار دیگر وارد اورشلیم شدند، عیسی به خانه خدا رفت و آنانی را که در آنجا مشغول خرید و فروش بودند، بیرون راند و بساط صرافان و کیوترفروشان را واژگون ساخت،<sup>۱۶</sup> و نگذاشت کسی با کالایی وارد محوطه خانه خدا شود.

۱۷ سپس به مردم گفت: «خدا در کتاب آسمانی فرموده است: خانه من، مکان عبادت برای تمام قومهاست. ولی شما آن را میعادگاه دزدان ساخته‌اید.»  
 ۱۸ هنگامی که کاهنان اعظم و سران قوم یهود از کار عیسی باخبر شدند، نقشه قتل او را کشیدند. ولی می‌ترسیدند که مردم سر به شورش بگذارند، چون همه شیفته تعلیمات عیسی بودند.

### عیسی تعلیم داد که شاگردان می‌توانند برای همه چیز دعا کنند

(۱۸۸ / متی ۲۱:۱۸-۲۲)

۱۹ عصر آن روز، مانند روزهای دیگر از شهر بیرون رفتند.<sup>۲۰</sup> صبح روز بعد، وقتی به اورشلیم باز می‌گشتند، شاگردان درخت انجیر را دیدند که از ریشه خشک شده است.<sup>۲۱</sup> پطرس بخاطر آورد که عیسی روز قبل، درخت را نفرین کرده بود. پس با تعجب گفت: «استاد نگاه کنید! درخت انجیری که نفرین کردید، خشک شده است!»

۱۵:۱۱

متی ۱۲:۲۱-۱۷

لو ۴۵:۱۹-۴۸

یو ۱۳:۲-۱۷

۱۷:۱۱

اش ۵:۵۶

ار ۱۱:۷

۱۸:۱۱

متی ۲۱:۴۶

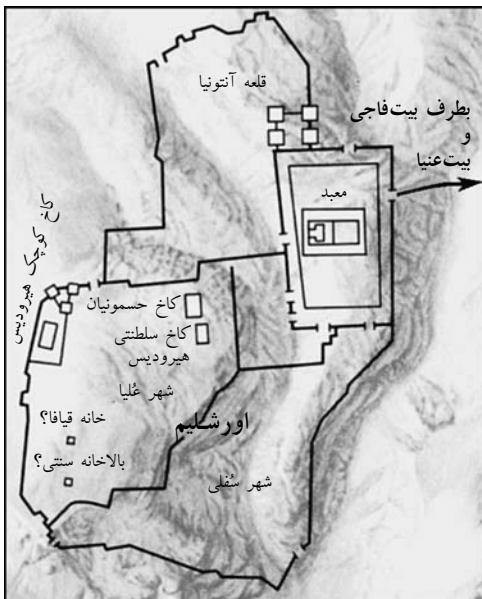
مر ۱۲:۱۲

لو ۴:۳۲ و ۲۰:۱۹

یو ۱:۷

۲۰:۱۱

متی ۲۰:۲۱-۲۲



پاک کردن خانه خدا

در روز دوشنبه هفته آخر، عیسی از بیت عنیا خارج شد و به اورشلیم آمد و خانه خدا را از وجود صرافان و تاجران پاک کرد.

مرتکب گناه نشد. این همان خشم عادلانه است. مسیحیان باید نسبت به گناه و بی‌عدالتی هشیار باشند و در مقابل آن بایستند. متأسفانه ایمانداران اغلب درباره این مسائل مهم منفعل هستند و بجای پرهیز از گناه، در اثر توهین به شخصیتشان و مسائل کوچک به خشم می‌آیند.

۱۷-۱۵:۱۱ در طول عید فصح، صرافان و تجار سود کلانی به جیب می‌زدند. آنانی که از کشورهای دیگر می‌آمدند، می‌بایست ارز خود را به پول یهودی تبدیل کنند، زیرا این تنها پولی بود که برای مالیات خانه خدا و خرید حیوانات قربانی پذیرفته می‌شد. اغلب اوقات، نرخ بالای تبدیل ارز، و قیمت سرسام‌آور حیوانات قربانی، باعث ثروتمند شدن صرافان و تاجران می‌گردید. بساط ایشان در حیاط غیریهودیان در خانه خدا برپا بود و همین امر باعث سرخوردگی غیریهودیانی می‌شد که برای پرستش خدا می‌آمدند (اشعیا ۵۶:۷).



۲۲:۱۱

متی ۲۰:۱۷  
لو ۶:۱۷

۲۴:۱۱

متی ۷:۷  
لو ۹:۱۱  
یو ۱۴:۱۲-۱۴ و ۷:۱۵ و  
۲۴:۱۶

یعقو ۱:۵-۸

۲۵:۱۱

متی ۱۵:۱۴ و ۱۵  
افس ۳۲:۴

۲۲ و ۲۳ عیسی گفت: «این که می‌گویم عین حقیقت است: اگر به خدا ایمان داشته باشید، می‌توانید به این کوه زیتون بگویید که برخیزد و در دریا بیفتد، و فرمان شما را بی‌چون و چرا اطاعت خواهد کرد. فقط کافی است که به آنچه می‌گویید واقعاً ایمان داشته باشید و شک به خود راه ندهید.<sup>۲۴</sup> خوب گوش کنید: اگر ایمان داشته باشید، هر چه در دعا بخواهید خدا به شما خواهد داد.<sup>۲۵</sup> «ولی وقتی دعا می‌کنید اگر نسبت به کسی کینه دارید، او را ببخشید، تا پدر آسمانی شما نیز از سر تقصیرات شما بگذرد و شما را ببخشد.»

### رهبران مذهبی درباره اقتدار عیسی سؤال می‌کنند

(۱۸۹ / متی ۲۱:۲۳-۲۷؛ لوقا ۲۰:۱-۸)

۲۶:۱۱

متی ۲۳:۲۱-۲۷  
لو ۱۰:۲-۸

۲۶ و ۲۷ و ۲۸ بار دیگر وارد اورشلیم شدند. به محض اینکه عیسی قدم به خانه خدا گذاشت، کاهنان اعظم و سران قوم یهود دور او را گرفتند و پرسیدند: «به چه حقی فروشندگان را از معبد بیرون کردی؟ چه کسی این اختیار را به تو داده است؟»

۲۹ عیسی فرمود: «من بشرطی جواب شما را می‌دهم که اول به سؤال من جواب دهید.<sup>۳۰</sup> یحیی که بود؟ آیا فرستاده خدا بود یا نه؟ جواب مرا بدهید.»<sup>۳۱</sup> ایشان با یکدیگر مشورت کردند و گفتند: «اگر بگوییم فرستاده خدا بود، خواهد گفت پس چرا به او ایمان نیاوردید؟<sup>۳۲</sup> و اگر بگوییم فرستاده خدا نبود، ممکن است مردم علیه ما قیام کنند.» زیرا همه مردم یحیی را پیامبری راستین می‌دانستند.

۳۲:۱۱

متی ۵:۱۴  
مر ۱۰:۶

آوریم. اما عیسی، وقتی دعا می‌کرد، منافع خدا را در نظر داشت. وقتی دعا می‌کنیم، باید خواستهای خود را ابراز نماییم، اما اراده خدا را باید بالاتر از خواست خود قرار دهیم. دل خود را تفتیش کنید و ببینید که آیا دعاهایتان متوجه منافع خودتان است، یا منافع خدا.

۱۱:۲۶-۳۰ فریسیان از عیسی پرسیدند که چه کسی این اجازه و اقتدار را به او داده است تا صرافان و تاجران را بیرون براند. اما سؤال آنها، دامی بود. اگر عیسی می‌گفت که اقتدار او از جانب خداست، ایشان او را محکوم به کفر می‌کردند. و اگر می‌گفت که اقتدارش از خودش می‌باشد، ایشان او را بی‌اعتبار کرده، محکوم به تعصب و جهل می‌کردند. عیسی برای آنکه انگیزه اصلی ایشان را برملا سازد، در مقابل سؤال ایشان، سؤالی درباره یحیای تعمیددهنده مطرح ساخت. سکوت فریسیان نشان داد که ایشان به حقیقت علاقمند نیستند. آنان فقط می‌خواستند عیسی را از سر راه خود بردارند، زیرا او قدرت ایشان را به حساب نمی‌آورد.

۲۲ و ۲۳ دعایی که عیسی درباره‌اش سخن گفت، دعا در خصوص ثمردهی برای ملکوت خداست. دعا کردن در این مورد که کوهی به دریا بیفتد، ارتباطی به ملکوت خدا ندارد، اما عیسی از این تمثیل استفاده کرد تا نشان دهد که خدا می‌تواند هر غیرممکنی را ممکن سازد. خدا دعای ما را جواب می‌دهد، اما نه در نتیجه تفکر مثبت ما. شرایط دیگری هست که باید اجرا شود: اول آنکه باید ایماندار باشیم. دوم آنکه نباید نسبت به دیگری، کینه‌ای به دل داشته باشیم. سوم آنکه نباید با انگیزه‌های خودخواهانه دعا کنیم. برای دعای مؤثر، باید به خدا ایمان داشته باشیم، نه به درخواستمان. اگر ایمانتان به درخواستتان باشد، در صورت رد شدن دعایتان، هیچ نخواهید داشت.

۱۱:۲۴ عیسی که الگوی ما برای دعاست، یکبار چنین دعا کرد: «هر کاری نزد تو امکان‌پذیر است ... در عین حال، خواست تو را می‌خواهم نه میل خود را.» اغلب وقتی دعا می‌کنیم، منافع و خواستهای خود را طالب هستیم. دوست داریم بشنویم که می‌توانیم در دعا همه چیز بدست

۳۳:۱۱

ایو ۲:۵ و ۱۳

۳۳ پس گفتند: «نمی‌توانیم جواب بدهیم؛ نمی‌دانیم.»  
عیسی فرمود: «من نیز به پرسش شما جواب نمی‌دهم.»

### عیسی حکایت باغبانهای ظالم را بیان می‌کند

(۱۹۱ / متی ۲۱:۳۳-۴۶؛ لوقا ۲۰:۹-۱۹)

۱:۱۲

اش ۵:۲

۱۲ عیسی برای تعلیم مردم، حکایات و مَثلهای بسیاری بیان می‌کرد. او یکبار فرمود: «شخصی تاکستانی درست کرد و دور آن دیواری کشید. در آن حوضچه‌ای نیز برای گرفتن آب‌انگور کند و یک برج دیده‌بانی نیز بنا کرد. سپس باغ را به چند باغبان اجاره داد و خود به سفر رفت. ۱ در فصل انگورچینی، خدمتکارش را فرستاد تا سهم خود را از محصول باغ بگیرد. ۲ ولی باغبانها او را زدند و دست خالی برگرداندند. ۳ «صاحب باغ یک نفر دیگر را فرستاد؛ این بار به او دشنام دادند و او را زدند و سرش را نیز شکستند. ۴ نفر بعدی را نیز کشتند. دیگران را هم یا زدند یا کشتند. ۵ تا اینکه فقط یک نفر برای صاحب تاکستان باقی ماند، یعنی تنها پسرش. ۶ آخر او را فرستاد، به امید اینکه به او احترام خواهند گذاشت. ۷ «ولی وقتی باغبانها دیدند که پسرش می‌آید، به یکدیگر گفتند: او پس از مرگ پدرش، صاحب این باغ خواهد شد. پس بیایید او را بکشیم تا باغ مال ما شود. ۸ پس او را گرفتند و کشتند و جنازه‌اش را از باغ بیرون انداختند. ۹ «حال به نظر شما، صاحب باغ وقتی این خبر را بشنود چه خواهد کرد؟ او آمده، همه را خواهد کشت و باغ را به دیگران اجاره خواهد داد. ۱۰ آیا به یاد ندارید کتاب آسمانی چه می‌گوید؟ می‌فرماید: همان سنگی که بتنها دور

۵:۱۲

توا ۲۴:۲۱ و ۳۶:۱۵ و ۱۶

نح ۹:۲۶

متی ۲۳:۳۴-۳۷

اعما ۷:۵۲

تسا ۲:۱۵

۶:۱۲

روم ۸:۳

غلا ۴:۴

۷:۱۲

اعما ۴:۲۷

۸:۱۲

اعما ۲:۳۳

۹:۱۲

اعما ۲۸:۲۳-۲۹

۱۲:۱۱ و ۱۰

مز ۱۱۸:۲۲ و ۲۳

روم ۹:۳۳

افسی ۲:۲۰

۱ پط ۲:۵-۷

محلّی بود که خدا در آن کشت و زرع کرده بود تا از آن نجات را به جهان برساند. رهبران قوم، نه فقط اهداف تاکستان را عقیم گذاشتند، بلکه آنانی را که می‌کوشیدند از آن مراقبت کنند، به قتل رساندند. آنها بقدری حسود بودند که حتی رفاه و آسایش مردمی را که ظاهراً می‌بایست رهبرشان باشند، فراموش کرده بودند. ۱۰:۱۲ عیسی خود را سنگی معرفی کرد که بتنها آن را دور انداختند. گرچه یهودیان او را رد کردند، اما او مهم‌ترین سنگ «بنای» جدید، یعنی کلیسا گردید (اعمال ۴:۱۱ و ۱۲). این سنگ زیربنا یا در اصطلاح کتاب مقدسی، «سنگ زاویه»، به منظور اطمینان از این امر بکار می‌رفت که سایر سنگهای ساختمان صحیح و تراز قرار گیرند. به همین ترتیب، زندگی و تعالیم عیسی نیز بنیاد و اساس کلیسا می‌باشد.

۱:۱۲ حکایت‌هایی که عیسی بکار می‌برد، مَثَل نیز خوانده می‌شود. در مَثَل، از مسأله‌ای آشنا استفاده می‌شود تا موضوعی تازه تعلیم داده شود. این روش آموزش، شونده را وادار می‌سازد که حقیقت را برای شخص خود کشف کند. معنی اصلی پیام را فقط آنانی درک می‌کنند که مشتاق شنیدن و آموختن می‌باشند.

۱:۱۲ در این مَثَل، صاحب تاکستان خداست. تاکستان، قوم اسرائیل است. باغبانان، رهبران مذهبی یهود هستند. افرادی که صاحب تاکستان فرستاد، انبیا و کاهنانی هستند که به خدا وفادار ماندند. پسر، عیسی است. دیگران، غیریهودیان می‌باشند. عیسی با بیان این حکایت، به رهبران دینی فهماند که از افکار ایشان و از توطئه آنان برای قتل خود باخبر است. عیسی فرمود که گناه ایشان بی‌سزا نخواهد ماند.

۱:۱۲ اسرائیل که در این مَثَل به تاکستان تشبیه شده،

انداختند، مهمترین سنگ بنای ساختمان شده است.<sup>۱۱</sup> این کار خداوند است و به نظر همه عجیب می آید.»  
<sup>۱۲</sup> سران قوم یهود خواستند همانجا او را بگیرند، چون فهمیدند که منظور عیسی از باغبانهای ظالم، اشاره به ایشان می باشد. اما از ترس مردم اقدامی نکردند و او را بحال خود گذاشتند و رفتند.

۱۲:۱۲  
 متی ۱۸:۱۱  
 یو ۲۶:۷ و ۳۰ و ۴۴

### رهبران مذهبی از عیسی درباره پرداخت باج و خراج سؤال می کنند

(۱۹۳ / متی ۲۲:۱۵-۲۲؛ لوقا ۲۰:۲۰-۲۶)

<sup>۱۳</sup> اما بعداً، چند تن از فریسیان و از هواداران حزب «هیرودیان» را بعنوان جاسوس فرستادند تا عیسی را با سؤالات مختلف درگیر سازند و از جوابهای او، بهانه ای بدست آورده، او را بازداشت کنند.

<sup>۱۴</sup> پس جاسوسان آمدند و گفتند: «استاد، ما می دانیم که شما هر چه باشد، حقیقت را می گوئید، و هرگز تحت تأثیر عقاید و خواستهای مردم قرار نمی گیرید، بلکه راه خدا را با درستی تعلیم می دهید. حالا بفرمایید آیا درست است که ما به دولت روم باج و خراج بدهیم؟»

<sup>۱۵</sup> عیسی متوجه نیرنگ ایشان شد و فرمود: «چرا می خواهید مرا آزمایش کنید. سکه ای به من نشان دهید تا بگویم.»

<sup>۱۶</sup> وقتی سکه را به او دادند، پرسید: «عکس و اسم چه کسی روی این سکه است؟» جواب دادند: «امپراطور روم.»

<sup>۱۷</sup> فرمود: «مال امپراطور را به امپراطور بدهید، و مال خدا را به خدا!» جواب عیسی ایشان را حیران کرد.

۱۳:۱۲  
 متی ۱۵:۲۲-۴۶  
 لو ۲۰:۲۰-۴۰

تقویت می کرد و در ضمن سرسپردگی شان را نشان می داد. بخش عمده ای از این مالیات صرف معابد بت پرستی و زندگی پرتحمل طبقه مرفه رومی می شد. فریسیان و هیرودیان امیدوار بودند که عیسی را با مسأله باج و خراج به دام بیندازند. یک کلمه آری یا نه می توانست برای او دردسر بیافریند. جواب مثبت او، به معنی حمایت از روم بود و می توانست مردم را با او مخالف سازد. جواب منفی نیز او را متهم به خیانت و طغیان علیه روم می ساخت.

۱۷:۱۲ فریسیان و هیرودیان فکر می کردند که این بهترین سؤال برای به دام انداختن عیسی است. اما عیسی پاسخی حکیمانه داد و بار دیگر نفع طلبی و انگیزه های نادرست ایشان را برملا کرد. عیسی گفت که سکه ای که تصویر امپراطور را بر خود دارد، باید به امپراطور داده شود. اما هر چه که علامت و

۱۳:۱۲ فریسیان یک گروه مذهبی، و هیرودیان یک گروه سیاسی یهودی بودند. فریسیان با عیسی دشمن بودند، زیرا او ریاکاری ایشان را سرزنش می کرد. هیرودیان نیز عیسی را خائن می دانستند. اینان هواداران خاندان هیروودیس کبیر بودند. زمانی که حکومت روم، پسر هیروودیس را خلع کرد و بجای او یک فرماندار رومی گماشت، این عده قدرت سیاسی خود را از دست دادند. هیروودیان می ترسیدند که عیسی باعث بوجود آمدن ناآرامی بیشتر در یهودیه گردد و در نتیجه، حکومت روم هیچگاه اجازه ندهد بجای فرمانداران رومی، کسی از خاندان هیروودیس حکومت محلی را بدست بگیرد.

۱۴:۱۲ هر که مالیات نمی پرداخت، با مجازات سختی روبرو می شد. یهودیان از پرداخت باج و خراج یعنی مالیات به روم متنفر بودند، زیرا مالیات ایشان غاصبین را

## رهبران مذهبی از عیسی درباره قیامت سؤال می‌کنند

(۱۹۴ / متی ۲۳:۲۲-۳۲ ؛ لوقا ۲۰:۲۷-۴۰)

<sup>۱۸</sup> سپس یک دسته دیگر به اسم صدوقی‌ها که منکر روز قیامت هستند، جلو آمدند و سؤال کرده، گفتند:

<sup>۱۹</sup> «استاد، موسی فرموده است هر گاه مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، برادرش همسر او را به زنی بگیرد تا صاحب اولاد شده، آنها را فرزندان و نسل برادر مرده خود بداند.<sup>۲۰</sup> اما هفت برادر بودند؛ اولی زنی گرفت و بی‌اولاد درگذشت.<sup>۲۱</sup> پس دومی همسر او را به زنی گرفت، ولی او هم بی‌فرزند مرد. سومی هم او را گرفت و بی‌اولاد فوت کرد.<sup>۲۲</sup> و به همین ترتیب، همه برادرها مردند ولی هیچکدام صاحب فرزند نشدند. سرانجام آن زن نیز مرد.<sup>۲۳</sup> حال، آنچه ما می‌خواهیم بدانیم اینست که در روز قیامت، آن زن، همسر کدام یک از آن هفت برادر خواهد شد، چون هر هفت برادر او را به زنی گرفته بودند؟»

<sup>۲۴</sup> عیسی جواب داد: «شما چقدر گمراهید، زیرا نه از کلام خدا چیزی می‌دانید نه از قدرت خدا.<sup>۲۵</sup> وقتی آن هفت برادر و آن زن در روز قیامت زنده شوند، دیگر ازدواج نخواهند کرد بلکه مانند فرشتگان خدا خواهند بود.

۱۸:۱۲

متی ۲۳:۲۲-۳۳

لو ۲۰:۲۷-۳۸

اعما ۸:۲۳

اقرن ۱۲:۱۵

۱۹:۱۲

پیدا ۸:۳۸

تث ۵:۲۵

۲۴:۱۲

دان ۲:۱۲

روم ۱۷:۴

۱ تیمو ۷:۱

۲ پطرو ۱۹:۱

۲۵:۱۲

اقرن ۱۵:۱۵ و ۴۹ و ۵۲

ایو ۲:۳

**۲۴:۱۲** عیسی فرمود که صدوقیان، نه فقط از کلام خدا آگاهی ندارند، بلکه قدرت خدا را نیز درک نمی‌کنند. آسمان یا بهشت بسیار فراتر از قدرت درک و تصور ماست (اشعیا ۴:۶۴ و اقرنتیان ۹:۲). باید مواظب باشیم که درباره آسمان سؤالاتی اختراع نکنیم که از دیدگاه انسانی قابل پاسخ دادن نیستند. لازم نیست بخاطر مسایلی که درباره بهشت یا آسمان درک نمی‌کنیم، از آنجا بترسیم. بجای آنکه از خود بیرسیم که ملکوت و فرمانروایی آینده خدا چگونه خواهد بود، باید بر رابطه‌مان با عیسی در حال حاضر بیندیشیم، زیرا وقتی وارد این ملکوت جدید شویم، با او خواهیم بود. نحوه زندگی‌مان در حال حاضر، بر سرنوشتمان در آن زمان تأثیر خواهد گذاشت.

**۲۵:۱۲** گفته عیسی به این معنی نیست که انسان در ملکوت آینده، قادر به شناختن همسر خود نخواهد بود. منظور عیسی این بود که نظام جدید الهی، تداوم این حیات نیست و قوانین فیزیکی و طبیعی این جهان بر آن حاکم نخواهد بود. در دنیای منحنط ما، روابط ما با دیگران، بوسیله زمان، مرگ و مقررات انسانی محدود می‌شود، اما عالم جدید الهی چنین نخواهد بود.

نشانی از خدا دارد- یعنی زندگی ما - متعلق به خداست. آیا هر چه را که حقیقاً متعلق به خداست، به او می‌دهید؟ شما صورت و شباهت خدا را بر خود دارید. پس باید زندگی خود را به او بسپارید.

**۱۸:۱۲** پس از آنکه فریسیان در به دام انداختن عیسی با مسأله باج و خراج، با شکست مواجه شدند، صدوقیان با سؤال دیگری قدم به جلو گذاشتند و مطمئن بودند که عیسی را گرفتار خواهند ساخت. آنها همین سؤال را با موفقیت علیه فریسیان بکار برده بودند و ایشان نتوانسته بودند به آن پاسخ مناسبی بدهند. صدوقیان به زندگی پس از مرگ اعتقاد نداشتند، زیرا ایشان فقط تورات موسی را می‌پذیرفتند که در آن بطور مستقیم تعلیمی درباره این مسأله داده نشده است. اما عیسی توانست ثابت کند که در کتب موسی نیز به مسأله حیات جاودانی اشاره شده است (آیه ۲۶).

**۲۰:۱۲-۲۲** بر اساس احکام عهد عتیق، هنگامی که شوهر زنی فوت می‌کرد و از خود فرزندی بجا نمی‌گذاشت، برادر آن مرد می‌بایست با همسر او ازدواج کند تا فرزندان بوجود آورد که از آن زن نگهداری کنند و نسل آن شخص را تداوم بخشند. نخستین پسر این قبیل ازدواجها، فرزند مرد متوفی بحساب می‌آمد (تثنیه ۲۵:۵ و ۶).

۲۶:۱۲  
خروج ۶:۳  
لوقا ۲۰:۳۷

۲۶ «ولی درباره روز قیامت و زنده شدن مردگان، مگر سرگذشت موسی و بوتۀ سوزان را در کتاب تورات نخوانده‌اید؟ در آنجا خدا به موسی فرمود: من خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم.

محل آیات	عیسی درباره محبت چه گفت؟	آنچه که عیسی درباره محبت گفت
یوحنا ۱۶:۳	خدا ما را دوست دارد.	در مرقس ۱۲:۲۸، یکی از علمای مذهبی از عیسی سؤال کرد که مهم‌ترین حکمی که باید انجام داد، کدامست. عیسی به دو حکم اشاره کرد، یکی از کتاب تثنیه ۵:۶ و دیگری از لایوان ۱۹:۱۸.
متی ۲۲:۳۷	ما باید خدا را دوست داشته باشیم.	هر دو این احکام درباره محبت بودند. چرا محبت اینقدر مهم است؟ عیسی فرمود که هدف همه احکام، هدایت انسان بسوی دو اصل ساده است، یکی دوست داشتن خدا و دیگری دوست داشتن واقعی هموعان.
متی ۲۵:۳۴-۲۵	چون خدا ما را دوست دارد، از ما مراقبت می‌کند.	
یوحنا ۱۷:۲۳	خدا می‌خواهد همه بدانند که او چقدر ایشان را دوست دارد.	
متی ۵:۴۳-۴۷	خدا حتی کسانی را که از او نفرت دارند، دوست می‌دارد. ما نیز باید چنین کنیم.	
لوقا ۶:۳۵	خدا حتی کسانی را که با او دشمن هستند، جستجو می‌کند.	
لوقا ۱۵	خدا را باید بیش از هر چیز دوست بدارید.	
متی ۶:۲۴ و ۱۰:۳۷	اگر خدا را دوست بدارید، از او اطاعت خواهید کرد.	
یوحنا ۱۴:۲۱ و ۱۰:۱۵	خدا پسر خود عیسی را دوست دارد.	
یوحنا ۵:۲۰ و ۱۷:۱۰	عیسی خدا را دوست دارد.	
یوحنا ۱۴:۳۱	آنانی که عیسی را رد می‌کنند، خدا را دوست ندارند.	
یوحنا ۵:۴۱-۴۴	عیسی ما را دوست دارد، همانطور که خدا عیسی را دوست می‌دارد.	
یوحنا ۱۵:۹	عیسی با مرگ خود بر صلیب، محبت خود را نسبت به ما ثابت کرد تا ما بتوانیم با او زندگی جاوید داشته باشیم.	
یوحنا ۳:۱۵ و ۱۴:۱۵	محبت میان خدا و عیسی، کاملترین الگوست برای محبت ما نسبت به دیگران.	
یوحنا ۱۷:۲۱-۲۶	ما باید یکدیگر را دوست بداریم (یوحنا ۱۳:۳۴ و ۳۵) و این محبت را نشان بدهیم.	
متی ۵:۴۰-۴۲ و ۱۰:۴۲	ما نباید تحسین دیگران (یوحنا ۱۲:۴۳)، جاه و مقام (متی ۲۳:۶) مال و منال (لوقا ۱۶:۱۹-۳۱) و یا چیزی را بیشتر از خدا دوست بداریم.	
یوحنا ۱۰:۱۱-۱۵؛ مرقس ۲۱:۱۰	عیسی تک‌تک افراد را دوست دارد	
متی ۲۶:۳۱-۳۵	عیسی می‌خواهد که او را در مواقع خوب و بد دوست بداریم.	
یوحنا ۲۱:۱۵-۱۷	عیسی می‌خواهد که محبت ما واقعی باشد.	

۲۶:۱۲ پاسخ عیسی متوجه سؤال اصلی ایشان بود، یعنی این سؤال که آیا قیامتی خواهد بود؟ از آنجا که صدوقیان فقط تورات یعنی پنج کتاب موسی را قبول داشتند، عیسی نیز جواب خود را از همین کتب، از خروج ۶:۳ آورد و ثابت کرد که

۲۷ «در واقع خدا به موسی می گفت که این اشخاص با اینکه صدها سال از مرگشان می گذرد، ولی ایشان در نظر او زنده اند، و گرنه برای شخصی که در قید حیات نیست، لازم نیست بگوید من خدای او هستم. حالا می بینید چقدر در اشتباهید!»

۲۷:۱۲  
متی ۳۲:۲۲  
لو ۳۸:۲۰

### رهبران مذهبی از عیسی درباره بزرگترین حکم سؤال می کنند (۱۹۵ / متی ۲۲:۳۳-۴۰)

۲۸ یکی از علمای مذهبی که آنجا ایستاده بود و به گفت و گوی ایشان گوش می داد، وقتی دید عیسی چه جواب دندان شکنی به آنان داد، پرسید: «از تمام احکام خدا، کدام از همه مهمتر است؟»

۲۹ عیسی جواب داد: «آنکه می گوید: ای قوم اسرائیل گوش کن، تنها خدایای که وجود دارد خداوند ماست. ۳۰ و باید او را با تمام قلب و جان و فکر و نیروی خود دوست بداری.

۲۹:۱۲  
تث ۵:۶  
۳۰:۱۲  
لو ۲۷:۱۰

۳۱ «دومین حکم مهم این است: دیگران را به اندازه خودت دوست داشته باش. هیچ دستوری مهمتر از این دو نیست.»

۳۱:۱۲  
لاو ۱۸:۱۹  
روم ۹:۱۳

۳۲ عالم مذهبی در جواب عیسی گفت: «استاد، کاملاً درست فرمودید. فقط یک خدا وجود دارد و غیر از او خدای دیگری نیست. ۳۳ و من قبول دارم که باید او را با تمام قلب و فهم و قوتم دوست بدارم و دیگران را نیز به اندازه خودم دوست بدارم. این کار حتی از قربانی کردن حیوانات در خانه خدا بسیار مهمتر است.»

۳۴ عیسی که دید این شخص متوجه حقیقت شده است، فرمود: «تو از ملکوت خدا دور نیستی.» از آن پس، دیگر هیچکس جرأت نکرد از او چیزی بپرسد.

۳۲:۱۲  
تث ۳۹:۳۵، ۴۰:۴  
اش ۱۴:۴۵ و ۱۴:۶  
قرن ۴-۶  
۳۳:۱۲  
اسمو ۲۲:۱۵  
هو ۶:۶  
میکا ۸-۶

خلاصه کرد: محبت به خدا و محبت به همنوع. این دو حکم از عهد عتیق گرفته شده است (لاویان ۱۹:۱۸ و تثنیه ۵:۶). اگر خدا را با تمام دل دوست داشته باشید و به همان اندازه ای که به فکر خودتان هستید، به فکر دیگران هم باشید، در واقع مقصود اصلی ده فرمان و سایر احکام عهد عتیق را بجا آورده اید. همانطور که عیسی فرمود، این دو حکم، تمام احکام خدا را دربر دارد. پس بگذارید آنها بر افکار و تصمیمات و اعمال شما نیز حاکم باشند. وقتی نمی دانید چه بکنید، از خود بپرسید کدام عمل به بهترین وجه محبت به خدا و به همنوع را جلوه گر می سازد.

۳۳:۱۲ و ۳۴ همه احکام عهد عتیق، انسان را بسوی مسیح هدایت می کنند. این شخص مقصود اصلی احکام عهد عتیق را درک کرده و پی برده بود که محبت قلبی بهتر از ظاهر مذهبی است؛ و یا به گفته کتاب مقدس، «اطاعت بهتر از قربانی است» (اسموئیل ۱۵:۲۲). قدم

زندگی پس از مرگ وجود دارد. فریسیان در مباحثات خود با صدوقیان در مورد این موضوع، به این آیه توجه نکرده بودند. خدا، سالها پس از مرگ ابراهیم و اسحاق و یعقوب، طوری درباره ایشان سخن می گوید که گویی ایشان هنوز زنده اند. عهد خدا با تمامی مردم پس از مرگ نیز وجود دارد. ۲۸:۱۲ در زمان عیسی، یهودیان صدها حکم بر روی هم انباشته بودند که تعداد آنها به قولی به ۶۱۳ می رسید. بعضی از علمای دین می کوشیدند میان احکام اصلی و فرعی تفاوتی قایل شوند، و بعضی دیگر معتقد بودند که همه احکام بطور مساوی مهم هستند و تمایز قایل شدن میان آنها خطرناک است. سؤال این عالم مذهبی می توانست میان این دو دسته مشاجره بوجود آورد. اما پاسخی که عیسی داد، چکیده همه احکام خدا بود. ۲۹:۱۲-۳۱ تعداد یا جزئیات احکام خدا سنگین و ظالمانه نیست. این احکام را می توان به دو حکم ساده برای زندگی

### رهبران مذهبی از جواب دادن به عیسی عاجزند

(۱۹۶/ متی ۴۱:۲۲-۴۶؛ لوقا ۴۱:۲۰-۴۴)

<sup>۳۵</sup> یک روز که عیسی در خانه خدا به مردم تعلیم می داد، پرسید: «چرا روحانیان شما می گویند که مسیح باید از نسل داود باشد؟»<sup>۳۶</sup> در حالیکه داود خودش، وقتی از روح خدا به او الهام شد، چنین گفت: خدا به خداوند من فرمود به دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پایت بیندازم.<sup>۳۷</sup> داود خودش مسیح را خداوند خود می خواند، پس چطور ممکن است مسیح، پسر او باشد؟»  
مردم از این گونه سؤالات بسیار لذت می بردند و با شور و علاقه فراوان به سخنان او گوش می دادند.

۳۵:۱۲  
متی ۴۱:۲۲-۴۶  
لو ۴۱:۲۰-۴۴  
۳۶:۱۲  
۲ سمو ۲:۲۳  
مز ۱:۱۱۰  
۳۷:۱۲  
روم ۳:۱ و ۵:۹  
مکا ۱۶:۲۲

### عیسی به رهبران مذهبی هشدار می دهد

(۱۹۷/ متی ۲۳:۱-۱۲؛ لوقا ۴۵:۲۰-۴۷)

<sup>۳۸</sup> باز خطاب به مردم فرمود:

«از این روحانیان متظاهر دوری کنید! ایشان در قبه های بلند خود احساس بزرگی می کنند و وقتی در بازار قدم می زنند دوست دارند همه در مقابلشان سر تعظیم فرود آورند.<sup>۳۹</sup> دوست دارند در عبادتگاه در بهترین جایها بنشینند و در ضیافتها در صدر مجلس باشند.<sup>۴۰</sup> ولی در همان حال، اموال خانه بیوه زنان را تصاحب می کنند و بعد برای اینکه کسی متوجه کارهای کثیفشان نشود، در برابر چشم مردم نمازشان را طول می دهند. به همین خاطر خدا ایشان را به شدیدترین وضع مجازات خواهد کرد.»

۳۸:۱۲  
متی ۱:۲۳-۱۴  
لو ۴۵:۲۰-۴۷

۳۹:۱۲  
لو ۴۳:۱۱

۳۸:۱۲-۴۰ عیسی درباره معلمین مذهبی که دوست داشتند در نظر مردم، مقدس و محترم جلوه کنند، هشدار داد. آنها با این کار خود، دورویی می کردند. پیروان واقعی مسیح، از کارهای نمایشی شان شناخته نمی شوند. اگر کسی کتاب مقدس بخواند، در جمع دعا کند و یا مراسم کلیسایی را انجام دهد فقط بخاطر اینکه مردم او را ببینند و احترام کنند، این کار او نمایش است و دورویی. اجازه دهید اعمالتان با ایمانتان یکرنگ باشد. شما باید برای مسیح زندگی کنید، حتی زمانی که هیچکس شما را نمی بیند.  
۴۰:۱۲ مجازات این رهبران مذهبی سخت تر خواهد بود، زیرا ایشان بعنوان معلم و رهبر، مسؤولیت سنگینی در شکل دادن به ایمان پیروان خود بعهده داشتند. آنان احکام بسیاری را بر دوش مردم می گذاشتند، اما خدای را که قرار بود عبادت کنند، فراموش کرده بودند. انگیزه های طمعکارانه و ناپاک ایشان، بسیاری از مردم را گمراه کرده بود.

بعدی که او می بایست بردارد، ایمان به شخص عیسی بود، و این مشکل ترین قدمی بود که می بایست بردارد.

۳۵:۱۲ و ۳۶ عیسی با اشاره به مزمور ۱:۱۱۰، نشان داد که مسیح، یک انسان عادی نیست. رهبران مذهبی درک نکرده بودند که مسیحای موعود، خیلی برتر از یک بشر عادی از نسل داود پادشاه خواهد بود. او خود خداست در شکل انسانی.

۳۸:۱۲-۴۰ عیسی یک بار دیگر، انگیزه های ناپاک فریسیان را آشکار ساخت. این رهبران مذهبی، دستمزد و حقوقی نداشتند، و برای امرار معاش متکی به کمکهای یهودیان دیندار بودند. بعضی از این رهبران، از این رسم سود جسته، از مردم سوءاستفاده می کردند، داروندار فقیران را از چنگشان خارج می ساختند و ثروتمندان را غارت می کردند. آنها روحانیت را وسیله ای برای کسب مقام، نفوذ و حرمت اجتماعی قرار داده بودند.

### بیوه زن فقیری، داروندار خود را می‌دهد

(۲۰۰ / لوقا ۲۱: ۴-۱)

۴۱ سپس عیسی به مکانی از خانه خدا رفت که در آنجا صندوق اعانات بود. او به مردمی که پول خود را در صندوق می‌انداختند چشم دوخته بود. بعضی که ثروتمند بودند مبلغ زیادی تقدیم می‌کردند. ۴۲ در آن میان یک بیوه زن فقیر هم آمد و دو سکه کم‌ارزش در صندوق انداخت.

۴۳ و عیسی شاگردان خود را فراخواند و به ایشان فرمود: «آنچه این بیوه زن فقیر در صندوق انداخت، از تمام آنچه که این ثروتمندان هدیه کردند، بیشتر بود. چون آنان جزئی از ثروت خود را به خدا دادند، ولی این زن تمام دارایی خود را داد.»

۴۱:۱۲

۲ یاد ۹:۱۲

لو ۱-۲۱: ۴

یو ۲۰: ۸

۴۳:۱۲

لو ۴۳: ۴۴ و ۴۳: ۴۴

۱۲: ۱۲

### عیسی درباره آینده سخن می‌گوید

(۲۰۱ / متی ۲۴: ۱-۲۲ ؛ لوقا ۲۱: ۵-۲۴)

آن روز، هنگامی که از خانه خدا بیرون می‌رفتند، یکی از شاگردان به تعریف از ساختمانهای خانه خدا پرداخت و گفت: «استاد ببینید این ساختمانها چقدر زیبا هستند! چه سنگ‌بری‌های ظریفی دارند!»

۲ عیسی جواب داد: «بلی، این ساختمانهای زیبا را می‌بینید؟ حتی یک سنگ روی سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه زیرورو خواهد شد.»

۳ و وقتی عیسی در دامنه کوه زیتون، روبروی خانه خدا نشسته بود، پطرس و

۱: ۱۳

متی ۱-۲۴: ۵۱

لو ۵: ۲۱-۳۶

۲: ۱۳

لو ۴۳: ۱۹ و ۴۴

اورشلیم کرد. البته قصد او خشنودی خدا نبود، بلکه می‌خواست یهودیان تحت حکومت خود را راضی سازد. تکمیل این طرح عظیم ساختمانی، تا سال ۶۴ میلادی ادامه یافت. پیشگویی عیسی در این مورد که حتی یک سنگ هم بر سنگی دیگر باقی نخواهد ماند، در سال ۷۰ میلادی عملی شد. در این سال، رومیها خانه خدا و تمام شهر اورشلیم را با خاک یکسان کردند.

۳: ۱۳ شاگردان علاقه داشتند بدانند که خانه خدا در چه زمانی ویران خواهد شد. عیسی با این پیشگویی، تصویری از آن زمان بدست داد و به وقایعی که پیش از آن رخ خواهد داد، اشاره کرد. او در ضمن، درباره وقایع دیگری نیز سخن گفت که بازگشت او را نوید می‌دهند. در واقع عیسی رویدادهای مربوط به آینده نزدیک و دور را پیشگویی می‌کرد، بدون اینکه بکوشد آنها را به ترتیب زمان وقوع بیان کند. شاگردان زنده ماندند و ویرانی اورشلیم را در سال ۷۰ دیدند. این واقعه ایشان را مطمئن ساخت که هر موضوع دیگری که عیسی پیشگویی کرده، اتفاق خواهد افتاد.

۴۱: ۱۲ در خانه خدا چندین صندوق وجود داشت که در آنها پول می‌ریختند. بعضی از آنها مخصوص جمع‌آوری مالیات خانه خدا از مردان یهودی بود. برخی دیگر مخصوص هدایای داوطلبانه بود. این صندوق هدایا احتمالاً در حیاط زنان قرار داشت.

۴۴-۴۱: ۱۲ در نظر خداوند، هدیه این بیوه‌زن فقیر، از مجموع هدایای دیگران بیشتر بود، گرچه مقدار آن بسیار ناچیز بود. ارزش هدیه به مقدار آن نیست، بلکه به حالت کسی است که هدیه می‌دهد. هدیه‌ای که با بی‌میلی یا بخاطر جلب توجه داده می‌شود، ارزش خود را از دست می‌دهد. وقتی هدیه می‌دهید، شاد باشید، زیرا هدایای کوچکی که با سیاست‌گذاری به خدا تقدیم می‌شوند، مورد پسند او قرار می‌گیرند.

۲۰۱: ۱۳ حدود پانزده سال پیش از تولد مسیح (سال ۲۰ قبل از میلاد)، هیروودیس کبیر شروع به مرمت و بازسازی خانه خدا کرد، خانه‌ای که تقریباً پانصد سال پیش از آن، در روزگار عزرا بنا شده بود (عزرا ۶: ۱۵ و ۱۴). هیروودیس خانه خدا را تبدیل به یکی از پرشکوهترین بناهای



یعقوب و یوحنا و اندریاس بطور خصوصی نزد او آمدند و پرسیدند: «در چه زمانی این بلایا بر سر این خانه خواهد آمد؟ آیا پیش از وقت به ما اعلام خطر خواهد شد؟»

<sup>۵</sup> عیسی جواب داد: «مواظب باشید کسی شما را گمراه نکند. <sup>۶</sup> زیرا بسیاری آمده، ادعا خواهند کرد که مسیح هستند و خیلی‌ها را گمراه خواهند ساخت. <sup>۷</sup> در نقاط دور و نزدیک جنگهای بسیاری بروز خواهد کرد. وقتی این خبرها را بشنوید، نگران نشوید. این جنگها باید اتفاق بیفتند. ولی این علامت فرا رسیدن آخر زمان نیست.

پیشگوییهای عیسی در موعظه کوه زیتون	نمونه پیشگویی	محل آیات در عهد عتیق	سایر آیات در عهد جدید
روزهای آخر مرقس ۱۳:۱-۲۳	روزهای آخر مرقس ۱۳:۱-۲۳	دانیال ۹:۲۶ و ۲۷	یوحنا ۱۵:۲۱
متی ۱-۲۴	متی ۱-۲۴	دانیال ۱۱:۳۱	مکاشفه ۱۱:۲
لوقا ۵:۲۱-۲۴	لوقا ۵:۲۱-۲۴	یوئیل ۲:۲	۱ تیموتائوس ۴:۱ و ۴
بازگشت مسیح مرقس ۱۳:۲۴-۲۷	بازگشت مسیح مرقس ۱۳:۲۴-۲۷	اشعیا ۶:۱۰-۱۳	مکاشفه ۶:۱۲
لوقا ۲۱:۲۵-۲۸	لوقا ۲۱:۲۵-۲۸	حزقیال ۷:۳۲	مرقس ۱۴:۶۲
متی ۲۴:۲۹-۳۱	متی ۲۴:۲۹-۳۱	دانیال ۷:۱۳ و ۱۴	۱ تسالونیکیان ۴:۱۶

در مرقس فصل ۱۳ که به موعظه کوه زیتون معروف است، عیسی مطالب زیادی درباره دو نکته گفت: زمانهای آخر و بازگشت خود. عیسی با بیان این پیشگوییها، در نظر نداشت که شاگردان را تشویق به کشف زمان بازگشت خود نماید. مقصود او این بود که پیروان خود را ترغیب کند تا برای بازگشت او مراقب و آماده باشند. اگر امروز عیسی را وفادارانه خدمت کنیم، به هنگام بازگشت او آماده خواهیم بود.

بازگشت عیسی را دقیقاً می‌دانند. اما هیچکس از آنها تابحال درست حدس نزده‌اند، زیرا مسیح مطابق برنامه زمانی خدا باز خواهد گشت، نه برنامه زمانی انسان. عیسی پیشگویی کرد که معلمین دروغین ادعا خواهند کرد که از جانب خدا مکاشفاتی دارند و به این ترتیب بسیاری از ایمانداران را گمراه خواهند کرد. در کلام خدا، یکی از نشانه‌های روشن بازگشت مسیح اینست که همه انسانها او را خواهند دید که بر ابرها می‌آید (مرقس ۱۳:۲۶). بعبارت دیگر، لازم نیست از خود بپرسید که آیا این مسیح است و یا اینها نشانه‌های زمان آخر هستند یا نه. وقتی مسیح باز گردد، بدون هیچگونه شک و تردیدی از آن آگاه خواهید شد. پس، از گروههایی که ادعا می‌کنند آگاهی خاصی از روزهای آخر دارند برحذر باشید، زیرا هیچکس نمی‌داند زمان آخر کی خواهد بود.

عیسی درباره آینده به ایشان هشدار داد تا بدانند که در زمان حال چگونه باید زندگی کنند. بسیاری از پیشگوییهایی که عیسی در این قسمت کرده است، هنوز عملی نشده‌اند. پیشگوییهای عیسی به این منظور نیستند که زمان وقوعشان را حدس بزنیم. هدف آنها اینست که ما از لحاظ روحانی در هر زمان هشیار و آماده باشیم و بازگشت او را انتظار بکشیم.

**۳:۱۳ و ۴** کوه زیتون در شرق اورشلیم، بگونه‌ای قرار گرفته که از فراز آن می‌شد شهر و خانه خدا را دید. زکریای نبی در فصل ۱۴، آیات ۱-۴ کتاب خود، پیشگویی کرده است که مسیح به هنگام بازگشت و برقراری ملکوت جاودانی خود، بر همین کوه خواهد ایستاد.

**۵:۱۳-۷** نشانه‌های روزهای آخر چیست؟ از زمان قیام مسیح به بعد، در هر دوره‌ای، عده‌ای ادعا کرده‌اند که زمان

<sup>۸</sup> «قومها و ممالک به هم اعلان جنگ خواهند داد، و در جاهای مختلف زمین لرزه خواهد شد و قحطی و گرسنگی و اغتشاش پدید خواهد آمد. اینها فقط اعلام خطری است برای نزدیک شدن مصیبت‌های بعدی.<sup>۹</sup> وقتی این رویدادها را دیدید مواظب خودتان باشید، زیرا زندگی شما در خطر خواهد افتاد. شما را به دادگاه‌ها خواهند کشید و در کنیسه‌ها شکنجه خواهند داد. بخاطر پیروی از من، شما را نزد پادشاهان و فرمانروایان خواهند برد. ولی همین امر، فرصت مناسبی خواهد بود تا پیام انجیل را به ایشان برسانید.<sup>۱۰</sup> پیام انجیل باید اول به تمام قومها برسد و بعد زمان به آخر خواهد رسید.<sup>۱۱</sup> اما وقتی شما را می‌گیرند و به دادگاه می‌برند، هیچ نگران این نباشید که برای دفاع از خود چه بگویید. هر چه خدا به شما می‌گوید همان را بگویید، زیرا در آن موقع روح القدس سخن خواهد گفت، نه شما.

<sup>۱۲</sup> «برادر به برادر خود خیانت خواهد کرد و پدر به فرزند خود؛ فرزندان نیز پدر و مادر خود را به کشتن خواهند داد.<sup>۱۳</sup> همه از شما بخاطر پیروی از من نفرت خواهند داشت. ولی کسانی نجات خواهند یافت که این مشکلات را تا به آخر تحمل نمایند و مرا انکار نکنند.

<sup>۱۴</sup> «هرگاه دیدید که آن چیز هولناک در خانه خدا برقرار است (خواننده خوب توجه کند تا معنی این را بدانند)، آنگاه در یهودیه هستید به تپه‌های اطراف بگریزید.<sup>۱۵</sup> وقت را تلف نکنید. اگر روی بام باشید به خانه برنگردید، و اگر در صحرا باشید حتی برای برداشتن پول یا لباس برنگردید.

۹:۱۳  
متی ۱۰:۱۰-۲۲

۱۰:۱۳  
روم ۱۸:۱۰  
۱۱:۱۳  
لو ۱۲:۱۰ و ۱۲  
۱۵ و ۴:۲۱  
اعما ۴:۲ و ۳۱ و ۸:۴

۱۲:۱۳  
میکا ۶:۷  
۱۳:۱۳  
یو ۱۸:۱۵-۲۱  
۲ تیمو ۴:۸  
عبر ۳:۱۴  
مکا ۱۰:۲  
۱۴:۱۳  
دان ۹:۲۷ و ۱۱:۳۱ و  
۱۱:۱۲  
متی ۱۵:۲۴

در لحظات ضروری، روح القدس حضور خواهد داشت تا سخنان مناسب را در دهان ما بگذارد.  
**۱۳:۱۳** برای آنکه «تا به آخر» به عیسی ایمان داشته باشیم، باید صبر و استقامت داشته باشیم، زیرا دشمنان انجیل، ایمان ما را به مبارزه خواهند طلبید و با آن مخالفت خواهند ورزید. این سختیها باعث خواهد شد که مسیحیان واقعی از ایمانداران راحت‌طلب متمایز گردند. تحمل زحمات تا به آخر، نجات و رستگاری را برای ما تأمین نخواهد کرد، بلکه نشان می‌دهد که ما قبلاً نجات را یافته‌ایم. اطمینان از نجات، ما را به هنگام جفاها و شکنجه‌ها حفظ خواهند کرد.

**۱۴:۱۳** مقصود عیسی از «آن چیز هولناک»، نجس شدن خانه خدا بدست دشمنان اوست. در سال ۳۸ میلادی، امپراطوری «کالیگولا» تصمیم گرفت که مجسمه خود را در خانه خدا نصب کند، اما پیش از آنکه نقشه‌اش عملی شود، مرد. در سال ۷۰ میلادی، امپراطور تیطوس، پس از تخریب اورشلیم، بتی را در محل ویرانه‌های خانه خدا نصب کرد.

**۱۰ و ۹:۱۳** وقتی کلیسای نخستین شروع به گسترش کرد، اغلب شاگردان آزار و اذیتی را که مسیح به آن اشاره کرده بود، تجربه کردند. از زمان مسیح به بعد، مسیحیان چه در سرزمین خود و چه در نقاطی که برای بشارت رفته‌اند، مورد آزار و جفا قرار داشته‌اند. ممکن است در حال حاضر، شما تحت آزار و شکنجه باشید. اما دیدگاه شما از ملکوت خدا، نباید فقط محدود به وقایعی باشد که برای شخص شما رخ می‌دهد. بسیاری از مسیحیان در سایر نقاط جهان، با مشکلات و شکنجه‌ها روبرو هستند. آزار و جفا، فرصتی است تا مسیحیان درباره مسیح شهادت بدهند.

**۱۱:۱۳** منظور عیسی این نیست که مطالعه کتاب مقدس و کسب دانش بی‌فایده و اشتباه است. عیسی خودش، پیش از قیام و پس از آن، به شاگردان تعلیم می‌داد که چه بگویند و چگونه بگویند. مقصود عیسی در اینجا، اشاره به حالتی است که ما باید به هنگام دفاع از انجیل داشته باشیم. ما نباید در خصوص ایمانمان هراسان و یا در حالت تدافعی باشیم. زیرا

۱۷:۱۳  
لو ۲۹:۲۳  
۱۹:۱۳  
ار ۷:۳۰  
دان ۱:۱۲  
یول ۲:۲  
مکا ۱۰:۳

۱۷ «بیچاره زنانی که در آن روزها آبستن باشند و بیچاره مادرانی که بچه‌های شیرخوار داشته باشند.<sup>۱۸</sup> فقط دعا کنید که فرارتان به زمستان نیفتد.<sup>۱۹</sup> چون آن روزها بقدری وحشتناک خواهد بود که از وقتی خدا جهان را آفرید تا کنون نظیر آن پیش نیامده و دیگر هرگز پیش نخواهد آمد.<sup>۲۰</sup> و اگر خداوند آن روزهای مصیبت‌بار را کوتاه نمی‌کرد، حتی یک انسان نیز بر روی زمین باقی نمی‌ماند. ولی بخاطر برگزیدگانش آن روزها را کوتاه خواهد کرد.

### عیسی درباره بازگشت خود سخن می‌گوید

(۲۰۲ / متی ۲۴:۲۳-۳۵؛ لوقا ۲۱:۲۵-۳۳)

۲۱:۱۳  
لو ۲۳:۱۷  
۲۲:۱۳  
متی ۱۵:۷ و ۲۴:۲۴  
تسا ۹:۲

۲۱ «آنگاه اگر کسی به شما بگوید: این شخص مسیح است و یا آن یکی مسیح است، به سخنش توجه نکنید.<sup>۲۲</sup> چون مسیح‌ها و پیغمبران دروغین، بسیار ظهور خواهند کرد و معجزات حیرت‌انگیز انجام داده، مردم را فریب خواهند داد، بطوری که اگر ممکن می‌بود، حتی فرزندان خدا را نیز از راه راست منحرف می‌کردند.<sup>۲۳</sup> پس مواظب خودتان باشید. از ابتدا همه اینها را به شما گفتم.

۲۳:۱۳  
۲ پط ۱۷:۳

۲۴ «پس از این مصیبتها، خورشید تیره و تار خواهد شد و ماه دیگر نخواهد درخشید،<sup>۲۵</sup> ستاره‌ها خواهند افتاد و آسمان دگرگون خواهد شد.

۲۴:۱۳  
اش ۱۰:۱۳  
جز ۸و۷:۳۲  
یول ۳۱:۲ و ۱۵:۳  
مکا ۱۲:۶

۲۶ «آنگاه تمام مردم، مرا خواهند دید که در ابرها با قدرت و شکوه عظیم می‌آیم.<sup>۲۷</sup> من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا برگزیدگانم را از سراسر دنیا یعنی از گوشه و کنار زمین و آسمان جمع کنند.

۲۶:۱۳  
دان ۱۳:۷

۲۸ «حال، این درس را از درخت انجیر بیاموزید؛ وقتی شاخه‌هایش نرم می‌شوند و برگ تولید می‌کنند، می‌فهمید که تابستان نزدیک شده است.<sup>۲۹</sup> همین‌طور وقتی دیدید آنچه گفتم رخ داده، بدانید که پایان کار بسیار نزدیک شده است.<sup>۳۰</sup> مطمئن باشید این نسل خواهد ماند و این وقایع را خواهد دید.<sup>۳۱</sup> آسمان و زمین از میان خواهد رفت، ولی سخنان من تا به ابد پابرجا خواهد ماند.

متی ۲۷:۱۶  
اعما ۱۱:۱  
مکا ۷:۱  
۲۷:۱۳  
تث ۴و۳:۳۰

۳۱:۱۳  
مز ۲۷-۲۵:۱۰۲

آنها را با آنچه که قبلاً رخ داده، تطبیق دهند؟ (۲) آیا تعلیم آنها فقط بر بخش کوچکی از کتاب مقدس استوار است و بقیه قسمتها را نادیده می‌گیرد؟ (۳) آیا تعلیم آنان با تعلیم کتاب مقدس درباره خدا مخالف است؟ (۴) آیا روش آنها، باعث عزت و جلال رهبرشان می‌شود یا جلال مسیح؟ (۵) آیا تعلیم آنان موجب ایجاد خصومت نسبت به سایر مسیحیان می‌شود؟

۳۱:۱۳ در روزگار عیسی، جهان بسیار قابل اعتماد بنظر می‌آمد و احساس می‌شد که همه چیز دائمی است. ولی

۲۲:۲۳ و ۲۳ آیا ممکن است مسیحیان فریب بخورند؟ بلی، امکان دارد. دلایل و استدلال‌ات گمراه‌کنندگان در روزهای آخر بقدری قانع‌کننده خواهد بود که مشکل خواهد بود مسیحیان گمراه نشوند. اما عیسی فرمود که اگر آماده باشیم، می‌توانیم به او وفادار بمانیم. اما اگر آماده نباشیم، تاب نخواهیم آورد. برای پی بردن به حیل‌های معلمین دروغین می‌توانیم این سؤالها را مطرح کنیم: (۱) آیا پیشگوییهای آنان درست از آب در آمده و یا آنکه مجبورند در پیشگوییهای خود تجدیدنظر کنند تا

## عیسی درباره چشم براه بودن سخن می گوید

(متی ۲۴:۲۴-۳۶؛ لوقا ۲۱:۳۴-۳۸)

۳۲ «اما هیچکس، حتی فرشتگان آسمان نیز خبر ندارند چه روز و ساعتی دنیا به آخر می رسد. حتی خود من هم نمی دانم، فقط پدرم خدا از آن آگاه است. ۳۳ پس باید آماده بوده، دعا کنید و هر لحظه چشم براه بازگشت من باشید، چون نمی دانید آن لحظه کی فرا می رسد.

۳۴ «بازگشت من مانند بازگشت مردی است که به کشور دیگر به سفر رفته است، و برای هر یک از خدمتگزاران خود وظیفه خاصی معین کرده و به دربان نیز فرموده تا منتظر بازگشت او باشد.

۳۵ و ۳۶ و ۳۷ «پس شما نیز چشم براه باشید، چون نمی دانید کی برمی گردم: سرشب، نیمه شب، سحر یا صبح. مواظب باشید که وقتی می آیم، در خواب غفلت نباشید. باز هم می گویم چشم براه من باشید. اینست پیام من به شما و به همه.»

۳۲:۱۳

اعما ۷:۱

۳۳:۱۳

روم ۱۱:۱۳

افس ۱۷:۶ و ۱۸

کول ۲:۴

اتسا ۵:۶

۳۴:۱۳

متی ۱۴:۲۵

لو ۹:۱۹

۳۷-۳۵:۱۳

لو ۱۲:۳۹ و ۴۰

لازم است. آیا برای آماده شدن برای بازگشت مسیح، همین اهمیت را قائل می شویم؟ بازگشت او مهم ترین رویداد در زندگی ماست. نتایج آن ابدی خواهد بود. اگر نمی دانید بازگشت او در چه زمانی رخ خواهد داد، این دلیل بر آن نیست که آمادگی خود را به تعویق بیندازید. تنها راه برای آماده شدن، اینست که کلام خدا را مطالعه کنیم و بعد هرروز تصمیم بگیریم که مطابق آن زندگی کنیم. فقط در اینصورت است که آماده خواهیم بود.

۳۵:۱۳ تمامی این قسمت (آیات ۳-۳۷)، در مورد اینست که ما به هنگام انتظار برای بازگشت مسیح، چگونه باید زندگی کنیم: (۱) تعالیم مغشوش کننده و تفسیرهای نادرست از وقایع آینده، نباید ما را گمراه کنند (آیات ۶-۱۱). (۲) نباید بترسیم که مسیح را به دیگران معرفی کنیم، حال هرچه می خواهند بگویند و بکنند (آیات ۹-۱۱). (۳) ما با ایمان باید صبر و استقامت داشته باشیم و از جفاها متعجب نشویم (آیه ۱۳). (۴) از نظر اخلاقی باید هشیار و مطیع احکام زندگی کلام خدا باشیم. مقصود این فصل این نیست که درباره وقایع پیشگویی شده بحث و مجادله کنیم، بلکه می خواهد درباره زندگی درست و خداپسندانه گفتگو کنیم، زندگی درست در دنیایی که خدا را فراموش کرده است.

امروز، بسیاری از مردم می ترسند که جهان با قدرت هسته ای از بین برود. اما عیسی فرمود که گرچه جهان قطعاً از میان خواهد رفت، اما حقیقت کلام او هرگز دگرگون و ضایع نخواهد گردید. خدا و کلام او، تنها ثبات ما در این دنیای بی ثبات است. پس چقدر کوتاه بینانه است که وقت خود را فقط صرف بدست آوردن امور مربوط به این دنیای گذرا و اموال آن نماییم، و کتاب مقدس و حقایق ابدی آن را فراموش کنیم.

۳۲:۱۳ وقتی عیسی فرمود که از زمان فرا رسیدن روز آخر خبر ندارد، درواقع می خواست بر بشریت خود تأکید بگذارد. طبیعتاً خدای پدر از آن زمان خبر دارد، و عیسی و پدر نیز یکی هستند. اما وقتی عیسی انسان شد، داوطلبانه از استفاده نامحدود از صفات الهی خود صرف نظر کرد. تأکید این آیه، برعدم آگاهی عیسی نیست، بلکه بر این حقیقت است که هیچکس از آن لحظه خبر ندارد. این سِر را فقط خدای پدر می داند و هر وقت که اراده کند، آن را آشکار خواهد ساخت. هیچکس نمی تواند از روی کلام خدا و یا از طریق علم، زمان دقیق بازگشت عیسی را پیش بینی کند. عیسی تعلیم داد که آمادگی مهم است، نه محاسبه.

۳۳:۱۳ و ۳۴ برای یک عروسی، یا تولد یک کودک یا تغییر شغل و عقد قرار داد، و یا خرید خانه، ماهها وقت

## ج - مرگ و قیام عیسی خدمت گزار (۱:۱۴ تا ۲۰:۱۶)

در این قسمت، مرقس درباره آخرین خدمت عیسی سخن می گوید، یعنی مرگ او بر صلیب در راه ما. عیسی بخاطر گناهان ما مرد تا ما مجازات نشویم. در اثر کار او، ما اکنون می توانیم با خدا رابطه ای جاودانی داشته باشیم و از عذاب و هلاکت جاودانی رهایی یابیم. این انجیل، در زمان نگارشش در روم، باعث تشویق و دلگرمی مسیحیان روم در روزهای جفا و شکنجه شد. پیروزی مسیح که با تحمل رنج بسیار بدست آمد، باعث تشویق ما در سختیها می گردد.

### رهبران مذهبی برای قتل عیسی توطئه می چینند

(۲۰:۷ / متی ۱:۲۶-۵؛ لوقا ۲۲:۱-۲)

۱:۱۴

متی ۵-۱:۲۶

لو ۲:۲۱-۲

یو ۵۷-۵۵:۱۱

۱۴ دو روز به عید پَسَح مانده بود. در ایام این عید، یهودیان فقط نان فطیر می خوردند.

کاهنان اعظم و روحانیان دیگر یهود، هنوز در پی فرصت می گشتند تا عیسی را بی سر و صدا دستگیر کنند و بکشند. اولی می گفتند: «در روزهای عید نمی توان این کار را کرد مبادا مردم سر بشورش بگذارند.»

### زنی عیسی را با عطری گرانها تدهین می کند

(۱۸۲ / متی ۶:۲۶-۱۳؛ یوحنا ۱۲:۱-۱۱)

۳:۱۴

متی ۱۳-۶:۲۶

لو ۷:۳۷-۳۹

یو ۸-۱:۱۲

۳ در این هنگام، عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی مهمان بود. وقت شام، زنی با یک شیشه عطر گران قیمت از سُبُل خالص وارد شد و شیشه را باز کرد و عطر را بر سر عیسی ریخت.

۳:۱۴ بیت عنیا در دامنه شرقی کوه زیتون واقع است و اورشلیم در دامنه غربی آن. در این شهر، دوستان عیسی، یعنی ایلعازر و مریم و مرتا زندگی می کردند. ایشان نیز در این میهمانی حضور داشتند (یوحنا ۱:۱۱). زنی که بر سر عیسی عطر ریخت، مریم، خواهر ایلعازر و مرتا بود (یوحنا ۱:۱۲-۳).

۳:۱۴-۹ متی و مرقس، این رویداد را درست پیش از شام آخر آورده اند، در حالیکه یوحنا آن را یک هفته زودتر، پیش از ورود مظفرانه به اورشلیم قرار داده است. نباید فراموش کرد که هدف اصلی نویسندگان انجیل، شرح وقایع زندگی مسیح به ترتیب دقیق زمان وقوع آنها نیست، بلکه هدف اصلی، ارائه دقیق پیام اوست. شاید متی و مرقس، این واقعه را در این قسمت قرار داده اند تا ارادت و سرسپردگی مریم را با خیانت یهودا که بلافاصله بعد از این واقعه نوشته شده، مقایسه کنند.

۱:۱۴ همه نوجوانان و مردان یهودی، از ۱۲ سال به بالا، می بایست برای برگزاری عید پَسَح به اورشلیم بروند. عید پَسَح یا «گذر»، به یادبود شبی برگزار می شد که قوم اسرائیل از بندگی مصر رهایی یافت (خروج ۱۲). در این شب، خدا از خانه هایی که خون بره بر سردر آن مالیده شده بود، گذر کرد و پسران ارشد خانه هایی را که علامت خون نداشتند، کشت. بعد از روز عید پَسَح، عید نان فطیر به مدت هفت روز برگزار می شد. این جشن نیز یادآور خروج سریع بنی اسرائیل از مصر بود. ایشان به علت کمبود وقت، فرصت نداشتند که بگذارند خمیرشان تخمیر شود و به همین دلیل، نان بدون خمیر ترش یا نان فطیر خوردند. در این عید، خانواده ها سر سفره، دور هم جمع می شدند و گوشت بره، شراب، سبزیجات تلخ و نان فطیر می خوردند. بعدها تمام این هفته را عید پَسَح خواندند، زیرا بلافاصله دنبال روز پَسَح می آمد.

۵۴ بعضی از حضار از این عمل ناراحت شده، به یکدیگر گفتند: «افسوس! چرا عطر به این خوبی را تلف کرد؟ می توانستیم آن را به سیصد سکه نقره

محل آیات	رویداد	روز	رویدادهای مهم هفته آخر زندگی مسیح بر زمین
متی ۱۱-۱:۲۱ ؛ مرقس ۱۱-۱:۱۱ لوقا ۱۹-۲۹:۱۹ ؛ یوحنا ۱۲-۱۲:۱۹	ورود مظفرانه به اورشلیم	یکشنبه	از روز یکشنبه تا چهارشنبه، عیسی شبها را در بیت عنیا می گذراند. بیت عنیا در سه کیلومتری شرق اورشلیم، در آنسوی کوه زیتون واقع است. او احتمالاً در خانه ایلعازر و مریم و مرتا اقامت می گزید. او پنجشنبه شب را در باغ جتسیمانی در دعا سر کرد. جمعه شب و شنبه، بدن عیسی در قبر ماند.
متی ۱۳ و ۱۲:۲۱ ؛ مرقس ۱۳-۱۵:۱۱ لوقا ۴۵:۱۹ و ۴۶	عیسی خانه خدا را پاک می کند	دوشنبه	
متی ۲۳-۲۳:۲۱ ؛ مرقس ۱۱-۲۶:۳۳ لوقا ۸-۱:۲۰	سؤال درباره قدرت عیسی	سه شنبه	
متی ۲۸:۲۱ تا ۳۶:۲۳ ؛ مرقس ۱۲-۱:۴۰ لوقا ۹-۹:۲۰ ؛ یوحنا ۲۰-۲۰:۲۶	عیسی تعلیم می دهد و با رهبران یهود گفتگو می کند		
متی ۲۴ ؛ مرقس ۱۳ ؛ لوقا ۵:۲۱-۳۸	یونانیان می خواهند عیسی را ببینند موعظه کوه زیتون		
متی ۱۴-۱۴:۲۶ ؛ مرقس ۱۴-۱۰:۱۱ لوقا ۳:۲۲-۶	یهودا تصمیم می گیرد به عیسی خیانت کند		
متی ۲۶-۲۶:۲۶ ؛ مرقس ۱۴-۲۲:۲۵ لوقا ۲۲-۱۴:۲۰	کتاب مقدس نمی گوید در این روز عیسی چه کرد. او شاید با شاگردانش در بیت عنیا ماند.	چهارشنبه	
یوحنا ۱۳-۱۷	شام آخر	پنجشنبه	
متی ۲۶-۳۶:۲۶ ؛ مرقس ۱۴-۳۲:۴۲ لوقا ۲۲-۳۹:۲۲ ؛ یوحنا ۱:۱۸	عیسی در بالاخانه با شاگردان گفتگو می کند کشمکش درونی عیسی در باغ جتسیمانی		
متی ۲۶-۴۷:۲۶ ؛ مرقس ۱۴-۴۳:۵۲ لوقا ۲۲-۴۷:۵۳ ؛ یوحنا ۱۲-۲:۱۸	خیانت یهودا و دستگیری عیسی		
متی ۲۶:۵۷ تا ۲:۲۷ و ۱۱-۳۱ مرقس ۱۴:۵۳ تا ۱۵:۲۰ لوقا ۲۲:۵۴ تا ۲۳:۲۵ یوحنا ۱۳:۱۸ تا ۱۶:۱۹	محاکمه عیسی بدست رومی ها و انکار پطرس	جمعه	
متی ۳۱-۲۷:۵۶ ؛ مرقس ۱۵-۲۰:۴۱ لوقا ۲۳-۲۶:۴۹ ؛ یوحنا ۱۷-۱۷:۳۰	مصلوب شدن عیسی		
متی ۱-۱:۲۸ ؛ مرقس ۱-۱:۱۶ لوقا ۱-۱:۲۴ ؛ یوحنا ۱-۱:۲۰	قیام (زنده شدن عیسی)	یکشنبه	

۵۴:۱۴ مرقس می گوید «بعضی از حضار»، در حالیکه یوحنا بطور خاص از یهودا نام می برد (یوحنا ۱۲:۴). ناراحتی یهودا از عمل مریم که در حکم پرستش بود، به علت توجه او به فقرا نبود، بلکه بخاطر طمع بود. از آنجا که او خزانه دار عیسی بود و از پول خزانه می زدید (یوحنا ۱۲:۶)، بی شک می خواست که عطر فروخته شود.

بفروشیم و پولش را به فقرا بدهیم.» به این ترتیب، آن زن را سرزنش می کردند.

عولی عیسی گفت: «کاری به کار او نداشته باشید! چرا برای این کار خوب او را سرزنش می کنید؟<sup>۷</sup> فقرا همیشه دوروبر شما هستند. هرگاه بخواهید می توانید کمکشان کنید. ولی من مدت زیادی با شما نخواهم بود.<sup>۸</sup> این زن هر چه از دستش برمی آمد، انجام داد. در واقع بدن مرا برای کفن و دفن حاضر کرد.<sup>۹</sup> این که می گویم عین حقیقت است: از این پس در هر جای دنیا که پیغام انجیل موعظه شود، کار این زن نیز ذکر خواهد شد و مورد تحسین قرار خواهد گرفت.»

۷:۱۴  
تث ۱۱:۱۵  
۸:۱۴  
مر ۱:۱۶  
لو ۱:۲۴  
یو ۴۰:۱۹

### یهودا می پذیرد تا به عیسی خیانت کند

(۲۰۸ / متی ۱۴:۲۶-۱۶؛ لوقا ۳:۲۲-۶)

<sup>۱۰</sup> آنگاه یکی از شاگردان او به نام یهودا اسخریوطی، نزد کاهنان اعظم رفت تا استاد خود را به ایشان تسلیم کند.<sup>۱۱</sup> وقتی کاهنان شنیدند برای چه آمده است، بسیار شاد شدند و قول دادند به او پاداشی بدهند. او نیز در پی فرصت می گشت تا عیسی را به ایشان تحویل دهد.

۱۱:۱۴  
زکر ۱۲:۱۱  
اتیمو ۱۰:۶  
یهو ۱۱

### شاگردان پسح را آماده می کنند

(۲۰۹ / متی ۱۷:۲۶-۱۹؛ لوقا ۷:۲۲-۱۳)

<sup>۱۲</sup> روز اول عید که در آن قربانی می کردند، شاگردان عیسی پرسیدند: «کجا می خواهید برویم و شام عید پسح را بخوریم؟»<sup>۱۳</sup> عیسی دو نفر از شاگردان را به اورشلیم فرستاد تا شام را حاضر کنند و گفت: «در راه شخصی را خواهید دید که بطرف شما می آید. یک کوزه آب هم در دست دارد. به دنبال او بروید.<sup>۱۴</sup> به هر خانه ای داخل شد، به صاحب آن خانه بگویید: استادمان ما را فرستاده

۱۲:۱۴  
تث ۵:۱۶  
متی ۱۹-۱۷:۲۶  
لو ۱۳-۷:۲۲  
اقرن ۸:۷  
۱۴:۱۴  
خرو ۸:۱۲  
لاو ۵:۲۳

یک کارگر بود، قدردانی کرد، یهودا پی برد که حکومت و ملکوت عیسی، روحانی خواهد بود، نه سیاسی و دنیوی. یهودا با پیروی از عیسی، نمی توانست به ثروت و مقام مورد نظر خود برسد. از اینرو، او را در مقابل پول و احترام، به رهبران یهودی تسلیم کرد.

۱۳:۱۴ دو نفری که عیسی به اورشلیم فرستاد، پطرس و یوحنا بودند (لوقا ۲۲:۸).  
۱۴:۱۴ و ۱۵ در بسیاری از خانه ها، اتاقهای بزرگی در طبقه فوقانی وجود داشت که با پلکانهایی در داخل و خارج خانه، به طبقه پایین متصل می شد. تدارک شام پسح، شامل ترتیب دادن سفره، و خوردن بره، نان فطیر، خورش و سایر خوراکیها و نوشیدنیها می شد.

۶:۱۴ منظور عیسی این نبود که فقرا را نادیده بگیریم و یا نسبت به ایشان بی تفاوت باشیم. او می خواست پرستش خالصانه مریم را تحسین کند. پرستش واقعی مسیح اینست که عمیق ترین محبت و احترام و ارادت خود را نثار او کنیم و آماده باشیم تا گرانها ترین چیز خود را فدای او سازیم.  
۱۰:۱۴ چرا یهودا حاضر شد به عیسی خیانت کند؟ یهودا، مانند سایر شاگردان، تصور می کرد که عیسی یک حرکت سیاسی را برای سرنگونی روم آغاز خواهد کرد. یهودا در مقام خزانه دار، مانند بقیه شاگردان فکر می کرد که در حکومت جدید عیسی، مقام مهمی بدست خواهد آورد (مرقس ۳۵:۱۰-۳۷). اما وقتی عیسی از کار مریم یعنی ریختن عطری که ارزشش معادل شش ماه دستمزد

است تا اطاقی را که برای ما حاضر کرده‌اید تا امشب شام پسخ را بخوریم، ببینیم.<sup>۱۵</sup> او شما را به بالاخانه، به یک اطاق بزرگ و مفروش خواهد برد. شام را همانجا تدارک ببینید.»

<sup>۱۶</sup> پس آن دو شاگرد به شهر رفتند و همان طور واقع شد که عیسی گفته بود. پس شام را حاضر کردند.

### عیسی و شاگردان، شام آخر را صرف می‌کنند

(۲۱۱ / متی ۲۶:۲۰-۲۹؛ لوقا ۲۲:۱۴-۳۰؛ یوحنا ۱۳:۲۱-۳۰)

<sup>۱۷</sup> هنگام شب، عیسی و بقیه شاگردان رسیدند.<sup>۱۸</sup> وقتی دور سفره نشستند، عیسی گفت: «این که می‌گویم عین حقیقت است: یکی از شما به من خیانت می‌کند، بل، یکی از خود شما که اینجا با من شام می‌خورید.»

<sup>۱۹</sup> همه از این سخن غمگین شدند و یک به یک از او پرسیدند: «منم؟»

<sup>۲۰</sup> عیسی جواب داد: «یکی از شما دوازده نفر است که حالا با من شام می‌خورد.

<sup>۲۱</sup> من باید بمیرم، همانطور که پیغمبران خدا از پیش خبر داده‌اند. اما وای بحال آنکه مرا تسلیم به مرگ می‌کند. کاش هرگز به دنیا نمی‌آمد.»

<sup>۲۲</sup> وقتی شام می‌خوردند، عیسی نان را بدست گرفت، آن را برکت داده، پاره کرد و

۱۷:۱۴

متی ۲۰:۲۶-۳۰

لو ۱۴:۲۲-۲۳

یو ۲۱:۱۳-۳۰

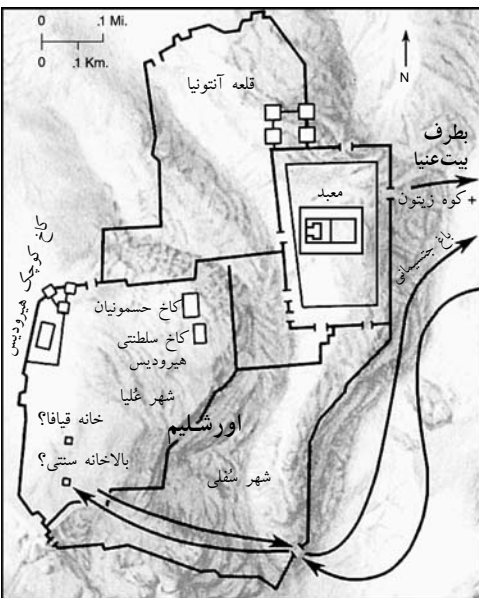
۲۱:۱۴

مز ۲۱:۲۲-۲۱

اش ۳:۵۳-۸

۲۲:۱۴

اقرن ۱۰:۱۶ و ۱۱:۲۳-۲۶



#### بالاخانه و جتسمانی

عیسی و شاگردانش، شام سنتی پسخ را در اتاقی در طبقه دوم در شهر اورشلیم خوردند و بعد، به باغ جتسمانی واقع بر کوه زیتون رفتند. در غروب آن روز، عیسی دعا کرد تا بتواند رنجهایی را که در پیش داشت، تحمل کند.

**۱۹:۱۴** یهو، همان کسی که قرار بود به عیسی خیانت کند، در کنار دیگران سر سفره نشسته بود. او قبلاً تصمیم گرفته بود که عیسی را تسلیم کند، اما با خونسردی ریاکارانه، در این شام شرکت کرد. بسیار راحت است که از عمل یهو، خشمگین و متحیر شد، اما خود ما نیز با اعلام ایمان به مسیح و انکار او با زندگی مان، به او خیانت می‌کنیم. ما حقایق مربوط به مسیح را انکار می‌کنیم، زیرا او به ما تعلیم داده که چگونه زندگی کنیم، ولی ما طور دیگری زندگی می‌کنیم. ما با ناطاعتی خود، محبت مسیح را انکار می‌کنیم. ما با رد حاکمیت او، الوهیت او را انکار می‌کنیم. آیا گفتار و کردار شما یکی است؟ اگر نیست، در فکر و قلب خود تغییری ایجاد کنید، مبادا مرتکب اشتباه وحشتناکی شوید.

**۲۲:۱۴-۲۵** در اینجا مرقس به منشأ عشاء ربانی یا شام خداوند اشاره می‌کند که امروز نیز در عبادات مسیحیان برگزار می‌شود. عیسی و شاگردانش شام خوردند، سپس مزبور سرودند، کلام خواندند و دعا کردند. آنگاه عیسی دو جزء سنتی پسخ، یعنی گرداندن نان و نوشیدن شراب را گرفت و به آنها مفهوم جدیدی بعنوان بدن و خون خود بخشید. او از نان و شراب استفاده کرد تا مفهوم کاری را که قرار بود بر صلیب انجام دهد، تشریح کند. برای اطلاع بیشتر از مفهوم شام خداوند، به اقرن ۱۱:۲۳-۲۹ مراجعه کنید.



به ایشان داد و فرمود: «بگیرید، این بدن من است.»<sup>۲۳</sup> سپس جام را بدست گرفت، از خدا تشکر کرد و به ایشان داد و همه از آن نوشیدند.<sup>۲۴</sup> آنگاه به ایشان فرمود: «این خون من است که در راه بسیاری ریخته می‌شود، و مهر یک پیمان تازه است بین خدا و انسان.<sup>۲۵</sup> این که می‌گویم عین حقیقت است: دیگر از این محصول انگور نخواهم نوشید تا روزی که تازه آن را در ملکوت خدا بنوشم.»

۲۴:۱۴  
عبر ۱۳:۹-۱۵

### عیسی بار دیگر انکار پطرس را پیشگویی می‌کند

(متی ۲۶:۳۰-۳۵)

<sup>۲۶</sup> سپس سرودی خواندند و از خانه بیرون آمدند و بسوی کوه زیتون رفتند.  
<sup>۲۷</sup> در بین راه، عیسی به ایشان گفت: «امشب همه شما مرا تنها گذارده، خواهید رفت، چون در کتاب آسمانی نوشته شده که خدا چوپان را می‌زند و گوسفندان پراکنده می‌شوند.<sup>۲۸</sup> ولی بعد از زنده شدنم، به جلیل خواهم رفت و شما را در آنجا خواهم دید.»

۲۷:۱۴  
زکر ۷:۱۳  
متی ۳۱:۲۶-۳۵  
لو ۳۱:۲۲-۳۴  
یو ۳۶:۱۳-۳۸  
۲۸:۱۴  
مر ۷:۱۶

<sup>۲۹</sup> پطرس گفت: «حتی اگر همه شما را ترک کنند، من این کار را نخواهم کرد.»  
<sup>۳۰</sup> عیسی گفت: «پطرس، فردا صبح پیش از اینکه خروس دو بار بخواند، تو سه بار مرا انکار کرده، خواهی گفت که مرا نمی‌شناسی.»  
<sup>۳۱</sup> ولی پطرس با تأکید بیشتر گفت: «نه، من اگر لازم باشد بمیرم، می‌میرم ولی هرگز شما را انکار نمی‌کنم.» دیگران نیز همین قسم را خوردند.

### عیسی در باغ محزون می‌شود

(متی ۲۶:۳۶-۴۶؛ لوقا ۲۲:۳۹-۴۶)

<sup>۳۲</sup> سپس به یک باغ زیتون رسیدند، که به باغ جتسیمانی معروف بود. عیسی به

۳۲:۱۴  
متی ۲۶:۳۶-۴۶  
لو ۲۲:۳۹-۴۶  
یو ۱:۱۸

مزامیر ۱۱۵ تا ۱۱۸ گرفته شده بود. این مزامیر در پایان شام پسخ سروده می‌شدند.

**۲۷:۱۴** ممکن است این تصور پیش آید که شیطان در ماجرای مرگ عیسی، بطور موقت در موضع قدرت قرار گرفت؛ اما کمی بعد می‌بینیم که خدا بر همه چیز مسلط است، حتی در ماجرای مرگ پسرش. شیطان هیچ پیروزی بدست نیاورد و همه چیز دقیقاً مطابق نقشه خدا عملی شد.  
**۲۷:۱۴** در آن شب، این بار دوم بود که عیسی انکار کردن و پراکنده شدن شاگردان را پیشگویی می‌کرد. شاید به همین علت، ایشان اینچنین عکس‌العمل نشان دادند (آیه ۳۱). برای اطلاع بیشتر از پیشگویی اول عیسی در مورد انکار آنان، به لوقا ۲۲:۳۱-۳۸ و یوحنا ۱۳:۳۱-۳۸ مراجعه کنید.

**۲۴:۱۴** مرگ عیسی بر صلیب در راه ما، عهد و پیمان جدیدی را میان خدا و بشریت منعقد کرد. مطابق عهد قبلی، برای بخشایش گناهان، لازم بود حیوانی قربانی شود (خروج ۶:۲۴-۸). اما حال، بجای بره بی‌عیب، عیسی آمد تا بعنوان بره خدا، خود را قربانی کند و یکبار برای همیشه گناهان را ببخشد. عیسی قربانی نهایی برای گناهان بود و خون او عهد و پیمان جدید میان خدا و انسان را مَهر کرد. اکنون همه ما می‌توانیم از طریق عیسی نزد خدا بیاییم و اطمینان کامل داشته باشیم که او صدای ما را می‌شنود و ما را از گناهانمان نجات می‌دهد.

**۲۶:۱۴** سرودی که خواندند، به احتمال قوی از

شاگردان خود گفت: «شما اینجا بنشینید تا من بروم دعا کنم.»<sup>۳۳</sup> او پطرس، یعقوب و یوحنا را نیز با خود برد. ناگاه اضطراب و پریشانی عمیقی بر او مستولی شد.<sup>۳۴</sup> به ایشان گفت: «از شدت حزن و غم، در شرف مرگ می‌باشم. شما همینجا بمانید و با من بیدار باشید.»<sup>۳۵</sup> سپس کمی دورتر رفت، بر زمین افتاد و دعا کرد تا شاید آن دقایق وحشت‌آور که انتظارش را می‌کشید، هرگز پیش نیاید.<sup>۳۶</sup> او دعا کرده، گفت: «ای پدر، هر کاری نزد تو امکان‌پذیر است. پس این جام رنج و عذاب را از مقابل من بردار. در عین حال، خواست تو را می‌خواهم نه میل خود را.»<sup>۳۷</sup> سپس نزد آن سه شاگرد برگشت و دید که در خوابند. پس گفت: «شمعون! خوابی؟ نتوانستی حتی یک ساعت با من بیدار بمانی؟»<sup>۳۸</sup> با من بیدار بمانید و دعا کنید مبادا وسوسه‌کننده بر شما غالب آید.

چون روح مایل است اما جسم، ضعیف و ناتوان.  
<sup>۳۹</sup> باز رفت و همان دعا را کرد. وقتی بازگشت، دید که هنوز در خوابند، چون نمی‌توانستند بلکهایشان را باز نگاه دارند و نمی‌دانستند چه بگویند.<sup>۴۱</sup> وقتی برای بار سوم برگشت، گفت: «هنوز در خوابید؟ بس است! دیگر وقت خواب نیست. نگاه کنید، اکنون در چنگ این اشخاص بدکار گرفتار خواهم شد.<sup>۴۲</sup> برخیزید، باید برویم! نگاه کنید، این هم شاگرد خائن من!...»

### عیسی دستگیر می‌شود

(۲۲۴ / متی ۲۶:۴۷-۵۶ ؛ لوقا ۲۲:۴۷-۵۳ ؛ یوحنا ۱۸:۱-۱۱)

<sup>۴۳</sup> سخن عیسی هنوز به پایان نرسیده بود که یهودا، یکی از دوازده شاگرد عیسی، از راه رسید؛ عده‌ای بسیار با شمشیر و چوب و چماق او را همراهی می‌کردند.

۳۳:۱۴

متی ۱۰:۱۷

مر ۲:۹

لو ۲۸:۹

۳۵:۱۴

یو ۲۷:۱۲

عبر ۷:۵

۳۶:۱۴

متی ۲۲:۲۰

یو ۳۰:۵ و ۳۸:۵۶ و ۱۱:۱۸

روم ۱۵:۸

غلا ۶:۴

۳۸:۱۴

روم ۲۳:۷

غلا ۱۷:۵

۴۳:۱۴

متی ۲۶:۴۷-۵۶

لو ۲۲:۴۷-۵۳

یو ۱۸:۱-۱۱

چه قیمت تمام می‌شود؟ هر چیزی که ارزش بدست آوردن را دارد، بهایی دارد. بهتر است برای چیزی بها پردازید که در آخر ارزش آن را داشته باشد.  
**۴۱:۱۴** به هنگام فشارهای شدید، در معرض آزمایش و وسوسه قرار می‌گیریم، حتی اگر روحی راغب نیز داشته باشیم. عیسی به ما نمونه‌ای داد تا با پیروی از آن بتوانیم ایستادگی کنیم. این نمونه، شامل این قدمهاست: (۱) دعا کنیم (آیه ۳۵). (۲) از دوستان خود کمک بگیریم (آیات ۳۳ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۱). (۳) به هدفی که خدا برای ما تعیین کرده، بیندیشیم (آیه ۳۶).

**۴۳:۱۴-۴۳** گروهی متشکل از قراولان و نگهبانان خانه خدا و همچنین سربازان رومی (یوحنا ۱۸:۳) در اختیار یهودا قرار داده شد تا عیسی را دستگیر کرده، او را برای محاکمه، به محکمه مذهبی بیاورند. رهبران مذهبی اجازه دستگیری عیسی را صادر کرده بودند و یهودا نیز متهم‌کننده یا شاکی بود.

**۳۵:۱۴ و ۳۶** آیا عیسی داشت از وظیفه‌اش شانه خالی می‌کرد؟ او احساسات واقعی خود را ابراز می‌کرد، اما نمی‌خواست برخلاف اراده خدا عمل کند. او تأکید کرد که مایبست خواست خدا را انجام دهد. دعای او نمونه‌ای بود از رنجی که می‌بایست متحمل شود، رنجی سخت‌تر از مرگ، زیرا قرار بود گناهان تمام جهان را بر دوش بکشد. «جام» همان جدایی او از پدر بود که عیسی می‌دانست بر روی صلیب اتفاق خواهد افتاد (عبرانیان ۷:۵-۹). پسر بی‌گناه خدا، گناهان ما را بر خود گرفت و در آن لحظات از خدا جدا شد. همه اینها برای آن بود که ما نجات یابیم.  
**۳۶:۱۴-۳۸** عیسی به هنگام دعا می‌دانست که برای انجام اراده پدر چه بهایی باید پردازد. او آگاه بود که با چه رنجهایی مواجه خواهد شد و نمی‌خواست این تجربه وحشتناک را بگذراند. اما او دعا کرد و گفت: «خواست تو را می‌خواهم، نه میل خود را.» پیروی شما از خدا، به

آنان از طرف کاهنان اعظم و سران قوم یهود آمده بودند.<sup>۴۴</sup> یهودا به ایشان گفته بود: «هر که را بوسیدم، بدانید که او کسی است که باید بگیری. پس با احتیاط او را بگیری و ببری.»

۴۵:۱۴  
یو ۱۶:۲۰

<sup>۴۵</sup> پس به محض اینکه یهودا رسید، نزد عیسی رفت و گفت: «سلام استاد!» و دست در گردن او انداخت و صورت او را بوسید.<sup>۴۶</sup> آنان نیز عیسی را گرفتند و محکم بستند تا ببرند.<sup>۴۷</sup> ولی یک نفر شمشیر کشید و با غلام اعظم در گیر شد و گوش او را برید.

۴۷:۱۴  
یو ۱۰:۱۸

<sup>۴۸</sup> عیسی گفت: «مگر من دزد فراری هستم که اینطور سر تا پا مسلح برای گرفتن آمده‌اید؟<sup>۴۹</sup> چرا در خانه خدا مرا نگرفتید؟ من که هر روز آنجا بودم و تعلیم می‌دادم. ولی لازم است تمام اینها اتفاق بیفتد تا پیشگویی کلام خدا انجام شود.»<sup>۵۰</sup> در این گیرودار، شاگردان او را تنها گذاشتند و فرار کردند.<sup>۵۱</sup> یک جوانی نیز از پشت سرشان می‌آمد که فقط چادری بر خود انداخته بود. وقتی سعی کردند او را بگیرند، چادر را در دست آنها رها کرد و عریان پا فرار گذاشت.

۴۹:۱۴  
مز ۱۸-۶:۲۲  
اش ۹-۷:۵۳  
دان ۲۶:۹  
لو ۴۴:۲۴  
۵۰:۱۴  
مز ۸۵:۸  
یو ۳۲:۱۶

### قیافا از عیسی بازپرسی می‌کند

(متی ۲۶:۵۷-۶۸)

<sup>۵۳</sup> پس عیسی را به خانه کاهن اعظم بردند. بی‌درنگ، تمام کاهنان اعظم و سران قوم یهود در آنجا جمع شدند.<sup>۵۴</sup> پطرس نیز از دور بدنبالشان می‌آمد تا به خانه کاهن اعظم رسید. سپس آهسته از لای در، داخل حیاط خانه شد و میان غلامان، کنار آتش نشست.

۵۳:۱۴  
متی ۶۸-۵۷:۲۶  
لو ۷۱-۳۳ و ۵۴:۲۲  
یو ۱۲:۱۸-۱۴ و ۱۹-۲۴  
۵۴:۱۴  
متی ۳:۲۶  
یو ۱۸:۱۸  
۵۵:۱۴  
دان ۴:۶  
۱ پط ۱۶:۳

<sup>۵۵</sup> در داخل خانه، کاهنان اعظم و اعضاء شورای عالی یهود سعی می‌کردند علیه عیسی مدرکی بدست آورند تا حکم اعدامش را صادر کنند، ولی نتوانستند.

در عقاید مذهبی، نظیر ادعای پسر خدا بودن که طبق شریعت کفر بحساب می‌آمد، محاکمه می‌کردند. نتیجه محاکمه گویا مشخص بود، چون این رهبران مذهبی از قبل تصمیم گرفته بودند که عیسی را بکشند (لوقا ۲:۲۲).  
**۵۵:۱۴** سرزمین اسرائیل تحت سلطه رومیها بود، اما یهودیها اجازه داشتند امور مذهبی و مشکلات جزئی مدنی را فیصل دهند. هیأت حاکمه یهود که به شورای عالی یا سنهدرین معروف بود، از ۷۱ تن از رهبران مذهبی تشکیل می‌شد. این افراد، بعنوان رهبران دینی، می‌بایست درستکار و عادل باشند. اما ایشان در محاکمه عیسی نادرستی زیادی از خود نشان دادند، به حدی که علیه او متوسل به شهادت‌های دروغ شدند (آیه ۵۷).

**۴۷:۱۴** مطابق یوحنا ۱۰:۱۸، کسی که شمشیر کشید، پطرس بود. در لوقا ۵۱:۲۲ آمده که عیسی بلافاصله گوش آن مرد را شفا داد و از خونریزی بیشتر جلوگیری کرد.  
**۵۰:۱۴** درست چند ساعت پیش از آن، همین شاگردان قسم خورده بودند که هرگز عیسی را تنها نگذارند.  
**۵۲ و ۵۱:۱۴** طبق احادیث مسیحی، این جوان یا نوجوان، احتمالاً همان یوحنا مرقس، نویسنده این انجیل است. این ماجرا در سایر انجیل نقل نشده است.  
**۵۳:۱۴** محاکمه عیسی در شورای عالی یهود دو مرحله داشت. گروه کوچکی در شب گرد آمدند (یوحنا ۱۲:۱۸-۲۴) و بعد در سپیده دم، تمام اعضاء شورا جمع شدند (لوقا ۲۲:۶۶-۷۱). ایشان عیسی را بخاطر اخلاص

همه شاگردان را عیسی برگزید، حتی یهودا را. اگر یهودا به عیسی خیانت کرد، سایر شاگردان نیز او را رها کردند. همه ایشان در خصوص رسالت عیسی دچار اشتباهی دائمی بودند. ایشان انتظار داشتند که عیسی حرکت سیاسی صحیح را انجام دهد. از اینرو، وقتی او درباره مرگ خود سخن می‌گفت، خشم و ترس و ناامیدی، ایشان را فرا می‌گرفت. ما از انگیزه دقیق خیانت یهودا آگاه نیستیم. آنچه روشن است، اینست که یهودا به امیال خود اجازه داد تا او را در موقعیتی قرار دهد که شیطان بتواند از وجود او استفاده کند. احتمال دارد قصد او، مجبور کردن عیسی به یک اقدام باشد، یعنی قیام علیه روم و برقراری حکومتی جدید. قصد او هرچه بود، لحظه‌ای فرار رسید که متوجه شد آنچه اتفاق می‌افتد، مطابق نظر او نیست، اما دیگر دیر بود. چرخهای مشیت عالی الهی به حرکت در آمده بود. چقدر غم‌انگیز است که یهودا زندگی خود را در ناامیدی و پریشانی به پایان رساند و هدیه خدا یعنی نجات از طریق عیسی مسیح را تجربه نکرد. مردم احساسات گوناگونی نسبت به یهودا داشته‌اند. بعضی او را محکوم کرده‌اند و بعضی دیگر از او قهرمانی ساخته‌اند. با وجود این احساسات گوناگون، در مورد او حقایقی هست که باید در نظر داشت. او آگاهانه، پسر خدا را به سربازان رومی تسلیم کرد (لوقا ۲۲:۴۸). او دزد بود (یوحنا ۱۲:۶). عیسی می‌دانست که زندگی گناه‌آلود یهودا عوض نخواهد شد (یوحنا ۶:۷۰). خیانت یهودا به عیسی، جزء مشیت عالی الهی بود (مزمور ۴۱:۹؛ زکریا ۱۲:۱۱ و ۱۳:۱۳؛ متی ۲۰:۱۸ و ۲۰:۲۶-۲۵؛ اعمال ۱:۱۶ و ۲۰). عیسی می‌دانست که یهودا به او خیانت خواهد کرد. اما این به آن معنا نیست که یهودا باز یچه‌ای در دست خدا و اراده او بود. تصمیم را خود او گرفت. او از ابتدا رابطه‌ای با عیسی نداشت و او را شناخته بود. او «فرزند هلاکت» خوانده شده است (یوحنا ۱۷:۱۲)، چون هیچوقت نجات را نپسید. اما کار مثبتی که یهودا می‌تواند انجام دهد اینست که یکبار دیگر ما را وادارد در مورد اطاعتمان از خدا و حضور روح او در ما بیندیشیم. آیا ما شاگردان و پیروان واقعی هستیم یا فقط ادعای پوچ داریم؟ ما می‌توانیم یا پریشانی و مرگ را انتخاب کنیم، یا توبه و بخشش و امید و حیات جاوید را. خیانت یهودا عیسی را بسوی صلیب فرستاد تا برکاتی را که ذکر شد، برای ما مهیا سازد. آیا هدیه رایگان او را می‌پذیریم، یا مانند یهودا، به او خیانت می‌کنیم؟

#### نقاط قوت و موفقیت‌ها:

- \* او بعنوان یکی از دوازده شاگرد انتخاب شد و تنها غیرجلیلی در میان ایشان بود.
- \* صندوق پول نزد او بود و حساب هزینه‌های گروه را او نگاه می‌داشت.
- \* او می‌توانست شرارتی را که در خیانت به عیسی نهفته بود، تشخیص دهد.

#### نقاط ضعف و اشتباهات:

- \* او طمع کار بود (یوحنا ۱۲:۶)
- \* او به عیسی خیانت کرد.
- \* او بجای طلب بخشش، خودکشی کرد.

#### درس‌هایی از زندگی او:

- \* نقشه‌ها و انگیزه‌های ناپاک ما، به شیطان فرصت می‌دهد تا از ما برای مقاصد پلیدتر استفاده کند.
- \* نتایج گناه آنقدر مخرب است که حتی یک دروغ و یا یک اشتباه کوچک، می‌تواند عواقب جدی داشته باشد.
- \* نقشه و اهداف الهی، حتی در بدترین رویدادها نیز اجرا می‌شوند.

#### آمار حیاتی:

- \* زادگاه: احتمالاً شهر قریوت
- \* شغل: شاگرد عیسی
- \* نام پدر: شمعون
- \* معاصرین او: عیسی، پیلاتوس، هیروودیس، ۱۱ شاگرد عیسی.

#### آیه کلیدی:

«در همین زمان، شیطان وارد وجود یهودا اسخریوطی - یکی از دوازده شاگرد عیسی - شد. پس او نزد کاهنان اعظم و فرماندهان محافظین خانه خدا رفت تا با ایشان گفتگو کند که چگونه عیسی را بدستان تسلیم کند» (لوقا ۲۲:۳ و ۴).  
ماجرای یهودا در انجیل آمده است. در کتاب خدمات رسولان ۱:۱۸ و ۱۹ نیز به او اشاره شده است.

۵۶:۱۴

مز ۱۱:۳۵

امت ۱۶:۱۶-۱۹ و ۵:۱۹

۵۸:۱۴

مر ۲۹:۱۵ و ۳۰

یو ۱۹:۲

۶۱:۱۴

اش ۷:۵۳

اپتر ۲۳:۲

۶۲:۱۴

مز ۱:۱۱۰

دان ۱۳:۷

متی ۲۷:۱۶ و ۳۰:۲۴

مر ۳۸:۸ و ۲۶:۱۳

اعما ۱۱:۱

اتسا ۱۶:۴

۷:۱ اتسا ۲

مکا ۷:۱ و ۲۰:۲۲

۶۳:۱۴

لاو ۱۵:۲۴ و ۱۶

یو ۷:۱۹

اعما ۱۱:۶

۵۶ چند نفر نیز شهادت دروغ دادند ولی گفته‌هایشان با هم یکسان نبود. ۵۷ و ۵۸ سرانجام، بعضی برخاسته، بدروغ گفتند: «ما شنیدیم که می‌گفت من این خانه خدا را که با دست انسان ساخته شده است، خراب می‌کنم و بدون کمک دست انسان، در عرض سه روز، عبادتگاهی دیگر می‌سازم.»<sup>۵۹</sup> ولی این تهمت نیز بجایی نرسید.

۶۰ آنگاه کاهن اعظم در حضور شورای عالی برخاست و از عیسی پرسید: «به این اتهام جواب نمی‌دهی؟ چه داری در دفاع از خودت بگویی؟»

۶۱ عیسی هیچ جواب نداد. پس کاهن اعظم پرسید: «آیا تو مسیح، فرزند خدای متبارک هستی؟»

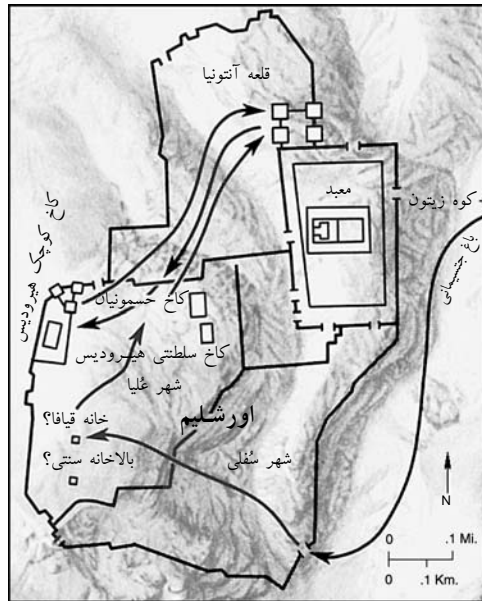
۶۲ عیسی گفت: «هستم، و یک روز مرا خواهید دید که در دست راست خدا نشسته‌ام و در ابرهای آسمان به زمین باز می‌گردم.»

۶۳ و ۶۴ کاهن اعظم لباس خود را پاره کرد و گفت: «دیگر چه می‌خواهید؟ هنوز هم شاهد لازم دارید؟ خودتان شنیدید که کفر گفت. چه رأی می‌دهید؟» پس به اتفاق آراء او را به مرگ محکوم کردند.

۵۸:۱۴ گفته‌ای که شاهدین دروغین در مورد آن به توافق رسیدند، در واقع تحریفی بود از سخن عیسی. او نگفته بود: «من خانه خدا را خراب خواهم کرد.» بلکه گفته بود: «این خانه خدا را خراب کنید تا من در عرض سه روز بار دیگر آن را بنا نمایم!» (یوحنا ۲:۱۹). عیسی درباره معبد هیروودیس سخن نمی‌گفت، بلکه درباره مرگ و قیام خودش.

۶۱:۱۴-۶۴ عیسی به اتهام اول پاسخی نداد زیرا گفته مدعیان بسیار مغشوش و اشتباه بود. پاسخ ندادن بهتر از تلاش برای روشن کردن اتهام ساختگی بود. اما اگر عیسی به سؤال دوم پاسخ نمی‌داد، شاید انکار رسالتش تلقی می‌شد. عیسی با جواب خود، تغییری را که در جایگاه و موقعیت افراد رخ خواهد داد، پیشگویی کرد. او گفت که بر دست راست خدا خواهد نشست، و این بدان معنی بود که روزی او باز خواهد گشت و در آن زمان، این اوست که ایشان را محاکمه خواهد کرد و این بار، ایشان هستند که باید به سؤالات او پاسخ دهند (مزمور ۱:۱۱۰ و مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۳).

۶۳:۱۴ و ۶۴ از میان همه مردم، این کاهن اعظم و سایر رهبران مذهبی بودند که می‌بایست ظهور مسیحی موعود را تشخیص بدهند، زیرا فقط ایشان کلام خدا را بطور کامل می‌دانستند. وظیفه آنان، هدایت مردم بسوی خدا بود، اما ایشان پیش از هر چیز، به فکر مقام و نفوذ خود بودند. در نظر آنها، موقعیت اینجنانی مهم‌تر از موقعیت ابدی بود.



#### محاکمه عیسی

پس از باغ جتسیمانی، عیسی را برای محاکمه، به خانه قیافا، کاهن اعظم، بردند. از آنجا او را نزد پیلاطوس، فرماندار رومی بردند. لوقا می‌نویسد که پیلاطوس او را نزد هیروودیس که در آن زمان در اورشلیم، در یکی از دو قصرش بسر می‌برد، فرستاد (لوقا ۵:۲۳-۱۲). هیروودیس او را به حضور پیلاطوس پس فرستاد. پیلاطوس نیز او را به اعدام با صلیب محکوم کرد.

۶۵ آنگاه به آزار و اذیت او پرداختند. بعضی بر صورتش آب دهان می‌انداختند. بعضی دیگر چشمانش را می‌بستند و به صورتش سیلی می‌زدند و با ریشخند می‌گفتند: «اگر پیغمبری، بگو چه کسی تو را زد؟» سربازان نیز او را می‌زدند.

۶۵:۱۴  
اش ۵:۵۰ و ۶:۵۳

### پطرس رابطه خود را با عیسی انکار می‌کند

(۲۲۷ / متی ۲۶:۶۹-۷۵؛ لوقا ۲۲:۵۴-۶۵؛ یوحنا ۱۸:۲۵-۲۷)

۶۶ و ۶۷ اما پطرس هنوز در حیاط بود. در آن حال، یکی از کنیزان کاهن اعظم او را دید که کنار آتش خود را گرم می‌کند؛ پس به او خیره شد و گفت: «مثل اینکه تو هم با عیسی ناصری بودی!»  
۶۸ پطرس انکار کرد و گفت: «از حرف‌هایت سر در نمی‌آورم!» و به گوشه دیگر حیاط رفت.

۶۶:۱۴  
متی ۲۶:۶۹-۷۵  
لو ۲۲:۵۵-۶۲  
یو ۱۸:۱۵-۱۸ و ۲۷-۲۷

همانوقت خروس بانگ زد.

۶۹ آن کنیز دوباره پطرس را دید و به دیگران گفت: «او را می‌بینید؟ او هم یکی از شاگردان عیسی است!»  
۷۰ باز پطرس انکار کرد.

۷۰:۱۴  
اعما ۷:۲

کمی بعد، دیگران که دور آتش بودند، به او گفتند: «تو باید یکی از شاگردان عیسی باشی، چون لهجات جلیلی است!»  
۷۱ پطرس لعنت کرد و قسم خورد که من او را نمی‌شناسم.

۷۱:۱۴  
امت ۲۵:۲۹  
اقرن ۱۲:۱۰  
۷۲:۱۴  
اقرن ۱۰:۷

۷۲ بار دوم خروس بانگ زد و پطرس گفته عیسی را به یاد آورد که فرموده بود: «پیش از اینکه خروس دوبار بخواند، تو سه بار خواهی گفت که مرا نمی‌شناسی.» پس به گریه افتاد.

۷۱:۱۴ بسیار راحت می‌توان شورای عالی یهود را بخاطر بی‌عدالتی در محاکمه عیسی، سرزنش کرد. اما نباید از یاد برد که پطرس و سایر شاگردان نیز با ترک عیسی، به درد و رنج او افزودند (آیه ۵۰). ممکن است بسیاری از ما شبیه رهبران یهود نباشیم، اما همه ما شبیه شاگردان هستیم، زیرا همه ما حاکمیت مسیح را بر قسمتهای مهم زندگی مان رد کرده‌ایم و به این سبب مجرمیم. ممکن است افتخار کنیم که برخی گناهان را مرتکب نشده‌ایم، اما همه ما گناهکاریم. بیهوده به دیگرانی که گناهانشان ظاهراً بدتر از گناهان شماست، اشاره نکنید.

۶۷ و ۶۶:۱۴ خانه قیافا که عیسی در آن محاکمه می‌شد (آیه ۵۳)، قسمتی از یک کاخ عظیم بود که چندین حیاط داشت. ظاهراً یوحنا با کاهن اعظم و عده‌ای از خدمتکاران او آشنا بود و توانست با پطرس وارد حیاط کاخ شود (یوحنا ۱۸:۱۵ و ۱۶).

۷۱:۱۴ لعنت و قسم پطرس بسیار قوی‌تر از قسم عادی بود. او به شدیدترین وجه ممکن، رابطه خود را با عیسی انکار می‌کرد و قسم می‌خورد که او را نمی‌شناسد. در واقع حرف او به این معنا بود: «اگر دروغ بگویم، خدا مرا بکشد.»

## شورای رهبران یهود، عیسی را محکوم می کند

(۲۲۸ / متی ۲۷:۱۰؛ لوقا ۲۲:۶۶-۷۱)

۱:۱۵  
یو ۲۸:۱۸-۴۰  
اعما ۲۷:۴

صبح زود، کاهنان اعظم، ریش سفیدان قوم و روحانیان یهود، یعنی تمام اعضای شورای عالی، پس از مشورت و تصمیم گیری، عیسی را دست بسته، نزد پیلاطوس فرماندار رومی بردند.

۱۵

## پیلاطوس عیسی را محاکمه می کند

(۲۳۰ / متی ۲۷:۱۱-۱۴؛ لوقا ۲۳:۱-۵؛ یوحنا ۱۸:۲۸-۳۸)

۲:۱۵  
اتیمو ۱۳:۶

پیلاطوس از عیسی پرسید: «تو پادشاه یهود هستی؟»  
عیسی جواب داد: «بلی، چنین است که می گویی.»  
آنگاه کاهنان اعظم، اتهامات متعددی بر عیسی وارد کردند. پیلاطوس از او پرسید: «چرا چیزی نمی گویی؟ این چه تهمت هایی است که به تو می زنند؟»  
ولی عیسی چیزی نگفت بطوری که پیلاطوس تعجب کرد.

## پیلاطوس حکم مصلوب شدن عیسی را صادر می کند

(۲۳۲ / متی ۲۷:۱۵-۲۶؛ لوقا ۲۳:۱۳-۲۵؛ یوحنا ۱۸:۳۹ تا ۱۹:۱۶)

۵:۱۵  
اش ۷:۵۳  
یو ۱۹:۹  
۱ پتر ۲:۲۳

پیلاطوس عادت داشت هر سال در عید پَسَح، یک زندانی یهودی را آزاد کند، هر زندانی که مردم می خواستند.<sup>۷</sup> یکی از زندانیان آن سال باراباس بود که با

۵:۱۵ چرا عیسی به سؤالات پیلاطوس جواب نمی داد؟ پاسخ به این سؤالات کاری بی فایده بود و در ضمن، وقت آن رسیده بود که او جان خود را برای نجات جهان فدا کند. او دلیلی نمی دید که محاکمه را طولانی کند و یا جان خود را نجات دهد. محاکمه او عالی ترین نمونه اعتماد به نفس و آرامش بود، و هیچ محکوم دیگری نمی توانست چنین کند. هیچ چیز نمی توانست مانع تحقق کاری شود که او برای انجامش به جهان آمده بود (اشعیا ۷:۵۳).

۷:۱۵ باراباس بعثت شورش علیه حکومت روم بازداشت شده بود. او با اینکه عده ای را در این ماجرا به قتل رسانده بود، اما در نظر یهودیان یک قهرمان بود. یهودیان شدیداً استقلال طلب بودند و به هیچ وجه نمی خواستند زیر سلطه رومیها باشند. آنان نفرت داشتند که با پرداخت مالیات و خراج، از این حکومت منفور و از بتهاش حمایت کنند. از طرف دیگر، مقامات رومی نیز که مسؤول حل و فصل مسائل یهودیان بودند، از ایشان نفرت داشتند. به همین علت، این دوره از تاریخ یهود، مستعد برای شورش بود.

۱:۱۵ چرا یهودیان عیسی را نزد پیلاطوس، فرماندار رومی فرستادند؟ رومیها به یهودیان اجازه اعمال مجازاتهای مهم را نمی دادند. به همین دلیل، برای اعدام عیسی، حکم یک مقام رومی ضروری بود. مهم تر از آن، رهبران یهود می خواستند که عیسی بر روی صلیب اعدام شود، زیرا یهودیان معتقد بودند که مرگ بر روی دار، لعنت خدا را در بر دارد (تثنیه ۲۱:۲۳). آنان می کشیدند مردم را متقاعد سازند که عیسی مورد لعنت خداست، نه مورد برکت و تفضل او.  
۴:۱۵ سران یهود وقتی عیسی را نزد پیلاطوس آوردند، می بایست علیه او اتهامات جدیدی اختراع کنند. از آنجا که اتهام کفرگویی برای فرماندار رومی بی معنی بود، ایشان عیسی را متهم به سه جرم دیگر کردند: نخست آنکه ادعا کردند عیسی مردم را تحریک کرده که به دولت روم مالیات و خراج نپردازند. دوم، می گفتند که ادعا کرده که «پادشاه یهود» است. سوم، مدعی شدند که او مردم را در تمام نقاط، تشویق به شورش کرده است. اتهاماتی نظیر فرار از پرداخت مالیات، خیانت و تروریزم، مواردی بود که می توانست مورد توجه پیلاطوس واقع شود.

یاغیان دیگر در شورش شهر، آدم کشته بود.<sup>۸</sup> از اینرو، عده‌ای از جمعیت نزد پیلاطوس رفته، خواهش کردند مانند هر سال یک زندانی را آزاد سازد.

<sup>۹</sup> پیلاطوس پرسید: «آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برایتان آزاد کنم؟»<sup>۱۰</sup> زیرا او می‌دانست تمام این تحریکات زیر سر کاهنان اعظم است که به محبوبیت عیسی حسادت می‌ورزیدند.

<sup>۱۱</sup> ولی کاهنان اعظم مردم را تحریک کردند تا به عوض عیسی، آزادی باراباس را بخواهند.

<sup>۱۲</sup> پیلاطوس پرسید: «ولی اگر باراباس را آزاد کنم، با این شخص که می‌گویید پادشاهتان است، چه کنم؟»

<sup>۱۳</sup> فریاد زدند: «اعدامش کن!»

۹:۱۵

مز ۲:۶

ار ۲۳:۵۶

میکا ۵:۲

لو ۱:۳۱-۳۳

اعما ۳:۱۳ و ۱۴

همه ما مرتکب گناه شده‌ایم و از احکام خدا سرپیچی کرده‌ایم. به این علت، از خالق خود خدا دور شده‌ایم. جدایی و دوری از خدا، همان مرگ ابدی است. ما به تنهایی به هیچ وجه قادر نیستیم بسوی خدا بازگردیم. عیسی فقط یک انسان نبود. او پسر یگانه خدا بود. از آنجا که عیسی هیچگاه از فرمان خدا سرپیچی نکرد و هرگز مرتکب گناه نشد، می‌تواند همچون پلی باشد میان خدای مقدس و انسان گناهکار.

عیسی داوطلبانه جان خود را در راه ما فدا کرد و بر صلیب بجای ما مرد. او همه گناهان و خطایای ما را بر خود گرفت و ما را از عواقب گناه یعنی محکومیت و مرگ ابدی نجات داد.

عیسی گناهان گذشته و حال و آینده ما را بر خود گرفت تا ما بتوانیم زندگی جدیدی بیابیم. از آنجا که همه گناهان ما بخشیده شده، با خدا مصالحه یافته‌ایم. بعلاوه، قیام عیسی پس از مرگ، دلیلی است بر آنکه قربانی نیابتی او بر صلیب مورد پذیرش خدا قرار گرفته، و قیام او سرچشمه زندگی جدید شده برای همه آنانی که ایمان می‌آورند که عیسی پسر خداست. همه کسانی که به او ایمان می‌آورند، می‌توانند این زندگی جدید را دریافت کنند و در اتحاد با او زندگی نمایند.

## مشکل

## چرا عیسی می‌بایست بمیرد؟

چرا عیسی می‌تواند به ما کمک کند؟

راه حل

نتایج

می‌دانست تمام این تحریکات زیر سر کاهنان اعظم است که به محبوبیت عیسی حسادت می‌ورزیدند. از او خواستند تا نسبت به ایشان لطف کرده، حکم اعدام عیسی را بر روی صلیب صادر کند. برای پیلاطوس کاملاً روشن بود که این یک دسیسه است، در غیر اینصورت چه ضرورتی داشت کسانی که از او و از حکومت متبوع او نفرت داشتند، خواهان صدور حکم خیانت سیاسی و اعدام یکی از همکیشان خود گردند؟

**۱۳:۱۵** اعدام بوسیله صلیب، مجازاتی بود که رومیها برای شورشیها اعمال می‌کردند. فقط برده‌ها و غیر رومیها

**۸:۱۵** این جمعیت به احتمال قوی، یهودیان وفادار به رهبران مذهبی بودند. اما کجا بودند شاگردان و جماعتی که چند روز پیش از آن فریاد زده بودند: «خوش آمدی ای پادشاه» (۹:۱۱)؟ هواداران عیسی از سران مذهبی ترسیده و خود را پنهان کرده بودند. شاید هم عده‌ای از آنانی که در روز یکشنبه نخل حضور داشتند، در میان این جمعیت نیز به چشم می‌خوردند، اما وقتی دیدند که عیسی قصد ندارد فرمانروایی دنیوی باشد، با او مخالف شده بودند.

**۱۰:۱۵** یهودیان با اینکه از پیلاطوس نفرت داشتند، اما



۱۴ پیلاتوس گفت: «چرا، مگر چه بدی کرده است؟»  
مردم صدایشان را بلند کرده، فریاد زدند: «اعدامش کن!»

۱۵:۱۵  
امت ۲۵:۲۹

۱۵ پیلاتوس که از شورش مردم وحشت داشت، و در ضمن می‌خواست ایشان را راضی نگاه دارد، باراباس را برای ایشان آزاد کرد و دستور داد عیسی را پس از شلاق زدن ببرند و بر صلیب اعدام کنند.

### سربازان رومی عیسی را مسخره می‌کنند

(۲۳۳ / متی ۲۷:۲۷-۳۱)

۱۶:۱۵  
متی ۲۷:۲۷-۳۱  
یو ۱:۱۹-۱۶

۱۶ و ۱۷ پس سربازان رومی عیسی را به حیاط کاخ فرمانداری بردند و تمام سربازان کاخ را جمع کردند. سپس ردایی ارغوانی به او پوشاندند و تاجی از خار ساخته، بر سر او گذاشتند. <sup>۱۸</sup> آنها در مقابل او تعظیم کرده، می‌گفتند: «زنده باد پادشاه یهودا!» <sup>۱۹</sup> سپس با چوب بر سرش می‌کوفتند و بر او آب دهان می‌انداختند و جلو او زانو زده، با ریشخند او را سجده می‌کردند. <sup>۲۰</sup> وقتی از کار خود خسته شدند، ردا را از تنش در آوردند و لباس خودش را به او پوشاندند و او را بردند تا اعدام کنند.

**۱۵:۱۵** عیسی طبق قوانین رومی بی‌گناه بود. اما پیلاتوس تحت فشارهای سیاسی قرار داشت. او توجهی نداشت که تصمیم درست کدام است. او می‌خواست تصمیم خود را با نظر رهبران یهود منطبق سازد و راهی انتخاب کند که مورد پسند همه باشد و به خود او نیز ضرری نرساند. وقتی انسان حکم روشن خدا را درباره درست و نادرست نادیده بگیرد و تصمیم خود را براساس نظر اطرافیان اتخاذ کند، در ورطه سازشکاری و بی‌قانونی سقوط خواهد کرد. خدا وعده داده است که آنانی را که راه درست را انتخاب می‌کنند، عزت بخشد، نه آنانی را که رضایت همه را جلب می‌کنند.

**۱۵:۱۵** چه کسی مسبب مرگ عیسی بود؟ واقعیت اینست که در این ماجرا همه مقصر بودند. شاگردان وحشت‌زده، او را تنها گذاشتند. پطرس رابطه خود را با او انکار کرد. یهودا به او خیانت کرد. جماعتی که او را پیروی کرده بودند، در گوشه‌ای ایستادند و کاری نکردند. پیلاتوس سعی کرد تقصیر را به گردن مردم بیندازد. رهبران مذهبی فعالانه در جهت اعدام عیسی گام برمی‌داشتند. سربازان رومی او را شکنجه دادند. اگر شما آنجا بودید و این محاکمات را نگاه می‌کردید، چه واکنشی نشان می‌دادید؟

مصلوب می‌شدند. اعدام عیسی توسط صلیب، نشان می‌داد که او یک برده و یک شورشی است، و نه یک پادشاه، یعنی آن چیزی که خود ادعا می‌کرد. این درست همان چیزی بود که سران مذهبی یهودی می‌خواستند و به همین منظور، جماعت را تحریک می‌کردند. بعلاوه، روش مصلوب کردن، این تصور را ایجاد می‌کرد که مسؤل قتل عیسی، رومیها هستند، و به این ترتیب، سران مذهبی در مقابل مردم از مسؤلیت مبرا می‌بودند.

**۱۵:۱۵** سرزمین یهودیه که تحت فرمانداری پیلاتوس بود، نقطه‌ای خشک و دورافتاده در امپراطوری روم بود. بعلت دوری این ایالت از پایتخت روم، ارتش کوچکی در اختیار پیلاتوس قرار داده شده بود. نخستین وظیفه پیلاتوس حفظ نظم و آرامش بود. بر اساس مدارک تاریخی، می‌دانیم که پیلاتوس از خطر بروز شورش در منطقه آگاه بود. گرچه او جرمی در عیسی نیافته بود و دلیلی برای اعدام او نمی‌دید، اما وقتی یهودیان او را تهدید کردند که به امپراطور گزارش دهند، دچار تردید و تزلزل گردید (یوحنا ۱۹:۱۲). چنین گزارشی، اگر با وقوع شورش نیز همزمان می‌شد، می‌توانست به قیمت بر باد رفتن موقعیت و پیشرفتهای آتی او تمام شود.

در روزگار عیسی، همه احکام اعدام می‌بایست به تأیید بالاترین مقام رومی منطقه برسد. این مقام، در منطقه‌ای که اورشلیم در آن واقع شده بود، پنطیوس پیلاطوس بود. رهبران یهود عیسی را در چنگ داشتند و می‌خواستند او را به قتل برسانند. آخرین مانع ایشان، گرفتن اجازه پیلاطوس بود. به همین دلیل، آن روز، صبح زود، پیلاطوس با جماعتی روبرو شد که خواستار مرگ یک انسان بودند.

رابطه پیلاطوس با یهودیان همواره متلاطم بود. وقاحت، سازشکاری و اشتباهات او، باعث خدشه‌دار شدن استواری و صداقت رومی او شده بود. اقدامات او بارها رهبران مذهبی را عمیقاً جریحه‌دار ساخته بود. شورشها و بی‌نظمیهای ناشی از این ناراضی، موجب تعجب و سردرگمی پیلاطوس شده بود. او می‌کوشید مردمی را که احترامی برای فاتحین خود قائل نبودند، تحت کنترل درآورد. محاکمه عیسی، ماجرای دیگری در مشکلات روزافزون او بود.

برای پیلاطوس جای شک نبود که عیسی بی‌گناه است. او سه بار، در دفعات مختلف، عیسی را بی‌گناه اعلام کرد. او نمی‌توانست بفهمد که چرا مردم خواستار مرگ عیسی هستند. اما او از صدمه‌ای که یهودیان می‌توانستند به او برسانند، می‌ترسید و همین ترس، بر تصمیم او اثر گذاشت و اجازه مصلوب شدن عیسی را صادر کرد. یهودیان تهدید کرده بودند که به امپراتور گزارش خواهند داد که پیلاطوس یک شورشی علیه روم را زنده نگاه داشته است. به این دلیل، او برخلاف آنچه که می‌دانست درست است، عمل کرد. او ناامیدانه، راه مخالف را انتخاب کرد.

ما نیز همان ضعفهای انسانی پیلاطوس را داریم. بارها، با اینکه راه درست را می‌دانستیم، راه نادرست را برگزیده‌ایم. پیلاطوس در آن زمان فرصتی برای انتخاب داشت. ما نیز اکنون این فرصت را داریم. ما با فرصت‌ها و مسؤولیت‌هایی که داشته‌ایم، چه کرده‌ایم؟ ما چه رأیی درباره عیسی داده‌ایم؟

### نقاط قوت و موفقیت‌ها:

\* فرماندار رومی یهودیه

### نقاط ضعف و اشتباهات:

\* او نتوانست بر ملتی که از نظر نظامی مغلوب شده بودند، ولی هرگز تحت سلطه روم در نیامده بودند، حکمرانی کند.

\* مبارزات و کشمکشهای دائمی او در صحنه سیاست، باعث بی‌توجهی و سازشکاری و قیحانه او شده بود و او را تحت تأثیر فشارهای گوناگون قرار داده بود.

\* گرچه می‌دانست عیسی بی‌گناه است، اما تسلیم خواسته مردم برای اعدام او شد.

### درس‌هایی از زندگی او:

\* وقتی فشارهای سیاسی بر راستی پیشی می‌گیرد، اشتباهات بزرگی ممکن است رخ دهد.

\* مقاومت در برابر راستی، باعث بی‌هدفی و گمراهی شخص می‌گردد.

### آمار حیاتی:

\* محل: یهودیه

\* شغل: فرماندار رومی یهودیه

\* وابستگی: همسر، بدون ذکر نام

\* معاصرین: عیسی، قیافا، هیرودیس

### آیه کلیدی:

«پیلاطوس گفت: "حقیقت چیست؟" سپس بیرون رفت و به مردم گفت: "او هیچ جرمی مرتکب نشده است؛ و رسم اینست که در هر «عید پسخ» یک زندانی را برای شما آزاد کنم. اگر بخواهید، حاضرم «پادشاه یهود» را آزاد کنم» (یوحنا ۱۸:۳۸ و ۳۹).

در انجیل به پیلاطوس اشاره شده است. در آیات ذیل نیز به نام او برمی‌خوریم: اعمال ۱۳:۳ و ۲۷:۴ و ۲۸:۱۳ و ۱ تیموتائوس ۶:۱۳.

## عیسی را می‌برند تا مصلوب کنند

(۲۳۴ / متی ۲۷:۳۲-۳۴ ؛ لوقا ۲۳:۲۶-۳۱ ؛ یوحنا ۱۹:۱۷)

۲۱:۱۵  
روم ۱۳:۱۶

۲۱ در راه به کسی برخوردند که از ده می‌آمد. نام او شمعون اهل قیروان و پدر اسکندر و روفس بود. سربازان او را وادار کردند صلیب عیسی را به دوش بگیرد و ببرد.

۲۳:۱۵  
مز ۲۱:۵۹

۲۲ سربازان عیسی را به محلی بردند به نام جُل جُتتا یعنی «جمع‌همه سر». ۲۳ ایشان به او شرابی مخلوط با سبزیجات تلخ دادند تا بنوشد و درد را احساس نکند، اما او نپذیرفت. ۲۴ آنگاه او را بر صلیب میخکوب کردند و بر سر تقسیم لباس‌های او قرعه انداختند.

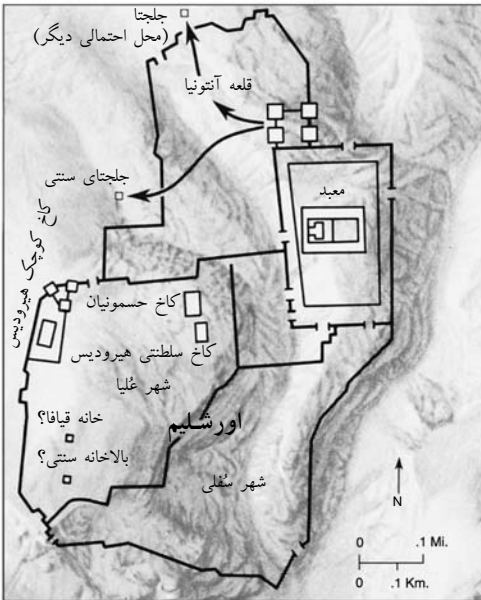
۲۴:۱۵  
مز ۱۸:۲۲

## عیسی مصلوب می‌شود

(۲۳۵ / متی ۲۷:۳۵-۴۴ ؛ لوقا ۲۳:۳۲-۴۳ ؛ یوحنا ۱۹:۱۸-۲۷)

۲۵:۱۵  
یو ۱۴:۱۹  
۲۶:۱۵  
مز ۶:۲  
ار ۵:۲۳  
لو ۳۳-۳۱:۱

۲۵ تقریباً سه ساعت به ظهر مانده بود که او را مصلوب کردند. ۲۶ تقصیرنامه‌ی او را بر صلیب نصب کردند که روی آن نوشته شده بود: «پادشاه یهود.»



۲۱:۱۵ عده‌ای از یهودیان بصورت گروهی، خارج از یهودیه زندگی می‌کردند. شمعون از قیروان واقع در شمال آفریقا آمده بود. او برای زیارت و شرکت در عید پسخ به اورشلیم آمده بود. در این آیه، از پسران او، اسکندر و روفس، نام برده شده است، زیرا ایشان بعدها در کلیسا افرادی شناخته شده گردیدند (رومیان ۱۳:۱۶).

۲۴:۱۵ سربازان قرعه کشیدند تا ببینند لباس‌های عیسی به که می‌رسد. سربازان رومی حق داشتند لباس و جامه‌های افراد مصلوب شده را برای خود بردارند. این عمل، پیشگویی مزمور ۱۸:۲۲ را تحقق بخشید.

۲۵:۱۵ مصلوب شدن، مجازاتی هراس‌انگیز و شرم‌آور بود. شخص محکوم مجبور بود صلیب را از طولانی‌ترین مسیر بسوی محل اعدام ببرد تا برای دیگران درس عبرتی باشد. صلیب اشکال مختلف داشت. مصلوب کردن نیز به روش‌های گوناگون انجام می‌شد. مثلاً عیسی به صلیب میخکوب شد. گاه نیز محکومین را با طناب به صلیب می‌بستند. اما در هر صورت، مرگ به علت خفگی رخ می‌داد، چونکه همراه با از دست رفتن نیرو، سنگینی بدن تنفس را به تدریج مشکل و مشکل‌تر می‌ساخت.

۲۶:۱۵ معمولاً بر روی صلیب نوشته‌ای قرار می‌دادند که جرم محکوم را مشخص می‌کرد و به مردم نیز هشدار و درس عبرت می‌داد. از آنجا که جرمی برای عیسی پیدانشد، تنها اتهامی که بر صلیب او نصب کردند، این جرم بود: «پادشاه یهود.»

## مسیر حرکت بطرف جُل جُتتا

پس از آنکه پیلاتوس حکم اعدام عیسی را صادر کرد، او را از دارالخلافه به نقطه‌ای خارج از شهر، به نام جل‌جتتا بردند و در آنجا مصلوب کردند.

۲۷ دو دزد را نیز در همان وقت در دو طرف او به صلیب کشیدند. <sup>۲۸</sup> به این ترتیب، پیشگویی کتاب آسمانی به انجام رسید که می‌فرماید: «او جزو بدکاران محسوب خواهد شد.»

۲۹ و <sup>۳۰</sup> کسانی که از آنجا رد می‌شدند، او را دشنام می‌دادند و سر خود را تکان داده، با تمسخر می‌گفتند: «تو که می‌خواستی خانه خدا را خراب کنی و در عرض سه روز باز بسازی، چرا خودت را نجات نمی‌دهی و از صلیب پایین نمی‌آیی؟»

۳۱ کاهنان اعظم و رهبران دینی نیز که در آنجا حضور داشتند، مسخره‌کنان می‌گفتند: «دیگران را خوب نجات می‌داد، اما نمی‌تواند خودش را نجات دهد!» <sup>۳۲</sup> ای مسیح، پادشاه اسرائیل، از صلیب پایین بیا تا ما هم به تو ایمان بیاوریم! حتی آن دو دزد نیز در حال مرگ، او را ناسزا می‌گفتند.

۲۸:۱۵  
لو ۳۷:۲۲

۳۰-۲۹:۱۵  
مز ۷:۲۲  
مر ۵۸:۱۴  
یو ۱۹:۲  
اعما ۱۴:۶

۳۲:۱۵  
عبر ۲:۱۲ و ۳

### عیسی بر صلیب جان می‌دهد

(۲۳۶ / متی ۲۷:۴۵-۵۶ ؛ لوقا ۲۳:۴۴-۴۹ ؛ یوحنا ۱۹:۲۸-۳۷)

۳۳ به هنگام ظهر، تاریکی همه جا را فراگرفت و تا ساعت سه بعد از ظهر ادامه یافت.

۳۴ در این وقت، عیسی با صدای بلند فریاد زد: «ایلوئی، ایلوئی، کما سَتِقتنی؟» یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا تنها گذارده‌ای؟» <sup>۳۵</sup> بعضی از حاضرین

۳۳:۱۵  
متی ۲۷:۴۵-۵۶  
لو ۲۳:۴۴-۴۹  
یو ۱۹:۲۸-۳۰  
۳۴:۱۵  
مز ۱:۲۲

بودند. این نشان می‌دهد که مرگ عیسی برای همه انسانهاست. همانطور که عیسی به شاگردان قدرت طلب خود توضیح داد، هر که می‌خواهد به عیسی نزدیکتر باشد، باید حاضر باشد مانند او رنج بکشد و بمیرد. راه رسیدن به ملکوت، راه صلیب است. اگر خواستار شکوه ملکوت هستیم، باید با مسیح مصلوب متحد شویم. **۳۲:۱۵** در انجیل لوقا آمده که یکی از این دو دزد، پیش از مرگ توبه کرد و عیسی به او وعده داد که او را با خود به فردوس خواهد برد (لوقا ۲۳:۳۹-۴۳).

**۳۴:۱۵** عیسی این سؤال را از روی تعجب و ناامیدی نکرد. او داشت اولین آیه مزمور ۲۲ را نقل قول می‌کرد. تمام این مزمور، پیشگویی است که رنج عمیق مرگ مسیحا را برای گناهان جهان بیان می‌کند. عیسی می‌دانست که آن هنگام که بار گناهان جهان را بردوش بکشد، این جدایی موقتی از خدا پیش خواهد آمد. این جدایی همان چیزی بود که عیسی را به هنگام دعا در باغ جتسیمانی به اضطراب انداخت. رنج بدنی او بسیار وحشتناک بود. اما رنج و عذاب اصلی، همان جدایی روحی از خدا بود.

**۳۱:۱۵** عیسی می‌توانست خود را راهایی دهد، اما این رنج را بخاطر محبتش به ما تحمل کرد. او می‌توانست این درد و تحقیر را انتخاب نکند. او می‌توانست کسانی را که مسخره‌اش می‌کردند، هلاک سازد. اما او همه اینها را تحمل کرد چونکه حتی دشمنانش را نیز دوست می‌داشت. ما نیز در صحنه نمایش آن روز حضور داشتیم، زیرا گناهان ما بر آن صلیب قرار داشت. عیسی بخاطر ما بر آن صلیب جان داد. مرگ او تاوان گناهان ما را پرداخت. بهترین واکنشی که می‌توانیم نشان بدهیم، اینست که گناهانمان را اعتراف کنیم و با تمام وجود بپذیریم که او تاوان گناهان ما را پرداخت تا ما مجبور نباشیم آن را خودمان بپردازیم. پس، با بی‌تفاوتی در مقابل این محبت واقعی در تمام طول تاریخ، به خدا توهین نکنیم. **۳۲:۱۵** یک بار، یعقوب و یوحنا از عیسی خواستند تا مقام مهمی در ملکوت و فرمانروایی او نصیب ایشان گردد. او به آنان فرمود که نمی‌دانند چه می‌خواهند (۳۹-۳۵:۱۰). اکنون که عیسی با مرگ خود، داشت ملکوت خود را افتتاح می‌کرد، مقامهای مهم در دست راست و چپ او را مجرمین در حال مرگ اشغال کرده

۳۶:۱۵  
مز ۲۱:۶۹

گمان بردند که الیاس نبی را صدا می‌زند. <sup>۳۶</sup> پس شخصی دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرد و بر سر چوبی گذاشت و نزدیک دهان او برد و گفت: «بگذار ببینیم الیاس می‌آید کمکش کند!»

<sup>۳۷</sup> آنگاه عیسی فریاد دیگری برآورد و جان سپرد.

<sup>۳۸</sup> در این هنگام، پرده‌خانه خدا از سر تا پا شکافت.

<sup>۳۹</sup> وقتی افسر رومی در پای صلیب، دید که عیسی چگونه جان سپرد، گفت: «واقعاً این مرد فرزند خدا بود!»

۳۸:۱۵  
خرو ۳۳-۳۱:۲۶  
افس ۱۴:۲  
عبر ۱۹:۶ و ۱۹:۱۰ و ۲۰

<sup>۴۰</sup> چند زن نیز آنجا بودند که از دور این وقایع را می‌دیدند. در میان ایشان مریم مجدلیه، مریم (مادر یعقوب کوچک و یوشا) و سالومه بودند. <sup>۴۱</sup> این زنان با زنان دیگر جلیلی، به عیسی ایمان داشتند و در جلیل او را خدمت می‌کردند و بتازگی با او به اورشلیم آمده بودند.

۴۰:۱۵  
مز ۱۱:۳۸  
لو ۲۸

### جسد عیسی را در قبر می‌گذرانند

(۲۳/۲۷ متی / ۵۷:۲۷-۶۱؛ لوقا ۲۳:۵۰-۵۶؛ یوحنا ۱۹:۳۸-۴۲)

<sup>۴۲</sup> آن روز جمعه بود و مردم خود را برای شنبه یعنی روز استراحت، آماده می‌کردند. نزدیک غروب شخصی به نام یوسف، اهل رامه، که یکی از اعضای محترم شورای عالی یهود و با اشتیاق در انتظار فرا رسیدن ملکوت خدا بود، با جرأت نزد پیلاتوس رفت و جنازه عیسی را خواست.

۴۳ و ۴۲:۱۵  
تث ۲۳ و ۲۲:۲۱  
متی ۵۷:۲۷-۶۱  
لو ۲۵:۲ و ۵۰:۲۳  
یو ۳۸:۱۹-۴۲

یوسف آمد تا جسد عیسی را پیش از آغاز سبت دفن کند. اگر عیسی روز شنبه می‌مرد، یوسف هم بسراغ او نمی‌آمد و جسد عیسی را رومیها از صلیب پایین می‌آوردند. و اگر رومیها جسد عیسی را برمی‌داشتند، هیچ یهودی نمی‌توانست از مرگ او اطمینان حاصل کند و در نتیجه، در خصوص قیام او نیز شک و تردید پیش می‌آمد. <sup>۴۳ و ۴۲:۱۵</sup> پس از مرگ عیسی بر صلیب، یوسف رامه‌ای جسد او را درخواست کرد و آن را در قبری جدید قرار داد. یوسف یکی از اعضای محترم شورای عالی یهود بود، اما در خفا عیسی را پیروی می‌کرد. نباید فراموش کرد که همه رهبران مذهبی با عیسی دشمن نبودند. یوسف آبرو و حیثیت خود را بعنوان یک رهبر مذهبی به خطر انداخت تا بتواند مراسم تدفین شایسته‌ای برای پیشوای خود برگزار نماید. کار ساده‌ای نیست که انسان شهرت و حیثیت خود را حتی برای امری راست به مخاطره بیندازد. اگر فکر می‌کنید مسیحی بودن شما، آبرو و حیثیتتان را تهدید می‌کند، به یوسف ببینید. امروز، او در کلیسای مسیح بخوبی شناخته شده است. آیا می‌توانید اعضای دیگر شورای عالی یهود را نام ببرید؟

<sup>۳۷:۱۵</sup> این فریاد بلند عیسی، احتمالاً همان کلمات آخر او هستند یعنی: «تمام شد» (یوحنا ۱۹:۳۰).

<sup>۳۸:۱۵</sup> در خانه خدا قسمتی وجود داشت به نام «مقدس‌ترین جایگاه» که با پرده‌ای ضخیم از قسمت دیگر جدا می‌شد. این محل را خدا برای خود محفوظ نگاه داشته بود. این پرده به این معنا بود که خدای مقدس از انسان گناهکار جداست. فقط کاهن اعظم اجازه داشت که سالی یک بار در روز کفاره، وارد این جایگاه شود و قربانی برای بخشایش گناهان قوم اسرائیل را به آنجا ببرد. وقتی عیسی مرد، این پرده شکافت. این امر نشان می‌داد که مرگ عیسی در راه گناهان ما، راه ما را برای نزدیک شدن به خدای مقدس باز کرده است. برای آگاهی بیشتر از این موضوع، می‌توانید فصل ۹ نامه به مسیحیان یهودی‌نژاد را بخوانید.

<sup>۴۳ و ۴۲:۱۵</sup> روز سبت یا شنبه و تعطیل مقدس یهودیان، از غروب روز جمعه شروع و در غروب روز شنبه خاتمه می‌یافت. انجام کار بدنی یا سفر در روز شنبه، برخلاف احکام یهود بود. همچنین برطبق شریعت، جسد مرده نمی‌بایست در طول شب بر دار بماند (تثنیه ۲۱:۲۳).

<sup>۴۴</sup> پیلاطوس که باور نمی کرد عیسی به این زودی فوت کرده باشد، افسر مسئول را خواست و موضوع را از او پرسید. <sup>۴۵</sup> وقتی آن افسر مرگ عیسی را تأیید کرد، پیلاطوس اجازه داد یوسف جنازه را ببرد.

<sup>۴۶</sup> یوسف نیز مقداری پارچه کتان خرید و جنازه را از بالای صلیب پایین آورد و در آن پیچید و در مقبره سنگی خود گذاشت. یک سنگ نیز جلو در قبر که مثل غار بود، غلطاند.

<sup>۴۷</sup> مریم مجدلیه و مریم مادر یوشا نیز سر قبر بودند و دیدند جنازه را کجا گذاشتند.

۴۶:۱۵  
اش ۹:۵۳  
اعما ۲۹:۱۳

### عیسی زنده می شود

(۲۳۹ / متی ۱:۲۸-۷؛ لوقا ۱:۲۴-۱۲؛ یوحنا ۱:۲۰-۹)

عصر روز شنبه، در پایان روز استراحت، مریم مجدلیه، سالومه و **۱۶** مریم مادر یعقوب داروهای معطر خریدند تا مطابق رسم یهود، جسد مرده را با آن معطر سازند.

روز بعد که یکشنبه بود، صبح زود پیش از طلوع آفتاب، دارو را به سر قبر بردند. <sup>۳</sup> در بین راه تمام گفتگویشان درباره این بود که چگونه آن سنگ بزرگ را از جلو در قبر جابجا کنند.

۳:۱۶  
متی ۶۰:۲۷  
مر ۴۶:۱۵

ایستادگی کنند و نه در مقابل سربازان رومی. اما حداقل کاری را که می توانستند، انجام دادند. ایشان در پای صلیب ماندند، در حالیکه شاگردان فرار کرده بودند. ایشان بدنال جسد عیسی تا سر قبر رفتند و برای جسد او عطریات آماده کردند. ایشان از فرصتها و امکانات خود حداکثر استفاده را کردند، و به همین دلیل، نخستین شاهدان قیام عیسی بودند. خدا سرسپردگی و هشیاری آنان را اجر داد. ما ایمانداران نیز باید از امکانات و تواناییهای خود حداکثر استفاده را برای خدا بکنیم و هرچه از دستمان برمی آید برای او انجام دهیم و غصه این را نخوریم که چه کارهایی برای او نمی توانیم بکنیم.

**۱۶:۲۱** این زنان، داروهای معطر را عصر روز سبت یا شنبه، پس از پایان وقت شرعی، تهیه کردند، تا بتوانند روز بعد، صبح زود، به سر قبر بروند. زنها نمی خواستند جسد عیسی را با این عطریات خوشبو کنند، بلکه می خواستند آن را به نشانه محبت و پرستش و احترام تدهین نمایند. بردن عطریات به سر قبر، مانند گذاردن گل بر سر قبر در روزگار ماست.

**۴۴:۱۵** پیلاطوس تعجب کرد که عیسی اینقدر سریع مرده است. لذا از یک سپاهی خواست تا درستی گزارش را دقیقاً تحقیق کند. امروزه، عده ای برای انکار قیام عیسی، ادعا می کنند که عیسی واقعاً نمرده. اما مرگ او مورد تأیید سربازان، پیلاطوس، یوسف، رهبران مذهبی و زنانی که شاهد تدفین او بودند، قرار گرفت. عیسی واقعاً بر صلیب مرد.

**۴۶:۱۵** این قبر احتمالاً آتافک غار-مانندی بود که در دل یک تپه کنده شده بود و آنقدر جا داشت که بتوان در آن حرکت کرد. یوسف جسد عیسی را در کفن پیچید و آن را در قبر قرار داد و سنگ بزرگی را جلو دهانه آن غلطانید. رهبران مذهبی نیز شاهد تدفین عیسی بودند. آنان محافظینی در اطراف قبر گماردند و سنگ جلو در را مهر و موم کردند تا کسی جسد را نذرزد و ادعا نکند که عیسی زنده شده است (متی ۲۷:۶۲-۶۶).

**۴۷:۱۵** چه کاری از دست این زنان برمی آمد؟ آنها نه می توانستند در شورای عالی یهود حاضر شوند و از عیسی دفاع کنند و نه می توانستند از پیلاطوس دادخواهی نمایند. آنها نه قادر بودند در مقابل جمعیت

۴ وقتی بر سر قبر رسیدند، دیدند که سنگ بزرگ جابجا شده و در قبر باز است!  
 ۵ پس داخل قبر که مثل یک غار بود شدند و دیدند فرشته‌ای با لباس سفید در طرف راست قبر نشسته است. زنان لرزیدند.  
 ۶ ولی فرشته به ایشان گفت: «نترسید. مگر بدنبال عیسای ناصری نمی‌گردید

۵:۱۶  
 یو ۱۲:۱۱ و ۱۰:۱۰  
 اعما ۱:۱۰ و ۳۰:۱۰  
 ۶:۱۶  
 اعما ۲۳:۲-۳۲:۴؛ روم ۱:۳ و ۴  
 اقرن ۱۵:۴ و ۱۲-۲۰  
 مکا ۱۸:۱

آیات مربوطه	دلایل علیه این توجیهات	توجیه مخالفین در خصوص قبر خالی	دلایلی در مورد واقعیت مرگ و قیام عیسی
مرقس ۱۵:۴۴ و ۴۵	یک سرباز رومی طی گزارشی به پیلاتوس تأیید کرد که عیسی مرده است.	* عیسی فقط بیهوش شد و مدتی بعد به هوش آمد.	قیام عیسی نشان‌دهنده
یوحنا ۱۹:۳۲-۳۴	سربازان رومی پایهای عیسی را نشکستند زیرا او قبلاً مرده بود. اما یکی از ایشان پهلوی عیسی را با نیزه شکافت.		منحصربفرد بودن عیسی در طول تاریخ است و ثابت می‌کند که او پسر خداست. هیچکس دیگری قادر نبوده که زنده شدن خود را پیشگویی کند و آن را تحقق بخشد.
یوحنا ۱۹:۳۸-۴۰	یوسف رامه‌ای و نیکو دیموس جسد عیسی را در کفن پیچیدند و آن را در قبر گذاشتند.	* زنان اشتباهاً به سر قبر دیگری رفتند.	
متی ۲۷:۵۹-۶۱ مرقس ۱۵:۴۷ لوقا ۲۳:۵۵	مریم مجدلیه و مریم مادر یوشا دیدند که جسد عیسی را در کدام قبر گذاشتند.		
یوحنا ۲۰:۳-۹	روز یکشنبه صبح، پطرس و یوحنا نیز به سر همان قبر رفتند.		
متی ۲۷:۶۵ و ۶۶	قبر مهر و موم شده بود و محافظین خانه خدا احتمالاً سربازان رومی نیز در آنجا نگهبانی می‌دادند.	* افراد ناشناس جسد عیسی را دزدیدند. * شاگردان جسد عیسی را دزدیدند.	
اعمال ۱۲:۲	شاگردان حاضر بودند در راه ایمانشان جان فدا کنند. اگر آنها جسد عیسی را دزدیده بودند، ایمانشان بی‌معنی می‌شد و مردن در راه آن، بی‌معنی‌تر.		
متی ۲۷:۶۶	تازه قبر مهر و موم بود و تحت نگهبانی قرار داشت. اگر رهبران مذهبی جسد را دزدیده بودند، حتماً آن را نشان می‌دادند تا شایعه قیام عیسی را متوقف سازند.	* رهبران مذهبی جسد عیسی را دزدیدند تا از آن محافظت کنند.	

شاهدان عینی یک واقعه، هر یک بر جنبه‌ای خاص از آن واقعه تأکید می‌گذارند. احتمالاً مرقس فقط به آن فرشته‌ای اشاره می‌کند که سخن می‌گفت. تأکیدهای خاص هر انجیل ثابت می‌کند که مستقل از هم نوشته شده‌اند و هر چهار انجیل درست و معتبر هستند.

۶:۱۶ بنا به چند دلیل، قیام و زنده شدن مسیح بسیار مهم است: (۱) عیسی به وعده خود در مورد زنده شدنش وفا کرد، تا ما ایمان آوریم که او به سایر وعده‌های خود وفا خواهد نمود. (۲) قیام به ما این اطمینان را می‌دهد که

۴:۱۶ فرشتگان سنگ را به این منظور نعلتانیدند تا عیسی از قبر خارج شود، بلکه به این خاطر که دیگران بتوانند وارد شوند و با چشم خود ببینند که عیسی همانطور که گفته بود، حقیقتاً زنده شده است.

۵:۱۶ در انجیل مرقس آمده که فقط یک فرشته در قبر به زنان ظاهر شد، در حالیکه در انجیل لوقا به دو فرشته اشاره شده است. این دو روایت ضد و نقیض نیستند. در هر انجیل، در عین حال که وقایع یکسان هستند، اما بر جزئیات متفاوتی تأکید می‌شود، همانطور که امروزه هم

که روی صلیب کشته شد؟ او اینجا نیست. عیسی دوباره زنده شده است! نگاه کنید، این هم جایی که جسدش را گذاشته بودند! <sup>۷</sup> اکنون بروید و به شاگردان او و پطرس مژده دهید که او پیش از شما به جلیل می‌رود تا شما را در آنجا ببیند، درست همان‌طور که پیش از مرگ به شما گفته بود.»  
<sup>۸</sup> زنان پا بفرار گذاشتند و از ترس می‌لرزیدند بطوریکه نتوانستند با کسی صحبت کنند.

۷:۱۶  
متی ۳۲:۲۶  
مر ۲۸:۱۴  
یو ۱:۲۱

### عیسی به مریم مجدلیه ظاهر می‌شود

(۲۴۰ / یوحنا ۱۰:۱۰-۱۸)

<sup>۹</sup> عیسی روز یکشنبه صبح زود زنده شد. اولین کسی که او را دید مریم مجدلیه بود، که عیسی از وجود او هفت روح ناپاک بیرون کرده بود. <sup>۱۰</sup> او نیز رفت و به شاگردان عیسی که گریان و پریشان حال بودند، مژده داد که عیسی را زنده دیده است! اما ایشان سخن او را باور نکردند.

۹:۱۶  
متی ۱۰:۲۸  
لو ۱۱:۲۴  
یو ۱۸-۱۱:۲۰

### عیسی به دو ایماندار در راه ظاهر می‌شود

(۲۴۳ / لوقا ۱۳:۲۴-۳۵)

<sup>۱۲</sup> تا اینکه عصر همان روز، عیسی خود را به دو نفر از ایشان نشان داد. آنان از شهر اورشلیم بطرف دهی می‌رفتند. ابتدا او را نشناختند، چون ظاهر خود را عوض کرده بود. <sup>۱۳</sup> سرانجام وقتی او را شناختند، با عجله به اورشلیم بازگشتند و به دیگران خبر دادند. ولی باز هیچ‌کس حرفشان را باور نکرد.

۱۲:۱۶  
لو ۱۳:۲۴-۳۳  
قرن ۱۵:۳۵-۴۵

۱۳:۱۶  
لو ۳۵-۳۳:۲۴

(مرقس ۲۸:۱۴). در جلیل بود که عیسی اکثر شاگردان خود را فراخواند تا «صیادانهای مردم» گردند (متی ۱۹:۴). پس در همان جا نیز باید این مأموریت مورد تأکید مجدد قرار گیرد (یوحنا ۲۱). اما شاگردان، وحشت‌زده، پشت درهای بسته در اورشلیم باقی ماندند (یوحنا ۲۰:۱۹). عیسی نخست در اورشلیم به دیدار آنان رفت (لوقا ۲۴:۳۶)، و بعد در جلیل (یوحنا ۲۱). سپس به اورشلیم بازگشت و در آنجا، از فراز کوه زیتون، به آسمان صعود فرمود (اعمال ۱:۱۲).

**۱۳:۱۶** وقتی آن دو مرد، سرانجام درک کردند که عیسی کیست، بی‌درنگ به اورشلیم بازگشتند. کافی نیست که فقط درباره شخصیت و تعالیم عیسی چیزهایی بخوانیم. اگر ایمان دارید که او خداست، باید خود را به دستهای او بسپارید تا شما را نجات دهد و باید او را بعنوان خداوند زندگی خود بپذیرید. اینست تفاوت میان شناختن عیسی و داشتن اطلاعات درباره او. وقتی او را بشناسید، قادر خواهید شد کاری را که او برای شما کرده، با دیگران نیز در میان بگذارید.

فرمانروای ملکوت جاودانی خدا، مسیح زنده خواهد بود، نه یک ایده یا امید و یا خیال. (۳) مسیح با قیام خود، به ما اطمینان داد که ما نیز قیام خواهیم کرد و زنده خواهیم شد. (۴) قدرتی که خدا برای زنده کردن بدن عیسی بکار برد، امروز نیز در کار است تا طبیعت درونی ما را که از لحاظ معنوی و روحانی مرده است، زنده کند و آن را دگرگون سازد و رشد دهد (۱قرنتیان ۱۵:۱۲-۱۹). (۵) قیام، اساس و جوهر پیام کلیسا به جهان است. پیام ما فقط شامل درسهایی از زندگی یک آموزگار خوب نیست. ما واقعیت قیام مسیح را اعلام می‌کنیم.

**۷:۱۶** فرشته اشاره خاصی به پطرس کرد تا نشان دهد که علیرغم انکار پطرس، عیسی او را انکار نکرده است. عیسی مسؤلیت‌های سنگینی بردوش پطرس گذارده بود تا برای کلیسایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته بود، انجام دهد.

**۷:۱۶** فرشته به شاگردان گفت که برای دیدن عیسی به جلیل بروند، همان‌طور که عیسی نیز قبلاً گفته بود



## عیسی بر شاگردان منجمله بر تو ما ظاهر می شود

(۲۴۵ / یوحنا ۲۰:۲۴-۳۱)

<sup>۱۴</sup> در آخر عیسی به آن یازده شاگرد، وقتی که شام می خوردند ظاهر شد و ایشان را بخاطر بی ایمانی و سماجتشان سرزنش کرد، زیرا گفته های کسانی را که او را بعد از مرگ زنده دیده بودند، باور نکرده بودند.

۱۴:۱۶  
لو ۳۶:۲۴  
یو ۲۳-۱۹:۲۰  
اقرن ۵:۱۵

## عیسی مأموریت بزرگی به شاگردان می دهد

(۲۴۸ / متی ۱۶:۲۸-۲۰)

<sup>۱۵</sup> سپس به ایشان گفت: «حال باید به سراسر دنیا بروید و پیغام انجیل را به مردم برسانید. <sup>۱۶</sup> کسانی که ایمان بیاورند و غسل تعمید بگیرند، نجات می یابند، اما کسانی که ایمان نیاورند، داوری خواهند شد.

<sup>۱۷</sup> «کسانی که ایمان می آورند، با قدرت من، ارواح پلید را از مردم بیرون خواهند کرد و به زبان های تازه سخن خواهند گفت. <sup>۱۸</sup> مارها را بر خواهند داشت و در امان خواهند بود، و اگر زهر کشنده ای بخورند صدمه ای نخواهند دید، دست بر بیماران خواهند گذاشت و ایشان را شفا خواهند داد.»

۱۵:۱۶  
کول ۲۳:۱  
۱۶:۱۶  
اعما ۳۸:۲ و ۳۱:۱۶  
روم ۹:۱۰  
۱ پطرس ۲۱:۳  
۱۷:۱۶  
اعما ۴:۲ و ۶:۱۹  
۱۸:۱۶  
اعما ۵:۲۸

## عیسی به آسمان صعود می کند

(۲۵۰ / لوقا ۵۰:۲۴-۵۳)

<sup>۱۹</sup> چون عیسی خداوند سخنان خود را به پایان رساند، به آسمان صعود کرد و به دست راست خدا نشست.

۱۹:۱۶  
لو ۵۱ و ۵۰:۲۴  
روم ۳۴:۸  
عبر ۳:۱  
مکا ۲۱:۳

مصلوب شده بود، داد، پی می بریم که نجات بدون تعمید امکان پذیر است (لوقا ۲۳:۴۳). تعمید بدون ایمان هیچکس را به ملکوت خدا نمی رساند. آنانی که ایمان نیاورند، محکوم به هلاکت خواهند بود، خواه تعمید گرفته باشند خواه نگرفته باشند.

**۱۸:۱۶** گاهی اوقات، خدا معجزه آسا پیروان خود را مورد حمایت قرار می دهد. در بعضی موقعیتها او به ایشان قدرت مخصوصی عطا می کند. بعنوان مثال، پولس به ماری دست زد بدون آنکه صدمه ای ببیند (اعمال ۵:۲۸). و یا شاگردان بیماران را شفا می دادند (متی ۱۰:۱ و اعمال ۷:۳ و ۸). اما این به آن معنا نیست که ما خود را در موقعیت های خطرناک قرار دهیم تا ببینیم خدا برایمان چه می کند.

**۱۹:۱۶** وقتی عیسی به آسمان صعود کرد، دیگر جسماً با شاگردان خود نبود (اعمال ۹:۱). نشستن عیسی بر دست راست خدا، به این معناست که رسالت او کامل شده و او اکنون قدرت الهی خود را بدست گرفته، بعنوان پادشاه تاجگذاری کرده است.

**۱۵:۱۶** عیسی به شاگردانش فرمود تا به «سراسر دنیا» بروند و به همه بگویند که او تاوان گناهان را پرداخته و هر که به او ایمان آورد، می تواند بخشایش گناهان را یافته، تا ابد با خدا زندگی کند. امروزه، شاگردان مسیح در تمام نقاط جهان زندگی می کنند و این پیغام را به کسانی که نشنیده اند، می رسانند. نیروی محرکه برای همه مبشرین در سراسر دنیا و برای آنانی که کلیسای مسیح را بنا می کنند، ایمانی است که از قیام مسیح سرچشمه می گیرد. آیا تابحال احساس کرده اید که مهارت یا استواری لازم برای خدمت به مسیح را ندارید؟ شما باید شخصاً این واقعیت را درک کنید که عیسی قیام کرده و امروز برای شما زنده است. وقتی رابطه تان با او عمیق تر شد، فرصت و نیروی درونی لازم برای اعلان پیغام او را از او خواهید یافت.

**۱۶:۱۶** آب تعمید انسان را نجات نمی دهد، بلکه این فیض خدا توسط ایمان به مسیح است که باعث نجات و رستگاری می گردد. تعمید نشانه بیرونی است از ایمانی درونی. از جوابی که عیسی به آن دزد که همراه او

۲۰ شاگردان به همه جا رفته، پیغام انجیل را به همه رساندند. خداوند نیز با ایشان کار می‌کرد و با معجزاتی که عطا می‌نمود، پیغام ایشان را ثابت می‌کرد.

بست. او کودکان را در آغوش گرفت، بیماران را شفا داد، پاهای شاگردان را شست، و در راه گناهان جهان جان سپرد. پیروی از عیسی یعنی دریافت همین قدرت برای خدمت. ما ایمانداران خوانده شده‌ایم تا خدمتگزاران مسیح باشیم همانطور که مسیح خدمت کرد، ما نیز باید خدمت کنیم.

۲۰:۱۶ انجیل مرقس، هم بر قدرت مسیح تأکید می‌کند و هم بر خدمت‌گزاری او. زندگی و تعالیم عیسی دنیا را دگرگون کرد. در نظر دنیا، قدرت یعنی کنترل و به خدمت در آوردن دیگران. اما عیسی، گرچه تمام قدرت را در آسمان و زمین در دست داشت، کمر به خدمت دیگران